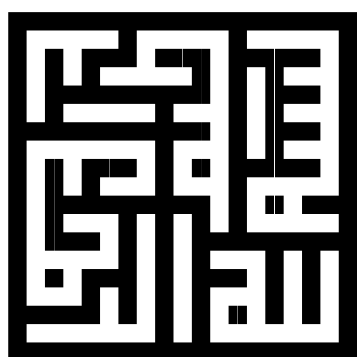






فصلنامه آرشیو ملی

سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶
شماره پیاپی ۱۰
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۲۴۲۳-۶۲۱۷
شمارگان: ۱۵۰ نسخه چاپی و انتشار وبی؛ بها: ۴۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول و سردبیر: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

هیئت تحریریه (به ترتیب نام خانوادگی)

صدیقه احمدی فصیح (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر امیررضا اصنافی (استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)؛ دکتر ابوالفضل حسن آبادی (رئیس مرکز اسناد؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)؛ دکتر فریبرز خسروی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر سعید رضائی شریف آبادی (استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء)؛ بهناز زرین کلکی (مشاور معاون اسناد ملی)؛ دکتر سید محمود سادات (استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی^(ع) و انقلاب اسلامی)، حوریه سعیدی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ محبوب شهبازی (رئیس مرکز اسناد ایثارگران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی)؛ غلامرضا عزیزی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر محمد قهری (استادیار بازنشسته دانشکده علوم پایه، دانشگاه امام حسین^(ع))؛ دکتر نورالله مرادی (مدیرکل بازنشسته آرشیوهای صدا و سیما)؛ دکتر محمدجواد مرادی نیا (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)؛ دکتر الهام ملک‌زاده (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر شهرام یوسفی‌فر (استاد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی).

دبیر اجرایی: ندا رسولی

ویراستار و مترجم: زهرا ضرغامی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

طرح لوگو: یوسف امیری

طراح گرافیک: شهره خوری

ناظر چاپ: پرویز بختیاری

چاپ و صحافی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

علی رمضان زاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان آرشیو ملی ایران، پژوهشکده اسناد.

تلفن: ۲۶۴۰۲۹۴۵ | دورنگار: ۲۶۴۰۲۹۷۷

پیام نگار: 1395naq@gmail.com

مسئولیت مطالب مطرح‌شده در مقاله به‌عهده نویسنده یا نویسندگان است.

- فصلنامه در قبول، رد یا ویرایش مقاله‌ها آزاد است.

- استفاده از مقاله‌های منتشرشده در این مجله بدون ذکر منبع در سایر مجله‌ها و کتاب‌ها ممنوع است.

- کلیه مقالات توسط داوران ذی‌صلاح ارزشیابی می‌شوند و نشریه در پذیرش، رد، حذف و یا کوتاه‌کردن مقالات برای چاپ آزاد است.

- مجله از انتشار گزارش، یادداشت و مانند این‌ها استقبال می‌کند.

- چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی ارسالی نیز در صفحه اول درج گردد.

- مقالات ارسال‌شده نباید قبلاً در نشریه دیگری چاپ یا به‌طور هم‌زمان به مجلات دیگری ارسال‌شده باشند.

- چنانچه مقاله‌ای خارج از این ضوابط باشد، قبل از ارائه به گروه داوران، از فهرست موارد بررسی حذف خواهد شد.

- نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد



آرشیو ملی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۰

۵ * سخن نخست؛ دکتر سید محمود سادات

مقالات آرشیوی

* گذری بر آرشیو و نظری بر کتابخانه در سایه تحولات زمانه: چالش روزآمدسازی فعالیت‌های کتابخانه و آرشیو؛

۸ رضا مهاجر

* الگوی راهبرد مدیریت دانش در سازمان اسناد ملی (آرشیو ملی) بر اساس مطالعات هانسن؛ آزیتا مالمیر

۳۲ * ارزشیابی کلان: از تئوری تا عمل؛ برایان پی.ان. بیون، ترجمه: غلامرضا عزیزی و زهرا ضرغامی

* بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران با توجه به ساختار اداری، صلاحیت‌ها و قواعد حقوقی

۸۰ حاکم‌پر فعالیت‌ها (۱)؛ شیرین میزان‌دار و دکتر اسدالله یآوری

* تدوین «اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق/ دفاع مقدس»؛ ضرورتی برای سازماندهی مدارک و ارتقاء مطالعات

۹۴ جنگ؛ دکتر محبوبه شمشیرگرها

مقالات تاریخی-اسنادی

۱۰۶ * دخل و خرج و اقدامات انجمن بلدی انزلی بر اساس اسناد آرشیوی؛ دکتر قربانعلی کنارودی

۱۲۶ * بررسی خدمات ژنرال پروسکی در محاصره هرات؛ احسان مهدی‌زاده و اکبر شریف‌زاده

۱۳۶ * کتابچه محاسن و معایب دیوان استیفاء: تلاش حکومت قاجار برای اصلاح مالیه در دوره ناصری؛ امین محمدی

* سرپل ذهاب، هدیه جاده عتبات، جغرافیای تاریخی شهر سرپل ذهاب در دوره قاجار؛ دکتر صباح قنبری و

۱۷۴ صباح خسروی‌زاده

مقالات حفظ و نگهداری

* بررسی تأثیر آهارهای نشاسته گندم و نشاسته برنج بر زردشدگی اوراق نسخ خطی تاریخی؛ دکتر مهرناز

۱۹۲ آزادی بویاغچی، مصطفی خواجهمحمودی و عباس عابد اصفهانی

۲۰۲ * دستورالعمل‌های نگهداری آرشیوی؛ اداره خدمات عمومی آرشیو نیویورک، ترجمه: فرشته ابراهیمی

۲۱۶ * حفاظت و نگهداری اصولی از کتابخانه و مجموعه‌های آرشیوی؛ آلیسون واکر، ترجمه: فریماه باقری

معرفی آرشیو

۲۲۵ * معرفی آرشیو دایرة ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل؛ ترجمه: نسرين نگاهبان

معرفی نشریه آرشیوی

۲۳۹ * معرفی نشریه انجمن آرشیو و اسناد انگلیس و ایرلند؛ میترا تابش

معرفی کتاب

۲۴۳ * «بانو ضیاءالسلطنه: خوشنویس قاجاری تبار»؛ حوریه سعیدی

۲۴۷ * «ذخیره‌سازی سوابق بر مبنای استاندارد رهنمودهای آرشیو ملی استرالیا»؛ سوده مرتجائی

گزارش نمایشگاه‌های آرشیوی

* گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزارشده اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) تابستان ۱۳۹۶؛

۲۵۱ فریبا امیری و حمیده بختیاری

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای مطالعات آرشیوی و حفظ و نگهداری اسناد و تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه پذیرفته می‌شود.
۲. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله بر عهده نویسنده است.
۳. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۲ Bnazanin تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده تمام نمای فارسی مقاله، حداکثر در ۳۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۷ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه معرفی شده در شماره نخست فصلنامه آرشیو ملی است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.

کوتاه‌نوشت‌ها

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākmā): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- کِمَام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اِستادوخ (estādukh): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- مَتمّا (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ساکماقی (sākmāq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.



سخن نخست

دکتر سید محمود سادات^۱

مرد خردمند هنرپیشه را
تا به یکی تجربه آموختن
عمر دو بایست درین روزگار
با دگری تجربه بردن به کار

در یک سال گذشته، تعدادی از همکاران گرامی و زحمت کش سازمان بازنشسته شده‌اند و جمعی دیگر نیز سال‌های پایانی خدمت خود را می‌گذرانند. اینکه قدر زحمات آنان باید شناخته شود و سازمان موظف است بر این کار، حرف درستی است و باید انجام شود و گاهی از آن غفلت شده و همکاران با دلخوری سازمان را ترک کرده‌اند.

خاک کویت زحمت ما برنتابد بیش از این لطف‌ها کردی بتا، تخفیف زحمت می‌دهم

آنچه که در این نوشته، به عنوان دغدغه می‌خواهم به اشتراک بگذارم مستندسازی تجربه همکاران و تشویق آنان به تجربه‌نگاری است؛ تا هر آنچه در دوران خدمت خود آموخته‌اند را برای همکاران جوان خود به جا گذارند و همه از این خرمن تجربه، خوشه‌ای بگیریم و به کار بندیم.

تجربه می‌بایدت اول، نه کار صاعقه در موسم خرمن، بلاست

این پیشنهاد از دو طریق قابل انجام است:

- ۱- گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری-شنیداری که متولی انجام کار تاریخ شفاهی است در برنامه سالانه خود، مصاحبه با این همکاران را بگنجانند. تجربیات همکاران را ثبت و ضبط کند
۱. استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی؛
m.sadat@yahoo.com



و بعد از پیاده‌سازی در اختیار فصلنامه آرشیو ملی قرار دهد و در وبگاه داخلی سازمان نیز منتشر کند.

۲- خود همکاران عزیز قلم به‌دست بگیرند و این تجربیات را بنویسند و برای چاپ به دفتر فصلنامه بفرستند. سردبیر محترم نیز، جایی ثابت و درخور در فصلنامه برای این کار در نظر بگیرد تا هم از همکاران عزیز، نوشته‌ای و یا حتی خاطره‌ای به یادگار بماند و هم جوان‌ترها از این نوشته‌ها استفاده کنند تا دائماً در معرض آزمون و خطا نباشیم و بدانیم که پیشینیان نیز این راه را قبلاً پیموده‌اند و از دانش سازمانی آن‌ها استفاده کنیم و سازمان را به‌پیش ببریم. این کار برای سازمان اسناد و کتابخانه ملی که دائماً شاهد آموشد تیم‌های مدیریتی گوناگون است لازم به‌نظر می‌رسد.

شاه بود ناگزیر، در همه حال از وزیر تجربه باید ز پیر، هست چو دولت جوان



گذری بر آرشیو و نظری بر کتابخانه در سایه تحولات زمانه: چالش روزآمدسازی فعالیت‌های کتابخانه و آرشیو

رضا مهاجر

■ چکیده

در جهان پر تغییر کنونی، لاجرم باید سازوکاری در اختیار داشت تا هم‌زمان با این تحولات، افراد و سازمان‌ها و مؤسسه‌ای که به مردم خدمت می‌رسانند نیز دچار تغییر شوند. اما لازمه این کار، آگاهی از توان فرد، مؤسسه و سازمان است. دومین عامل، حدود اختیار است؛ اینکه تا چه میزان و در چه محلی می‌توانید از حدود اختیارات خود استفاده کنید. سوم چه ابزارهایی برای روزآمدسازی فعالیت‌های خود در اختیار دارید و در نهایت اینکه چه برنامه یا راهبردی برای به‌روز کردن وظایف و فعالیت‌ها نیاز است. بر این اساس، سازمان چاره‌ای جز رصد مستمر تحولات و توجه به نیازهای مشتریان خود ندارد. چیزی که در تجارت به آن «مستری‌مداری» می‌گویند. بنابراین باید بر اساس پایش نیازهای کاربران اسناد و کتاب دریافت که چه تغییراتی در بطن و ساختار سازمان لازم است و وظیفه امروز تشکیلات چیست؟ اگر چنین پایشی انجام نگیرد نتیجه‌ای جز روزمرگی در پی ندارد.

کلیدواژه‌ها

کتابخانه، آرشیو، روزآمدسازی فعالیت‌ها، چالش‌ها.



گذری بر آرشیو و نظری بر کتابخانه در سایه تحولات زمانه: چالش روزآمدسازی فعالیت‌های کتابخانه و آرشیو

رضا مهاجر^۱

کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی غالباً مشتمل بر مجموعه‌های کتاب و منابع خواندنی اعم از چاپی و غیرچاپی‌اند که با حضور مستقیم یا به‌صورت خدمات اینترنتی منابع خود را در اختیار کاربر قرار می‌دهند. آرشیو نیز حائز چنین تعریفی است با این تفاوت که منابع آرشیو و نحوه دسترسی به این منابع با کتابخانه تفاوت‌هایی دارد.

آرشیوها غالباً منابع دست اولی ارائه می‌کنند که لزوماً در قالب کتاب جای نمی‌گیرند و به اصطلاح قالب‌های مختلفی از قبیل نسخ خطی، نامه‌ها، عکس‌ها، تصاویر متحرک، منابع صوتی، آثار هنری، کتاب‌ها، خاطرات و مصنوعات را شامل می‌شوند که در نوع خود منحصربه‌فردند و در منابع دیگر، به‌ندرت یافت می‌شوند. با ذکر مثالی این مسئله روشن می‌شود: از کتاب «الف» نسخه‌های مختلفی در کتابخانه‌های یک کشور یا جهان یافت می‌شود؛ اما وقتی دستخط شخصیت یگانه‌ای نظیر دکتر محمد مصدق پیرامون ملی‌شدن صنعت نفت در قالب لایحه پیشنهادی به مجلس سنای آن زمان مطرح شود، پای نسخه دومی در بین نیست. در نتیجه این نامه فاقد هم‌تاست و آنچه بیش از این مطرح است اینکه در سندیت آن و امکان استناد به اطلاعات آن تردیدی نیست. نقشه‌هایی که آندره گودار برای آغاز سازه «موزه ایران باستان» فراهم کرده، بی‌نظیر است. بنابراین نکته حائز اهمیت در بحث اسناد، یگانگی و عدم امکان جایگزینی آن‌هاست. مستندبودن منابع آرشیو، خود به جذابیت بیش از اندازه آن کمک خواهد کرد، چون لازم نیست نظر فلان سیاستمدار را در مورد رویداد «ب» جویا شوید که

۱. کارشناس ادبیات انگلیسی، مترجم
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
rmohajer2000@yahoo.com



آمیزه‌ای از ذهنیت سیاستمدار مذکور را یدک می‌کشد، بلکه مستندات حادثه را می‌بینید که به قضاوت در مورد رویداد «ب» بدون مداخله ذهنی سایرین و فارغ از تمایلات شخصی و منافع گروهی روایت‌کننده به‌دست پژوهشگر می‌رسد. همین ویژگی‌هاست که باعث می‌شود نگهداری از منابع آرشیو تا این اندازه مهم و حیاتی تلقی شود. به عبارت ساده‌تر، از خلال همین منابع دست اول، تجربیات از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بنابراین طبیعی است که چنین منبع موثقی در کنار دغدغه فراوان برای نگهداری و انتقال هویت ملی از یک نسل به نسل دیگر، دشمنانی نیز داشته باشد. فارغ از دشمنان طبیعی اعم از رویدادهای زیست‌محیطی نظیر سیل و زلزله که موجودیت منابع آرشیوی را تهدید می‌کنند، عداوت با هویت ملی و تمایل به قلب حقیقت نیز منجر به تلاش‌هایی برای از بین بردن آثار ملی یک کشور می‌شود. سرقت و کارشکنی برای نابودی منابع ملی غالباً بخشی از این تلاش‌های مصنوع بشری است. افشای برخی حقایق اجتماعی-سیاسی قطعاً به زیان بسیاری است مثلاً اگر نقش فلان سیاستمدار در نقل جهت‌دار یک واقعه از خلال انتشار اسناد مستند آن رویداد زیر سؤال برود، سیاستمدار مزبور گزینه مرجع خویش را چیزی جز نابودی مستندات این حادثه تشخیص نخواهد داد. بنابراین حتی در کشف حقایق نیز می‌توان روی اسناد حساب کرد؛ زیرا کتاب‌ها از هاضمه روایت‌گرانی گذشته که احياناً در نقل جانبدارانه خویش از یک واقعه، سود شخصی یا گروهی می‌برند. بنابراین به ناچار باید به این نکته حکم کرد که مطالعه کتاب شرط لازم برای روشن‌بینی هست اما شرط کافی نیست.

آرشیوها دارای مأموریت‌های متعدّدند؛ امروز مجموعه‌داران شخصی برای خود تجهیزات عظیمی تدارک دیده‌اند، مثلاً برخی خانواده‌ها به گردآوری آثار و اسناد فعالیت‌های اعضای خود همت می‌گمارند و شماری از آن‌ها برای استفاده عمومی نیز خدماتی قائل هستند. برخی دیگر در قالب سازمان منسجمی فعالیت می‌کنند و آثار خود را با رعایت محدودیت‌های معینی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. مثلاً مؤسسه عکس مگنوم در بریتانیا مشتمل بر ده‌ها عکاس است که تحولات مختلف جهان را در قالب عکس پوشش می‌دهند و رویدادی در عالم نیست که از دید دوربین‌های این مؤسسه دور مانده باشد. اگر آرشیو مؤسسات تجاری، فرهنگی، سیاسی و غیره را به جمع آرشیوها بیافزاییم، مخازن آرشیوی با تنوع و اقسام مختلف مطرح می‌شوند. همه این آرشیوها در مجموع تجربیات ملی و جهانی یک کشور را ترسیم می‌کنند. از این رو، باید مؤسسه‌ای ملی تمامی این مستندات را با توجه به منافع ملی در یک محل گرد آورد. به عبارتی، تک‌تک تحولات یک کشور باید انعکاس ویژه‌ای در آرشیو ملی آن کشور داشته باشد. چون نگاه آیندگان به این طیف وسیع از مستندات، شمایی از یک دوره خاص به آیندگان منتقل می‌کند. در همین جاست که نقش کارکنان آرشیو ملی برجسته می‌شود. این حجم عظیم



از داده‌ها همگی قابل انتقال به قلمرو آرشیو ملی نیستند. اگرچه بسیاری از کارشناسان فناوری اطلاعات، نگرانی همه این آیت‌های داده‌ای را بدون مانع می‌دانند، اما فقط پنج درصد از کل این داده‌ها به گونه‌ای فیلتر (ارزشیابی) می‌شود تا روح زمان خویش را به آیندگان منتقل کند. در کتابخانه، طیف وسیعی از موضوع‌ها گرد می‌آیند و براساس طرح طبقه‌بندی کنگره و دیویی منظم شده و آماده خدمت‌دهی به مراجعان می‌شود. از این‌رو، ارزشیابی خاصی روی کتاب‌های ورودی اعمال نمی‌شود چون نیازسنجی لازم قبل از سفارش کتاب‌ها به عمل آمده است. اما در مورد سند وضع به گونه دیگری است. موضوع‌هایی سیال در فضایی مبهم و ناشناخته! اگر فرایند ارزشیابی بی‌دقت، غیرتخصصی و با مسامحه صورت گیرد، ممکن است به سادگی بخشی از هویت ملی خانواده، منطقه، شهر، استان و کشور، به خطر بیافتد.

با توجه به تحولات فناوری‌های که در دهه‌های اخیر در جهان روی داده، حفظ سرعت حرکت آرشیوهای ملی با این تحولات کار بسیار دشواری است آن‌هم نه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بلکه برای مؤسساتی که در آغوش این تحولات شکل گرفته یا ادامه حیات داده‌اند. حرکت شتاب‌زده آرشیوهای دانشگاهی، ملی و مؤسساتی که بانی تحرک آرشیو هستند، برای سازگارشدن با این شرایط به‌وضوح قابل مشاهده است. زمانی شورای جهانی آرشیو در اجلاس‌های سالیانه خود صرفاً به چالش‌های فنی و تخصصی خویش می‌پرداخت و حتی علاقه‌مندان غیرعضو را نیز به تشریک مساعی فرا نمی‌خواند. اما امروزه حیات این گونه مؤسسات (نظیر ایکا و ایفلا) به تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و غیره پیوند خورده است. بنابراین، شاهدیم که «ایکا» و «ایفلا» اینک در خود را به‌روی محققان و افراد علاقه‌مند گشوده‌اند تا از ظرفیت‌های بیشتری برای هم‌سویی با تحولات علمی و فنی مدرن استفاده کنند.

تحولات سریع علمی به سایر زمینه‌ها نیز سرایت کرده است. زمانی برای شکل‌گیری تحولات عظیمی نظیر «بهار عربی» چندین دهه زمان و برنامه‌ریزی لازم بود. اما امروزه به مدد شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های گروهی، این‌گونه تحولات با سرعت نور پیش می‌روند. حتی می‌توان با جسارت گفت، جهان بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ با آنچه در حداث‌های جنگ جهانی دوم تا این نقطه عطف شاهد بودیم، تفاوت‌های عظیمی با یکدیگر دارند.

در پراگ، نگراننده اعتراف می‌کند که بخش اعظم تحولات جهانی و سنتز آن متوجه کشورهای به اصطلاح جهان نخست است زیرا به باور بسیاری، جهان سوم درگیر نیازهای اولیه و فیزیولوژیک خویش هستند. اما نباید فراموش کرد امروزه کشورهای پیشرفته و متمدن جهان نیز به شدت با مشکلات و چالش‌های ابتدایی حیات اعم از بحران‌های اقتصادی و معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما اینکه جهان سومی‌ها در عرصه مدیریت اطلاعات و ساماندهی



به آرشیوها و کتابخانه‌های خویش، فقط تماشاگر تحولات جهانی باشند به هیچ روی پذیرفته نیست؛ نه از دید هدایت‌کنندگان این تحولات در جهانِ نخست و نه از دید جهانِ سوم‌هایی که فقط شاهد تغییرات هستند!

در جریان حمله نازی‌ها به استالینگرادِ آن زمان در روسیه شوروی، مردم این شهر در سرمای گزنده زمستان، تابوت اموات خویش را در خیابان‌ها جابه‌جا می‌کردند و گرسنگی امان از آنان گرفته بود. اما در همین زمان، کتابخانه‌ها مملو از محققانی بود که با عینک‌های شکسته و لباس‌های مندرس مطالعه می‌کردند؛ کنایه از اینکه پژوهش در تنگنا نیز تعطیل‌بردار نیست. رسالت آرشیو و کتابخانه ملی، کارکنان و کاربران آن چیزی ورای کمبودهاست. تدوین راهبرد بلندمدت برای حرکت همگام با تحولات، رفع نیازهای مراجعان بر اساس نیازهای ملی - جهانی و بازنگری در سیاست‌ها و رویه‌های انجام کار، فقط بخشی از این تحرک راهبردی به‌شمار می‌رود. به‌کارگیری تمامی پتانسیل موجود برای ترسیم چنین راهبرد بلندمدتی و هموار کردن راه اجرای آن، فارغ از هرگونه تمایل شخصی، گروهی، حزبی و مانند آن، عرصه را بر همهٔ اندیشمندان و استراتژیست‌ها برای حرکت اندام‌وار آرشیو و کتابخانه ملی به‌مثابه یک سازمان بی‌بدیل ملی خواهد گشود و مقدمهٔ حرکت همگام با تحولات جهانی را در این مؤسسه فراهم خواهد ساخت. بنابراین، حفظ وضع موجود راه چاره نیست و آیندگان را با علامت سؤال بزرگی نسبت به عملکرد نسل امروز مواجه خواهد ساخت.





الگوی راهبرد مدیریت دانش در سازمان اسناد ملی (آرشیو ملی) بر اساس مطالعات هانسن

آزیتا مالیر

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین ضرورت‌ها، کارکردها و الگوهای مربوط به مفهوم راهبرد مدیریت دانش بر اساس مطالعات هانسن و ارائه الگوی راهبرد مدیریت دانش در سازمان اسناد ملی (آرشیو ملی) بر اساس این مطالعات انجام شده است. این مقاله از نوع مروری-تحلیلی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی منابع نظری تهیه شده است. در این مقاله پس از بیان مسئله و اهمیت آن، الگوهای راهبرد مدیریت دانش با استفاده از منابع دست‌اول بررسی شده است. سپس سعی شده بنا به ویژگی‌های سازمان، الگوی مناسب راهبرد مدیریت دانش برای آرشیو ملی انتخاب شود. در پایان روش‌های پیشنهادی برای استخراج دانش سازمانی و عینیت‌بخشی به آن در آرشیو ملی ایران ارائه شود. سازمان اسناد ملی جزو سازمان‌هایی است که با مسائل مشابهی در طول زمان و به‌صورت مکرر سروکار دارند و محصولات و خدمات سازمان به‌صورت استاندارد و مرسوم و طبیعی ارائه‌شده و کارکنان سازمان برای حل مسائل، بیشتر از دانش صریح استفاده می‌کنند. بنابراین سازمان اسناد ملی باید از الگوی راهبرد تدوین دانش در پیاده‌سازی مدیریت دانش خود استفاده کند. راهبرد کدگذاری بر روند مدیریت، کاربرد و ذخیره نظام‌مند سرمایه‌های دانشی سازمان متمرکز می‌شود. پاسخ سریع به مراجعه‌کنندگان و پژوهشگران، کاهش هزینه تبادل دانش و رمزگذاری توانمندی‌های سازمان با استفاده از فناوری اطلاعات و با هدف کاهش پیچیدگی، دسترسی و کاربری مجدد دانش از محورهای کلیدی این راهبرد برای سازمان به‌شمار می‌آیند. سازمان اسناد ملی که چنین راهبردی را اتخاذ می‌کند، اطلاعات مفیدی را در پایگاه داده‌ها در مقیاس وسیع مستند خواهد کرد. دانش ذخیره‌شده، استاندارد می‌شود و به‌آسانی برای کارکنان موردنظر قابل‌دسترس و استفاده خواهد بود. دانش عملی و کاربردی به‌طور عمده در پایگاه داده‌ها ذخیره شده و از طریق تعامل کارکنان و زیرساخت فناوری اطلاعات انتقال می‌یابد و همه افراد به آن دانش دسترسی دارند.

کلیدواژه‌ها

مدیریت دانش، راهبرد مدیریت دانش، اکتساب دانش، آرشیو ملی.



الگوی راهبرد مدیریت دانش در سازمان اسناد ملی (آرشیو ملی) بر اساس مطالعات هانسن

آریتا مالمیر^۱

مقدمه

از دهه ۱۹۷۰ میلادی با پیشرفت فناوری‌های برتر در جهان، به‌ویژه در زمینه‌های ارتباطات و رایانه، الگوی رشد اقتصادی جهان به‌طور اساسی تغییر کرد و به‌دنبال آن، از دهه ۱۹۹۰ میلادی دانش به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه جایگزین سرمایه‌های پولی و فیزیکی شد (Chen, Zhu & Xie, 2004).

سازمان‌هایی که در عرصه کسب‌وکار صرفاً بر اساس مزیت‌های مشهود سازمانی مثل پول، ماشین‌آلات و تجهیزات و غیره عمل می‌کنند، نمی‌توانند به مزیت رقابتی در اقتصاد مبتنی بر دانش دست یابند. حال آنکه محیط کسب‌وکار مبتنی بر دانش، نیازمند روش و نظامی است که دارایی‌های ناملموس سازمانی از قبیل دانش و شایستگی‌های افراد، نوآوری، ارتباط با مشتری، فرهنگ سازمانی، سامانه‌ها و فرایندهای ساختار سازمانی و غیره را دربرگیرد. درک و بهره‌برداری از این منابع ناملموس کلیدی، در سازمان‌ها به حفظ و کسب مزیت رقابتی آن‌ها کمک می‌کند. در اقتصاد مبتنی بر دانش، موفق‌ترین سازمان‌ها از دارایی‌هایی ناملموس به نحو بهتر و سریع‌تری استفاده می‌کنند. مطالعات نشان داده است که برخلاف کاهش بازدهی منابع سنتی (مثل پول، زمین، ماشین‌آلات و غیره)، دارایی‌های ناملموس سازمانی، منبعی برای افزایش عملکرد کسب‌وکار است. نکته مهم اینکه بازار به مدت طولانی ارزش دانش و عوامل نامشهود دیگر را در فرایند ایجاد ارزش تشخیص داده است. اندازه این «ارزش‌های پنهان» به‌طور روزافزون در حال تغییر است (رضائیان، احمدوند و تولایی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

۱. کارشناسی‌ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کارشناس بررسی اسناد و مدارک اداره کل ارزشیابی اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ az.malmir@gmail.com

سازمان‌ها برای انجام مأموریت و رسیدن به اهداف متعالی خود دارای منابع و دارایی‌های متعددی هستند. برخی از این منابع و دارایی‌ها بسیار ارزشمند و راهبردی هستند. دانش فقط منبعی در سازمان است که در اثر استفاده، نه تنها از ارزش آن کاسته نشده، بلکه بر ارزش آن نیز افزوده می‌شود (Glaser, 1998). این دانش در رویه‌ها، دستورالعمل‌ها، دیدگاه‌ها، اقدامات و تصمیمات سازمانی مستقر و مستتر است و زمانی اهمیت بیشتر می‌یابد که به محصولات و خدمات ارزشمندی تبدیل شود.

از دیدگاه راهبردی، سرمایه و دارایی‌های ناملموس سازمانی از قبیل دانش و شایستگی‌های افراد، نوآوری، رابطه با مشتری، سامانه‌ها و فرایندها، فرهنگ سازمانی و ساختار سازمانی می‌توانند در خلق و به‌کارگیری دانش برای افزایش ارزش در سازمان مورد استفاده واقع شوند و موفقیت یک سازمان به توانایی آن در مدیریت این منبع راهبردی بستگی دارد (قلیچ‌لی، ۱۳۸۸). از همین رو، موفقیت پایدار سازمان‌ها تا حد کمی مبتنی بر تخصیص راهبردی منابع فیزیکی و مالی و تا حد زیادی مبتنی بر مدیریت راهبردی دانش خواهد بود.

دانش، نخستین منبع راهبردی برای سازمان‌ها در قرن ۲۱ است. پژوهشگران و متخصصان تلاش می‌کنند دریابند، چگونه منابع دانش به صورت مؤثری گردآوری و مدیریت شود تا بتوان به عنوان مزیتی رقابتی از آن استفاده کرد. بنابراین قبل از اقدام به مبادرت بر اجرای طرح‌های مدیریت دانش، سازمان‌ها نیازمند ارزیابی سامانه‌های سازمانی و منابع موجود خود هستند تا مهم‌ترین و بهترین راهبرد مدیریت دانش را برای خود شناسایی کنند. استفاده از مدیریت دانش در سازمان‌ها سبب کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت، بهره‌وری و سودمندی سازمان می‌شود.

در سال ۱۳۴۹ به منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمانی واحد و فراهم‌آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و امحای اوراق زاید، «سازمان اسناد ملی ایران» وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تأسیس شد. اساسنامه سازمان اسناد ملی ایران به تصویب ملی رسید. سازمان اسناد که در واقع آرشیو ملی ایران بود، در سال ۱۳۸۱ با کتابخانه ملی ایران ادغام و عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» بر آن‌ها نهاده شد.

سازمان اسناد ملی ایران به عنوان مؤسسه‌ای آموزشی، پژوهشی، علمی و خدماتی، برای پیشبرد اهداف خویش و کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت، بهره‌وری و سودمندی سازمان ملزم به پیاده‌سازی راهبرد مدیریت دانش در سازمان است و در ابتدا باید بنا به ابعاد مختلف سازمان، راهبرد مناسب مدیریت دانش در سازمان انتخاب شود. در این مقاله برآنیم که بنا به ویژگی‌ها و ابعاد سازمان به ارائه پیشنهاد الگوی راهبرد مدیریت دانش بپردازیم.

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین ضرورت‌ها، کارکردها و الگوهای مربوط به مفهوم راهبرد مدیریت دانش و بیان تفاوت‌های آن‌ها در سازمان‌ها انجام شده است. در آن الگوهای راهبرد مدیریت دانش با استفاده از منابع دست‌اول بررسی شده است. سپس سعی شده بنا به ویژگی‌های سازمان اسناد ملی، الگوی مناسب راهبرد مدیریت دانش انتخاب شود. در پایان، روش‌های پیشنهادی برای استخراج دانش سازمانی و عینیت‌بخشی به آن در آرشیو ملی ایران ارائه شود.

پیشینه پژوهش

قنبری (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان «نقش شخصی‌سازی مدیریت دانش در نوآوری» بیان می‌دارد که راهبرد تبادل دانش مدیریت دانش (شخصی‌سازی) و استفاده از دانش ضمنی، سرآغاز خلاقیت و نوآوری است و مدیران باید برای دانش ضمنی نسبت به دانش صریح اهمیت بیشتری قائل شوند.

خدیور و همکارانش (۱۳۹۳) در پژوهش خود تحت عنوان «طراحی سیستم خبره فازی جهت انتخاب استراتژی مدیریت دانش» پس از طراحی سامانه خبره فازی جهت انتخاب راهبرد مدیریت دانش به کاربرد آن در سه سازمان داروگر، سایپا یدک و NPC-RT پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد مناسب مدیریت دانش در سازمان داروگر، راهبرد تدوین دانش (راهبرد نظام‌گرا)، در سازمان NPC-RT راهبرد تبادل دانش (راهبرد انسان‌گرا) و در سازمان سایپا یدک، ترکیبی از دو راهبرد است.

کنی مور^۱ (۱۹۹۹) در پژوهش خود بیان می‌کند شرکت زیراکس^۲ از راهبرد تدوین دانش و با هدف اشتراک دانش میان ۲۳ هزار تکنسین خود اقدام به راه‌اندازی ابزاری به نام یورکا^۳ کرد. کلیه تکنسین‌های زیراکس، در سراسر دنیا، که وظیفه پشتیبانی از دستگاه‌های مختلف مانند چاپگرها و دستگاه‌های زیراکس ساده تا رنگی مشتریان را برعهده داشتند، می‌توانستند نکات فنی را مستندسازی کرده و به‌صورت یک قطعه دانش به اشتراک بگذارند. اما زیراکس در یک مدل از دستگاه‌های خود به اشکالی برخورد که قادر به حل آن نبود. شرکت در کشور برزیل مجبور به جایگزینی دستگاه‌ها، به ارزش ۴۰ هزار دلار بود. در همین اثنا، یکی از متخصصان زیراکس در کانادا علت را کشف کرد. مشکل از یک فیوز^۴ ۵۰ سنتی بود که اکسید می‌شد و می‌بایست با الکل تمیز شود. این نکته به یورکا اضافه شد و کلیه کاربران از آن بهره‌مند شدند. در اوایل سال ۲۰۰۰، حدود ۵ هزار نکته و روش حل مسئله در یورکا موجود بود.

شرکت‌هایی که ماهیت مشابهی دارند، از راهبردهای متفاوت استفاده می‌کنند. برای مثال، کمپانی‌های ارنست و یانگ^۵ و بین^۶ به ارائه خدمات مشاوره‌ای می‌پردازند، با این

1. Connie Moore
2. Xerox
3. Eureka
4. Fuse
5. Ernst & Young
6. Bain



تفاوت که اولی راهبرد تدوین دانش و دومی راهبرد تبادل فردی دانش را برگزیده است (Hansen, Nohria & Tierney, 1999).

شرکت دل^۱ و اچ.پی.^۲ در یک صنعت مشابه فعالیت می‌کنند. شرکت دل با دریافت مستقیم سفارش مشتریان، به مونتاز رایانه شخصی و فروش مستقیم آن می‌پردازد. دل مخزن الکترونیکی دانش، حاوی مجموعه‌ای از ترکیبات مختلف دستگاه‌ها را راه‌اندازی کرد. مشتریان با تکیه بر این مخزن، پیکره‌بندی موردنظر خود را از منوها انتخاب می‌کنند، فراهم‌آورندگان بر اساس سفارشات دریافت‌شده، قطعات موردنیاز برای مونتاز را سفارش می‌دادند و مونتازگران سفارشات را از سامانه دریافت و برای مونتاز برنامه‌ریزی می‌کنند. اما شرکت اچ.پی. با توجه به ماهیت محصولات خود، از راهبرد تبادل دانش استفاده می‌کنند. در محصولات تولیدی اچ.پی. در گرو انتقال به موقع دانش فنی میان گروه‌های توسعه محصول بود. استفاده مهندسان از پروازهای شرکت، برای ملاقات سایر بخش‌ها و اشتراک ایده‌ها در حیطه محصولات جدید یک امر معمولی، محسوب می‌شود. در اچ.پی. اشتراک فرد به فرد دانش به‌صورت مؤثر مدیریت می‌شود (Hasanali, 2002).

راهبردهای مدیریت دانش

در مطالعات مدیریت دانش، مفاهیم مربوط به نگرش راهبردی به مدیریت دانش، مفاهیمی جدید و ابداعی است. در خصوص تعریف دو مفهوم «راهبرد مدیریت دانش^۳» و «راهبرد دانش^۴» میان صاحب‌نظران اختلاف‌نظر وجود دارد که به‌ویژه باید در ترجمه‌های متون این حوزه مدنظر مترجمان قرار گیرد. برخی از صاحب‌نظران این دو مفهوم را به یک معنا در نظر گرفته و تعریف خود را ارائه کرده‌اند. اما با توجه به تفاوت ماهیت و کارکرد این دو مفهوم در سازمان‌ها، اغلب صاحب‌نظران و نویسندگان منابع دست‌اول این حوزه، تعاریف متفاوتی را از این دو مفهوم ارائه کرده‌اند. با مرور مطالعات انجام‌شده در زمینه راهبرد دانش و راهبردهای مدیریت دانش، می‌توان تفاوت این دو مفهوم را به‌شرح زیر بیان کرد: به‌طور کلی می‌توان گفت تدوین راهبرد دانش به سازمان کمک می‌کند تا در فراگرد مدیریت دانش به‌صورت راهبردی مشخص کند که سازمان چه دانشی را، با چه عمقی، از چه منبعی، توسط چه کسی و از چه طریقی برای پشتیبانی از برنامه راهبردی خود باید کسب کند. از انواع الگوهای راهبرد دانش می‌توان مطالعات بیرلی و چارکرابارتی، مطالعات زاک، مطالعات دی پابلوس و مطالعات کستن نام برد. درحالی‌که راهبرد مدیریت دانش بر مبنای دسته‌بندی دانش به انواع دانش آشکار (صریح) و دانش پنهان (ضمنی) تعریف می‌شود. راهبرد مدیریت دانش بیان می‌کند که سازمان برای مدیریت دارایی‌های دانشی خود و اجرای فرایندهای مدیریت دانش (شامل کسب، خلق،

1. Dell
2. HP: Hewlett- Packard
3. Knowledge Management Strategy
4. Knowledge Strategy



انتقال و به‌کارگیری دانش)، چگونه و با چه حجم سرمایه‌گذاری باید بر دارایی‌های دانشی کنترل و از دانش‌های صریح و ضمنی موجود در سازمان بهره‌گیری کند و بیشتر بر بهره‌برداری از کدام نوع دانش متمرکز باشد. از انواع الگوهای راهبرد مدیریت دانش می‌توان راهبردهای مدیریت دانش نوناکا و تاکاچی، مطالعات هانسن و دیگران مطالعات بات نام برد (رضائیان، احمدوند و تولایی، ۱۳۸۸، ص ۶۰).

راهبرد مدیریت دانش مسیر حرکت در جهت اهداف سازمان را مشخص می‌کند که هدف اصلی آن بالفعل ساختن مدیریت دانش در سازمان است. در راهبرد مدیریت دانش فرایند پیاده‌سازی^۱، فعالیت‌ها^۲ و استانداردسازی اجزاء اصلی راه‌حل‌ها^۳ مدنظر قرار می‌گیرند (Tectem, 2001). مجموعه عملیات‌ها و فعالیت‌های سازمان در پرتو راهبرد مدیریت دانش موجب می‌شود تا نظام مدیریت دانش به‌صورت مؤثر و کارآمد عمل کند، به فرهنگ سازمان ملحق شود و در راستای حمایت از سازمان، به کارکرد مؤثر خود ادامه دهد. ماهیت سازمان، نوع محصولات و خدمات و ماهیت دانشی که سازمان با آن سروکار دارد از عوامل اصلی انتخاب راهبرد مناسب مدیریت دانش در سازمان‌ها هستند (رضائیان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

راهبردهای مدیریت دانش بسیار متنوع است؛ تنوع آن‌ها اشاره به اقتضایی بودن آن‌ها می‌کند. به عبارت دیگر، بیانگر این موضوع است که موقعیت‌های مختلف به راهبردهای متفاوتی نیاز دارند. دلیل دیگر تنوع تفاوت راهبردهای مدیریت دانش، ناشی از تأکیدی است که هر یک از آن‌ها روی جنبه‌های مختلف دانش دارند.

مطالعات و بررسی‌های هانسن^۴ و همکارانش (۱۹۹۹) نشان داد که حتی سازمان‌های مشابه از راهبردهای متفاوتی استفاده کرده‌اند و به‌طور کلی دو راهبرد اصلی برای به‌کارگیری مدیریت دانش توسط سازمان‌ها اتخاذ می‌شود که عبارتند از:

الف) راهبرد تدوین دانش^۵ (فرد با مستندات)؛

ب) راهبرد تبادل فردی دانش^۶ (فرد با فرد)^۷.

شناخت صحیح این دو راهبرد و آشنایی با ویژگی‌های مختلف آن‌ها می‌تواند مدیران و پروژه‌های مدیریت دانش را به سمت‌وسوی برنامه‌ریزی بهتر و سرمایه‌گذاری صحیح‌تر هدایت کند. از همین رو در ادامه به بحث در خصوص این دو راهبرد می‌پردازیم.

راهبرد تدوین دانش (نظام‌محور)

در این راهبرد، دانش را از فرد دارنده دانش دریافت و برای استفاده مجدد به‌صورت صریح و آشکار تدوین شده و پس از اطمینان از ارزشمندی و پردازش و پالایش آن به‌شکل کاربرپسند، در یک پایگاه حاوی رکوردهای دانشی که مخزن دانش^۹ نام دارد، ذخیره می‌شود. رکوردهای

1. Implementation Process
2. Actions
3. Solutions
4. Hansen
5. Codification Strategy
6. People-to-Documents
7. Personalization Strategy
8. People-to-people
9. Knowledge Repository



دانش به گونه‌ای در مخزن دانش قالب‌بندی و ویرایش می‌شوند که مستقل از فرد دارنده آن و توسط کلیه کاربران و افراد گروه هم‌کارکرد^۱، قابل‌درک و فهم باشند. البته گروه هم‌کارکرد در نظام‌های مدیریت دانش، از یک حداقل پیش‌زمینه^۲ مشترک، در حیطه کاری برخوردار هستند. بنابراین دانش در این راهبرد به گونه‌ای تدوین و ذخیره می‌شود که افراد متعددی از همان گروه هم‌کارکرد، بتوانند آن را بازایی کنند و بدون نیاز به فرد دارنده دانش، از آن بهره‌مند شوند و آن را مجدداً به‌کارگیرند. تدوین دانش امکان استفاده مجدد از قطعه‌های دانش در سطح گسترده‌ای را به همراه دارد که امکان توسعه سازمان را فراهم می‌آورد (گزنی، ۱۳۸۶، ص ۹۴). هدف این راهبرد جمع‌آوری دانش، ذخیره کردن آن‌ها در بانک داده، و فراهم کردن دانش قابل‌دسترس در قالب صریح و تدوین شده و مناسب برای سازمان‌هایی است که می‌خواهند از دانش موجود استفاده کنند (Malhotra, 2004). به بیان دیگر، هدفش جمع‌آوری، ذخیره، انتشار دانش صریح، کارایی، برون‌سازی و استفاده مجدد از دانش است.

تدوین دانش به عنوان یک راهبرد مدیریت دانش، بیشتر با دانش‌های عینی^۳ سروکار دارد تا بتواند این دانش‌ها را در سریع‌ترین زمان ممکن در دسترس کلیه کاربران سامانه قرار دهد (Krishna, Rens & Marting, 2003). در این راهبرد، دانش عینی به صورت بسته‌های دانشی در پایگاه‌های اطلاعاتی، که اغلب مبتنی بر یکی از سامانه‌های مرسوم (همانند اوراکل^۴، دی.بی.تو^۵ و اس.کی.یو.ال. سرور^۶) است، ذخیره می‌شود. همچنین، برای بازایی اطلاعات از بخش‌های ورود اطلاعات پیوسته^۷ و ویرایش اطلاعات، طبقه‌بندی موضوعی، موتورهای جست‌وجوی پیشرفته^۸ و فهرست‌های راهنما^۹ استفاده می‌شود (Hansen et al., 1999).

دانش در این راهبرد قابل کدگذاری و رمزگذاری است و می‌توان آن را به راحتی مخابره کرد و آن را در سازمان به صورت دفترچه راهنما بین کارکنان توزیع کرد (قنبری و شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۳). دانش به گونه‌ای دسترس‌پذیر می‌شود که در هر لحظه و هر مکان برای کارکنان سازمان قابل استفاده باشد.

ساختار سازمانی مرتبط با این راهبرد، دارای همگونی بیشتر با ساختارهای وظیفه‌ای بوده و دارای بخش‌های بیشتری است. در این راهبرد به جهت تمرکز بر کارایی و فرایندها، توجه بیشتر بر کنترل و نظارت است و این امر موجب به وجود آمدن بخش‌های وظیفه‌ای بیشتر می‌شود (تقی‌زاده، جلال‌زاده مقدم‌شهری و تقی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

راهبرد تبادل فردی دانش (انسان‌محور)

در این راهبرد بیشتر بر افراد خبره سازمان و دانش‌های ضمنی آن‌ها تمرکز می‌شود و محوریت در این راهبرد بر گفت‌وگوی بین اشخاص است، درحالی‌که در راهبرد تدوین دانش، اجزای

1. Community of Practice
2. Background
3. Explicit Knowledge
4. Oracle
5. DB2
6. SQL Server
7. Online Data Entry
8. Advanced Search Engines
9. Web Directories



دانش در مخزن دانش اهمیت دارند. راهبرد تبادل فردی دانش به دنبال تسهیل و پشتیبانی از اشتراک فرد به فرد دانش‌های ضمنی است، لذا بخش‌های اصلی آن شبکه‌های دانشی (شامل فهرست طبقه‌بندی شده و پایگاه‌های اطلاعاتی از خبرگان سازمان) به همراه مسیرهای ارتباطی است که پشتیبان و تسهیل‌دهنده تعامل افراد با خبرگان می‌باشد. دانشی که در این راهبرد مورد توجه قرار می‌گیرد، مستندسازی نشده و یا اینکه مستندسازی آن بسیار دشوار و غیرممکن است. این دانش‌های ضمنی در جلسات هم‌اندیشی^۱، گفت‌وگوها و بحث‌های گروهی یا فرد به فرد منتقل می‌شود. در سازمان‌هایی که دانش در آن‌ها عمیق‌تر و ذهنی‌تر است و حل مسئله به بررسی جنبه‌های مختلف نیاز دارد، از این راهبرد استفاده می‌شود. در این راهبرد، دانش با افرادی که در توسعه آن نقش دارند گره خورده و افراد در ارتباط با یکدیگر از آن دانش‌ها بهره می‌برند (Hansen et al., 1999).

تمرکز این راهبرد بر ذخیره دانش نیست بلکه بر استفاده از فناوری اطلاعات برای کمک به افراد جهت برقراری ارتباط بین دانش‌های افراد است. هدف از این راهبرد، انتقال، برقراری ارتباط و تبادل دانش میان شبکه‌های دانش، شخصی‌سازی، خلاقیت و تولید دانش است (Hansen et al., 1999).

ساختار سازمانی مرتبط با راهبرد تبادل دانش فردی دارای بخش‌های کمتر و ارتباطات بیشتر و سریع‌تر است. تمرکز در این راهبرد بیشتر بر افراد با هدف افزایش نوآوری است و این امر با تسهیل ارتباطات ممکن است و به همین جهت بخش‌های سازمانی کمتری لحاظ می‌شود (تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

عوامل تأثیرگذار بر انتخاب راهبرد مدیریت دانش

انتخاب راهبرد مدیریت دانش قبل از پیاده‌سازی و اقدام برای مدیریت دانش، گام حساسی است که مدیران در نقش استراتژیست‌ها باید برای سازمان خود انجام دهند. از آنجایی که عوامل تأثیرگذار در انتخاب راهبرد مدیریت دانش زیاد بوده و تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری بستگی به عوامل متعددی دارد، تعدادی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در زیر ارائه شده‌اند:

۱- دانش آشکار و ضمنی: یکی از عوامل مهم در انتخاب راهبرد مدیریت دانش، سطح فعلی دانش سازمان است. به وجود آوردن تعادل بین دانش ضمنی و آشکار سازمانی یکی از اهداف برنامه‌ریزی راهبرد برای مدیریت دانش است (Lee & Kim, 2001).

۲- ساختار سازمانی: یکی از عوامل مؤثر در موفقیت مدیریت دانش که باید در راهبردسازی آن مدنظر قرار بگیرد، ساختار سازمانی است به نحوی که ساختارهای مکانیکی یا سلسله‌مراتبی که عمدتاً دارای ویژگی‌های سازمان‌های وظیفه‌ای هستند، از

1. Brain Storming



راهبردهای نظام‌گرای مدیریت دانش بهتر پشتیبانی می‌کنند. در ساختارهای سلسله‌مراتبی تعاملات اجتماعی کارکنان نسبت به ساختارهای ارگانیکی کمتر است، لذا راهبردهای انسان‌گرا در سطح سازمانی (نه در سطح بخش یا واحد)، شانس موفقیت کمتری دارند (Kamara, Anumba & Carrillo, 2002).

۳- فرهنگ سازمانی: یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در راهبردهای مدیریت دانش فرهنگ سازمانی است که از طیف فردگرایی تا کاملاً جمع‌گرایی وجود دارد (Kim, Yu & Lee, 2003).

۴- راهبرد عمومی کسب‌وکار: تقریباً اکثریت قریب به اتفاق محققان قبلی در مورد تأثیرپذیری راهبرد مدیریت دانش از راهبرد عمومی کسب‌وکار اتفاق نظر داشته‌اند. به‌طور کلی می‌توان راهبردهای تمایز و رهبری هزینه‌ها را در دو سر طیف راهبردهای پورتر قرار داد. راهبرد تمایز به دلیل نیاز به پاسخگویی به نیازهای مشتری و ارائه محصولات خاص و بدیع، نیازمند به حمایت از خلاقیت بالا و پرورش ایده‌های نو بوده و دانش موردنیاز برای چنین فضایی از نوع دانش غیرتکراری و درونی شده است. لذا راهبردهای مدیریت دانش انسان‌گرا از راهبردهای تمایز حمایت می‌کنند. از طرف دیگر، راهبرد رهبری هزینه‌ها به دلیل نیاز در کاهش هزینه‌ها مستلزم صرفه‌جویی، استفاده از منحنی‌های یادگیری و تجربه و توان بالقوه در تسهیم مهارت‌ها یا دانش وجود در سازمان دارد. لذا راهبردهای نظام‌گرای مدیریت دانش از این نوع از راهبردهای عمومی حمایت می‌کنند (Wiig, 1997).

۵- راهبرد مدیریت منابع انسانی: یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در راهبرد مدیریت دانش راهبرد مدیریت منابع انسانی است که به دو صورت راهبرد منابع انسانی بوروکراتیک و ارگانیک وجود دارد. راهبرد منابع انسانی بوروکراتیک برای راهبردهای نظام‌گرا و راهبرد منابع انسانی ارگانیک برای راهبرد انسان‌گرا مناسب هستند. راهبردهای منابع انسانی هم می‌توانند از راهبردهای انسان‌گرا حمایت کنند و هم از راهبردهای نظام‌گرا، اگرچه در اکثر مواقع در راستای راهبردهای انسان‌گرا مورد استفاده واقع شده‌اند (Choi & Lee, 2002).

۶- سطح بلوغ فناوری اطلاعات: وضعیت بلوغ فناوری اطلاعات در یک سازمان نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در انتخاب راهبرد مدیریت دانش است. اتخاذ سیاست‌های نظام‌گرای مدیریت دانش در سازمان‌هایی موفق‌تر است که فناوری اطلاعات در آن‌ها به مرحله بلوغ رسیده است (Kim et al., 2003).

۷- سطح اجتماعی‌سازی: سطح اجتماعی‌سازی یکی از عوامل مؤثر در انتخاب راهبرد مدیریت دانش است که به سطوح فردی تا گروهی تقسیم می‌شود (Wolf, 2004).

۸- سطح ترکیب: سطح ترکیب عبارت است از ترکیب انواع دانش صریح در سازمان (Gourlay, 2003).



انتخاب راهبرد دانش

سازمان‌هایی که در زمینه‌های مشابه فعالیت می‌کنند ممکن است راهبردهای متفاوتی را برای مدیریت دانش استفاده کنند. ماهیت کاری و وضعیت هر سازمان، راهبرد مناسب و نحوه ترکیب این دو راهبرد را معین می‌کند. بنابراین سازمان‌ها باید در انتخاب و ترکیب این راهبردها دقت کنند. انتخاب راهبرد نامناسب، شکست مدیریت دانش در سازمان و هزینه‌های اضافی را دربردارد. البته بهترین انتخاب این است که سازمان‌ها، یکی از این راهبردها را به‌عنوان راهبرد اصلی سازمان و راهبرد دیگر را با درجه اهمیت کمتر، به‌عنوان پشتیبان راهبرد اول انتخاب کنند. هانسن و همکارانش معتقدند که سازمان‌هایی در مدیریت دانش موفق هستند که یکی از راهبردها را به‌عنوان راهبرد غالب و اصلی خود انتخاب کنند و از راهبرد دوم به‌عنوان پشتیبان استفاده کنند. او ترکیب ۲۰-۸۰ را پیشنهاد می‌کند؛ یعنی ۸۰ درصد به یک راهبرد و ۲۰ درصد به راهبرد دیگر تخصیص داده شود (Hansen et al., 1999).

سازمان‌هایی که با مسائل مشابهی در طول زمان و به‌صورت مکرر سروکار دارند و محصولات و خدمات سازمان به‌صورت استاندارد^۱ و مرسوم و طبیعی^۲ است و کارکنان سازمان برای حل مسائل بیشتر از دانش صریح استفاده می‌کنند، با به‌کارگیری راهبرد تدوین دانش می‌توانند به استفاده مجدد از دانش بهینه حل مسائل بپردازند. در سایه استفاده مجدد از دانش و تجربیات سازمانی، آنچه به مشتریان سازمان ارائه می‌شود، قابل اعتمادتر، با کیفیت‌تر، ارزان‌تر و سریع‌تر خواهد بود.

در سازمان‌هایی که راهبرد تدوین دانش را برگزیده‌اند، دانش یک‌بار در مخزن دانش الکترونیکی ذخیره و سپس به دفعات مکرر برای کارهای مختلف و بدون محدودیت مکانی و زمانی قابل دسترسی است و با این کار هزینه‌هایی خود را کاهش می‌دهند. این سازمان‌ها می‌توانند از کارکنان خوب و کم‌تجربه نیز استفاده کنند.

سازمان‌هایی که با مسائلی مواجه هستند که روش حل آن‌ها روشن و واضح نیست و برای حل این‌گونه مسائل باید در درجه اول فهم بهتری از صورت مسئله انجام گیرد و بدین‌منظور با متخصصان و صاحب‌نظران تعامل و صحبت صورت می‌گیرد و در مرحله بعد، روشی برای حل مسئله توسعه داده می‌شود و محصولات و خدمات سازمان به‌صورت سفارشی^۳ و بدیع و نوآورانه^۴ است و کارکنان سازمان برای حل مسائل بیشتر از دانش ضمنی استفاده می‌کنند، با به‌کارگیری راهبرد تبادل دانش می‌توانند به ارائه راه‌حل‌هایی که نیازمند دانش ذهنی بالایی است، بپردازند. در این سازمان‌ها اشتراک دانش نمی‌تواند به‌صورت نظام‌مند درآمده یا به‌صورت مؤثر انتقال یابد. تعداد کارکنانی که در این حیطه کار می‌کنند پایین است و افراد باتجربه و متبحر استخدام می‌شوند زیرا به مهارت بالا و خلاقیت این افراد جهت حل مؤثر مسائل نیاز

1. Standardized Products
2. Mature Product
3. Customized Products
4. Innovative Product



دارند (Ezingeard, 2002).

نکته پایانی اینکه تا زمانی که دانش به صورت یک کالای اقتصادی درنیامده، بهتر است از راهبرد تبادل فردی دانش، در جهت حمایت از آن دانش سازمان استفاده کرد. اما زمانی که دانش به صورت یک کالای اقتصادی درآمد- یعنی سازمان ابداع کننده دانش قصد دارد با فروش دانش خود کسب درآمد کند- بهتر است از راهبرد تدوین دانش استفاده شود (رضائیان و دیگران، ۱۳۸۸).

دارا بودن یک راهبرد روشن و به خوبی برنامه ریزی شده، یکی از راههای رسیدن به موفقیت در مدیریت دانش است. این راهبرد عامل مهمی برای یک سازمان است تا بتواند منابع و توانایی های خود را برای دستیابی به اهداف مدیریت دانش سازماندهی کند.

سازمان اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) یکی از سازمان های دولتی ایران است. این سازمان، در اجرای وظایف قانونی که در اساسنامه تأسیس سازمان اسناد ملی ایران و نیز مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری، مبنی بر ادغام سازمان مذکور با کتابخانه ملی و تشکیل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، پیش بینی شده است، فرایند شناسایی، فراهم آوری، نگهداری، سازماندهی و اطلاع رسانی اسناد ملی ایران را بر عهده دارد. اجرای این فرایند، در تشکیلات جدید سازمان بر عهده معاونت اسناد ملی با چهار اداره کل گذاشته شده است و انجام آن در روندی به هم پیوسته و با وظایفی مشخص برای هریک از ادارات کل محقق می شود.

سازمان اسناد ملی جزو سازمان هایی است که با مسائل مشابهی در طول زمان و به صورت مکرر سروکار دارند و محصولات و خدمات سازمان به صورت استاندارد و مرسوم و طبیعی بوده و کارکنان سازمان برای حل مسائل بیشتر از دانش صریح استفاده می کنند و دانش یکبار در مخزن دانش الکترونیکی ذخیره و سپس به دفعات مکرر برای کارهای مختلف و بدون محدودیت مکانی و زمانی قابل دسترسی است و با این کار هزینه هایی خود را کاهش می دهند. بنابراین سازمان اسناد ملی باید از الگوی راهبرد تدوین دانش در پیاده سازی مدیریت دانش خود استفاده کند.

اکتساب دانش

بخش قابل توجهی از سرمایه های دانشی که در حین فرایندهای کاری توسط کارکنان سازمان تولید می شود، مستند نشده و صرفاً در ذهن های آنها باقی می ماند و با جدایی از سازمان از دست می روند و امکان بازیابی آن وجود ندارد. از سوی دیگر، یکی از نقاط ضعف کلیدی سازمان های ایرانی خروج دانش و تجربه های خبرگان سازمان با توجه به بازنشستگی و از



دست دادن خبرگانی است که سال‌ها در این سازمان‌ها فعالیت کرده‌اند. به دلیل ورود نیروی کار جوان و تازه‌وارد به این سازمان‌ها، مدیران سازمان‌های ایرانی عموماً با خلاء دانش و تجربه روبه‌رو هستند. سازمان اسناد ملی نیز از این قضیه مستثنی نیست. بنابراین اکتساب دانش از خبرگان سازمان می‌تواند ضمن جلوگیری از تکرار تجارب در سازمان به توسعه دانش جدید نیز کمک کند. پس راهکارها و روش‌های عملی در جهت عینیت‌بخشی به دانش‌های سازمانی در سازمان اسناد ملی باید مدنظر قرار گیرد. در زیر به ارائه پیشنهاداتی در این خصوص پرداخته می‌شود:

- نگارش و مستندسازی: در محیطی سالم و پیشرو، تبدیل دانش در بهترین شکل خود صورت می‌گیرد. در چنین محیطی با وجود اینکه ایده‌ها به‌دقت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد به افرادی که جرأت بیان عقاید و پنداشته‌های خود را دارند، احترام زیادی گذاشته می‌شود. لذا روحیه تعامل‌پذیری و تمایل به اشتراک‌پذیری دانش افزایش یافته، افراد خود به خود تمایل به ارائه آراء نظریات و تجارب خود پیدا می‌کنند (Stover, 2004). درعین‌حال، نظام بروکراتیک سازمان خود می‌تواند عاملی تسهیل‌کننده برای جریان مستندسازی باشد (برای مثال: اجبار کارمندان به تدوین برخی گزارش‌ها). اונگان مستندسازی فرایند کار را نیز یکی از روش‌های سودمند در استخراج دانش می‌داند که حاصل آن، نمایشی گرافیکی از روال انجام کار است و نمایی از رابطه میان فعالیت‌های مختلف نیروی انسانی، اطلاعات و اهداف سازمانی به‌صورتی منسجم و کاملاً واضح و روشن می‌باشد. حاصل این دست از مستندسازی‌ها، تصاویری گویا از روال انجام کار خواهد بود که دیدی شهودی از بخشی از دانش نهفته در فرایندهای کاری ارائه می‌دهد و کمترین مزیت آن استانداردسازی مراحل انجام یک فرایند کاری خاص است (Ungan, 2006).

- برگزاری نشست‌ها، سمینارها و کنفرانس‌ها: از جمله تلاش‌هایی که در جهت خلق دانش جدید در اذهان از طریق تبدیل دانش ضمنی به دانش صوری صورت می‌پذیرد، برگزاری نشست‌ها و یا سمینارها در سطح واحدهای سازمانی و فراهم‌سازی بستر برگزاری کنفرانس‌هایی در سطح کل سازمان و یا خارج از آن است. در این مرحله دانش ضمنی از ذهن ارائه‌کنندگان مطالب، به‌واسطه کلام به ذهن مخاطبان منتقل می‌شود (ارسطوپور، ۱۳۸۶، ص ۶).

- مشارکت‌دادن کارکنان خبره و دارای دانش ارزشمند در امر آموزش: درخواست کمک فکری و آموزش از افراد خبره همیشه ساده‌تر از آن است که این افراد را وادار به نوشتن کنیم. گذاشتن برنامه‌های آموزشی برای صاحبان دانش، نه تنها باعث افزایش شأن صاحبان دانش می‌شود، بلکه باعث به جریان افتادن بخشی از دانش ضمنی سازمان در میان اذهان افراد می‌گردد.



- **مصاحبه و تصویربرداری:** هرچه فرد صاحب دانش برون‌گراتر باشد، احتمال مشارکت‌جویی فعال او در فرایندهای استخراج و به‌اشتراک‌گذاری دانش بیشتر خواهد بود. اما در غیر این‌صورت، مصاحبه به‌عنوان یکی از اولین و عمده‌ترین گام‌ها در جهت جذب دانش نهفته در ذهن صاحب دانش، مطرح خواهد شد. تقریباً اکثر قریب به اتفاق متخصصان، مصاحبه‌های ساخت‌یافته را به‌عنوان تنها راه مفید برای جذب و استخراج دانش ضمنی می‌دانند.

- **ایجاد شبکه‌های اشتراک دانشی:** پرزآروس و همکارانش (۲۰۰۵) توجه خود را بر شبکه‌های اشتراک دانش معطوف ساخته‌اند. از دیدگاه آنان ایجاد زیرساخت فناوری در سازمان امکان تشکیل چنین شبکه‌هایی را فراهم می‌آورد. از دیدگاهی وسیع‌تر شبکه‌های اشتراک دانش، شبکه‌هایی هستند که قابلیت برقراری ارتباط کاربران را با پایگاه‌های دانشی واحد خود، سایر واحدها و نیز با افراد متخصص و با صلاحیت حاضر در داخل و یا خارج سازمان به‌صورت پیوسته و هم‌زمان، فراهم می‌آورد. در چنین حالتی هم منابع و مدارک موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی و دانشی مختلف سازمان و هم دانش شخصی افراد، از طریق چنین نظامی برای کاربران دسترس‌پذیر خواهد بود.

- **ایجاد شرایط لازم جهت تعامل بیشتر کارکنان:** دانش سازمانی ماهیتی پویا داشته و از تمام افراد درگیر در فعالیت‌های کاری سازمان تأثیر می‌پذیرد. ایجاد شرایط لازم جهت تعامل بیشتر کارکنان شامل موارد زیر است:

- **تشکیل گروه‌های کاری:** همکاری و تعامل با دیگران برخلاف کارهای انفرادی نقش بسیار مهمی در تبادل و تبدیل و انتقال دانش دارد. در چنین شرایطی نه‌تنها افراد فعال در گروه‌های مختلف با یکدیگر باید به‌صورت مکمل عمل کرده و دانش عینی و ضمنی خلق کنند، بلکه حتماً پیش از ایجاد گروه‌های کاری باید از حضور صاحبان دانش برجسته در گروه اطمینان حاصل کرد (Stover, 2004). بخش بسیار وسیعی از دانش به‌صورت ضمنی میان فعالان درون گروه‌ها جریان پیدا می‌کند بدون آنکه صورتی عینی بیابد.

- **ایجاد شرایط برای زوج‌کاری (استاد-شاگردی یا جوانتر-پیرتر):** مبادله دانش به‌واسطه مشارکت در سرمایه دانشی و یا تدریس و برقراری ارتباط فرد مجرب‌تر با فرد کم‌تجربه‌تر امکان‌پذیر است. هنگامی که حجم دانش ضمنی بالا بوده و صاحبان دانش توانایی یا تمایل به انتقال و تبدیل مؤثر آن را به دانش عینی نداشته باشند و خصوصاً زمانی که نوع کار، فعالیتی عملیاتی-یدی باشد، استفاده از شرایط زوج‌کاری (استاد-شاگردی و یا جوانتر-پیرتر) مناسب به‌نظر می‌رسد. در این وضعیت، فردی که تجربه کمتری دارد در کنار فردی با تجربه و سابقه بیشتر قرار گرفته و عملاً کار را از او می‌آموزد. این کار نه‌تنها باعث می‌شود در هنگام حضور فرد باسابقه در سازمان دو نفر در آن واحد توانایی انجام یک فرایند یا کار را داشته



باشند (افزایش کارایی) بلکه هنگامی که فرد متخصص و با تجربه‌تر سازمان را ترک می‌گوید، نیروی جایگزینی با دانش تقریباً مشابه و معادل فرد مذکور برای سازمان باقی می‌ماند. چنین رویکردی نشان از توجه مدیران دانش به ابقای دانش ضمنی در بعد عملیاتی و فعالیت‌های سازمان‌ها دارد (ارسطوپور، ۱۳۸۶، ص ۸).

– ایجاد شرایط بحث و گفتگوی آزاد میان کارکنان سازمان: داونپورت و پروساک (۱۳۷۹) بیان می‌کنند که گفت‌وگو در کنار آب سردکن‌ها، هنگام نهار و ... خود به جریان یافتن دانش در سطح سازمان، درون بخش‌ها و میان بخش‌ها کمک زیادی می‌کند. در نظر گرفتن اتاق‌هایی برای گفت‌وگوی کارکنان هنگام رفع خستگی در ساعات کاری، کنار هم قرار دادن میز کارکنانی که فعالیت‌های نسبتاً مشابهی را انجام می‌دهند و یا برداشتن دیوارهای اتاق‌ها و ایجاد فضای باز اداری جهت افزایش تعامل میان کارکنان از جمله عمده‌ترین اقدامات در جهت بهبود شرایط و کیفیت تعامل افراد است. هرچند در این گفت‌وگوها ممکن است بعضاً مطالب بی‌ارزشی نیز رد و بدل شود اما ارزش انتقال برخی عناصر دانشی سازمان در قالب ضمنی میان افراد بسیار بیشتر است.

– ایجاد واحد تحلیل مدرک^۱ در سازمان و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی
در تحلیل مدارک: فصل مشترک فرایندهای مدیریت دانش با مدیریت اطلاعات، استخراج دانش عینی باشد. استخراج دانش عینی مستلزم تحلیل مدارک و اسناد (نمودهای دانش عینی) است. این مراکز واحدهای سازمان‌یافته‌ای هستند که عمده فعالیت آن‌ها بر تحلیل، تفسیر، ترکیب، ارزشیابی و بازآرایی اطلاعات برای یاری‌رساندن به کاربران و استفاده‌کنندگان متمرکز است. از میان انواع مراکز تحلیل مدرک به نظر می‌رسد مراکز تحلیل مدرک وظیفه‌گرا منطبق با نیازهای جوامع سازمانی باشد (داورپناه، ۱۳۸۴، ص ۶۷). با کدگذاری دانش ضمنی در قالب دانش عینی و نیز با احتساب حجم فزاینده دانش عینی در سازمان‌ها، تعداد مدارکی که باید در مراکز تحلیل مدرک مورد تحلیل قرار گرفته، عناصر دانشی آن‌ها استخراج شود، روزبه‌روز در حال افزایش است. با استفاده از روش‌های اکتشاف دانش^۲، داده‌کاوی^۳، متن‌کاوی^۴ و فنون مرتبط با پردازش زبان طبیعی می‌توان در مدیریت دانش و استخراج عناصر دانشی موفق شد.

نتیجه‌گیری

ماهیت سازمان، خدمات، کالاها و دانش سازمانی در زمره مجموعه عواملی هستند که در انتخاب راهبرد مناسب نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. سازمان اسناد ملی ایران به‌عنوان مؤسسه‌ای آموزشی، پژوهشی، علمی و خدماتی و برای پیشبرد اهداف خویش و کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت، بهره‌وری و سودمندی سازمان ملزم به پیاده‌سازی راهبرد مدیریت دانش در سازمان

1. Clearing Houses
2. Knowledge Discovery
3. Data Mining
4. Text Mining



است و در ابتدا باید بنا به ابعاد مختلف سازمان، راهبرد مناسب مدیریت دانش در سازمان انتخاب شود. سازمان اسناد ملی جزو سازمان‌هایی که با مسائل مشابهی در طول زمان و به صورت مکرر سروکار دارند و محصولات و خدمات سازمان به صورت استاندارد و مرسوم و طبیعی است و کارکنان سازمان برای حل مسائل بیشتر از دانش صریح استفاده می‌کنند. دانش صریح اشاره به اطلاعاتی دارد که با یک روش نظام‌مند و استاندارد منتقل می‌شود و دانش یک‌بار در مخزن دانش الکترونیکی ذخیره و سپس به دفعات مکرر برای کارهای مختلف و بدون محدودیت مکانی و زمانی قابل دسترسی است و با این کار هزینه‌های خود را کاهش می‌دهند. بنابراین سازمان اسناد ملی باید از الگوی راهبرد تدوین دانش در پیاده‌سازی مدیریت دانش خود استفاده کند.

راهبرد کدگذاری بر روند مدیریت، کاربرد و ذخیره نظام‌مند سرمایه‌های دانشی سازمان متمرکز می‌شود. پاسخ سریع به مراجعه‌کنندگان و پژوهشگران، کاهش هزینه تبادل دانش و رمزگذاری توانمندی‌های سازمان با استفاده از فناوری اطلاعات و با هدف کاهش پیچیدگی، دسترسی و کاربری مجدد دانش از محورهای کلیدی این راهبرد برای سازمان به‌شمار می‌آیند. سازمان اسناد ملی که چنین راهبردی را اتخاذ می‌کند، اطلاعات مفیدی را در پایگاه داده‌ها در مقیاس وسیع مستند خواهد کرد. دانش ذخیره شده، استاندارد می‌شود و به آسانی برای کارکنان مورد نظر قابل دسترسی و استفاده خواهد بود. دانش عملی و کاربردی به طور عمده در پایگاه داده‌ها ذخیره شده و از طریق تعامل کارکنان و زیرساخت فناوری اطلاعات انتقال می‌یابد و همه افراد به آن دانش دسترسی دارند.



منابع

- ارسطوپور، شعله (۱۳۸۶). استخراج و سازماندهی دانش ضمنی و عینی در سازمان‌ها: رویکردی عملیاتی به دو گام در فرآیند مدیریت دانش. / اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش، ۱۳ و ۱۴ بهمن.
- تقی‌زاده، رضا؛ جلال‌زاده مقدم‌شهری، آرش؛ تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۸). ساختارهای سازمانی سازگار با مدیریت دانش. مجموعه مقالات همایش مدیریت دانش و علوم/اطلاعات: پیوندها و برهم‌کنش‌ها. صص ۴۳-۶۰. تهران: کتابدار.
- داورپناه، محمدرضا؛ آرمیده، معصومه (۱۳۸۴). /اطلاعات و جامعه. تهران: دبیزش.
- داوونپورت، تامس؛ پروساک، لارنس (۱۳۷۹). مدیریت دانش. ترجمه حسین رحمان‌سرشت. تهران: شرکت مهندسی و تأمین قطعات ایران خودرو (سایکو).
- رضائیان، علی؛ احمدوند، علی‌محمد؛ تولایی، روح‌الله (۱۳۸۸). بررسی الگوهای راهبرد مدیریت دانش و راهبرد دانش در سازمان‌ها. مجله دو ماهنامه توسعه/انسانی پلیس، ۶ (۷)، بهمن و اسفند، صص ۳۳-۶۴.
- قلیچلی، بهروز (۱۳۸۸). مدیریت دانش: فرایند خلق، تسهیم و کاربرد سرمایه فکری در کسب و کار. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- قنبری، مهرداد؛ شهبازی، وحید (۱۳۹۱). نقش شخصی‌سازی مدیریت دانش در نوآوری. چهارمین کنفرانس ملی مهندسی مدیریت نوآوری ایران.
- گزنی، علی (۱۳۸۶). تعیین راهبرد مدیریت دانش سازمانی: تدوین دانش یا تبادل فردی دانش. فصلنامه کتاب، شماره ۶۹، صص ۹۳-۱۰۶.
- Chen, J., Zhu, Z. & Xie, H. Y. (2004). Measuring Intellectual Capital: A New Model and Empirical Study. Journal of Intellectual Capital. 5(1), pp. 195-212.
- Choi, B. & Lee, H. (2002). Knowledge Management Strategy and Its Link to Knowledge Creation Process. Expert System with Application, 23(3), pp. 173-187.
- Ezingard, J., Leigh, S., Chandler & Wilde, R. (2002). Knowledge management at Ernst & Young UK: Getting value through knowledge flows. Paper presented at the international conference on information system, In Proceedings of the 21st Annual International Conference on Information System, Brisbane, Queensland, Australia.
- Glaser, R. (1998). Measuring the Knower: Toward a Theory of Knowledge Equity. California Management Review, Vol. 40, no. 3, pp. 175-194.
- Gourlay, S. (2003). The SECI Model of Knowledge Creation: Some Empirical Shortcomings. 4th European Conference on Knowledge Management, p.10.
- Hasanali, F. (2002). Communities of practice: a guide for your journey to knowledge



management best practice. Houston, Texas: APQC.

- Hansen, Morten T., Nohria, Nitin & Tierney, Th. (1999). What's Your Strategy for Management Knowledge?. Harvard Business Review, Vol. 77, no. 2, pp. 106-116.
- Kamara, J. M., Anumba, C. J. & Carrillo, P. M. (2002). A CLEVER Approach to Selecting a Knowledge Management Strategy, International Journal of Project Management 20 (3), pp.205-211.
- Kim, Y.-G., Yu, S. H. & Lee, J. H. (2003). Knowledge Strategy Planning: Methodology and Case. Expert Systems with Application 24 (3), pp. 295-307.
- Krishna, V., Rens, S. & Marting, G. (2003). Supporting Knowledge Strategy in Consulting Organization: Codification, Personalization or Both, 7th Pacific Asia Conference on Information Systems (10-13 July, Adelaide, South Australia).
- Lee, J. H. & Kim, Y.G. (2001). A Stage Model of Organizational Knowledge Management: a latent Content Analysis, Expert Systems with Applications 20 (4), pp. 299-311.
- Malhotra, Y. (2004). Why knowledge management systems fail? Enablers and constraints of knowledge management in human enterprises, in Koenig, M.E.D. and Srikantaiah, T.K. (Eds), Knowledge Management Lessons Learned: What Works and What Doesn't, Information Today, Medford, pp. 87-112.
- Moore, C. (1999). Eureka! Xerox Discovers Way to Grow Community Knowledge And Customer Satisfaction. KMWorld magazine, Volume 8, Issue 10. [online]. Available at: <http://www.kmworld.com/Articles/Editorial/Features/Best-Practices-Eureka!-Xerox-discovers-way-to-grow-community-knowledge.-.-And-customer-satisfaction-9140.aspx>.
- Perez-Araos, A. (2005). Designing a Knowledge Management Tool to Support Knowledge Sharing Networks. Journal of Manufacturing Technology Management, Vol. 18(2), pp. 153-163.
- Stover, M. (2004). Making Tacit Knowledge Reference Database as Codified Knowledge. Reference Services Review, Vol. 32(2), pp. 164-173.
- TECTOM (2001). Benchmarking Project Knowledge Management, Benchmarking Center, University St. Gallen, Switzerland, Screening Report, p. 37.



- Ungan, M. (2006). Standardization Through Proces Documentation. Business Process Management, Vol. 12(2), pp. 135-148.
- Wiig, K. M. (1997). Knowledge Management: Where did it com from and where will it go? Expert Systems with Applicatins 13(1), pp. 1-14.
- Wolf, J. (2004). Levels of Socialization-Promoting Learner Iteration, Articles by Professional Speakers Guide Members.



ارزشیابی کلان: از تئوری تا عمل

برایان پی.ان. بیون
ترجمه: غلامرضا عزیزی و زهرا ضرغامی

■ چکیده

در حوزه آرشیو، ارزشیابی یکی از فرایندهای مهم است که مشخص می‌کند کدام یک از سوابقی که به آرشیوها منتقل شده‌اند دارای ارزش نگاه‌داری دائمی هستند و کدام یک از آن‌ها باید از چرخه حیات اداری خارج شوند. در دهه‌های اخیر، نظریه‌های متفاوتی درباره ارزشیابی در حوزه آرشیو معرفی شده است. ارزشیابی خرد و ارزشیابی کلان از مهم‌ترین نظریه‌هایی هستند که در این حوزه مطرح شده‌اند. در این مقاله، نظریه ارزشیابی کلان معرفی و مورد بحث قرار گرفته است. در این مقاله چهار مبحث مهم مطرح می‌شوند: اول، معنای ارزشیابی کلان از دیدگاه تری کوک معرفی شده و نقش آن را در منطبق ساختن نظریه‌های مخالف در زمینه ارزشیابی تشریح می‌کند. دوم، ابهامات موجود در نظریه ارزشیابی کلان را توضیح می‌دهد. سوم، بر لزوم پایداری در استانداردهای ارزشیابی تأکید می‌کند و چهارم، نشان می‌دهد که تدوین استانداردهای ارزشیابی آرشیوی فقط بر اساس نظریه‌ها امکان‌پذیر نیست و لازم است در تدوین این استانداردها از تجربیات متخصصان این حوزه استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها

سوابق آرشیوی، آرشیو الکترونیکی، استاندارد ارزشیابی آرشیوی، ارزشیابی خرد، ارزشیابی کلان.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۰؛ صص: ۳۲-۷۹

ارزشیابی کلان: از تئوری تا عمل^۱

برایان پی.ان. بیون^۲

ترجمه: غلامرضا عزیزی^۳ و زهرا ضرغامی^۴

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Beaven, Brian P.N., Macro-Appraisal: From Theory to Practice. Archivaria, [S.l.], jan. 1999. ISSN 1923-6409. Available at: <<https://archivaria.ca/index.php/archivaria/article/view/12721/13900>>. Date accessed: 11 Nov. 2017.

2. Brian P.N. Beaven

از تمام همکاران حاضر و سابق خود در آرشیو دولتی و اداره تعیین تکلیف سوابق آرشیو ملی کانادا برای همکاری‌ها، انتقادات و الهام‌های آن‌ها تشکر می‌کنم. همه این افراد در انجام این کار به من کمک کردند اما مسئولیت هرگونه خطا و اشتباه در این کار به عهده من است. نظرات بیان‌شده در این مقاله، نظر شخصی من بوده و نمایندگر نظرات آرشیو ملی کانادا یا مدیریت آن نیست. این پند نورمان میلر که می‌گوید: «وقتی مردی به پنجاه سالگی می‌رسد، حق دارد اشتباهات و خطاهای بزرگی مرتکب شود» باعث شد تا تدوین این مقاله را با آرامش بیشتری انجام دهم. لازم به یادآوری

ارزشیابی کلان به‌عنوان گزینه‌ای برای استاندارد ارزشیابی آرشیوی

در آرشیوها استانداردها به روشی برای زندگی تبدیل شده‌اند. معرفی فناوری‌های جدید باعث تغییر عملکرد آرشیوها به‌عنوان مرجع در سازمان‌های بزرگتر شده و ضرورت تدوین استانداردها برای شبکه اولیه آرشیو الکترونیکی را ایجاد کرده است (Wilson, 1990-91). اتوماسیون منجر به پذیرش قوانین توصیف آرشیوی^۵ شده است. ترکیب استاندارد رسمی توصیف با برنامه‌های خودکارشده، ماهیت تنظیم، توصیف و کنترل ذهنی آرشیوی را تغییر داده است. ارزشیابی و انتخاب هم، به همان اندازه در معرض فشار قرار گرفته و نوآوری‌های دو دهه اخیر به‌طور عمده از ظهور فناوری، نشأت گرفته‌اند.

این مقاله با دیدگاه مثبت ولی تا حدی بدبینانه نسبت به این تغییرات، برخی مفاهیم و رویکردهای جدید درباره ارزشیابی سوابق را بررسی می‌کند. درحالی‌که بررسی روش‌های ارزشیابی و ارزشیابی کلان در سطح نظری لازم است، هدف اولیه این مقاله مباحثه نظری نیست. هدف این مقاله بیشتر شناسایی روش‌هاست؛ تحلیلی که با تجربیات عملی اخیر و برخی مطالعات موردی مفید، به‌دست آمده است. آنچه در ادامه این مقاله می‌آید بررسی ارائه چارچوب بالارزش و عملی برای استانداردسازی فعالیت‌های حرفه‌ای بر اساس هرکدام از رویکردهای ارزشیابی مبتنی بر پایه‌های نظری مستحکم است.



این مقاله شامل چهار مبحث مرتبط است. اول، ارزشیابی کلان. ارزشیابی کلان در معنای صحیح به شکلی که تری کوک^۱ تعریف و تدوین کرده، به اندازه کافی گسترده است تا نظریه‌های بالقوه مخالف را تطبیق دهد؛ به اندازه کافی باز است تا بهترین روش‌های را حفظ کند و به اندازه کافی دقیق است تا امکان بررسی چالش‌های مرتبط با فراهم‌آوری آرشیوی را که بر اثر تغییر اجتناب‌ناپذیر فناوری مطرح می‌شوند، برای آرشیوها فراهم آورد. دوم، نظریه ارزشیابی کلان در هسته خود شامل ابهاماتی است که برای اطمینان یافتن از تنش سازنده در سطح روش‌شناختی به کار گرفته می‌شوند. این ابهامات در رفع تضاد بین آنچه که ممکن است نظریه‌پردازان آرشیوی به عنوان تضاد اصلی بین تمرکز سنتی و مبتنی بر سوابق روش‌های ارزشیابی سنتی آمریکای شمالی ببینند و بینش‌های جدید مبتنی بر نظریه که بر زمینه تولید تمرکز کرده و مراحل شناسایی سوابق آرشیوی لازم و کافی را توجیه می‌کند، پدیدار شده‌اند. موضوع دوم مخصوصاً از نظر حجم روزافزون منابع موجود (هم سوابق و هم غیرسوابق) که از مشخصه‌های عصر اطلاعات است، اهمیت دارد. سوم، همزمان این نظریه یک الزام درونی برای پایداری ایجاد می‌کند؛ این الزام، ابهامات ذهنی این نظریه به عنوان تشکیل‌دهنده مبنای استانداردسازی روش‌ها را تهدید می‌کند و سرانجام، نمی‌توانیم استانداردهای ارزشیابی را بر اساس نظریه‌ها بنا گذاریم؛ این موضوع یکی از مسائل مهمی است که درباره آن صحبت خواهد شد. اگر برای تعیین حیطه و سمت‌وسوی جست‌وجوی استانداردهای حرفه‌ای برای ارزشیابی بر مباحث نظری تکیه کنیم، شغل و حرفه خود را به خطر می‌اندازیم. با ورود به قرن بیست و یکم اگر لازم است روش ارزشیابی کامل را تعریف کنیم، کارمندان معمولی آرشیو باید فعالانه در مباحثه شرکت داشته باشند. در نهایت، اگر عمل ارزشیابی دچار نقصان شده است پس خود سابقه هم دچار نقصان شده و اگر سابقه دچار نقصان شده باشد، این حرفه هرگز به مقصود راهبردی خود نمی‌رسد. البته ممکن است بیشتر آرشیوداران به متخصصان اطلاعات یا دیگر ساختارهای نظری پیشرفته مانند فلسفه پست‌مدرن، تبدیل شوند.

برای جهت‌دهی به این بحث، تمرکز بر یک پرسش اساسی مفید است: نظریه و روش ارزشیابی کلان - که اندیشمندان و کارمندان آرشیو در دو دهه اخیر (و مخصوصاً توسط تری کوک) معرفی کرده‌اند - تا چه اندازه می‌تواند پایه و اساس دقیق و شرایط پیش‌زمینه‌ای لازم برای تدوین روش‌ها و معیارهای استاندارد ارزشیابی را ارائه دهد؟ از دیدگاه یک کارمند این پرسش به چهار موضوع فرعی تقسیم می‌شود. محدودیت‌هایی که ارزشیابی کلان ایجاد می‌کند، کدام است؟ اگر ارزشیابی کلان به بخش جدایی‌ناپذیر یک استاندارد تبدیل شود، دیگر نظریه‌های ارزشیابی چه خواهند شد؟ آیا رویکرد ارزشیابی کلان پایه و اساس آشکار و دقیقی است که کل بسترهای روش‌شناختی بر اساس آن ایجاد شوند؟ و از همه مهم‌تر، آیا پیروی از

است که این مقاله بدون الهام و راهبری حرفه‌ای تری کوک در طول دهه سالی که به عنوان آرشیودار مشغول به کار بودم، امکان‌پذیر نبود. از تری کوک برای انتقادات او از خلاصه این مقاله که در همایش مشترک بین انجمن آرشیوداران کانادا و انجمن آرشیوداران ایتالیو در ژوئن سال ۱۹۹۹ در لندن ارائه دادم، تشکر ویژه می‌کنم. دان مک‌لنولد نیز انتقادات و ویرایش‌های سازنده‌ای روی این مقاله داشت.

۳. عضو هیئت علمی، رئیس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: greazizi@yahoo.com
۴. کارشناس ارشد زبان انگلیسی، پژوهشگر پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: zarghami_z@yahoo.com

5. Rules for Archival

Description (RAD)

۶. به یادداشت‌های گسترده کتاب‌شناختی تری کوک درباره این موضوع در مقاله زیر مراجعه کنید:

“What is Past is Prologue: A History of Archival Ideas Since 1898, and the Future Paradigm Shift,” *Archivaria* 43 (Spring 1997), pp. 7–63.

مهم‌ترین نویسندگانی که از کار آن‌ها در تدوین نظریه و روش‌شناسی ارزشیابی پست-شلتیرگ استفاده کردم عبارتند از: F. Gerald Ham, Richard Cox, Helen Samuels, Frank Boles, David Bearman, Kenneth Thibodeau and, in Canada, Terry Cook, Richard Brown, Barbara L. Craig, Terry Eastwood, Luciana Duranti, and Heather MacNeil.

1. Terry Cook



1. Banff

۲. تمرکز بخش اعظمی از این بحث بر دومین جلسه «حرفه آرشیواری در عصر اطلاعات» بود. مهم‌ترین مشارکت‌کنندگان در این بحث هرو باشتین، ریچارد جی. کاکس، سو گارول و پی. ماناپری بودند. برای اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

Hervé Bastien, "Standardizing the Appraisal and Selection Process".

Richard J. Cox, "Standardizing Archival Practices: A Tool for the Information Age".

Sue Gavrel, "Information Technology Standards: Tools for the Archivist".

P. Manamperi, "Ramp Studies: Their Present and Future Direction as a Tool to Foster the Standardization of Practices on the International Level," *Archivum* XXXIX (Proceedings of the 12th International Congress on Archives, Montreal, September, 1992).

۳. در این کار فقط به مقاله اولیه بیرمن اشاره کرده‌ام که با همکاری مارگارت هداستورم نوشته است:

"Reinventing Archives for Electronic Records: Alternative Delivery Systems," in Margaret Hedstrom, ed., *Electronic Records Management Program Strategies: Archives and Museum Informatics Technical Report 18* (Pittsburgh, 1993), and his original formulation in David Bearman and Richard H. Lytle, "The Power of the Principle of Provenance," *Archivaria* 21 (Winter 1985-86), pp. 14-27.

مباحث بیرمن درباره نیاز به اطمینان از «ثبت‌پذیری» در سامانه‌های اسناد الکترونیکی از طریق به‌کارگیری اصل منشأ و کاربردهایی که الزامات اسناد الکترونیکی

استاندارد ارزشیابی شمشیر دو لبه‌ای است که علاوه بر تحقق پتانسیل‌های حرفه‌ای، دربردارنده خطرات نیز هست؟ ممکن است چنین باشد. چگونگی به حداقل رساندن خطرات و به حداکثر رساندن مزایا می‌تواند موضوع باارزشی برای تحقیق باشد.

مباحثه‌های جهانی در سطح نظری، باعث افزایش مدل‌های رقابتی شده اما در عین حال باعث افزایش درجه همگرایی نیز شده است. استانداردهای ارزشیابی یکی از مهم‌ترین موضوعات در کنفرانس انجمن آرشیوکاران کانادا (ACA) در بنف^۱ در سال ۱۹۹۱ و کنگره بین‌المللی آرشیو در مونترال در سال ۱۹۹۲ بود.^۲ کار اصلی دیوید بیرمن و پروژه پیتزبورگ، مباحثه نظری دوربرد را درباره مفهوم فناوری اطلاعات برای ارزشیابی و موقعیت آینده این حرفه برانگیخته است.^۳ یکی از پروژه‌های دانشگاه بریتیش کلمبیا، پژوهش درباره الزامات برای کسب اطمینان از اعتبار سوابق الکترونیکی است که در سال ۱۹۹۴ آغاز و منجر به انجام پروژه بین‌المللی اینترپرس^۴ به سرپرستی کانادا شد. این ابتکار، آشکارا معیارها و استانداردهای ارزشیابی به‌عنوان بخشی از یک رویکرد جدایی‌ناپذیر در تعیین الزامات موردنیاز برای حفظ و نگهداری بلندمدت سوابق الکترونیکی به‌عنوان مدارک آرشیوی را دربرمی‌گیرد^۵ (MacNeil, 1999). با توجه به محل مرکزی پروژه اینترپرس، این احتمال وجود دارد که در استاندارد تدوین‌شده معیارهای سطح بالا ارائه شود که منبعی برای مباحث آتی درباره استانداردهای ارزشیابی باشد.

تحول در کار استانداردسازی ارزشیابی در گرایش‌های سازمان‌های آرشیوی بزرگ در استرالیا، کانادا، ایالات متحده و هلند نیز به چشم می‌خورد. این سازمان‌ها رویکردهایی برای ارزشیابی اتخاذ کرده‌اند که بر تحلیل زمینه اصلی، تمرکز دارد. سازمان جهانی استاندارد (ایزو) در حال تدوین استاندارد بین‌المللی مدیریت سوابق^۶ است که قید و بندهایی برای «ارزشیابی و تعیین تکلیف» را شامل می‌شود. استاندارد مدیریت سوابق استرالیا که مقدم بر پروژه ایزو انجام و باعث تسریع آن شده است، یک استاندارد ارزشیابی آرشیوی را ایجاد کرده که باید در تمام چرخه زندگی سوابق، از زمان تولید تا آرشیو شدن آن‌ها، به کار گرفته شود.^۷ اگرچه این اطمینان وجود دارد که فعالیت‌های ایزو با فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه آرشیوی تداخل نخواهند داشت، اما نتیجه اجتناب‌ناپذیر این کار، آغاز فرایندهایی در این حرفه برای بررسی مجدد و تعریف معنای معیارهای ارزشیابی آرشیوی، راهبرد فراهم‌آوری و روش‌شناسی ارزشیابی خواهد بود.

برخی روش‌های استانداردسازی محتمل بوده و در صورت اتخاذ رویکرد صحیح، ممکن است پیشرفت مثبتی باشند. پس مهم‌ترین سؤال این است که کدام نوع از استاندارد به بهترین شکل اتخاذ شده و ارتباط بین نظریه ارزشیابی کلان و روش‌شناسی آن برای شکل‌دهی استاندارد، چیست؟ آزادی شغلی ساختاری است که فقط به‌اندازه‌ای که مردم برای آن تلاش می‌کنند، دوام



برای فعالیتهای آرشویی در سطح نظری دارد، در مورد کل بحث حاضر درباره نظریه و عمل ارزشیابی، اهمیت بنیادی دارد. این موضوع صرف نظر از نظر موافق دانشجویان درباره تغییر موقعیت حرفه آرشویداری در آینده، صادق است.

4. InterPARES

۵. «معیارهای ارزشیابی و روشهای انتخاب سوابق معتبر» یکی از چهار حوزه پژوهشی مهم پروژه اینترپرس است. چهار پرسش اساسی وجود دارد که باید به آنها پاسخ داد: تأثیر فناوری رقمی بر ارزشیابی چیست؟ اسناد الکترونیکی چه زمانی باید ارزشیابی شوند؟ آیا لازم است اسناد الکترونیکی بیش از یکبار ارزشیابی شوند و در این صورت چه زمانی باید ارزشیابی شوند؟ چه کسی مسئول ارزشیابی است؟ معیارها، روشها و راهبردهایی که الزامات مفهومی مرتبط با کسب اطمینان از اصالت را برآورده می‌سازند، کدامند؟

۶. سازمان بین‌المللی استاندارد، کمیته فنی ۴۴: اطلاعات و مستندات، کمیته فرعی ۱۱: مدیریت آرشیوها/سوابق، که تحت عنوان ISO/TC ۴۶/SC ۱۱ شناخته می‌شود.

۷. بابت یادآوری این جنبه از ابتکارات استرالیا در آموزش پیشرفته «مؤسسه» در ارزشیابی آرشویی که در لندن، انتیاریو در ژوئن ۱۹۹۹ برگزار شد، به تری کوک مدیون هستم. تأکید پروژه‌های کنونی سازمان ایزو بر اجماع نظر اعضا درباره مدیریت سوابق و به تأخیر انداختن موضوع ارزشیابی آرشویی برای بعد است، اما این نکته حائز اهمیت است که استرالیا، مسئله ارزشیابی آرشویی را در کار خود مدنظر قرار داده است.

1. Kent Haworth

۲. این موضوع در همایش مشترک انجمن آرشیوداران کانادا و انجمن آرشیوداران انتاریو در ژوئن سال ۱۹۹۹ در لندن در مقاله‌ای تحت عنوان «استانداردهایی برای روش‌های آرشویی در کانادا: مسائل کنونی و آتی» مطرح شد اما دفاع از استانداردهای حرفه‌ای قوی به رهبری هاورث در تدوین و اتخاذ قوانین توصیف آرشویی، کمک کرد.

3. Terry Eastwood

۴. همچنین به منبع زیر مراجعه کنید: Eastwood, "How Goes It with Appraisal?" Archivaria 36 (Autumn 1993), pp. 111-21.

خواهد داشت. ایدئولوژی آزاداندیش حرفه ما مقاومت ندارد و انتخاب‌ها همیشه محدود هستند. با تأیید این موضوع، کار زیادی برای تعریف انتخاب‌ها و درک صحیح آن‌ها در پیش داریم.

بحث آزاد و سازنده درباره استانداردسازی در میان حوزه‌های مجزا در کانادا، ضروری است. در این حالت یا می‌توانیم روی این پرسش در سطح مکالمات حرفه‌ای گسترده کنترل پیدا کنیم یا ممکن است مباحثاتی داشته باشیم که برخی نظریه‌پردازان یا مدیران آرشویی مطرح می‌کنند؛ افرادی که ممکن است ناآگاهانه دلایل منطقی برای مدیریت منسوخ «دستور و کنترل» بر اساس اصول ارزشیابی کلان «بالا به پایین» (که در قسمت‌های بعدی به تفصیل شرح داده خواهد شد) داشته باشند. این مقاله تلاشی می‌کند پیش از اینکه نظریه‌پردازان با منطق تحلیلی سخت خود، که می‌توان گفت غالباً از رشته‌های دیگر وام گرفته شده است، ما را از راه اصلی منحرف کنند، زمینه‌هایی برای کارمندان ارزشیابی آرشویی ایجاد کند.

همان‌طور که کنت هاورث^۱ سال‌ها پیش ادعا کرده، ارزش استاندارد به تسریع بلوغ حرفه‌ای است و استاندارد به‌عنوان پایان کار در نظر گرفته نمی‌شود بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف عمومی است.^۲ ارزشیابی کلان می‌تواند وسیله‌ای برای ارتقای استانداردهای آرشویی در سطح جهانی باشد. در حقیقت ارزشیابی کلان می‌تواند ابزاری برای ارتقای مباحثه حرفه‌ای باشد. در صورتی این امر اتفاق می‌افتد که ارزشیابی کلان به‌صورت عمومی تعریف شود تا این اطمینان به‌وجود آید که می‌تواند استاندارد برای به‌کارگیری پژوهش‌های مستقل باشد و به موجب آن کارمندان حقیقی ارزشیابی آرشویی قدرت می‌یابند تا کارهای خود را به انجام رسانند. برای انجام این امر باید پیشاپیش از ابهامات نظریه ارزشیابی کلان آگاهی داشته باشیم و بیاموزیم که این ابهامات - به اندازه پایداری ذهنی که طرفداران این نظریه مدعی آن هستند - بخشی از استعداد درونی ارزشیابی کلان است. ممکن است از بخش‌های بعد چنین استنباط شود که بر اساس مباحث، ارزشیابی کلان در حقیقت یک نظریه منسجم است اما این استنباط باعث چشم‌پوشی از برخی نکات می‌شود؛ اینکه ارزشیابی کلان به‌عنوان یک نظریه، کاملاً از نظر داخلی پایدار است، اهمیتی ندارد. این روش تمام اجزای یک استاندارد عملی عالی را دارا بوده و به‌همین دلیل نسبت به رویکردهای نظری رقیب در قبال ارزشیابی، خدمات بسیار بیشتری را ارائه دهد. همان‌طور که تری ایستوود^۳ بیان (و حتی اثبات) کرده است: «آرشیوها موجودیت‌هایی سودمندگرا هستند»^۴ (Eastwood, 1992). این بدان معنی است که آرشیوها مبتنی بر محصول، استفاده‌گرا و مستعد پیش‌بردن کار هستند. به‌طور خلاصه، این مقاله از تفسیری خاص از ارزشیابی کلان پشتیبانی می‌کند که در آن ارزشیابی به‌عنوان بستری وسیع و اختصاصی در نظر گرفته شده که با استفاده از آن آرشیوداران می‌توانند به‌سمت توسعه استاندارد دقیق برای ارزشیابی آرشویی پیش روند.



۱- ارزشیابی کلان در تئوری در مقابل روش‌های نهادی

پس ارزشیابی کلان چیست؟ اساساً نظریه ارزشیابی کلان همانند تمام متغیرهای تحلیل کارکردی تمرکز ارزشیابی را از سوابق واقعی (محصول تولید) به سمت زمینه تولید آن‌ها (فرایند) تغییر داده است (Cook, 1992b). به جای اختصاص دادن رتبه ارزشی به سوابق، ارزشیابی کلان یک شرح ارزیابی آگاهانه را ایجاد می‌کند که فرایندهای تولید سابقه را توصیف، اهمیت مقایسه اجتماعی این فرایندها را ارزیابی و با این کار درباره اهمیت نسبی ارتباطات سابقه-کار، قضاوت می‌کند. این کار به طور قطعی تمرکز محصول‌گرا بر سوابق است. همان‌طور که نظریه پردازان تعریف کرده‌اند، ارزشیابی کلان در ابتدا به عنوان یکی از راهبردهای فراهم‌آوری، یعنی ارزشیابی اولیه گستره نهایی، محتوا، ماهیت و اهمیت کل سازمان‌ها و فعالیت‌ها، تعریف شد. بنابراین ارزشیابی کلان به دنبال تعریف کردن حدود مناسب برای یک تحلیل ارزشیابی متمرکزتر است. با تعیین اینکه کدام یک از فعالیت‌ها از نظر اجتماعی اهمیت بیشتری دارند، این فرایند مشخص می‌کند سوابقی که دارای اهمیت آرشویی بیشتری هستند، کجا قرار دارند. این کار در ابتدا در خود سازمان به عنوان یک کل، سپس در بخش‌های تشکیل دهنده آن انجام می‌پذیرد. سپس (وقتی فعالیت‌هایی که از نظر اجتماعی مهم هستند شناسایی شدند) ارزشیابی به سمت سوابق یک تولیدکننده خاص و تحلیل آن‌ها در ارتباط با زمینه اجتماعی و ساختاری ایجاد شده توسط فعالیت اجتماعی و/یا تولیدکننده آن مدرک، تغییر می‌کند. ارزشیابی فیزیکی خود سوابق - که «ارزشیابی خرد» نام دارد - عموماً یک ضرورت است اما هنوز هم در مرتبه دوم قرار دارد. ارزشیابی کلان عمدتاً برای اعتبارسنجی و تصحیح فرضیه‌هایی به کار می‌رود که پیش از این درباره مکان مهم‌ترین فعالیت‌های کارکردی سازمان و حائز اهمیت‌ترین تولیدکنندگان سوابق، طراحی شده بود.

روشی که بروس ویلسون در گزارش سال ۱۹۹۴ درباره راهبرد فراهم‌آوری آرشوهای ملی به دقت به کار گرفته است، به صورت زیر خلاصه می‌شود:

این رویکرد، ساختاری و کارکردی بوده، ساختار هر مؤسسه را با خود مؤسسه به طور کلی و بعد پیشروی نظام‌مند در بخش‌های زیرمجموعه آن - بخش‌ها و شاخه‌ها - تحلیل کرده و فعالیت‌ها و تعاملات آن‌ها را بررسی می‌کند. خود سوابق در مرحله نزدیک به آخر و فقط در نمونه‌های کوچک مورد بررسی قرار می‌گیرند. به جای بررسی مستقیم سوابق حقیقی، حجم انبوهی از سوابق بر اساس زمینه آن‌ها - آنچه که به عنوان وظایف و اهمیت محدوده مؤسسه شناخته می‌شود - تعیین تکلیف می‌شوند^۱ (Wilson, 1994, p. 220).

سخت بودن این رویکرد از منظر ذهنی باعث نشده است که ارزشیابی کلان به یک فرضیه علمی سخت تبدیل شود. در حقیقت، نظریه پردازان پیش‌تاز، همگی آشکارا تجربه‌گرایی ساده

۱. نسخه مربوط به کوک را می‌توانید در منبع زیر ببینید: Cook, "Mind Over Matter," p. 47.



مرتبط با روش علمی را به نفع درک دقیق زمینه و ماهیت ارگانیک زمینه‌ای، رد کرده‌اند.^۱ ارزشیابی کلان یک روش کاملاً علمی نیست زیرا اول از همه، به‌کارگیری ارزشیابی کلان به‌طور کامل در معرض آزمون و سنجش قرار ندارد و دوم اینکه ارزشیابی کلان مانند هر روش ارزشیابی دیگر، به‌جای مشاهده عملی خصوصیات فیزیکی، شامل قضاوت درباره ارزش (در این مورد، ارزش کارکردی نسبت داده شده) است. البته، پژوهش ارزشیابی کلان مانند هر پژوهش دیگری شامل دقت تحلیلی و درک نظری است. علاوه بر این، اگر این کار معنای خاصی داشته باشد، باید ثبت شده باشد. گزارش‌گیری رسمی (حتی سنجش ارتباطات و فرایندها، به‌جای مشاهدات عملی واقعی) روشی را برای حسابرسی اداری و بازرسی حرفه‌ای بلندمدت ارائه می‌دهد. این بدان معناست که اگرچه ارزشیابی کلان یک علم تجربی نیست اما به دلیل دقت زیاد آن، جهشی فرای‌فعالیت‌ها و روش‌های قبلی است. ارزشیابی کلان حتی اگر به‌عنوان یک نوشدارو برای موضوعات مرتبط با ارزشیابی در نظر گرفته نشود، یک مدل یا روش موجه است. این موضوع آشکار شده است که ارزشیابی کلان سه مزیت آشکار دارد. اول، این نوع از ارزشیابی آرشیوداران را از خطر دخالت فرضیات قبلی درباره ارزش سوابق در هنگام ایجاد راهبردهای فراهم‌آوری یا ارزشیابی، رها می‌سازد. دوم، ارزشیابی کلان خطر تمایل یا تعصب بی‌مورد درباره کاربردها یا کاربران آتی را از بین می‌برد (همان‌طور که طرفداران این نظریه غالباً بیان می‌کنند، ارزشیابی کلان آرشیوداران را از تصورات جرالد هان، «پره آب‌وهوایی» Gerald Ham, 1975, p.8) بیان و هدایت شده توسط مدل‌های زودگذر اخیر، به سمت استراتژیست‌های فعال و مفسران معنایی پیچیده، تبدیل کرده است). سرانجام، رویکرد وظیفه‌ای کلان، ارزشیابی را از تمرکز منفعل بر سوابق، به تمرکز برنامه‌ریزی شده و منشأیی بر زمینه تولید سوابق، تغییر داده است. در انجام این کار، این نظریه منشأیی، اصل اساسی تفکرات سنتی آرشیوی را تأیید کرده و تغییر داده و هم‌اکنون آن را به یک ابزار فعال برای خلاقیت و عملکرد ذهنی تبدیل کرده است.

ارزشیابی کلان و روش‌های پیش از آن از اواخر سال ۱۹۸۰ ایجاد و مورد بحث قرار گرفته است اما مبنای نظری این رویکرد به سال‌ها پیشتر، حداقل به ربع قرن پیش برمی‌گردد (Booms, 1987; Gerlad Ham, 1975, 1981; Samuels, 1986; Bearman and Lytle, 1985-86; Cox and Samuels, 1988). هم‌اکنون این نوع از ارزشیابی را مجموعه کوچکی از آرشیوداران در حوزه‌های قضایی مختلف به‌شکل فعال برای ارزشیابی تولیدکنندگان سوابق بخش عمومی استفاده می‌کنند. این متصدیان هم‌اکنون به‌سختی از اسناد الکترونیکی در فعالیت‌های الزامی خود (و بنابراین ایجاد نیاز برای اصلاح ارزشیابی) استفاده می‌کنند. راهبرد ارزشیابی که غالباً تحت هدایت تری کوک، با نظریه فعال برنامه‌ریزی شده در ارتباط بوده و با روش‌های ارزشیابی

۱. این استنباط غالباً با رویکردهای پست‌مدرن در فلسفه تاریخ در ارتباط است (Cook, 1992a, pp. 43-46). ریچارد برآرون با شدت بیشتری به قراردادن نظریه ارزشیابی کلان در زمینه نظریه‌های دانش پست‌مدرن و ایجاد تمایز بین ارزشیابی و تجربه‌گرایی، معتقد است. به منبع زیر مراجعه شود:

“Records Acquisition Strategy and its Theoretical Foundation: The Case for a Concept of Archival Hermeneutics,” *Archivaria* 33 (Winter 1991-92), pp. 34-56.

در هم آمیخته، به رویکردی تبدیل شده است که مبتنی بر دیدگاه ذهنی و دیدگاه مدیریت برنامه است.

اما هنوز حتی در میان نظریه‌پردازان متعصب روش ارزشیابی کلان نیز عدم قطعیت گسترده‌ای درباره‌ی این موضوع وجود دارد که آیا این روش برای اوراق و سوابق شخصی سازمان‌های خصوصی نیز کاربرد دارد؟ همچنین در صورت عدم امکان به‌کارگیری نظریه ارزشیابی برای تولیدکنندگان سوابق شخصی، این نظریه فاقد ویژگی‌های لازم برای نظریه بودن است. همچنین در میان نظریه‌پردازان و کارمندان درباره‌ی حیطه تحلیل‌ها یا معیارهای ارزش که مجاز هستند، عدم اجماع عمومی وجود دارد. چند نفر حقیقتاً مسیری را که ریچارد بروان (Brwon, 1995, p.152) در تلاش برای تبدیل ارزشیابی کلان به یک نظریه کاملاً منسجم و پایدار برای ایجاد «علم تفسیر» زمینه تولیدکننده طی کرده است پیموده‌اند؟ این مسائل باعث ایجاد پرسش‌های اساسی شده است که در سطح نظری بی‌پاسخ مانده‌اند: نظریه و عمل تا چه اندازه باید به هم نزدیک بوده و مهم‌تر از آن، چه کسی درباره این موضوع تصمیم می‌گیرد؟ برای کارکنان حقوق‌بگیر شاغل در محیط‌های عملیاتی سودمندگرا (که به انجام کار تمایل دارند) و غالباً در معرض امتیازهای ویژه مدیران یا هیئت‌مدیره قرار دارند، این‌ها سؤالاتی هستند که به راحتی نمی‌توان از آن‌ها گذر کرد. این تفکر وجود دارد که بسیاری از شاغلان درباره این نظریه که هدف آن ترکیب اصول جامع راهبرد فراهم‌آوری، روش ارزشیابی و معیارهای لازم و کافی برای ارزش‌گذاری در یک بسته فراگیر است، بدبین هستند.

آرشیو ملی کانادا را در نظر بگیرید. آرشیو ملی نقش رهبری در آمریکای شمالی را عهده‌دار بوده و برنامه فراهم‌آوری بخش عمومی آن به مدت ده سال به عنوان یک آزمایشگاه واقعی برای روش‌های ارزشیابی کلان، عمل کرده است. حدود ۹۰ آرشیودار حرفه‌ای وجود دارند که کار ارزشیابی و انتخاب را انجام می‌دهند. حدوداً یک‌سوم این افراد با تولیدکنندگان سوابق شخصی در ارتباط بوده و یک‌چهارم از آن‌ها نیز به عنوان متخصصان رسانه کار می‌کنند. بالاتر از متخصصان رسانه که با سوابق دولتی سر و کار دارند، حدود ۳۵ آرشیودار هستند که سوابق دولتی را بر اساس قالب زمینه‌ای آن‌ها (کاغذی، ریزفیلم و الکترونیکی)، ارزیابی می‌کنند. احتمالاً کمتر از دوازده نفر به طور پیوسته ارزشیابی کلان و تحلیل کارکردی را بر اساس تعاریف و مدارک فرایندی تولیدشده داخلی، انجام می‌دهند. موانع عملیاتی و محیطی غالباً مسائلی را حتی به مشتاق‌ترین شرکت‌کنندگان نیز تحمیل می‌کند. بسیاری از آرشیوداران این روش را با حسن‌نیت اما با پذیرش مشروط این نظریه یا با اعمال اصلاحاتی در استفاده واقعی از آن، به کار می‌گیرند. به طور خلاصه، تعداد کمی از آرشیوداران سوابق عمومی به طور آگاهانه و موفقیت‌آمیز این رویکرد را به شکل پایدار به کار گرفته‌اند. علاوه بر این، مراحل اولیه در ایجاد



این رویکرد به عنوان یک راهبرد فراهم‌آوری در اوایل دهه ۹۰ (از طریق برنامه‌های عمومی دولتی) با شتاب و تعصب زیاد توصیف می‌شوند که به شکل عمومی مستند^۱ (Wilson, 1994, pp. 218-231) و با نتایج برنامه‌ها توجیه شده است. اگر برای چند لحظه نتایج را کنار بگذاریم، ویژگی عمل‌گرا و افزایشی به کارگیری این نظریه به تنهایی باعث ایجاد این پرسش جدی می‌شود که آیا ارزشیابی کلان به خودی خود می‌تواند پایه و اساس دقیقی برای استانداردسازی باشد؟

در ارزیابی برنامه تا این تاریخ، حقیقت مستتر در تجربه‌های عملی منجر به دوگانگی ویژه‌ای شده است. در این دوگانگی موفقیت برنامه ارزشیابی هم از نظر بیرونی و هم از نظر داخلی به دو مورد نسبت داده می‌شود: نخست انعکاس نظریه در روش‌های پیاده‌سازی؛ و دوم انعکاس شروط مرتبط با تأثیر برنامه به توافق‌های اجباری تحمیل شده توسط عوامل محیطی، یا عدم موفقیت در پیروی از فرایندهایی که به اندازه کافی اصول نظری را بازتاب می‌دهد. این کار خوب است اما قانع‌کننده نیست. با در نظر گرفتن مشاهدات، تجربیات و نتایج برنامه، دو موضوع بدیهی است: اول، رویکرد ارزشیابی کلان در آرشیو ملی یک موفقیت بوده و دوم، آنچه که باعث شده این نظریه کار کند، صرفاً پایه نظری آن نبوده است. ممکن است این عدم تجانس مشهود باعث آشفتگی نظریه‌پردازان شود اما لازم نیست شاغلانی که به دنبال روش‌ها و رویه‌های مؤثر هستند، نگران شوند.

بر اساس سنجش‌هایی که آزمون نهایی حسابداری نوین - کارایی بر اساس نتایج - انجام داده است، هیچ شکی وجود ندارد که برنامه سوابق دولتی آرشیو ملی، سابقه آرشیوی بهتری را حفظ می‌کند (Wilson, 1994, p. 223). این کار علی‌رغم هر معیاری (خواه مفهوم پویای منشأ، وابستگی و/یا کاربرد سوابق یا انعکاس مستند بهتری از کارهای جامعه) که ممکن است منتقدان بالقوه بخواهند به کار گیرند، انجام می‌شود. اگرچه تعیین کارآمدی عملیاتی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها بسیار دشوار است، آرشیو ملی برای دستیابی به این نتایج، منابع مشابهی که در گذشته استفاده می‌شده را به کار می‌گیرد. هنوز هم در میان ابهامات به وجود آمده بین نظریه و عمل در آرشیو ملی، منشأ و تأیید نظریه اصلی این مقاله در همین موضوع نهفته است.

به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود ابهامات برنامه، موفقیت آرشیو ملی با پیاده‌سازی ارزشیابی کلان به دست آمده است. کاملاً برعکس، اگرچه به نظر عجیب می‌رسد اما برنامه تا حد زیادی به دلیل وجود همین ابهامات، شروط روش‌شناختی و توافقات - از طریق آزمایش آگاهانه (در مقابل سنجش بداهه^۲)، کارمندان شکاک و تحمل مدیران مفسران مخالف - به موفقیت دست یافت. بدون وجود این شرایط، راهبرد فراهم‌آوری متأثر از ارزشیابی کلان برای سوابق دولتی محکوم به نابودی خواهد بود. با توجه به فاصله زیاد بین نظریه و حقایق تعیین تکلیف سوابق

۱. درحالی که می‌توان این روش را به عنوان نوعی از حساب ایده‌آل توصیف کرد، به طور کلی، تحلیل دقیق و جامعی از برنامه در سه سال اول فعالیت آن است که دیدگاه منصفانه‌ای درباره ابهامات و محدودیت‌هایی که پیاده‌سازی واقعی آن بر کار تحمیل کرده است را ارائه می‌دهد.

2. Versus mere ad hocery



در بخش دولتی (برای مثال: سختی‌های موجود برای فراهم‌آوری اطلاعات مورد نیاز ارزشیابی)، این موضوع از بین خواهد رفت.

به عبارت دیگر، ارزشیابی کلان زمینه خوبی برای استانداردسازی معیارها و روش‌های ارزشیابی ارائه می‌دهد اما این به دلیل سازگاری کامل با درک منشأ به عنوان «زمینه عملی تولید سوابق» نیست. بلکه، ارزشیابی کلان با اشتیاق به استفاده از رویه‌های استاندارد از طریق رویکرد مبتنی بر پژوهش، زمینه منعطفی را ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان استاندارد ایجاد کرد که امکان استفاده از روش‌های اجرایی و معیارهای ارزشی مختلف را دارد. این کار بدون در نظر گرفتن اینکه کارمندان به طور کامل از مبنای نظری آن پیروی می‌کنند یا خیر، صورت می‌پذیرد. در نهایت، استاندارد نتیجه اجماع حاصل برای حل مشکلات تکراری است. بر اساس پیروی از یک سنت قدیمی، کارمندان از استاندارد به دلیل کاربرد خوب آن استفاده می‌کنند و نه به عنوان سنگ محک سنجش کارها.

ابهام روش شناختی مرتبط با معیارهای ارزشیابی در هسته تولیدی نظریه ارزشیابی کلان قرار دارد؛ حفظ این عامل در تبدیل ارزشیابی کلان به یک ابزار مؤثر برای استانداردسازی، ضروری است. تبدیل موفقیت‌آمیز ارزشیابی کلان به یک استاندارد، دربردارنده تغییر شکل نظریه به عمل است که این عمل برای تطبیق دادن معیارهای مختلف که به طور مناسب در ارزشیابی خرد سوابق وجود دارند، انعطاف کافی را دارد. در صورتی که آرشیداران بخواهند به طور موفقیت‌آمیز از عهده دوره‌ای برآیند که با حجم عظیمی از سوابق رقمی توصیف می‌شود، به این عمق و سطح تحلیل در ارزشیابی خرد نیاز دارند. این شرایط نقطه‌ای را که باید به آن برسیم، مشخص می‌کند: اما اکنون در کجای این راه قرار داریم؟

۲- ارزشیابی کلان - افسانه ارزش استنباط شده

نظریه ارزشیابی کلان تا حدی به یک افسانه تلویحی متکی است، که بین اهمیت کار و ارزش سوابق حاصل از آن ارتباط مستقیم وجود دارد؛ بنابراین کار بی‌اهمیت یا تولیدکننده بی‌اهمیت سوابق، سوابقی را تولید خواهند کرد که فاقد ارزش پژوهشی هستند. ارزشیابی کلان برای دنبال کردن این هدف پیش از این به درستی با تحلیل دقیق‌تر فرایندهای سازمانی مشغول به تعریف کردن زمینه تولید بوده است. البته، این نظریه اهداف دیگری نیز دارد که پیشنهاد می‌کند از تمرکز ارزشیابی کلان بر فعالیت‌ها و کارها برای شناسایی تأثیرات اجتماعی نسبی آن فعالیت‌ها و کارها استفاده کرده و بدین وسیله محتمل‌ترین مکان‌ها را برای تولید سوابق آرشویی تعیین کند. آنچه که در انتهای این تحلیل پدیدار می‌شود، درک بهتر گستره و تأثیر نسبی سازمان‌های دخیل در آن کار، فهم بهتر فعالیت‌های هر سازمان خاص، درک شفاف‌تر



موارد حائز اهمیت و از جنبه نظری، کسب ایده بهتر از مکان‌هایی است که احتمال وجود سوابق آرشیوی در آن بیشتر می‌باشد. اما پیوند مستقیمی با سوابق ایجاد نمی‌شود. کوتاه‌ترین کلام درباره وضعیت سوابق در ارزشیابی را می‌توان در گفته‌های تری کوک پیدا کرد: «از نظر مفهومی یا نظری که در مقابل دیدگاه راهبردی قرار دارد، رویکرد جدید ارزشیابی کلان، تمرکز آرشیوی سنتی بر محتوای سوابق را رد می‌کند ... بنابراین «ارزش آرشیوی» را با میزان دقت انعکاس یا عدم انعکاس زمینه [تولید] در سوابق مرتبط، تعریف می‌کنیم» (Cook, 1995, p. 4). ارزشیابی کلان محتوای سوابق، به تعیین کوتاه‌ترین و دقیق‌ترین فرمول‌ها برای انتخاب سوابقی محدود می‌شود که به بهترین شکل با اولویت‌های کارکردی تعیین شده، تناسب دارند. این بحث عالی به نظر می‌رسد اما ما در حیطه چارچوبی عمل می‌کنیم که در آن ارزش سوابق فقط استنباط می‌شود (و اثبات نمی‌شود). استنباط بی‌اساس، پایین‌تر از سطح منطقی قرار دارد که سال‌ها تجربه در زمینه ارزشیابی آرشیوی ثابت کرده که این استنباط، اشتباه است. همان‌طور که تری ایستوود می‌گوید، «آرشیوها حاصل یک فرایند عملی هستند؛ البته، شناخت ویژگی‌های آن فرایند به ما نمی‌گوید که چه چیزهایی را باید نگه‌داری کنیم. داشتن این آگاهی برای انجام این عمل مناسب و حتی ضروری است اما تعیین‌کننده نتایج عمل نیست» (Easwood, 1992b, p. 112). آرشیودارانی که با سازمان‌های خصوصی یا تولیدکنندگان اختصاصی سر و کار دارند این استدلال غلط را با ارزش اطلاعاتی ذاتی در مرحله فراهم‌آوری خواهند دید. اما اکثر آرشیودارانی که کار ارزشیابی بخش عمومی را انجام می‌دهند شاهد بوده‌اند که «کارهای بزرگ» یک اداره باعث یک انفجار نسبی شده است. درحالی‌که سری سوابق با اهمیت ظاهراً کمتر، که از فعالیت‌ها یا سازمان‌های جانبی حاصل شده است، تبدیل به جواهرات سلطنتی آرشیوی شده یا به‌عنوان ادله تکمیلی که نسخه‌های کاملاً متفاوت از حقیقت که در سوابق دیگر موجود هستند، دارای اهمیت می‌باشند. مخصوصاً اگر به سامانه‌های ثبت‌نویس به‌عنوان یک راه‌چاره نگاه کنیم، این سامانه‌ها پر از شگفتی هستند.

ممکن است طرفداران ارزشیابی کلان پاسخ دهند که نبود مطابقت بین اهمیت کارکردی و ارزش آرشیوی احتمالاً نتیجه تحلیل‌های کارکردی اشتباه بوده و یا از پیش‌فرض‌ها درباره ارتباطات کارکردی که موردِ پژوهش قرار نگرفته‌اند، نشأت می‌گیرند (فرضیاتی که در زمان مقرر در مرحله ارزشیابی خرد نمایش داده می‌شوند). البته، کاربردهای پیشرفته‌تر و سازگارتر ارزشیابی کلان فقط به نسبت‌دادن ارزش نسبی به سازمان‌ها علاقه‌مند نیست؛ این کاربردها به دنبال شناسایی کارهایی هستند که ارزش‌های اجتماعی را در فضاهای کارکردی/سازمانی موردبررسی، بیان می‌کند. سپس این ارزش‌ها به هدف‌هایی برای مستندسازی از طریق ارزشیابی سوابق فیزیکی تبدیل می‌شوند. و قطعاً، کاربرد استنادنه تحلیل کارکردی درون یا بین

۱. البته ایستوود نتوانست به کاربردهای کامل مشاهدات او یا ارتباطات درونی بین یک رویکرد با ارزشیابی بر اساس وظیفه و ارزشیابی بر اساس «استفاده» که سعی داشت به جزئیات آن بپردازد، دست پیدا کند.

سازمان‌ها می‌تواند ارتباطات و فرایندهایی که بر اثر آن‌ها سوابق تولید شده‌اند را مشخص و به محل احتمالی اهداف آرشیوی اشاره کند (Piche, 1995, pp. 39-50).

اما اگر اشتباهات بر اثر تکیه بر این مفهوم -افسانه تلویحی ارزش استنباط‌شده درون ارزشیابی کلان، مخصوصاً جایی که ارزشیابی کلان به‌عنوان یک مرحله ثانویه و حتی اختیاری، درک می‌شود- رخ داده‌اند، چگونه باید از دیدگاه روش‌شناختی این خطاها را اصلاح کرد؟ تنها روش اصلاح که روشی مبتنی بر پژوهش است، صرف زمان بیشتر برای تحقیق درباره پیوندهاست. البته این راه‌حل، کاربردهای ژرفی برای برنامه‌های فراهم‌آوری دارد. حل این مسئله به‌جای روش‌های محصول‌گرا، با کار بیشتر معنای کاملاً جدیدی به روش‌های فرایندگرا خواهند داد.

در حقیقت، روش ارزشیابی کلان همانند بیشتر روش‌های سنتی، یک روش پر کار و بلندمدت و قطعاً از نظر ذهنی طاقت‌فرساست. ادعاهای منحصر به فرد درباره برتری عملی این روش به این شکل است که در صورت پیاده‌سازی صحیح، ارزشیابی کلان باید در بلندمدت سوابقی تولید کند که جامعه را به بهترین شکل مستند می‌کنند. تاکنون رویکرد نظام‌مند ارزشیابی کلان در پشت صحنه باعث صرفه‌جویی مالی در مراحل پردازش، ذخیره‌سازی و کنترل عقلانی‌شده اما در صرفه‌جویی مالی در مرحله برنامه‌ریزی برای فراهم‌آوری نقش نداشته است. پیاده‌سازی رویکرد ارزشیابی کلان ممکن است باعث ایجاد هزینه‌های جانبی در مراحل اولیه و منجر به ورود سوابق بیشتر شود. این ممکن است به این معنا باشد که پردازش و هزینه‌های بیشتر حتی شاید باعث از بین رفتن ذخایر مالی نیز شود. جبران کردن با صرف زمان بیشتر برای بالابردن تمرکز ارزشیابی به‌جای بیشتر کردن حجم منابع، به‌ندرت یک راه‌حل نظری یا روش‌شناختی است.

تمرکز بر زمینه در ارزشیابی کلان باعث به‌وجود آمدن یک مسئله دیگر نیز می‌شود. در حقیقت حتی اگر ارتباط مستقیمی بین فعالیت و ارزش آرشیوی وجود داشته باشد، استفاده از این پیوند در ارزشیابی فاقد دقت کافی است. این مسئله که آیا فعالیت مهم به معنی این است که تمام سوابقی که توسط آن فعالیت تولید شده‌اند، آرشیوی هستند یا خیر و یا حتی اینکه انجام فعالیت‌های خاص باعث تولید سوابق آرشیوی می‌شود یا خیر، نامعلوم باقی می‌ماند. اگر به‌طور معمول مورد مدنظر باشد، بر خلاف این نظریه، ارزشیابی کارکردی سطح بالا خیلی شبیه به تعیین حجم هر چیز، یا مطالعه دقیق متون، نخواهد بود. آیا تحلیل کارکردی دقیق به ما می‌گوید که سوابق، اسناد آرشیوی لازم و کافی را ارائه می‌دهند یا فقط مکانی را مشخص می‌کند که برای بررسی‌هایمان می‌توانیم به آنجا مراجعه کنیم؟

بین ارزشیابی فعالیت‌ها و انتخاب سوابق آرشیوی، یک فاصله روش‌شناختی عمده وجود

۱. فرمول بروس ویلسون که پیش از این به آن اشاره شد تأیید می‌کند که ارزشیابی خرد در حقیقت در حوزه بزرگتر ارزشیابی کلان، هم به‌صورت اختیاری و هم به‌صورت فرعی در نظر گرفته می‌شود.

دارد. کوک نگاه دقیق به سوابق را به عنوان دومین مرحله در روش ارزشیابی کلان در نظر می‌گیرد. در حقیقت، در اینجا ارزشیابی کلان نه تنها ضروری است بلکه در بیشتر موارد حیاتی بوده و احتمالاً در شناسایی حقیقی سوابق آرشیوی، چیزی مهم‌تر از ارزشیابی کلان وجود دارد. در ارزشیابی کلان نمی‌توان فقط امیدوار بود که کاری بیشتر از تعیین مکان عملی مهم‌ترین سوابق، و مشخص کردن زمینه تولیدکننده سوابق، و فعالیت تولید سابقه انجام شود. برای اطمینان یافتن از این موضوع، روش‌های مختلف ارزش‌گذاری می‌توانند تخمین اینکه هر سازمان تمایل دارد در هر مورد چه تعداد از سوابق را در اختیار گیرد، تسهیل کند؛ یک تحلیل سود-زیان خام که اطلاعات کافی برای ارزشیابی کلان را در مرحله بعد ارائه می‌دهد. به هر حال ارزشیابی کلان برای ارائه موارد خاص ضروری است و ارزشیابی درباره همین موارد خاص است. گواه این مطلب در انتخاب دقیق است که نمی‌توان آن را با تحلیل فعالیت‌ها انجام داد. در انتها، نتایج حاصل از ارزشیابی باید قابل‌درک و قابل اندازه‌گیری باشند.

اطمینان داشته باشید کاربردهای ارزشیابی کارکردی کلان برای انتخاب در نمونه‌های افراطی، آشکارتر هستند. وقتی با موارد سیاه و سفید سر و کار داریم، تحلیل کاربردی دلایل مشهودی برای مخالف‌ترین منتقدان ارائه می‌دهد. ممکن است برای یک نفر ماهیت کلی کار در ارتباط با حجم سوابق چنان اهمیتی داشته باشد که آرشیودار همه چیز را تفسیر کند. یا ممکن است ماهیت کار چنان جزئی یا حاشیه‌ای باشد که آرشیودار متوجه چیزی نشود. برعکس، ممکن است آرشیودار از تحلیل کارکردی برای تعریف کردن مرز بین فرایندهای اداری انجام‌شده، استفاده کند که گزارش‌های نزولی محتمل پژوهش‌های بیشتر را تضمین نمی‌کند. در این موارد، ممکن است ارزشیابی کلان حقیقتاً غیرضروری یا مختصر باشد.

برای مثال، آرشیودار می‌خواهد چه مدت زمانی را صرف تعیین ارزش سوابق تولیدشده در دفتر انجمن شرکاء^۱ کند؟ ما به‌طور حسی می‌دانیم که فعالیت دفتر انجمن شرکاء بالاترین سطح تصمیم‌گیری در دولت کانادا را مستند می‌کند. ممکن است متوسل شدن به تحلیل سندشناختی تعداد محدودی از سوابق منتخب تمام چیزی باشد که برای انتخاب دقیق‌تر از میان حجم زیاد یا یک مجموعه متمرکز از سوابق به آن نیاز داریم. ممکن است یک آرشیودار با تجربه زیاد و مجهز به روش سنتی تنها نیاز ما برای اجرای برنامه تعیین تکلیف بلندمدت باشد.^۲ با نگاه کردن به آن طرف قضیه این سؤال مطرح می‌شود که وقتی پنجاه سال ارزشیابی در حوزه‌های قضایی مختلف (همان‌طور که در آرشیو ملی انجام شده است) به‌جز در موارد استثنایی، بی‌ارزش بوده است، یک سازمان آرشیوی می‌خواهد چند نفر از کارکنان ارزشیابی با تجربه خود را برای ارزشیابی سوابق مالی عادی در یک حوزه قضایی اختصاص دهد؟ وقتی ماهیت یک فعالیت مشخص شد، چه مورد دیگری باقی می‌ماند؟ ممکن است ارزشیابی کلان

1. Privy Council Office (PCO)
۲. دو آرشیوداری که در طول بیست سال گذشته مسئول دفتر انجمن شرکاء بودند به‌طور غیررسمی تخمین زدند که نسبت سوابق کاغذی دفتر انجمن شرکاء که دارای ارزش آرشیوی هستند تقریباً معادل با ۷۵ درصد کل سوابق است اما این تخمین برای سامانه‌های الکترونیکی به‌شکل قابل‌توجهی پایین‌تر است. این سنجش‌ها، سوابق اداری عادی را شامل نمی‌شود (Interviews with James Whalen and David Smith, March-April 1999).

به جای تعریف کردن آنچه که آرشیوی است، در شناسایی بلوک‌های بزرگ از سوابق که فاقد ارزش آرشیوی هستند، به بهترین شکل عمل کند. این موضوع به آن بدی که در ابتدا به نظر می‌رسد، نیست. به جز در مواردی مانند جاسازی حیطه‌هایی که ضامن پژوهش‌های بیشتر و به کارگیری تمام و کمال ابزارهای جدید از طریق ارزشیابی خرد است؛ پیش از این دیدیم، ارزشیابی کلان در شناسایی فعالیت‌های مهم به طور معمول یک ابزار غیر دقیق است. اما در این صورت، حین انجام این کار، تحلیل کاربردی نیز با تعریف و شناسایی پیش فرض این حوزه‌ها، جایی که گزارش‌های نزولی باید وجود داشته باشند، باعث می‌شود اهداف آرشیوی به شکل بهتری در معرض بررسی متمرکزتر قرار گیرند.

اما اگر آرشیودار مجبور است بر اساس منابع محدود، تصمیمات سختی اتخاذ کند، و سوسه زیادی برای پیروی از این منطق در تدوین راهبرد فراهم‌آوری وجود دارد (یعنی، انتخاب اینکه کدام سازمان‌ها و کارها به طور کامل ارزشیابی خواهند شد). فقط در صورتی که این تصمیم بر اساس اجبار واقعی در تحلیل کارکردی اتخاذ شده باشد، نتیجه آن برای تعیین تکلیف برخی از سوابق آرشیوی ارائه شده و قربانی شدن میراث مستند برخی افراد کاملاً محتمل است. مهم‌ترین نکته این است که اگر یک سازمان آرشیوی ارزش آرشیوی را به سادگی بر اساس اهمیت کارکردی استنباط می‌کند، این راهبرد دچار نقص است زیرا امکان انتخاب میان بالاترین سطح وجود ندارد - و به جای آن فقط امکان انتخاب میان تولیدکنندگان سابقه - که کارها را انجام می‌دهند - وجود دارد. بر اساس تجربیات بسیار، آرشیوداران به ندرت قادر هستند که بدون نگاه کردن به سوابق، با قاطعیت بگویند می‌توان از این اداره چشم‌پوشی کرد.

برای مثال برنامه زبان رسمی^۱ دولت فدرال را در نظر بگیرید که کارهای مرتبط با پروفایل‌های زبان‌شناختی بزرگتر جامعه کانادا را انجام می‌دهد و یکی از عوامل ضروری در هویت ملی است. چگونه یک آرشیودار می‌تواند برای تصمیم‌گیری درباره اینکه سوابق باید از کجا گرفته شوند، هیئت خزانهداری، دفتر کمیسیون زبان‌های رسمی، وزارت میراث ملی کانادا، دفتر انجمن شرکاء، کمیسیون خدمات عمومی یا پارلمان را انتخاب کند؟ حداکثر کاری که آرشیودار می‌تواند از طریق ارزشیابی کلان انجام دهد، کسب ایده بهتر درباره این است که کدام موجودیت‌ها روی ارتباط بین کارهای فرعی مختلف بیشترین تأثیر را دارند که در این حالت ممکن است ارتباط یک‌به‌یک نزدیک‌تری بین موجودیت و فعالیت وجود داشته باشد. برای اطمینان یافتن از این موضوع، آرشیودار با درک بهتر زمینه کارکردی قادر خواهد بود سوابق آرشیوی را از تولیدکننده هر سابقه جدا کرده و فهم بهتری از اشتراکات، نسخه‌های تکثیر شده یا بخش‌هایی از برنامه پیدا کند که ارزش مستند شدن را دارند^۲. اما این کار هم به آرشیودار نمی‌گوید که کدام تولیدکنندگان، منبع بهترین سوابق هستند.

1. Official Languages

Program

۲. علی‌رغم ناکارآمدی دولت، نظریه پردازان ارزشیابی کلان، بارها و بارها درباره تکثیر و هم‌پوشانی کارکردی صحبت کرده‌اند. تحلیل‌های کارکردی بین مؤسسات که آرشیو ملی از سال ۱۹۹۱ انجام داده است با اصول عقلانی دیوان‌سالاری ایالتی در حیطه رفاه و آزادی‌خواهی پس از جنگ، مطابقت دارد. اصول و معیارهای پاسخگویی که سامانه تغییر یافته مدیریت هزینه‌ها ایجاد کرده به این معنی است که خود ادارات دولتی، ارزشیابی کلان را در سطح بالا از فعالیت‌های خود انجام داده و به صورت سالانه آن را به روزرسانی می‌کنند. ما آرشیوداران خیلی دیر به مزیت‌های روش‌شناسی ارزشیابی پی بردیم درحالی‌که دولت که اکثر رونوشت‌برداری‌های واقعی را خارج از سامانه انجام می‌دهد، باعث بالا رفتن کارایی عملیاتی در حیطه فراهم‌آوری آرشیوی می‌شود.



پس ارزشیابی کلان می‌تواند در امحاء سوابق بسیار مؤثر باشد. در یکی از جدیدترین تجربیات آرشیو ملی با سوابق اداری عمومی - که از طریق تحلیل کارکردی می‌توان گفت ارزش آن‌ها بسیار پایین بوده و سی درصد از کل سوابق تولیدشده در دولت کانادا را تشکیل می‌دهند- ثابت شده که روش‌های ارزشیابی کلان به‌طور خاص، مؤثر است (Government of Canada, National Archives of Canada, 1998) وقتی این منطق را در موارد خاص به‌کار می‌گیریم، آنقدر قدرتمند است که باعث تغییر شکل کل پروژه به تولید مجموعه‌ای از مجوزهای رسمی شود که اجازه امحای مدخل‌های زیادی از سوابق اداری را صادر می‌کند. بنا به مصلحت، تعداد کمی از سوابق باارزش یا دارای پتانسیل به‌عنوان فرایندها یا فعالیت‌های جانبی شناسایی شده از مجوزهای عمومی، مستثنی شدند. اگر ارزشیابی می‌تواند در سطح کارکردی مشخص کند که فعالیت یا تولیدکنندگان سابقه احتمالاً نمی‌توانند ارزش آرشیوی ایجاد کنند - حتی با دانستن گستره و پیچیدگی کارهای سنگین و بی‌ربط و پیچیدگی تولید سوابق در میان سازمان‌ها و جریان اطلاعات- ممکن است سازمان‌های آرشیوی بتوانند کار سخت ارزشیابی کلان را به‌حداقل رسانده یا از آن چشم‌پوشی کرده و میلیون‌ها دلار صرفه‌جویی کنند (مقیاس عملیات باید به اندازه کافی بزرگ بوده و ارزشیابی کارکردی مشروط به درک واضح و تخمین خطرات باشد).

البته در مورد سوابق مدیریت مالی دولت کانادا، این کاربرد به ظاهر اصلی تحلیل کارکردی فقط به این دلیل کار می‌کند که تحلیل کارکردی بدون پشتوانه اجرا نمی‌شود، بلکه سال‌ها تجربه تعیین تکلیف و مستندسازی پشت آن قرار دارد. این تجربه باعث می‌شود دانش گردآوری شده درباره سوابقی که باید خوانده شوند به‌طور غیرمستقیم در تحلیل کارکردها وارد شود. علاوه‌براین، آرشیودارانی که ارزشیابی اسناد مدیریت مالی دولت کانادا را انجام می‌دهند، پیش از شروع کار بررسی کل مداخل هیئت خزانه‌داری، «دفتر منافع اولیه»^۲ را مرور کنند. این کار بسیار دشواری است که از تحلیل‌های چندگانه سنتی و کارکردی استفاده می‌کند. بیرون انداختن ۱۰ درصد یا بیشتر از کل سوابق دولت کانادا بدون نگاه کردن به آن تندروری به‌نظر می‌رسد اما تصمیم‌گیری درباره نگاه‌داری یا نابودی از یک سنت تعیین تکلیف غیررسمی پنجاه‌ساله پیروی می‌کند که هیچ‌یک از ارباب رجوعان بالقوه نسبت به آن اعتراض نداشته‌اند. وابستگی این پروژه بزرگ به گذشته، معمولاً معیارها و تجربیات ارزشیابی سنتی، نشانگر تجربه گسترده‌تر با معرفی ارزشیابی کلان به برنامه‌های رسمی فراهم‌آوری برای کسب موفقیت است. این وابستگی نظریه آرشیوی به ترکیبی از بهترین روش‌های قدیمی و استفاده افزایشی از نظریه کارکردگرایی، کاربردهای ژرفی در چگونگی به‌کارگیری و در زمینه قرار دادن رویکرد ارزشیابی کلان دارد. آنچه که تغییر الگو در سطح نظری به‌نظر می‌رسد، تغییر الگو در سطح

۱. ارزشیابی وظیفه مدیریت مالی در بخش چهار از این مقاله، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

2. Office of primary interest

به‌کارگیری و ماهیت نوعی از ترکیب بینش مفهومی و بهترین روش‌های قدیمی است. درحالی‌که موارد بالا نشان می‌دهد ارزشیابی کلان می‌تواند در دو طرف طیف ارزش کارکردی بسیار بالا یا تقریباً صفر مؤثر باشد، هنگام بررسی حیطه‌های میانی (جایی که فعالیت‌ها دارای اهمیت اجتماعی غیرقابل‌انکار هستند اما حجم زیادی از سوابق -نسبت به ارزش کارکردی آن‌ها- را تولید می‌کنند که باید نگه‌داری شوند) این رویکرد بسیار مشکل‌آفرین بوده و نتایج مبهم‌تر خواهند بود. چیزی عادی‌تر از تجربه پیدا نکردن ارزش در یک کار در سطح ارزشیابی کلان، تجربه یافتن ارزش بالا در برخی از فعالیت‌هاست. بیشتر ارزشیابی آرشیوی در این منطقه خاکستری اتفاق می‌افتد.

آیا کاری که نوعی از ارزش اجتماعی را بیان می‌کند، گرفتن یک تا ده درصد از سوابق یا صد در صد آن‌ها را توجیه می‌کند؟ غالباً گزارش‌های ارزشیابی بر اساس تعمیم کارکردی بسیار سطح بالا استدلال می‌کنند که اداره موردنظر کار خیلی مهمی انجام داده و بنابراین آرشیوها باید تمام یا بیشتر سوابق آن را نگه‌داری کنند. الگوی چنین نتیجه‌گیری‌هایی ممکن است پژوهش‌های سطحی یا پروژه‌هایی را به‌کار گیرد که برای تعیین ویژگی‌های مناسب ارزشیابی کلان در وهله اول، بسیار محدود هستند. اما در بسیاری از موارد، نتایج در حقیقت توجیه می‌شوند؛ عامل توجیه‌کننده نتایج این حقیقت است که آرشیودار باید به‌جای تحلیل ارزشیابی کلان، بیشتر روی مجموعه سوابق مهم تمرکز داشته باشد. آنچه غالباً اتفاق می‌افتد روش ارزشیابی سنتی مبتنی بر سابقه است که کار را از طرق دیگری به انجام می‌رساند. البته ارزشیابی کلان نمی‌تواند به‌شکل یک مطالعه ساده باشد؛ ارزشیابی کلان باید به‌صورت مطالعه پژوهش‌ها و مفاهیم باشد.

عواقب سرمایه‌گذاری ناکافی، کارکنان بی‌تجربه یا تغییر زیاد موجودی‌ها می‌تواند ابهامات کار کردن در این حیطه خاکستری را بیشتر کرده و این خطر حقیقی وجود دارد که ارزشیابی کلان به‌دلیلی برای کار سطحی تبدیل شود که بر اساس ویژگی‌های خود از مرور و بررسی نقادانه‌رهایی می‌جوید. یک روش پیشرفته که به عمومی‌سازی وسیع با حداقل تأیید اعتماد زیادی دارد (درحالی‌که در شرایط دیگر یک وسیله قدرتمند برای تشخیص ارزش است) در اینجا به یک ابزار خطرناک و گمراه‌کننده تبدیل می‌شود.

حالا تصور کنید خواننده به اشتباه این تفسیر را به‌عنوان نمونه‌ای از خطاهای مهلک یا به‌عنوان عدم پذیرش آشکار این روش در نظر بگیرد؛ اجازه دهید درباره کاربرد آنچه در اینجا به‌عنوان افسانه تلویحی ارزش آرشیوی استنباط شده (این مفهوم که تحلیل کارکردی زمینه تولیدی می‌تواند ارزش را تعیین کند)، شناسایی شده، صریحاً صحبت کنیم. این مرحله از بحث در ابتدا نشان می‌دهد که این روش می‌تواند فقط بر اساس گردآوری اساسی دانش، پیش‌شرط

لازم برای به کار بردن هر راهبرد پژوهش محور برای ارزشیابی، کار کند. این مفهوم کاربردهای حرفه‌ای و عملیاتی عمیقی دارد. مبنای اساسی دانش بر پایهٔ چرخش‌های پنج‌ساله یا سلطه بر برخی ادراکات نظری اساسی بنا نشده است. یک شغل در پژوهش آرشیوی عملیاتی از یک شغل در مدیریت (جایی که ممکن است گردش شغل‌ها مناسب باشد)، و یا یک شغل در پشتیبانی فنی غیرحرفه‌ای (جایی که نظریه حکمرانی می‌کند) متفاوت است.

علاوه بر این، به جای رد ارزشیابی کلان، این مرحله از بحث به دنبال نشان دادن این است که ارزشیابی کلان می‌تواند به طور دقیق و مؤثر کار کند اما فقط زمانی این اتفاق می‌افتد که به ارزشیابی حقیقی سوابق گره خورده باشد؛ ارزشیابی خرد از ابزارهای مورد نیاز این رویداد برای از بین بردن بخش‌هایی از سابقه بهره می‌برد که دارای ارزش پایدار بوده و به طور توجیه‌پذیری می‌توان آن‌ها را حفظ و نگهداری کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند ماهیت این الزامات را بر اساس معیارهای قبلی درک کند. همان‌طور که جین استفان پیشه^۱ در نتیجهٔ تحلیل کارکردی اولیه خود از سوابق املاک در سال ۱۹۹۴ ذکر می‌کند، «فرضیه [ارزشیابی کلان] باید با استفاده از روش‌هایی که به سوابق حقیقی نگاه می‌کنند، تأیید شود- تا اطمینان حاصل شود که ماهیت سوابق با نتایج تحلیل کارکردی ارزشیابی کلان مطابقت دارد» (Piche, 1995, p. 48). یک فرضیهٔ کم‌وبیش دقیق دربارهٔ ارزش استنباط‌شده، آن چیزی است که ما در انتهای مرحله ارزشیابی کلان کارکردی داریم. پس، هر تصمیم‌گیری دیگری به ارزشیابی کلان یعنی ارزشیابی فیزیکی محصول سوابق، بستگی دارد.

این مرحله از بحث منجر به سؤال منطقی بعدی می‌شود: گستره این مرحله از ارزشیابی خرد در روش‌های ارزشیابی کلان چیست؟ برای پیدا کردن پاسخ، باید مستقیماً به سمت نظریه‌های متفکرانهٔ تری کوک و ریچار بروآن در بخش بعد برویم که پس از آن چند نمونه عینی خواهیم دید که در آن آرشیوداران با تجربه در حوزه ارزشیابی، ارزشیابی خرد را با کاربردهای ارزشیابی کلان ترکیب کرده‌اند.

۳- ابهام در سطح نظری؛ در نهایت، ارزشیابی کلان چیست؟

ارزشیابی کلان به عنوان یک استاندارد ارزشیابی «سبک» دارای مزیت‌هایی است که استعداد درونی آن غلبه بر پیچیدگی‌های فراوان ابزارهای تحلیلی است که این روش ارزشیابی آن‌ها را دربرمی‌گیرد. ابهام مشهود در پیاده‌سازی عملی فقط برخاسته از دشواری عملی به کارگیری این نظریه در یک محیط کاری نیست؛ این ابهام از خود نظریه نشأت می‌گیرد. روی هم رفته، این یک نقطه قوت است: این حقیقت که ابهام مورد نظر از پیچیدگی ذاتی عمل ارزشیابی نشأت می‌گیرد، از ابزارهای ارزشیابی مختلف که برای بررسی این پیچیدگی به کار گرفته

1. Jean-Stephen Piche



می‌شوند پشتیبانی می‌کند.^۱ با این حال، همان‌طور که در بحث‌ها مشخص خواهد شد، نیروی محرکه برای ثبات در این نظریه، مانعی اساسی در برابر استفاده از ارزشیابی کلان در ایجاد اجماع روش‌شناختی جدید، ایجاد می‌کند. این موضوع بحث اصلی مقاله حاضر است. البته در پشتیبانی از این بحث که آن نوع از ثبات، همراه‌کننده است، هدف ما این نیست که مقاله حاضر را تا سطح مباحثه دربارهٔ اصول اولیه نظری بالا ببریم. باز هم، ایجاد یک مورد قانع‌کننده که در آن تمرکز روی عمل ارزشیابی، به‌شکلی که در برخی نمونه‌های مطالعاتی مشهود است، ممکن نیست. پاسخگویی به ابهامات مرتبط با کاربردهای خاص که از اشتباهات صرف نشأت می‌گیرند یا توافقات اجتناب‌ناپذیر که در دنیای واقعی بر تعیین تکلیف سوابق تحمیل می‌شوند، آسان خواهد بود.

برای آشکار کردن بحث، لازم نیست از تفسیرهای اصلی تری کوک و ریچارد بروان دربارهٔ ارزشیابی کلان پیش‌تر برویم. پرسش‌های اساسی در حال بررسی عبارتند از: چگونه این تفاسیر، مرحله دوم یا مرحله ارزشیابی کلان مدل را متصور می‌شوند؟ کاربردهای این فرمول برای رویکردهای استاندارد ارزشیابی چیست. دلیل مراجعه به کوک و بروان آشکار است. کوک مبتکر و مدافع پیشگام برای نظریه و روش‌شناسی خالص در رویکرد ارزشیابی کلان است درحالی‌که بروان، یکی از جدی‌ترین همکاران کوک، عمداً به دنبال اصلاح پایداری نظری آن می‌باشد. کوک به‌عنوان نظریه‌پرداز که برنامه تعیین تکلیف بزرگ‌ترین مؤسسه آرشیوی در کانادا را ایجاد کرده، دارای اعتبار است. آرشیو ملی آزمایشگاه زنده‌ای است که بازیگر محلی خود یعنی متغیر «کانادایی» در مباحثه نظری بزرگتر را به یک راهبر، با برنامه و روشی استفاده کرده که به دنبال تعریف معیارهای جدید برای ارزش آرشیوی است. در جدیدترین فرمول‌بندی او در «هر آنچه گذشت، پیش درآمد است»^۲، او تصور خود از نظریه و عمل ارزشیابی را به‌طور خلاصه و به شکل زیر تعریف می‌کند:

تمرکز باید اول روی زمینه اصلی نگاه‌داری از سوابق و بعد روی تحلیل و ارزشیابی اهمیت کارها، برنامه‌ها، اقدامات و تبادلات دولتی - و تعامل شهروندان با آن‌ها - باشد که باعث تولید سوابق می‌شود. سپس قبل از نهایی کردن نتیجه حاصل از ارزشیابی، این نتایج با «مطالعه» تفسیری «متن» خود سوابق، آزمایش می‌شود؛ اما این کار زمانی انجام می‌شود که ارزشیابی کلان کارها و فرایندهای اداری کامل شده باشد (Cook, 1997, p. 32).

برای کوک این رویکرد مخصوصاً در عصری که سوابق به‌طور فزاینده الکترونیکی شده‌اند، مرتبط می‌باشد: این رویکرد به آرشیوداران اجازه می‌دهد تا با این واقعیت اساسی که «فیزیک سوابق در مقایسه با زمینه چند رابطه‌ای تولید و استفاده‌های کنونی از آن‌ها از اهمیت بسیار کمی برخوردار است» (Cook, 1997, p. 39) روبه‌رو شوند. همچنین ارزشیابی کلان به آرشیوداران

۱. در این مورد از خوانندگان می‌خواهم به مقالات افراد زیر مراجعه کنند: برین بروث‌من، ریچارد بروان، تری کوک، ریچارد کاکس، باربارا کرایچ، لوجیانا دورانتی، تری ایست‌وود، مارک گرین، جerald هان، کریس هارلی، هیئر مک‌نیل و هلن سامونلز.

2. What is Past is Prologue



اجازه می‌دهد که موقعیت خود به‌عنوان رهبران عقلی و اداری در جلوی طیف سوابق را تغییر دهند (Cook, 1997, p. 36). گسترش منطقی این بحث که در رفتارهای نظری پیتز اسکات، مارگارت هداستورم و دیوید بیرمن انعکاس یافته است^۱، امکان پذیرفتن مدل کامل پس از سرپرستی - آرشیو مجازی تغییر یافته - را فراهم می‌آورد. همان‌طور که کوک می‌گوید، در این آرشیوها، آرشیوداران نقش سنتی حفاظت از منشأ «درک و روشن‌گر پیوندهای زمینه‌ای» از طریق مدیریت کنترل از راه دور «سابقه یا شاهد در سامانه اطلاعات رایانه‌ای سازمان(ها)» (Cook, 1992a, p. 42) را ایفا می‌کنند. از نظر کوک، این تغییر در تمرکز منجر به یک تغییر رویکرد اساسی شده است:

برای پاسخگویی به این چالش‌ها، اصالت از مفهوم «ایستای» پیوند مستقیم سابقه به دفتر تولیدکننده آن در یک ساختار سلسله‌مراتبی، باید به مفهوم «پویای» متمرکز بر کارها و فرایندهای تولیدکننده تبدیل شود که باعث تولید سابقه در سازمان‌های رو به رشد و در میان آن‌ها می‌شود (Cook, 1992a, p. 47-48).

مقاله سال ۱۹۹۷ کوک، گوهری از ترکیب‌های نظری و سختگیری‌های کتابشناختی است. با این حال، یکی از مفاهیم (ملحق به آخرین مشاهدات)، پذیرش این موضوع است که فرضیه «پس از سرپرستی»... مسلماً می‌تواند بیش از تفاوت در اهمیت، به‌عنوان یک شکاف بنیادی از گذشته در نظر گرفته شود» (Cook, 1992a, Endnote 83). این ادعا باید به‌عنوان یک ویژگی حائز اهمیت در نظر گرفته شود که از این لحاظ، در واقع این نظریه را کامل کرده و ارزشیابی کلان را به چیزی بیشتر از رویکرد کارکردی مبتنی بر اصالت، تبدیل می‌کند. در حقیقت ارزشیابی کلان ترکیبی از گذشته و حال و یا پذیرش عنوان مهیج «ادغام گذشته در حال» است که کوک استفاده کرده است اما این ترکیب به‌شکلی اتفاق می‌افتد که کوک هرگز از آن آگاهی نداشت. البته مسئله این نیست که نظریه‌پردازان را به‌خاطر تناقض‌ها مورد سرزنش قرار دهیم بلکه به برخی از منتقدان مهم او اشاره دارد که ادعا می‌کنند الگوی کوک به‌طور بالقوه بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در ابتدا به‌نظر می‌رسد. درحالی‌که کوک رویکرد خود را با فرضیه اصولی مورد استفاده برای توجیه راهبردهای «پس از سرپرستی» مرتبط می‌کند، راهبرد ارزشیابی کلان او، پایگاهی را ارائه می‌دهد که قادر به پشتیبانی از رویکردهای بسیار مختلف برای عمل ذهنی مرکزی ارزشیابی است: یعنی انتخاب چیزی که باید نگه‌داری شود.

در مرکز این نظریه و روش‌های به‌کارگرفته‌شده برای موردهای داده‌شده، رویکردی دو مرحله‌ای قرار دارد: اول، ارزشیابی کلان و از بالا به پایین کارها و فرایندها و دوم ارزشیابی خرد: ارزیابی فیزیکی سوابق برای تأیید این فرضیه درباره اولویت‌های آرشیوی که از تحلیل کارکردمحور تولید سوابق نشأت می‌گیرد. اما در حقیقت ارزشیابی کلان چیست و چه زمان

۱. دیوید بیرمن آشکارا، کلیدی‌ترین نظریه‌پرداز در این زمینه است. اثر چاپ‌شده او بسیار گسترده است اما مقاله زیر که با همکاری مارگارت هداستورم نوشته، نمایانگر ایده‌های اوست:

“Reinventing Archives for Electronic Records: Alternative Service Delivery Options,” in Margaret Hedstrom, ed., *Electronic Records Management Program Strategies* (Pittsburgh, 1993), pp. 82–98.

از طریق همین مقاله می‌توان به ایده‌های هداستورم پی برد. مشارکت اولیه پیتز اسکات در اندیشه‌های آرشیوی، سامانه سری‌های استرالیاست؛ این کار بر این فرض استوار است که پذیرش مفهوم طیف سوابق برای تغییر رویکرد، اساسی بوده و تغییر افراد متخصص برای مواجهه با سوابق الکترونیکی، ضروری است. رسانه‌های سوابق الکترونیکی آشکارا مزیت‌های روش‌شناختی ارائه زمینه کارکردی تولید سابقه نسبت به محتوا و فیزیک سابقه را اثبات می‌کنند. برای کسب اطلاعات درباره ایده‌های پیتز اسکات به منبع زیر مراجعه کنید: Archives and Manuscripts, various articles, 1979–1981 برای کسب اطلاعات درباره تقویت نظری زمینه‌های کارکردی تولید سابقه در استرالیا به منبع زیر مراجعه کنید:

Chris Hurley, “Ambient Functions: Abandoned Children to Zoos,” *Archivaria* 40 (Fall 1995), pp. 21–39.



ارزشیابی کلان آشکارا شامل مرحله ارزشیابی خرد بوده و آیا ارزشیابی کلان در حقیقت تشکیل‌دهنده یک تغییر اساسی در مفاهیم و روش‌هاست؟

یکی از کلیدهای درک بُعد نظری مفاهیم کوک درباره مرحله ارزشیابی کلان را ممکن است در عملیات تحلیل سندشناسی در راهبرد ارزشیابی و نظریه ارزشیابی کلان پیدا کنیم. کوک با این پیشنهاد مستقیم که «احتمالاً هیچ کس نمی‌تواند با انجام تحلیل‌های سندشناسی روی مدارک منفرد، ارزشیابی جدید را به انجام برساند»، کار خود را آغاز می‌کند. اما بعد از این پیچیدگی‌ها آشکار می‌شوند. هدف کلی تحلیل‌های کوک در این نقطه حساس، اجماع و ترکیب است؛ نه سازگاری نظری؛ بنابراین مباحثه بیشتر از اینکه «این موضوع نباید شامل پرسش درباره این باشد که آیا تحلیل کارکردی بالا به پایین تولیدکنندگان، بهتر یا بدتر از تحلیل سندشناسی پایین به بالای مدارک است یا خیر، بلکه باید شامل این تشخیص باشد که هر دو رویکرد،

بینش‌های مهمی برای پیشنهاد درک زمینه‌ای از سوابق را دارا بوده و بنابراین هر دو رویکرد باید به‌عنوان ابزارهای مرتبط توسط آرشیوداران به کار گرفته شوند (Cook, 1992a, p. 37). کوک گفتار خود را با این جمله‌ها پی می‌گیرد که «همانند ریچارد، بروان پیشنهاد استفاده از علم تفسیر آرشیوی به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت تحلیل و فرضیه ارزشیابی کلان را ارائه می‌دهد» (Cook, 1992a, Endnote 55). کوک در اثر خود درباره ارزشیابی پرونده و در گفتار اصلی خود درباره نظریه ارزشیابی کلان در «ذهن بالاتر از موضوع»، در مورد رویکردهای سابقه‌محور سنتی در مرحله ارزشیابی خرد ثانویه، آشکارتر عمل می‌کند (Cook, 1991a, 1991b; Government Archives Division, National Archives of Canada, 1991, Cook, 1992a). کوک در سال ۱۹۹۹ حیطه گسترده‌ای برای به‌کارگیری معیارهای آرشیوی سنتی در مرحله ارزشیابی خرد را بیان کرده است:

وقتی ارزشیابی کلان به اتمام رسید و ردیف‌ها، طبقه‌ها، سامانه‌ها یا مجموعه‌ای حقیقی از سوابق برای ارزشیابی در مقابل آرشیوداران قرار گرفت، جایی که جزء‌گرایی بیشتر لازم یا مطلوب است، می‌توان معیارهای ارزشیابی سنتی را برای سوابق موردنظر به کار گرفت. چنین معیارهایی برای اصلاح ارزش سوابق منفرد یا گروه‌بندی یا سری‌های کوچک سوابق در شبکه ساختاری - کارکردی، راهبردی - نظری، مورد استفاده قرار می‌گیرد. موضوعات سیاسی، فنی، حقوقی و حفظ و نگهداری هم در همین مرحله مورد توجه قرار می‌گیرند. استفاده‌های پژوهشی کنونی نیز ممکن است فقط در مرحله نهایی مورد توجه قرار گیرند اما محرک فرایندها نیستند ... این معیارهای ارزشیابی خرد دربردارنده ارزیابی عامل‌هایی مانند سن، یکتایی، زیبایی‌شناختی، گستره زمانی، اعتبار، کامل بودن، اندازه، قابلیت دستکاری، شکنندگی، نسخه‌برداری، ارزش مالی، ارزش کاربردی و غیره، است.^۱

<؟> این نقل‌قول از اثر تری کوک با عنوان زیر اقتباس شده است:
“Archival Appraisal and Collection: Issues, Challenges, New Approaches”, special lecture delivered to University of Maryland and NARA Staff at the National Archives and Records Administration, College Park, Maryland, 21 April 1999, pp. 28–29.
به‌خاطر توزیع گسترده این متن میان آرشیودارانی که در ارزشیابی سوابق دولتی در آرشیو دولتی کانادا مشغول به کار هستند، به تری کوک مدیون هستیم. در مورد سابقه، جایی که کوک از «سندشناسی» به‌عنوان معیار ارزش استفاده می‌کند، منظور او مداخله مدیران ارشد داخل و خارج از مؤسسه آرشیوی یا گروه‌های علاقه‌مند با تأثیر کافی برای ایجاد تغییر در تصمیم‌گیری درباره فراهم‌آوری است که نتیجه راهبرد سازمان در قبال فراهم‌آوری و پذیرش توصیه‌های آرشیوداران بر اساس کاربرد غیرمتعصبانه معیارهای ارزشیابی کلان می‌باشد. این معیار یکی از ناپایدارترین عوامل مرتبط با نظریه ارزشیابی است اما مزایای (و معایب) آن به‌عنوان موردی که باید در ارتباط با استانداردها و روش‌های اجرایی حرفه‌ای مورد بررسی قرار گیرد، فراتر از موضوع مورد بحث در این مقاله است.



مرحله ارزشیابی خرد، شامل خواندن متون برای اعتبارسنجی، بررسی یا اصلاح فرضیه‌های نشأت گرفته از ارزشیابی کارکردی و انجام این کار بر اساس آنچه که ممکن است متون درباره ارتباطات کارکردی منعکس کنند، می‌شود. همزمان، ارزشیابی خرد مرحله تخریب امن است که از طریق آن آرشیوداران می‌توانند افزایش ارزش محتوای سوابق یا هر ابزار دیگری را که با شرایط خاص و شکل‌گیری توصیه‌های ارزشیابی آن‌ها در ارتباط است، معرفی کنند.

ممکن است بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف کوک به‌عنوان نظریه‌پرداز، پافشاری او بر این موضوع باشد که رویکرد ارزشیابی جدیدی را تعریف می‌کند، درحالی‌که از بسیاری از جهات، کوک بهترین روش‌های موجود را برگزیده و به هم پیوند می‌دهد و بر در نظر گرفتن زمینه کارکردی تولید سابقه به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین وجه در تعیین ارزش آرشیوی، تأکید می‌کند. این نوآوری اساسی و مهمی در نظریه است. ممکن است بر اساس نبوغ حقیقی، کوک بیشتر به‌عنوان سازنده مدل ترکیبی باشد. در حقیقت، برای یک نظریه‌پرداز، سرمایه اصلی کار کوک همیشه به ابعاد راهبردی و روش‌شناختی پیاده‌سازی، گره خورده است. در مدل ارزشیابی کلان کوک، نظریه ارزشیابی، راهبرد فراهم‌آوری و روش ارزشیابی، سه ستون به هم وابسته هستند که یک ساختار ذهنی مجرد را حفظ کرده و نمی‌توانند بدون ترکیب کردن هر سه سطح تحلیل در یک کل جامع، بیان شوند^۱.

مشکل تسهیل اجماع حرفه‌ای درباره این مفهوم، تنش بین انگیزه برای ارتباط‌دادن نظریه ارزشیابی کلان با چشم‌اندازهای ذهنی پست‌مدرن است که مدعی جهش کیفی روی معیارها و اقدامات ارزشیابی قدیمی‌تر می‌باشد- درحالی‌که در مرحله بعد، نگهداری، تقویت و طرح‌ریزی مجدد به‌عنوان یک محصول ذهنی جدید مطرح می‌شود که فقط بخشی از آن چیزی می‌باشد که در گذشته انجام شده است. بخش اعظمی از آنچه که باعث شده است مدل کوک درباره کار ارزشیابی این چنین مؤثر باشد، هیچ ربطی به رویکرد نظری جدید درباره اینکه ارزشیابی با استفاده از بینش‌های پست‌مدرن در دنیای الکترونیکی چگونه باید انجام شود، ندارد. از میان ده ویژگی استاندارد ارزشیابی کلان که خود کوک مجزا می‌کند، نه ویژگی راهبردی و روش‌شناختی بوده و با تغییر جهت هسته‌ای از «محصول» سوابق به سمت فعالیت کارکردی و زمینه تولیدی، ارتباط مستقیمی ندارد. این ویژگی‌ها با برنامه‌ریزی یکپارچه، مدیریت مناسب، راهبرد فراهم‌آوری فعال، تشخیص اینکه ارزشیابی جامع تمام سوابق در انتهای طیف سوابق (و زمانی که این موضوع می‌تواند مدیریت شود) و تجلیل از ارزشیابی به‌عنوان یک اقدام مبتنی بر پژوهش که باید به‌طور کامل مستند شود، مرتبط هستند. همان‌طور که خود کوک می‌گوید، این یک نظریه نیست. اینها بهترین اقدامات حرفه‌ای هستند که کاملاً با تمسک به دستورالعمل‌های طبقه‌بندی سنتی ارزش کاملاً مطابقت داشته و طبق گفته کوک، به نوبه خود

1. Ibid., p. 17.

با تحلیل کارکردی در مرحله ارزشیابی خرد سازگاری دارند.

عامل جدید در این نظریه، تشخیص این است که آرشیداران امروزی به یک چارچوب زمینه‌ای کارکردی نیاز دارند که عمل ارزشیابی کلان در آن چارچوب انجام شود. برای آرشیدارانی که در دریایی از کاغذ و فراداده‌های الکترونیکی غرق شده‌اند، این روش بینش‌هایی درباره بهترین اهداف آرشیوی را ارائه می‌دهد. باین‌حال، گاه‌گاهی کوک از به‌کارگیری دستورالعمل‌های طبقه‌بندی ارزش بدون توضیح‌دادن معیاری که بر اساس آن از پیاده‌سازی آرشیوی کارکردی کلان به سمت انتخاب حقیقی سوابق حرکت می‌کنیم، اجتناب و آنگاه گستره کامل ارزش‌های سنتی در مرحله ارزشیابی خرد، شامل کاربردهای پژوهشی شناخته‌شده را معرفی می‌کند.

کوک با استفاده از این پیوند (یا ترکیب) به‌عنوان یک رویکرد نظری جدید، ارزشیابی کارکردی را به سمت رویکرد منسجم، منظم و یکپارچه‌ای سوق می‌دهد که به‌عنوان یک راهبرد فراهم‌آوری، یک روش ارزشیابی گام‌به‌گام و دقیق و تأکید اصولی جدید بر زمینه کارکردی به‌عنوان تنها چارچوب مؤثر برای تعیین مکان سوابق آرشیوی عمل می‌کند. کوک در حیطه این انتقال‌ها، روشی برای نجات و تقویت دوباره تقاطق قوت مختلف معیارهای قدیمی ارزشیابی و تطبیق‌دادن فرضیات متفاوت درباره ماهیت ارزشیابی، ارائه می‌دهد. اما کوک حقیقتاً هرگز مشکل ارتباط بین این اجزای متضاد ترکیب‌شده را حل نمی‌کند. در برخی نقاط، کوک بسیار آزاد و واقع‌بین به‌نظر می‌رسد. در برخی نقاط دیگر، به‌نظر می‌رسد کوک مجذوب مطالعات تفسیری ساختاریافته ریچارد بروآن شده و به موجب آن، تنها هدف مرحله ارزشیابی خرد بررسی اعتبار تحلیل‌های کارکردی به‌کارگرفته‌شده برای زمینه تولیدکننده است.

اگرچه کوک به‌عنوان یکی از تغییردهندگان رویکرد در نظر گرفته می‌شود اما در حقیقت او یک پایگاه روش‌شناختی عملی را ایجاد کرده است؛ پایگاهی که موجب ترکیب ناآرام عوامل می‌شود. این کار، ترکیب ناآرام است زیرا تولیدکننده فقط از کاربردهای برخاسته از یک بخش انتخاب‌شده از این روش آگاهی داشته و بر اساس تعریف، نظریه باید از لحاظ درونی منسجم باشد. برای تأکید بر کل حوزه این ترکیب، لازم است سازگاری نظری که کوک به‌دنبال آن می‌باشد را قطع کنیم. کل جوهره روح‌بخش کار کوک برای بناکردن عمل ارزشیابی در یک چارچوب نظری مناسب، هرگز در کار اصلی تی.آر. شلنبرگ به‌دست نمی‌آید (Schellenberg, 1956, 1965). عمل‌گرایی آمریکایی شمالی شلنبرگ، عمل ارزشیابی و اجرای برنامه را در مقابل انتقال سوابق با فناوری‌های خودکار آسیب‌پذیر باقی گذاشته و به‌دلیل عدم وجود عمق نظری، انسجام روش‌شناختی موردسؤال باقی می‌ماند. کوک می‌خواهد برای اجتناب از اشتباه شلنبرگ در تحلیل جاسازی‌شده علایق پژوهشی کنونی درباره مفهوم ارزش



اطلاعاتی (انتخابی که به دلیل غیرضروری بودن، فجیع تر می شود)، رویکرد خود را در یک چارچوب نظری مناسب بنا کند. با این حال، نظریه کوک همانند روش شلنبرگ، همواره با آگاهی کامل درباره محدودیت های دنیای واقعی دولتی و درک او از عواقب اقدامات نادرست گذشته، شکل گرفته است.

هیچ کدام از موارد بالا پیشنهاد نمی کند که نظریه کوک ذاتاً نامنسجم یا عیب دار است. ابهام در اصل نظریه ارزشیابی کلان در واقع یک مزیت است نه نقطه ضعف؛ زیرا در نظریه ارزشیابی کلان فاصله خطرناکی بین اقتدار بینش های مهم آن، تحلیل کارکردی زمینه ای سوابق تولید شده و انتخاب روش هایی (که با استفاده از آن انتخاب اینکه کدام سوابق باید حقیقتاً نگه داری شوند) را ممکن می سازد، ظاهر می شود. کوک درباره این فاصله چیزی ننوشته است؛ او از بهترین اقدامات ارزشیابی سنتی استفاده کرده تا پل روش شناختی مناسبی را ایجاد کند. نتایج حاصل یک ترکیب صحیح است. این موضوع وقتی به نظر کاملاً مناسب می رسد که اقدامی مانند ارزشیابی آرشیوی اساساً تلاشی سودمندگرا باشد که با محدودیت های سازمانی احاطه شده و از نظر ذهنی بر قضاوت درباره ارزشی که بینش های علمی و پست مدرن را تعریف می کند.

استعداد مخفی در ارزشیابی کلان - ابهام ذهنی ذاتی آن - به آن به عنوان یک روش، شفافیت ذهنی لازم را می دهد. این آشکاری ذاتی موجود در نظریه است که آن را به عنوان یکی از نامزدهای جدی عمل به عنوان پایگاه استاندارد جهانی تبدیل می کند. البته پیش از کشف کامل آن بحث، تغییر تمرکز از تلاش کوک برای ایجاد یک ترکیب جدید به سمت موفقیت های کسب شده توسط همکار او یعنی ریچارد بروان در تقویت ارزشیابی کلان با پایداری نظری شدید، می تواند مفید باشد (Brown, 1991-1992, 1995). نتیجه کار او حقیقتاً یک پایداری نظری کامل است اما منجر به نوع دیگری از نظریه می شود که به عنوان یک اصل عملی برای استانداردسازی روش ارزشیابی، کمتر واجد شرایط است.

کشف بروان از نظریه ارزشیابی از زمان اولین مقاله او درباره این موضوع در سال ۱۹۹۱ در بردارنده تقویت ارزشمند ایده های کوک است. از این حیث، بروان حداقل سه طبقه بندی عمده را پیشنهاد می کند که درک یک شخص غیر حرفه ای درباره نظریه ارزشیابی کلان را تحت تأثیر قرار می دهد.

اول از همه، بروان استدلال می کند که برای درک مناسب زمینه تولید کننده، تحلیل سوابق باید در ابتدای راهبرد فراهم آوری اتفاق افتاده و نباید برای مراحل بعدی، در یک ارزشیابی خرد مجزا باقی گذارده شود که ممکن است برای جلوگیری از انحراف و خطاهای عمده، بسیار تفکیک شده باشد (Brown, 1995, pp. 124-125). در پافشاری بر اهمیت در نظر گرفتن

متون تولیدشده توسط تولیدکنندگان سابقه در تعریف زمینه کارکردی (Brown, 1995, p. 140)، بروآن «مشکل مفهومی در قالب ارزشیابی کلان»، جایی که بین تحلیل کارکردی تولیدکننده سوابق و خواندن متون درون سوابق تمایز قائل شده و آن‌ها را از هم مجزا می‌کند، را تأیید می‌کند. بروآن ادعا می‌کند که این موضوع منجر به فقدان احتمالی «هدف، معنا و پیام‌هایی می‌شود که به‌طور ضمنی در سوابق عمومی که شایسته توجه هستند، رمزگذاری شده‌اند» (Brown, 1995, p. 142). او همچنین ادعا می‌کند که «هر نتیجه‌گیری نهایی که در ارتباط با زمینه تولیدکننده بدون خواندن سوابق حاصل می‌شود، محدود، پرمخاطره و احتمالاً نامعتبر است» (Brown, 1995, p. 143).

دوم اینکه، بروآن در زمان انتشار دومین مقاله خود در سال ۱۹۹۵، آزمایش نظری پیشرفت‌های مکتب ارزشیابی کلان را تا حال حاضر، موردتقدیر قرار داده است. بروآن دربارهٔ حجم نمونه‌های اولیه و مدل‌های آزمایشی هشدار می‌دهد که به الگوهای تغییرناپذیری تبدیل شده‌اند که می‌تواند راهبردهای آتی فراهم‌آوری را از پیش تعیین و منحرف کند (Brown, 1995, p. 129). البته، هیچ الگویی برای هیچ‌کدام از بخش‌های برنامه فراهم‌آوری، تغییرناپذیر باقی نخواهد ماند. این عامل بر این موضوع دلالت دارد که برای به‌کارگیری ارزشیابی معتبر یا پیاده‌سازی برنامه مؤثر فراهم‌آوری به چیزی انعطاف‌پذیرتر از یک الگو نیاز داریم. در حقیقت، توضیحات پایانی مقاله سال ۱۹۹۵ بروآن، دلیل منطقی برای یک مدل نظری خاص نیست اما مدافعی تهییج‌کننده برای رویکردهای قوی پژوهش‌محور است. بر اساس گفته‌های بروآن، «به‌کارگیری [رویکرد پژوهش‌محور] برای تعیین کیفیت، سنجش یا ارزیابی از یک رویکرد مدیریت پروژه در ارزشیابی سوابق آرشیوی ممکن است دشوار باشد ...، با انکار زمان در مطالعات زمینه در متن، مورد غیرقابل‌جبرانی از چشم‌انداز تاریخی - آرشیوی از دست می‌رود» (Brown, 1995, p. 159).

در نهایت، این چشم‌اندازها منجر شد تا بروآن به‌دنبال قرار گرفتن در مسیر اصلی رشته آرشیوی، تأکید فیلسوفانه پست‌مدرن بر خواندن تعبیری در مرحلهٔ ارزشیابی کلان، باشد. بروآن این کار را در بحث برای درک نسبتاً گسترده از سوابق آرشیوی انجام داده و می‌گوید که «آرشیو فقط برای حفظ و نگهداری حافظه اداری نیست، بلکه برای کامل کردن حافظهٔ جامعه می‌باشد که در آینهٔ کل سوابق گذشته، انعکاس یافته است» (Brown, 1995, p. 150). درعین‌حال، کل سنگینی این بحث، یک نقد کنایه‌دار از عمل ارزشیابی گذشته است که راهبرد او را هم مشروط می‌کند. بروآن برای آزادشدن از فرضیات از پیش تعیین‌شدهٔ وبر^۱ درباره رفتار دیوان‌سالاری که احساس می‌کند جزء ذاتی به‌کارگیری سنتی معیارهای شهودی و اطلاعاتی در سوابق دولتی هستند، خواندن کلی و تعبیری «محیط فیزیکی و معنوی که سوابق در آن تولید و

1. Weberian

رمزگذاری شده‌اند» را پیشنهاد می‌دهد. این روش بر تفسیر معانی درونی - دلایلی رفتار جامعه یا سازمان‌ها (نیات آن‌ها) متمرکز است. هدف این روش، خارج کردن ویژگی‌های جایگزین از میان متون دولتی است که غالباً در فرضیات سنتی دربارهٔ ارزشیابی، نادیده گرفته می‌شوند (Brown, 1991-92, p. 52).

درحالی‌که کوک بین گذشته و سرآغاز در مرحله ارزشیابی خرد پلی ایجاد کرده و به این وسیله تصمیم نگه‌داری / امحاء را با تحلیل زمینه‌ای کارکرد کلان پیوند می‌دهد، ریچارد بروآن در ابتدا متوجه ضعف تولید کوک شده است. بروآن بین تکیه بر ارزشیابی کلان که منشأ و ارزش را به شکل کاربردی تعریف می‌کند و پیاده‌سازی ارزشیابی کلان با تمام روش‌ها و معیارهای (همچنین تمرکز ضمنی سوابق) متنوع، سنتی و متضاد، خطر تناقض احتمالی را می‌بیند که منجر به از هم گسستگی روش‌ها می‌شود. پاسخ او به این مسئله، طرح‌ریزی مجدد فرمول‌های نظری در راهبرد دو مرحله‌ای کوک و ایجاد پایداری نظری و روش‌شناختی با استفاده از رویکرد پست‌مدرن مایکل فوکالت و برخی از دانشجویان منتخب تاریخ اجتماعی و معنوی بود. در نتیجهٔ این تأثیرات، ارزشیابی کلان به خواندن متون (سوابق) تبدیل شده و هدف از انجام ارزشیابی، تأیید این موضوع است که زمینه تولیدی به‌طور کامل و مناسب شناسایی و تحلیل شده است. آزمایش، بررسی و در صورت لزوم، اصلاح فرضیهٔ ارزشیابی کلان با توجه به ارزش آرشیوی کارکرد-محور، به‌طور نظام‌مند، سازمان‌یافته است. این کار با پیروی از روش‌های منطبق با رویکردی انجام می‌شود که در آن، ارزشیابی خرد کاملاً در ارزشیابی کلان ادغام شده است.

بروآن دیدگاه نظریه‌پردازانی مانند هانس بوم و تری کوک مبنی بر تأکید بر کار، سلسله‌مراتب دیوان‌سالاری را به‌عنوان کاربرد در حال پیدایش نظریه اجتماعی در محیط‌های تولید سوابق و عمل ارزشیابی آرشیوی به‌تصویر می‌کشد. اساساً برای بروآن، گسترش منطقی این کاربرد، خواندن تعبیری تعریف‌شده با پیروی از چشم‌اندازهای فیلسوفانه مایکل فوکالت است. به گفته بروآن:

پشت هر سامانه، سازمان یا ساختار کامل، حجم گسترده‌ای از ارتباطات کارکردی یا فرایندی قرار دارد که به‌طور تصادفی در متون رونوشت‌برداری شده‌اند؛ گفتمان نقلی دانش، زبان، فرضیات، قوانین و اصولی که ساختار سامانه را مشخص و توصیف می‌کنند. برای تفسیر کردن این فرضیه با استفاده از واژگان آرشیوی، تولیدکنندگان سوابق به‌طور همزمان محصول پیشرفت تکاملی ساختاری یا نظام‌مند و چگونگی نمایش استدلالی مجسم در متون نقلی مکالمه‌های ثبت‌شدهٔ خود هستند (Brown, 1991-92, p. 43-44).

این عبارت طولانی و پیچیده است اما نباید بترسیم. بحث اصلی به یک رویهٔ آرشیوی

ساده تبدیل می‌شود که روشن‌تر از آن چیزی است که در ابتدا به‌نظر می‌رسید. از نظر بروآن، نظریه ارزشیابی کلان و راهبرد منسجم فراهم‌آوری، هم‌معنی هستند (یعنی، تئوری با عمل یکی است). آنچه که از ادغام نظریه و عمل به‌وجود می‌آید «یک راهبرد ارزشیابی برای سوابق است که به‌جای سطح فقره^۱ در سطح جامع^۲ و به‌جای لایه ترکیبی ماده سابقه، در لایه تولیدکننده سابقه، انجام می‌شود ... این راهبرد بر خلاف ارزش آرشیوی خود سوابق، بر ارزش آرشیوی پایگاه یا مکان یا محیط تولید سوابق تأکید می‌کند؛ این راهبرد به‌جای ارزش اطلاعاتی که در مدارک وجود دارند، اولویت اهمیت را به زمینه شهودی اختصاص می‌دهد که سوابق در آن تولید می‌شوند» (Brown, 1991-92, p. 39). در واقع این راهبرد یکی از بهترین فرمول‌های کوک است. اگر عمداً واژگان را ساده کنیم تا «تفسیر تعبیری» در عمل، به‌معنای استفاده از ارزشیابی سوابق در محل باشد به‌منظور تأیید یا ارزیابی مجدد ارزشیابی کارکردی کلان اقدامات تولیدکنندگان سوابق به‌عنوان شاهد و مدرک برای شرح موجود در سوابق (پیدا کردن مستندات پاسخگویی و آگاهی درباره ارتباطات اجتماعی)، سپس می‌توانیم سازه اصلی و با ارزش کوک را کشف کنیم.

بروآن جمع‌بندی آسانی درباره این موضوع را در پی‌نوشت مقاله سال ۱۹۹۵ خود به این شرح ارائه داده است: «آنچه که من در این مقاله پیشنهاد می‌دهم این است که برای استفاده‌های مهم آرشیوی از زمینه تولیدکننده، خواندن فرامتون (متن درباره متن) باید با خواندن متون (سوابق) تولیدشده در نتیجه اقدامات کارکردی و فرایندی تولیدکننده تکمیل شود (Brown, 1995, p. 169, endnote 36).

درحالی‌که این قاعده‌سازی چیزی بیشتر از پذیرش کلی این موضوع نیست که برای طبقه‌بندی ارزش باید سوابق را به‌عنوان یک کل مورد ارزشیابی قرار داد، بروآن روش دو مرحله‌ای را به یک مرحله کلی تبدیل کرده است که روش ارزشیابی سنتی سوابق را به‌عنوان وسیله‌ای برای تفسیر تعبیری «زمینه شهودی» به‌کار می‌گیرد. مسلماً، از نظر بروآن، این مسئله تغییری در تأکید بر تمایز اصلی کوک بین تمرکز در سطح کلان بر فرامتون و تمرکز در سطح خرد بر سوابق را تعریف می‌کند (که مورد دوم، اساساً فرضیات قبلی زاییده‌متون را بررسی و کامل می‌کند)، اما این قاعده‌بندی همانند قاعده‌بندی کوک، راه‌درازی در پیش دارد تا در اختیار اکثر آرشیوداران قرار گیرد (در یک سطح، این همان چیزی است که کوک پیش از این به‌کار گرفته و ممکن است در موازات یکدیگر قرار داشته باشند). درحالی‌که قاعده‌بندی پست‌مدرن کوک برخی اوقات مبهم به‌نظر می‌رسد، اما هیچ پشتیبان راسخ‌تر از بروآن برای هسته مرکزی ابتکاری در رویکرد ارزشیابی کلان، یک تغییر درونی اساسی و فیلسوفانه به‌سمت تمرکز بر زمینه تولیدکننده، وجود ندارد. مدل بروآن از ارزشیابی کلان، تفسیری منطبق با مفهوم اصلی

1. Item

2. Collective

کوک است. کوک بسیاری از اصلاحات (و عبارت‌های متمایز) بروآن را در نوشته‌های خود به کار گرفته است.

البته، پایداری نظری دربردارنده هزینه است. در ابتدا، بسیاری افراد ادعا خواهند کرد که این قاعده‌بندی به‌ندرت با آنچه که آرشیوداران همیشه انجام داده یا در بهترین حالت، تلاش می‌کنند تا این کار را در محدودیت‌های عملیاتی غیرقابل‌اجتناب انجام دهند، برابری دارد. جیم ساندرومن این مسئله مشهود را به این شکل بیان می‌کند که: «احتمالاً آرشیوداران همیشه از زمینه کارکردی و همچنین زمینه منشأیی و زمینه سوابق برای ارزشیابی استفاده می‌کنند» (Suderman, 1997, p. 138). البته برای برای ادای دین به بروآن، وقتی که ارزشیابی برای مستند کردن زمینه کامل کارکردی و شهودی به کار گرفته می‌شد، اکثر ارزشیابی‌های گذشته به‌طور ناامیدکننده‌ای ناکافی بود. آرشیوداران به‌ندرت حین ارزشیابی در محل، تلاش می‌کردند متون را به شکل تحلیل زمینه بخوانند تا موقعیت ارزش آرشیوی را تشخیص دهند. باین حال از برخی جهات خاص، بروآن همانند کوک به جای تلاش برای تعریف کردن رویکرد جدید برای ارزشیابی، به شکل پیشرفته و قوی آن را با دقت شرح داده است. اگر بهترین شاهد و مدرک درباره زمینه تولیدکننده و بهترین نوع تفسیر این زمینه از خود سوابق نشأت گیرد، پس تمرکز اصلی پژوهش‌های ارزشیابی دقیقاً روی نقطه‌ای باقی می‌ماند که سنت‌گرایان همواره به آن فکر می‌کردند- یعنی به جای تمرکز بر سنجش تفکیک‌شده زمینه تولیدکننده که کوک سال‌ها بر آن پافشاری کرد، تمرکز بر خود سوابق باشد.

اجازه دهید چگونگی ادغام تحلیل کارکردی و بررسی سوابق به‌منظور کشف زمینه شهودی کلیدی را کمی بیشتر مورد بحث قرار دهیم. از آرشیوداران خواسته شده است تا پیشنهاد بروآن را که «برای درک کامل ابعاد تجربیات انسانی، زمینه تعاملی امور انسانی به‌عنوان منبع دانش تاریخی، ارزشی بیشتر از تحلیل‌های تجربی و مشاهدات علمی حوادث طبیعی، خواهد داشت» (Brown, 1995, p.39) بپذیرند. در اینجا، منظور بروآن از «زمینه تعاملی امور انسانی»، زمینه در مفهوم پست‌مدرن و دربردارنده این مفهوم است که درک این زمینه به شکل پیچیده مقید به شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. حالا آرشیوداران می‌دانند روش ارزشیابی کلان رویکردی است که «تلاش می‌کند تا ارزش اطلاعاتی غیرعینی مدارک را کنار بگذارد تا بر ویژگی‌های شهودی عینی تلویحی در زمینه تولید سوابق، تمرکز کند؛ این رویکرد تلاش می‌کند تا ارزش تاریخی آرشیوی سوابق که در تولید، نگارش، شکل‌گیری و سازماندهی [ارزشیابی کلان] موجود هستند را در مقابل ظرفیت محتوای اطلاعاتی سوابق برای ارائه ارزش [ارزشیابی خرد] مورد بررسی قرار دهد» (Brown, 1995, pp.39-40). هنوز هم مباحث جدی درباره جایگاه مطالعات آرشیوی به‌عنوان یک رشته معنوی در قرن بیست و یکم، وجود دارد.

خطرات عمده‌ای در نگارش روش تجربی یا تنظیم آن در مکان اشتباه، به‌عنوان طبقه پایین‌تر از دانش نسبت به بینش‌های تاریخدانان، وجود دارد. نظریهٔ پست‌مدرن هیچ حق انحصاری در تاریخ‌گرایی خود ندارد و ممکن است کل مفهوم را تحریف کند (کما اینکه تقریباً این کار را انجام داده است). علاوه‌براین، عملاً تغییر رویکرد در معرض خطر تغییر به‌سوی تحلیل سامانه‌های تجاری رمزگذاری‌شده را دارند که استاندارد موردنیاز برای دلایل مستندسازی برای اخذ تصمیمات نگه‌داری یا امحاء را به الگوی مالیاتی و غیرعملی تبدیل می‌کند. این کار با خاصیت ارائه جزئیات لازم برای ساخت شرح‌های موردنیاز، کاملاً غیرعملی است.

تصور بروآن بدون شک نظام‌مند و سازگار است. البته، بروآن برای به‌کارگیری ارزشیابی کلان در راهبرد فراهم‌آوری و بررسی معیارهایی که بر اساس آن پیکربندی دیوان‌سالاری باید بر اساس اولویت آرشیوی طبقه‌بندی صورت پذیرد، مراحل متعدد بالا به پایین انعطاف‌پذیرتر را در قالب یک چارچوب ترکیب می‌کند که از لحاظ فلسفی پایدار بوده اما یک چارچوب بالا به پایین بسیار محدود است. این چارچوبی است که در آن ارزش اطلاعاتی در سوابق ممکن است به‌راحتی سلب مشروعیت شده و در آن هر نوع ارتباط قابل‌مشاهده در زمینه تولید که در گفتمان نقلی سوابق آشکار نیست، در رتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. حتی جدی‌تر از آن، در صورت نیاز به خروج از تفسیر تعبیری شدید معنایی که مفهوم‌سازی پست‌مدرن تعریف کرده، ممکن است صرف‌نظر از میزان آشکاری آن، هماهنگی پایداری روش‌شناختی بدون نتیجه‌گیری باقی بماند.

ممکن است این مشاهدات، تفسیر محدودی از متن بروآن به‌نظر برسد؛^۱ بروآن دلایل منطقی برای تمرکز بر سابقه از طریق ارزشیابی کلان را در مقاله‌های سال ۱۹۹۱ (Brown, 1995, p.44-51) و 1995 خود بیان کرده است. بروآن در سال ۱۹۹۵ آشکارا، کشف و ترکیب ارزش اطلاعاتی زمینه‌ای در تفسیرهای تعبیری کلان (با استفاده از واژگان دیگر) را یکپارچه کرده است. اما بروآن در هر دو مقاله بر بحث اصلی خود صراحتاً از اما و اگرهای ارزشیابی کلان سخن گفته است. او در مقاله سال ۱۹۹۱ خود می‌نویسد:

این وسوسه وجود دارد که شناسایی تولیدکنندگان سوابق از سوابق (فوندهای وابسته به زمینه) با مفهوم سنتی ارزشیابی سابقه‌محور «پایین به بالا» اشتباه گرفته شود. اینجا هدف اصلی من تشخیص و ایجاد نیاز به الگوی مطالعه و شکل‌دهی گفتمان نقلی نهفته در سوابق خاص، به‌عنوان منبع زمینه برای تولیدکنندگان سابقه است ... و قطعاً هدف من تقویت چرخه کامل پذیرش مجدد «تفسیر» کل مستندات موجود به‌منظور انجام ارزشیابی مرتبط با فقره و اخذ تصمیمات منتخب با توجه به مفاهیم درک‌شدهٔ پیشین درباره ارزش آرشیوی یا استنتاج‌های غیرعینی دربارهٔ اهمیت آرشیوی سوابق به‌عنوان منابع تاریخی بالقوه از میراث ملی

۱. در اینجا، تصویری که بروآن از مفهوم ارزشیابی کلان در ذهن داشته و با تصویر ذهنی کوک مغایرت دارد ساده شده است تا امکان ایجاد یک بحث ساده اما در عین‌حال دقیق، فراهم آید. اصرار بر پایداری روش‌شناختی بین سطوح خرد و کلان ارزشیابی در کار هر دو پژوهشگر، به چشم می‌خورد. بروآن تا حدی در این قضیه پایداری است زیرا عمداً بر نظریه تمرکز کرده و در کنار آن به کاربردهای آن در راهبرد فراهم‌آوری پرداخته است اما کوک تقریباً همیشه، نظریه، راهبرد و روش (و همچنین گستره ارزشیابی) را در کارهای خود با هم ادغام کرده است. با توجه به نکاتی که مطرح شد می‌توان گفت بروآن همواره به‌دنبال ایجاد پایداری است درحالی‌که کوک علاوه‌برآنکه خواهان پایداری است اما در کنار آن به‌دنبال ایجاد نوعی از ترکیب مفاهیم است که غالباً نسخه گسترده‌تری از کاربردهای ارزشیابی کلان را پیشنهاد می‌دهد.

در سطح مستند، نیست^۱ (Brown, 1995, p. 51-52).

بروآن دربارهٔ این نکته کاملاً صریح است و در این صراحت به‌طور ضمنی با قاعده‌بندی گستردهٔ کوک دربارهٔ ارزشیابی کلان، مخالفت می‌کند. کوک، هم در بینش، و هم در رفتارش به‌عنوان مدیری که برنامه فراهم‌آوری را اداره می‌کند، تفاسیر بسیار صریح و مداراآمیز دربارهٔ کاربردها و معیارهای ارزشیابی کلان و کارکردی را می‌پذیرد. رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا در کنار هم بوده و در قالب گزارش‌های ارزشیابی کلان آرشیو ملی، یکدیگر را تکمیل می‌کنند. تفسیر تعبیری در یک رویکرد گسترده درباره ارزشیابی کلان هرگز نمی‌تواند چیزی بیش از ابزار پرس‌وجو و بررسی مشروع برای استفاده در ارزشیابی کلان بوده و نمی‌تواند به‌تنهایی موردقبول باشد. اگر متخصصان به‌دنبال ایجاد استاندارد انعطاف‌پذیر، سودمندگرا و عملی بر اساس پایداری کامل نظری هستند، نتیجهٔ حاصل، پیچیدگی و استحکام غیرضروری خواهد بود.

چنین رویکردی نسبت به ارتقای استانداردهای حرفه‌ای، بیشتر باعث ایجاد موانع مصنوعی می‌شود. چیزی در قاعده‌سازی پست‌مدرن از ارزشیابی کلان وجود ندارد که معیارهای سنجش و تعادلی را ارائه دهد که از نظر عقلی برای اطمینان‌یافتن از این کافی باشد که تفسیرهای تعبیری به‌درستی موجب انتخاب آرشیوی بهتری می‌شوند. قاعده‌سازی‌های پست‌مدرن بیش از اهداف سنتی و کمتر از راهبردهای روش‌شناختی پایدار، برای اهداف پاسخگویی قابل‌رسیدی نیستند. مأموران بررسی در سازمان‌های بزرگ پیش از این بدون انکار کردن حداقل نگاه اجمالی به محتوای سوابق به‌عنوان اصلی برای ارزیابی گفتمان‌های پیچیده زمینه‌ای که بروآن پیشنهاد کرده است، به اندازه کافی از سوابق جدا شده‌اند. همان‌طور که خود بروآن اشاره می‌کند، آزادی ذهنی درست که برای متخصصان جهت اجرای پژوهش‌های مستقل ضروری هستند، بیش از قدرت نظری یا کارآمدی عملیاتی در راهبرد مؤثر فراهم‌آوری دارای اهمیت است. بروآن و کوک اساساً با این عادات و رسوم زندگی کرده‌اند. باین‌حال، نیروی محرکه برای پایداری نظری، تصورات آن‌ها را به‌جای تقویت ذهنی به ساز و کارهای محدودیت‌های ذهنی، تبدیل کرد. با تفسیر ارزشیابی کلان به‌شکل نظام‌مند، نظریه به‌آسانی با «راهبرد فراهم‌آوری» بی‌رحم مدیریت‌محور تحریف می‌شود که از طریق این راهبرد سازمان‌های آرشیوی بزرگ می‌توانند فراهم‌آوری نزدیک‌شونده (حتی کاربردهای معیارهای ارزشیابی که در دیوان‌سالاری کلاسیک وبر، به روش «تک-سلسله‌مراتبی» دستور داده شده است) را با مجموعهٔ مشخصی از اهداف و اولویت‌ها به پایان برسانند. برای رویکردهای نظری پژوهش‌محور ارزشیابی کلان این کار، خطری ذاتی را ایجاد می‌کند زیرا این احتمال را دوباره بیان می‌کند که فرضیات قبلی ممکن است نتایج بعدی را دیکته کرده یا حتی چشم‌اندازهای مخالف را سرکوب کند. اینجا یک کنایه

۱. فرمول‌بندی مشابهی را می‌توان در صفحه ۱۴۰ از مقاله «ارزشیابی کلان» او که در سال ۱۹۹۵ منتشر شده است، پیدا کرد.



مضعاف وجود دارد که این نتیجه همان چیزی است که بروآن آشکارا از آن اجتناب می‌کند. در کنایه دیگر، این خطر وجود دارد که در نتیجه تلاش برای ایجاد نظریه ارزشیابی بر اساس ایده‌های پست مدرن، استقلال ذهنی از بین برود. مکتب پست‌مدرن فراگیرترین مدل فیلسوفانه در برنامه‌های تحصیلی تاریخ در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در اروپا و آمریکای شمالی بود. بروآن از سال ۱۹۹۵ مبنای ذهنی پست‌مدرن خود را از تکیه محدود به فلسفه تاریخ که از طرف مایکل فوکالت حمایت می‌شد، به مبنای نظری گسترده ارائه شده توسط هایدن وایت و آنتونی گیدنز، گسترش داد.^۱ اما این تغییر برای نظریه آرشویی کاربردهای محدودی دارد. در نتیجه ایده‌های پست‌مدرن، بهره ویژه ما به عنوان یک حرفه مجزا و رشته فکری این است که در پی دوری‌گزیدن از احترام به مدهای زودگذر در پژوهش و روش‌های پژوهش در هنگام ارزشیابی ارزش آرشویی به جای قرار گرفتن تحت سلطه افسون اساسی ایجاد شده توسط ساختارهای پیچیده فیلسوفانه است. این کار فرضیات نظری و روش‌شناختی اصولی ما را به شکل یک نظریه پایدار آرشویی تبدیل می‌کند. تأثیر ویژه آن، تبدیل وسیله باندنمای جرالدهام به توربین بادی متکی به نظریه است. احساسات ما به عنوان متخصصان این رشته با توانایی مشغول شدن در گفتمان علمی بیشتر برانگیخته خواهد شد اما در به کارگیری روش‌های ارزشیابی ممکن است در معرض بادهای متداولی قرار بگیریم که هیچ کنترلی روی آن‌ها نداریم و ممکن است ما را از اهداف اولیه مان منحرف کنند.

از نظر حرفه‌ای‌سازی، امن‌ترین مکان برای رویکرد تعبیری بروآن در ارزشیابی کلان در میان ابزارهای روش‌شناختی ارزشیابی خرد است که به نوبه خود در استانداردهای گسترده‌تر ارزشیابی کلان قرار گرفته که در جمع‌بندی اصلی کوک، به صورت تلویحی باقی می‌ماند.

تصور بروآن - که با همکاری با دوست و همکار فکری او، برایان بروثمن (Brothman, 199, pp.79-100) شکل گرفته است - کاربردی فکری قوی برای راهبرد فراهم‌آوری و نظریه ارزشیابی کلان را ارائه می‌دهد که شایسته توجه جدی همه دانشجویان و کارمندان این رشته است. چالش بروآن برای آرشوکاران مبنی بر «آگاهی‌داشتن و در نظر گرفتن لحظات ضد ساختاری موقتی در اقدامات مجازی سازمانی» (Brwon, 1995, p.151)، یک موضوع جذاب و بسیار مهیج است. باین‌حال، اگر رویکرد مایکل فوکالت برای واقعیت اجتماعی و همچنین رویکردهای پست‌مدرن که در حال تسلط بر این رشته هستند، اجازه دهیم تا این کار از طریق رقابت آزاد و در زمینه‌ای انجام شود که در آن، نقاط قوت نظری و عملیاتی در طول زمان به طور کامل مورد آزمایش قرار گرفته‌اند.

پس موضوع اصلی تحلیل حاضر این نیست که رویکرد بروآن ناقص و معیوب است بلکه موضوع این است که هرچه محصول ارزشیابی کلان به عنوان یک نظریه از نظر فکری پایدارتر

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره آثار این نویسندگان به بخش کتاب‌شناسی مقاله‌های بروآن در مجله آرشواریا مراجعه کنید. سه نمونه از مهم‌ترین رساله‌ها عبارتند از:

Michel Foucault, The Archaeology of Knowledge, trans. A.M. Sheridan Smith (New York, 1972).

Anthony Giddens, The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration (Cambridge, 1984).

Haydon White, The Content of the Form: Narrative Discourse and Historical Representation (Baltimore, 1987).



۱. بازخوانی متون نشان می‌دهد که نظم شهودی ارزش از نظر او کاملاً مجزا و مستقل از ملاحظات پژوهشی آتی است. البته، همان‌طور که نظریه‌پردازان ارزشیابی کلان ادعا می‌کنند، ملاحظات مبتنی بر کاربر هنوز هم ناامیدانه از به‌کارگیری مفهوم ارزش شهودی او، جلوگیری می‌کنند. از نظر تئوری، نیازی به این کار نیست. دو یادداشت شلنبرگ درباره ارزشیابی هرگز به‌معنای نظریه در نظر گرفته نمی‌شود. این یادداشت‌ها را یک مدیر ارشد آرشیوی نوشته است که به دنبال ارائه راهنمایی عملی برای آرشیوکاران همکاران خود است تا بتوانند با انبوهی از سوابق که در اداره فدرال واشنگتن جمع‌آوری شده‌اند، روبه‌رو شوند. شلنبرگ به‌ندرت نظر نظریه‌پردازان ارزشیابی کلان را تأیید می‌کند که به‌دلیل ملاحظات «سیاسی»، که خارج از حیطه عوامل مرتبط با این نظریه هستند، به‌شکل تلویحی ایده‌های خود را بیان می‌کنند. چرا نظریه‌پردازان همچنان به این نحوه مناسب اداره عمومی حمله می‌کنند درحالی‌که درک این نحوه اداره کردن به‌عنوان یک مژده، دشوار است. تری ایست وود در اثر زیر خود آشکارا گفته است که دستورالعمل‌های شلنبرگ کار یک روش‌شناس است نه یک نظریه‌پرداز:

Terry Eastwood, "Nailing a Little Jelly to the Wall of Archival Studies," *Archivaria* 35 (Spring 1993), note 4, pp. 245-46.

برای کسب اطلاعات درباره دفاع از نظر شلنبرگ و روش سنتی مصلحت‌گرایی آمریکایی درباره روش‌شناسی ارزشیابی به منابع زیر مراجعه کنید:

- Frank Boles and Mark A. Greene, "Et Tu Schellenberg? Thoughts on the Dagger of American Appraisal Theory," *American Archivist* 59 (Summer 1996), pp. 298-310.
- Linda J. Henry, "Schellenberg in Cyberspace," *American Archivist* 61 (Fall 1998) pp. 309-27.

و متمرکزتر شود، خطرات همراه با آن بیشتر خواهند شد. پایداری درونی لزوماً مهم‌ترین عامل در استاندارد ارزشیابی نیست. انتخاب بین بروآن و کوک از یک طرف و از طرف دیگر، کلیشه‌های شلنبرگ (Schellenberg, 1956, 1965) که با معیارهای ارزشیابی «سنتی» و طبقه‌بندی‌شده مرتبط هستند، جایگزین‌های غلطی است. تکیه مداوم به این جایگزین نادرست در قاعده‌سازی الگوی ارزشیابی کلان به‌عنوان مانعی در برابر اجماع حرفه‌ای و ایجاد استاندارد معتبر برای ارزشیابی، عمل می‌کند. چون هیچ تضاد درونی بین ارزشیابی کلان کارکردی و رویکرد کثرت‌گرایانه برای معیارهای ارزشیابی خرد وجود ندارد؛ یک ابهام روش‌شناختی وجود دارد که حاکی از پیچیدگی ذاتی ارزشیابی در دنیای امروزی است.

در عصر فراوانی سوابق، ارزشیابی کلان مؤثرترین وسیله موجود برای پرکردن فاصله بین الزامات امروزی برای چشم‌اندازهای قوی و راهبردی و اقدام اصلی ارزشیابی که در انتها (در عصری که قضاوت درباره ارزش را بدنام کرده است) به‌کارگیری این قضاوت‌ها برای تعیین سوابقی که باید نگهداری شوند را ارائه می‌دهد. ارزشیابی کلان در معنای درست آن، بهترین وسیله‌ای است که برای اجرای راهبرد فراهم‌آوری و ارزشیابی آرشیوی در اختیار داریم. این مورد شامل مفاهیم زیر است، آیا خط فکری مؤسسه یا آرشیودار بر اساس ایده‌های پست مدرن فوکالت، سنتی شلنبرگ یا جنکینسون جدید است و آیا تمرکز آن‌ها بر سوابق دولتی، سازمانی، مؤسسه‌ای یا شخصی است. در صورت به‌کارگیری صحیح، ارزشیابی کلان پایگاه گسترده‌ای را پیشنهاد می‌دهد که کار، ارتباط و درک درون حرفه‌ای ما و کار، ارتباط و درک بیرونی سازمان‌ها با مشتریان، اهداکنندگان، شرکاء و رشته‌های فکری دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی دیدگاه‌های دو نظریه‌پرداز اصلی ارزشیابی کلان در کانادا به‌دنبال نشان دادن این است که ماهیت دوگانه تصورات کوک و ابهام روش‌شناختی آن همان چیزی است که باعث می‌شود این مدل به‌عنوان یک برنامه عملیاتی مؤثر کار کند. این موضوع اول از طریق بررسی مختصر مطالعات موردی مرتبط با ارزشیابی که آرشیودار آرشیو ملی کانادا، کاترین بیلی، منتشر کرده و در درجه دوم از طریق تحلیلی که دو روش ارزشیابی مختلف کار مدیریت مالی صورت‌پذیرفته در دو حوزه قضایی مختلف، دولت‌های کانادا و انتاریو، را مقایسه می‌کند، نشان داده خواهد شد.

۴- تفسیرهای جایگزین اقدام حقیقی

کاترین بیلی رهبر آرشیودارانی است که از زمان شروع برنامه در سال ۱۹۹۱، برای اجرای برنامه فراهم‌آوری کاملاً بازبینی‌شده آرشیو ملی تلاش کرده‌اند. کل کار بیلی در ارزشیابی، تلاش برای به‌کارگیری نظریه ارزشیابی کلان کوک به‌شکل قوی و پایدار بوده است. دو مقاله آن‌ها



درباره ارزشیابی در شماره ۴۳ مجله آرشو^۱، دو روش مکمل هستند که یک‌باره دو خط فکری مجزا و یک طرح فکری متحدکننده را آشکار می‌کند. درحالی‌که کوک نظریه‌پرداز پیش‌تاز ارزشیابی کلان بوده است، بیلی از استعداد حیرت‌آور او در پژوهش‌های مرتبط با ارزشیابی برای آزمایش این نظریه و تقویت آن با بینش‌های عملی، استفاده کرده است. اعتبار او برای اورتدوکسی در اردوگاه ارزشیابی کلان غیرقابل‌تردید است. بیلی در مقاله سال ۱۹۹۷ خود آنچه که کوک از آن پشتیبانی می‌کند را به‌خوبی و به‌طور مختصر بیان می‌کند: «مخلص کلام اینکه، نیاز است تا تمرکز ارزشیابی از تعیین ارزش سوابق حقیقی برای اهداف پژوهشی [از پیش تعیین‌شده یا قبلی] به ارزیابی شرایط ساختاری-کارکردی زمینه تولید سوابق، یا [به عبارت دیگر] اصالت [کارکردی] آن‌ها، تغییر یابد» (Bailey, 1997, p. 94). این قاعده‌سازی تأکید اساسی الگوی جدید را در اختیار می‌گیرد.

البته، این الگوی است که به نوبه خود باید در ارتباط با سنت ناقص و معیوب (در حقیقت، همیشه در ارتباط با یک کلیشه یا شاهد حرفه‌ای) تعریف شود. نظریه ارزشیابی کلان مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها را به‌عنوان دستورات پژوهشی حقیقی و اشتغال محدود با ارزیابی دقیق محتوای سوابق را به رویکردهای سنتی‌تر نسبت می‌دهد چنانکه هر کدام از آرشوداران امروزی در تحلیل مجموعه‌ها بسیاری از سوابق را تا سطح فقره موردبررسی قرار می‌دهند. همچنین نظریه ارزشیابی کلان این حقیقت را نادیده می‌گیرد که تعداد محدودی از آرشوداران با توجه به تخصص موضوعی خود، می‌توانند از درک آگاهانه ارزش‌رهایی بسته و بر اساس پژوهش و تجربه چنین ادراکی را به‌عنوان قضاوت‌ها ارزشیابی که ذاتاً تحریف‌شده هستند در نظر بگیرند. با این وجود، نیروی محرکه در اصلاح خطاهای گذشته، به‌جای خود سوابق، در حقیقت شرایط ساختاری-کارکردی تولید سوابق است، ارزشیابی کلان همچنین روشی برای تفسیر تحلیل‌ها به پیشنهادهایی درباره چگونگی نگهداری سوابق می‌باشد. همانند بروآن و کوک، از نظر بیلی تلاش برای پیاده‌سازی نظریه ارزشیابی کلان سقوط به مرحله دوم این روش است.

بیشتر مقاله سال ۱۹۹۷ بیلی از چهار نمونه مطالعاتی مجزا تشکیل شده که هر کدام از آن‌ها شامل اجرای ارزشیابی کلان در زمینه گسترده تحلیل کارکردی کلان است که جلوتر از آن انجام می‌شود. هر چهار نمونه مطالعاتی با دستگاه‌های بهداشتی در ارتباط بوده و هر کدام دربردارنده ارزشیابی کارکردی کلان به‌عنوان اولین مرحله هستند (Bailey, 1997, pp.90-96). بیلی آنچه که در این چهار ارزشیابی کلان به‌عنوان تلاش‌های پایدار پیشرفت‌کننده برای استفاده از ارزشیابی در محل سوابق برای بررسی فرضیه ارزشیابی کلان به‌جای تخصیص ارزش به سوابق صورت گرفته است را بیان می‌کند. با این حال، وقتی اجرای ارزشیابی کلان را



توصیف می‌کند، به‌طور مشخص ابزارها را تغییر می‌دهد:

پس از به‌کارگیری مدل ارزشیابی کلان برای شناسایی و مجزاکردن حیطه‌های کلیدی، جایی که احتمالاً سوابق آرشیوی در آنجا یافت می‌شوند، خود سوابق در مرحله‌ای که کوک به‌عنوان «ارزشیابی کلان» به آن اشاره می‌کند، ارزشیابی می‌شوند. در این نقطه است که بسیاری از عوامل «سنتی» که عموماً با اقدامات ارزشیابی در آمریکای شمالی مرتبط هستند در آن یافت می‌شوند- سوابق چه طیف زمانی را پوشش می‌دهند، سوابق تا چه حد کامل و معتبر هستند، چه تعداد از سوابق در آنجا موجود است و چه قوانینی سوابق را تحت تأثیر قرار می‌دهند. توجه عملی به حفظ و نگهداری، میزان دسترس‌پذیری فضا یا هزینه‌های پردازش هم موردبررسی قرار گرفته و ممکن است روی تصمیمات ارزشیابی نهایی تأثیرگذار باشد

(Bailey, 1997, p. 96).

هر نوع از تفسیرهای عینی به‌معنای بررسی تفسیری از طریق متون نیست. رویکرد ارزشیابی کلان مقداری از هر چیزی است که با روش‌های ارزشیابی سنتی در ارتباط است که می‌تواند شامل ایده‌های شلنبرگ به بهترین شکل آن (نمونه‌هایی از کاربردهای پژوهشی آتی)، با اندکی از تحلیل‌های اولیه هزینه- سودمندی باشد که از زیرساخت نظری کارکردی کلان برآمده است.

درحالی‌که بیلی کار موجود در نمونه‌های مطالعاتی خود را به‌عنوان پیشرفت مداوم از رویکرد «دوگانه» به تصویر می‌کشد که جنبه‌های مختلف ارزشیابی کلان و تحلیل‌های سنتی ارزش شهودی/ اطلاعاتی را ترکیب می‌کند، دو راه دیگر برای مشخص کردن ویژگی‌های رویکرد بیلی وجود دارد. اولین راه بر این حقیقت تکیه دارد که بیلی آرشیوداری است که یافته‌های او به‌طور انباشته از طریق مطالعات پی‌درپی ادارات و دفاتر مرتبط با هم، اصلاح شده است. بنابراین ممکن است ارزشیابی بیلی به‌عنوان شکلی از کارکردگرایی همگرا دیده شود که در آن تحلیل‌های کارکردی گسترده‌تر به‌طور پایدار چارچوب هر نوع از ارزشیابی بعدی را تعریف می‌کنند. پس این یکی از راه‌های در نظر گرفتن کار بیلی است.

باین‌حال، هر نوع از ارزشیابی هنوز هم بر اساس روش‌های ارزشیابی دوگانه و اصول عمیق دانش انجام می‌شود. تحلیل کارکردی حداقل بر اساس نظریه دربرداخته و وابسته به ارزشیابی‌های سنتی ارزش شهودی و اطلاعاتی است. بنابراین، تفسیر دیگر روشن‌تر و مؤثرتر است. درحالی‌که بیلی در هر ارزشیابی کلان بعدی به‌طور فزاینده روال کارکردگرایی برای تعریف کردن عوامل و معیارهای ارزشیابی را می‌پذیرد، ارزش‌های طبقه‌بندی‌شده شلنبرگ در میان متون او پنهان می‌ماند. بیلی اطمینان حاصل می‌کند که پیش از اینکه حقیقتاً ذهن خود را درباره هر موضوعی شکل دهد، سردی سوابقی را از تجربه‌های فیزیکی می‌شناسد. این با



مفهوم ارزشیابی کلان به عنوان مرحله‌ای جانبی که تفسیرهای کاملاً انتخاب‌شده برای هدف محدود بررسی شناسایی‌های قبل از طریق تحلیل کارکردی مکان‌هایی که سوابق آرشیوی را تولید می‌کنند، در تضاد کامل است. رهبری بیلی در ایجاد تحلیل‌های دقیق‌تر و جامع‌تر تا سال ۱۹۹۷ کاهش پیدا نکرده است. کار او در زمره روش‌های جدید و مطرح قرار دارد؛ اما نه بیلی و نه هیچ‌کدام از همکاران او قادر نبوده‌اند که تحلیل‌های ارزشیابی کلان را به قاعده‌سازی‌های مبتنی بر کارکرد برای شناسایی حقیقی سوابق آرشیوی تبدیل کنند- که می‌گوید ارزشیابی کلان باید چیزی بیشتر از شناسایی صرف تحلیل‌های پیشین از زمینه تولیدکننده باشد.

این تفسیر، به کارگیری نظریه ارزشیابی کلان بیلی را بی‌اعتبار نمی‌کند. نویسنده مقاله حاضر نظریه مشابه را در زمان مشابه برای ادارات مرکزی مانند هیئت خزانه‌داری، کمیسیون خدمات عمومی و دفتر نماینده زبان‌های رسمی به کار گرفته است. در هر مورد، ارزشیابی کارکرد دفتر مرکزی، درک زمینه‌ای گسترده‌تر از ارتباطات کارکردی بزرگ‌تر را ارائه داده است. این موارد به نوبه خود به پایه و اساس موردنیاز برای اصلاح فرضیات و نتیجه‌گیری‌های کارکردی تبدیل شده‌اند. اما این مرحله همگرا بوده و ابتدا با خود سوابق آغاز می‌شود. کار روی دفتر نماینده زبان‌های رسمی در سال ۱۹۹۵ یک روش ارزشیابی ساختاریافته و کارکردی را ایجاد کرد (Beaven, 1995, Authority 95/026) که همراه با سازماندهی مجدد گزارش ارزشیابی برای انعکاس آشکار این دو روش، به کارگیری درست نظریه ارزشیابی کلان، بود. با این حال، به کارگیری این نظریه بر اساس چهار ماه پژوهش قبلی در سال پیش از اجرای آن در هیئت خزانه‌داری انجام شد که در آن پرونده‌های ثبت از کارکرد مشابه استخراج شد.

فنون مناسب‌تر و ففونی که ارزشیابی کلان را برای آرشیوداران جدید یا آرشیودارانی که به این روش‌ها عادت نکرده بودند، قابل استفاده می‌کند، رویکرد همگرا است. رویکرد همگرا بر اساس مبنای ثابت در ارزشیابی تجربی سنتی و پایه و اساس راسخ دانشی ایجاد شده که مستقیماً از سوابق به دست آمده است. همواره نظریه‌پردازی وجود خواهند داشت که ما را به سمت ارتقای تحلیل‌های جدید تعریف‌شده، از طریق مطالعه زمینه تولیدی سوق خواهند داد. برخی از آرشیوداران راهی برای به کارگیری رویکردهای افراطی و تخیلی برای شرایط خاص پیدا خواهند کرد. با این حال، در صورتی که بخواهیم ارزشیابی کلان به عنوان یک استاندارد از نظر عملیاتی مؤثر باشد، نیاز به تفسیرهای گسترده و باز داریم.

کارِ کاترین بیلی ارزش انعطاف‌پذیری و خلاقیت ذاتی در به کارگیری گسترده ارزشیابی کلان را تأیید می‌کند. دو مجموعه متضاد از بررسی‌ها در زمینه کارکرد مدیریت مالی دولتی که در بخش بعد درباره آن صحبت می‌کنیم، دلیل عملی برای این حقیقت است که رویکرد کارکردی برای درک زمینه تولید ضروری بوده اما مبنای ناقصی را ارائه می‌دهد تا یک روش



مؤثر ارزشیابی بر اساس آن ایجاد شود. صرف‌نظر از میزان کمال آن، ارزشیابی همواره چیزی بیشتر از ارتقای زمینه تولید است.

ارزشیابی فعالیت مدیریت مالی: به‌کارگیری تحلیل‌های کاربردی در دو مطالعه موازی

مرحله بعدی این بحث شامل تحلیلی است که دو رویکرد مجزا برای ارزشیابی را مقایسه می‌کند که هر دوی آن‌ها از ارزشیابی کارکردی در موقعیت‌های مشابه استفاده می‌کنند. مدل اول را نویسنده همین اثر در آرشیو ملی کانادا اولین بار به‌دنبال فعالیت‌های گسترده مدیریت مالی در دولت فدرال، در ارزشیابی هزینه‌های هیئت خزانه‌داری کانادا و فعالیت‌های مدیریت برنامه به‌کار گرفت. این ارزشیابی‌ها در دو پروژه مختلف صورت پذیرفتند (که از این به بعد به هر دوی آن‌ها با عنوان مطالعه آرشیو ملی کانادا اشاره می‌شود). مدل دوم کار جیم ساندرومن در آرشیو انتاریو^۱ است که کار مشابهی را با سامانه مدیریت هزینه‌های دولت اونتاریو انجام داده است (از این به بعد به این مدل با عنوان مطالعه آرشیو انتاریو اشاره می‌شود).

نتیجه‌گیری خلاصه هر دو پژوهش به این شرح است که مرحله اول مطالعه آرشیو ملی کانادا در سال ۹۴-۱۹۹۳ بخش مهمی از سوابق تولیدشده در هیئت خزانه‌داری فدرال را به‌عنوان بهترین سوابق آرشیوی نگهداری کرد (هیئت خزانه‌داری به‌عنوان یکی از دستگاه‌های دولتی ملزم به هماهنگ‌کردن فعالیت مدیریت مالی، دفتر منافع اصلی است). در سال ۱۹۹۸، دومین پروژه مجزای فرای هیئت خزانه‌داری به کل سازمان‌های دولتی می‌نگرد؛ مطالعه آرشیو ملی کانادا پیشنهاد می‌کند از طریق مجوز امحای چند سازمانی، تمام سوابق سطح سازمانی که با فعالیت مدیریت هزینه‌ها در ارتباط هستند، امحای شوند. برعکس، مطالعه آرشیو انتاریو یک رویکرد نامتمرکز را پیشنهاد می‌دهد که سابقه آژانس مرکزی به‌طور عمده حذف شده و تصمیم‌گیری نهایی درباره سابقه مدیریت هزینه‌ها در سطح وزارتخانه (در دولت اونتاریو، سازمان‌ها به‌عنوان وزارتخانه در نظر گرفته می‌شوند) به صورت مورد به مورد از طریق برنامه‌های زمانی مختص به سازمان‌ها انجام شود. علی‌رغم وجود منابع در هر دو مجموعه رسیدگی‌ها برای به‌کارگیری تحلیل‌های کاربردی برای توجیه و هدایت، دو مجموعه توصیه‌های ارزشیابی کاملاً متضاد با هم بودند.

درحالی‌که تمایل اصلی تحلیل حاضر، کشف تناقضی است که مشترکات روش‌شناختی و توصیه‌های مختلف این دو پژوهش معرفی می‌کنند، لازم است برای اجتناب از انحراف، تفاوت‌های موجود در حیطه، تأکید و اجرای بین این دو پروژه اعلام شوند.

ساندرومن ارزشیابی خود را به‌عنوان پروژه منسجم و جامعی اجرا می‌کند که به‌دنبال فعالیت

1. Archives of Ontario



منفرد و چند منشایی -مدیریت هزینه- است که نه تنها دربردارنده وزارتخانه‌های دولتی و هیئت مدیره است، بلکه فعالیت تخصیص هزینه‌ها دفاتر کابینه را نیز شامل می‌شود. مطالعه آرشیو ملی کانادا با استفاده از ساختار پروژه‌ای کاملاً متفاوت انجام شد. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، این مطالعه به شکل دو رسیدگی کاملاً مجزا صورت گرفت: اولین پروژه در سال ۱۹۹۳ انجام شد و بر تولیدکننده منفرد سابقه، شعبه برنامه‌ریزی هیئت خزانه‌داری تمرکز داشت. این ارزشیابی (برخلاف مطالعه آرشیو انتاریو) شامل جنبه‌های مرتبط ارزیابی برنامه بود که توسط هیئت خزانه‌داری مورد استفاده قرار می‌گرفت. این مرحله از مطالعه آرشیو ملی کانادا «شبه کارکردی»^۱ بود زیرا در راستای نظریه ارزشیابی کلان، این پژوهش سوابق هیئت خزانه‌داری را بر اساس تحلیل سطح بالای ارتباطات کارکردی، دارای ارزش تشخیص داد. اما این پژوهش از نظر خصوصیات، به‌طور عمده چندگانه بوده و ارزشیابی سنتی فیزیکی در محل، پرونده‌به‌پرونده، ردیف‌به‌ردیف محتوای سوابق در ارتباط با ارزش شهودی و اطلاعاتی آن‌ها را برای انتخاب نهایی در هم می‌آمیزد. پنج‌سال بعد دومین پروژه، ارزشیابی سوابق مدیریت هزینه را گسترش داده و زمینه کارکردی گسترده‌تر فعالیت‌های مالی عمومی در کل دولت کانادا را دربرگرفت.

برخلاف مطالعه آرشیو ملی کانادا، در مطالعه آرشیو انتاریو تحلیل سندشناسی محتوای سوابق آشکارا به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی در نظر گرفته شده و مستقیماً با بدنه ارزشیابی ترکیب می‌شود تا بر مستندات ارزیابی پشتیبان و تعیین سوابق معتبر در زمینه تولید، تمرکز داشته باشد. این رویکرد جامع‌تری است اما از چندگانگی کمتری برخوردار است. در مقایسه با این مطالعه، ارزشیابی مدیریت مالی فدرال در سال ۱۹۹۸، تحلیل کارکردی فعالیت اداری عمومی خود را نه با تفسیر محتوای سوابق، بلکه با تفسیر متون ۶۰ سال گذشته درباره تعیین تکلیف و عمل احما در حوزه‌های قضایی مختلف، تکمیل کرد. سپس از این تفسیرهای مکمل به‌عنوان جایگزینی برای تأیید ارزشیابی کلان محتوای سوابق سازمانی استفاده کرد. بر این اساس، این ارزشیابی با بررسی دقیق پرونده به پرونده سوابق سازمان‌های منفرد، معاف می‌شود.

این تفاوت‌ها، یک تناقض قابل توجه باقی می‌مانند. یک روش منفرد درباره انواع مشابهی از سوابق که عمده‌تاً فعالیت‌های مشابه و مشترکی را مستند کرده و به نوبه خود توسط تولیدکنندگان مشابه در درون دولت که دارای الزامات مشابهی هستند صورت می‌پذیرند، دو نتیجه‌گیری کاملاً متضاد را ارائه می‌دهد. حتی اگر آرشیو انتاریو در نهایت توصیه‌های ساندرومن را نپذیرد، این عدم تجانس درباره ارزشیابی کلان به‌عنوان یکی از گزینه‌ها برای

استاندارد آرشیوی، چه چیزی را نشان می‌دهد؟



اجازه دهید کمی دقیق‌تر به چگونگی اجرای این پژوهش توسط ساندرومن و نتیجه‌گیری او نگاه کنیم. فعالیت مدیریت هزینه -روشی که با آن دولت بودجه‌های وزارتی منفرد، طرح‌های هزینه‌ها و مرور برنامه را با برنامه‌ریزی نهایی وفق می‌دهد- به‌عنوان مجموعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که دارای کارکردهای خود است و در آن آرشیدار ارزشیابی‌کننده فرایندهای داخلی و بدنه حاصل از اطلاعات میان سازمانی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. بر این اساس، در مطالعه آرشیدو انتاریو چنین نتیجه‌گیری می‌شود که فرای انتشارات و مدارک کابینه، لازم است تعداد بیشتری از پرونده‌های توسعه خط‌مشی را نسبت به نظام پرونده‌های دفتر مرکزی هیئت مدیره حفظ کنیم زیرا سابقه اصلی مدیریت هزینه در میان مجموعه سوابق وزارتی، یافت می‌شود که توسعه این نظریه را مستند می‌کنند. در مطالعه آرشیدو انتاریو نتیجه‌گیری می‌شود که سوابق باید به‌صورت مورد به مورد توسط آرشیداران مسئول هر وزارتخانه با استفاده از دانش تخصصی و با به‌کارگیری ارزشیابی‌های کارکردی بالا به پایین جامع که برای تولیدکنندگان فوندهای مجزا به کار گرفته شده، انجام پذیرد.

این رویکرد از نظر روش‌شناختی کاملاً درست است. سابقه هیئت‌مدیره سابقه وزارتی را تکرار می‌کند، اما زمینه بلاواسطه آن را شکاف می‌دهد. با تعیین تکلیف سابقه اداره مرکزی و باقی‌گذاشتن مسئولیت نگهداری از سوابق وزارتی منفرد بر عهده آرشیدار وزارتخانه، مطالعه آرشیدو انتاریو اطمینان حاصل می‌کند جایی که سوابق مدیریت هزینه درک نهایی از فعالیت‌های یک تولیدکننده خاص را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، سوابق دارای ارزش آرشیدو باید حفظ و نگهداری شوند. جایی که سوابق برای مستندسازی کافی از اقدامات و برنامه‌های وزارتی کافی نیستند، آرشیداران وزارتخانه ممکن است امحا را پیشنهاد دهند. بنابراین مستندسازی تکراری حذف شده و دقیق‌ترین مجموعه‌ها که دارای ارزش آرشیدو هستند، حفظ و نگهداری می‌شوند.^۱

برخلاف مطالعه آرشیدو انتاریو، ارزشیابی کلان در مطالعه آرشیدو ملی کانادا تا حدی با اولویت‌های عملیاتی انجام می‌شود. این امر رویکردی تدریجی را تحمیل می‌کند که اساساً بر هیئت خزانه‌داری به‌عنوان اداره هماهنگ‌کننده مرکزی، بدون مزایای ارزشیابی کلان کامل فعالیت گسترده دولتی و بدون فرصت برای تأیید فرضیه ارزشیابی کلان با تحلیل‌های ارزشیابی کلان سوابق مختلف مؤسسات مرتبط، سازمان‌ها و دفتر شورای شرکاء، تمرکز دارد. از طرف دیگر، تحلیل فعالیت‌ها در سال ۱۹۹۳ بر آنچه که هیئت خزانه‌داری انجام داده بود، تمرکز داشت. ارزشیابی به‌عنوان یکی از مراحل طرح چند لایه تعیین تکلیف اجرا و برای فعالیت‌های جانبی مختلف که هیئت خزانه‌داری به‌عنوان هیئت غیررسمی مدیریتی برای دولت کانادا مسئول آن‌ها بود، به کار گرفته شد. خوشبختانه، ارزشیابی شعبه برنامه‌ریزی (که به‌عنوان عنصر

۱. کاربرد کاملاً نظری روش کارکردی به‌شکل تصادفی با ساختار اداری داخلی آرشیدو انتاریو مطابقت دارد؛ در این آرشیدو بین سوابق خصوصی و عمومی تمایز قائل نمی‌شوند اما به‌جای آن به آرشیدواری تکیه دارند که دانش خود در زمینه مستندسازی وظایف اجتماعی عمده (برای مثال: آموزش، هنر و فرهنگ، نقل و انتقال، صنعت، رفاه عمومی) را در فراهم‌آوری و مدیریت منابع خصوصی و عمومی به کار می‌گیرد. در سطح وزارتی، جایی که وظایف عمده اجتماعی موردنظر هستند، مستندسازی جامع و منسجم از اهمیت بیشتری برخوردار است. این فرهنگ نهادی با موقعیتی که نویسنده با آن در آرشیدو ملی مواجه شد، مغایرت دارد.

سازمانی اداره کننده فعالیت جانبی مدیریت هزینه شناخته می شود) در مرحله پنجم این مجموعه قرار داشت^۱. برنامه زمانی به آرشیودار اجازه می دهد تا درک اصلی زمینه ای تولیدکننده سابقه را از طریق پژوهش های ارزشیابی کلان که در گذشته انجام شده و تمام آن ها دربردارنده ارزیابی سوابق حقیقی در محل هستند، به دست آورد. این تحلیل ها به نوبه خود درک شگرفی درباره این موضوع ارائه می دهد که چگونه فلسفه اصولی نظام هماهنگی اداره مرکزی اساساً از سال ۱۹۶۹ تغییر کرد. در حقیقت، مطالعه آرشیو ملی کانادا با استفاده از پژوهش های قبلی به سمت تفسیر تعبیری اولیه متون برای تعریف کردن زمینه کارکردی و به طور همزمان فرمول بندی ارتقای کارکردی کلان فعالیت هیئت خزانه داری حرکت کرده است - در نتیجه باعث ایجاد رشد در درک کارکردی در مراحل تدریجی می شود. این روش چندگانه از لحاظ خصوصیات با کار قبلی درباره سوابق بهداشتی و تعداد دیگری از همکارانش که به طور همزمان روش های دیگر ارزشیابی کارکردی را آزمایش می کردند شباهت دارد و تفاوت ها عمدتاً در سطح جزئیات ساختاری است.

تعجب آور نیست که مطالعه آرشیو ملی کانادا پرده از زمینه کارکردی و اطلاعاتی قابل توجهی برمی دارد که با آنچه که سه سال بعد توسط ساندرومن در اکانت منتشر شده او در نظام انتاریو توصیف شده، مشابه است. تولید و جریان مستندات از سازمان به سمت اداره مرکزی تا کابینه تا دستگاه قضایی تا خروجی نهایی منتشر شده، حجم انبوهی از کارهای تکراری در هر دو حوزه قضایی را نشان می دهد. البته، مطالعه آرشیو ملی کانادا در مورد اینکه سوابق آرشیوی کجا هستند، به نتیجه معکوسی می رسد^۲. پشت این نظریه که بخش عمده ای از سابقه اداره مرکزی تفسیر شده، این بحث اساسی قرار دارد که در نتیجه آن آرشیو ملی از یک منبع منفرد (هیئت خزانه داری) تأمین می شود؛ سابقه ای که مختصرترین تصویر موجود از مرحله تصمیم گیری را همراه با ارزیابی جامع و استاندارد از اجرای برنامه در تمام ادارت فدرال ارائه می دهد. این ساختار جایگزین ارزش آرشیوی (به طور قابل ملاحظه، مانند مطالعه آرشیو انتاریو بر اساس تحلیل کارکردی) سرانجام آنچه که باید با سوابق مدیریت هزینه سازمان های منفرد انجام شود را حل نکرده باقی گذاشته است؛ اگرچه این کار به عهده مواد قانونی برنامه عمومی تعیین تکلیف سوابق باقی می ماند. این قوانین به مدت سی سال دارای مجوز امحای تمام سوابق سازمانی مرتبط با تخمین و مدیریت هزینه ها بودند.

در سال ۱۹۹۸، با یک ارزیابی کارکردی کامل تر، فعالیت گسترده تر مدیریت مالی دولت به شکل کلی مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش، آرشیودار تأیید می کند که با توجه به مدیریت هزینه ها و همچنین جنبه های الزامی تر مدیریت مالی (حسابرسی و کنترل، تعیین بودجه و کنترل بودجه، گزارش گیری مالی)، اعطای مجوز امحاء تمام سوابق سازمانی - منهای

۱. ارزشیابی های اساسی قبلی که در هیئت خزانه داری انجام شده و درباره آن نوشته ام به اداره شرکت ها (authority 1990/009)، حسابرسی کل کانادا (1991/009)، شعبه خط مشی اداری (1992/015)، an amendment to 88/005 و شعبه خط مشی کارکنان (1993/031) مرتبط است.

۲. کار کردن در یک محیط اداری که فوندهای هیئت خزانه داری در یک سطح در حوزه فعالیت آرشیو ملی و همزمان در سطح دیگر (و غالباً توسط مدیران مشابه) به عنوان فوندهای کاملاً اضافی و در حالت عکس به عنوان ابزار ارزشمندی در نظر گرفته می شوند که آرشیو ملی می تواند با استفاده از آن به شکل مؤثر و کارا، پروفایل های مختصر و دقیقی از برنامه های دولتی را ضبط کند، باعث شد تا نویسنده به این نتیجه تقریباً قانع کننده برسد که سابقه اصلی آژانس، در واقع پارزش است. نویسنده توصیه می کند تقریباً نیمی از تمام دفاتر ثبت شعبه برنامه، نگاهداری شوند. سطح بالای بی توجهی به فوندهای هیئت خزانه داری در حقیقت باعث ایجاد آزادی زیاد در این مورد به خصوص شده است. نویسنده توصیه کرده نیمی از دفاتر ثبت نگاهداری شوند زیرا هیچ دلیل موجهی برای کمتر یا بیشتر کردن این مقدار را پیدا نکرده است. مأموران بازبینی هیچ پیشنهادی که با پیشنهاد من مخالف باشد را ارائه نداده اند.

برخی بسته‌های خاص که در اقدامات مدیریت برنامه‌های عملیاتی سرگردان شده‌اند - صحیح است. در دولت فدرال، این تمایز کار می‌کند. پژوهش آرشیو ملی کانادا با به‌کارگیری این راهبرد امحا چیزی معادل با ده درصد از همه سوابق تولیدشده توسط دولت کانادا یا بیشتر از آن را تأیید می‌کند. در این کاربرد روش ارزشیابی کلان، سابقه آرشیوی همان سابقه اداره مرکزی باقی می‌ماند که مطالعه آرشیو انتاریو اصولاً آن را نادیده می‌گرفت. گزارش ارزشیابی به‌طور خلاصه به‌شکلی در نظر گرفته می‌شود که به موجب فرایندهای کلان، یک موجودیت حسابرسی منفرد که در آن ادارات فدرال استانداردهایی را تدوین می‌کنند که مدارک را از نظر آرشیوی ارزشمند می‌سازد، سابقه سازمانی همان چیزی است که باید باشد؛ سابقه به‌دلیل اقدام مستقل منحصربه‌فرد تولیدکننده (سازمانی) در سطح فوند، ایجاد نمی‌شود» (Beaven, 1998). گزارش ارزشیابی، رسماً مکان‌های بالقوه سوابق آرشیوی و دلیل فاقد ارزش بودن اکثر سوابق مدیریت مالی را مستند می‌کند. همچنین بر اساس نیم‌قرن بررسی‌های آرشیوی برای شناسایی سوابق حسابرسی مرکزی دارای ارزش ماندگار نتیجه‌گیری می‌شود که این سوابق اصلاً از ابتدا وجود نداشته‌اند.

حالا، می‌توانیم از تحلیل‌های قبلی چنین برداشت کنیم که یکی از این دو رویکرد - آرشیو اونتاریو یا آرشیو کانادا - باید از نظر نظری یا روش‌شناختی غلط باشند. اما چنین استنتاجی باعث از دست دادن نکته می‌شود. هر دو پژوهش برای شناسایی ارزش آرشیوی بر اساس فعالیت تلاش زیادی کرده و اقدام تولیدکننده سوابق که در یک عالم اطلاعاتی منفرد عمل می‌کنند بر اساس فعالیت‌های آنان تعریف می‌شود. هر دو شاهد و مدرک کافی را ارائه داده و برای توجیه‌کردن پیشنهادات خود بحث می‌کنند. هر دو درک ثابتی از فعالیت‌ها و اقداماتی را که با آن سر و کار دارند، ارائه می‌دهند. هر دو بسیار گزینشی هستند. در عالم‌های مشابه، کاربرد این نظریه را به روش‌های مختلف به‌سادگی تفسیر می‌کنند. آیا راه‌حلی برای این تناقض وجود دارد؟ آیا وقتی روش ارزشیابی کلان را دنبال می‌کنیم، محکوم به چنین تضاد و نتایج ارزشیابی ظاهراً گیج‌کننده‌ای هستیم؟

یکی از راه‌حل‌های ممکن اینجاست. پژوهش آرشیو ملی کانادا با استناد به سابقه هیئت خزانه‌داری می‌گوید که پروفایل دولتی جامعی از فعالیت مدیریت مالی تمام موجودیت‌ها در دولت فدرال حفظ شده و همچنین با تفسیرهای داخلی توسط اداره مرکزی درباره مراحل و رفتارهای ادارات منفرد، تسهیل می‌شود. این سابقه به‌علت جزئیات موجود به‌طور برجسته بر منابع چاپ‌شده و به موجب ارزش افزوده‌شده از طریق تفسیرهای مأموران هیئت خزانه‌داری بر سابقه مدیریت هزینه‌ها که توسط تولیدکنندگان سازمانی منفرد سوابق برتری دارند. با انتخاب این منطق ارزشیابی، پژوهش آرشیو ملی کانادا غنای احتمالی متن که ممکن است چنین



سوابق سازمانی را در مورد یک سازمان خاص ارائه دهند قربانی می‌کند؛ جایی که ماهیت سابقه مدیریت هزینه‌ها ممکن است به شدت درک زمینه‌ای از برنامه‌های عملیاتی اصلی را تحت تأثیر قرار دهد. البته این بحث و شواهد آن پیشنهاد می‌کنند که ارزش متأثر باید به دلیل ماهیت فعالیت، حاشیه‌ای و کمیاب باشد.

پیروی از مطالعه آرشیو انتاریو به معنای حفظ خلوص منشأیی کامل در سطح وزارتی است اما وقتی آرشیو انتاریو حقیقتاً از راهبردهای پیشنهادشده پیروی کرد، محکوم به سرمایه‌گذاری کلان روی ارزشیابی مجدد شد که بدون شک نتایج حاصل این کار را توجیه می‌کرد اما هنوز منابع برای ارزیابی سوابق حاصل از یک فعالیت منفرد گسترش پیدا می‌کنند. با پیروی از این رویکرد، هر آرشیودار ملزم به کسب حداقل دانش زمینه‌ای دربارهٔ مراحل محرمانه مدیریت هزینه‌ها برای اجرای راهبرد چند منشائی غیرمتمرکز است.

نتیجه رویکرد ساندرومن حجم عظیمی از کار پژوهشی سخت است که تا زمانی که سوابق مدیریت مالی برای تمام سازمان‌ها کاملاً ارزشیابی نشده باشند، تمام نخواهد شد. برعکس، با دنبال کردن گزینه آرشیو ملی کانادا، آرشیو ملی از نیاز به اجرای ارزشیابی (یا بخشی از ارزشیابی) برای هر سازمان، اجتناب کرده است. در دولت فدرال در زمان ارزشیابی شعبه برنامه‌ریزی در سال ۱۹۹۳، تعداد رو به افزایش ۲۷۰ سازمان در معرض فرایندهای مدیریت هزینه، وجود داشت.^۱

دو کاربرد ارزشیابی کلان در سطح نظری و روش‌شناختی به‌طور مساوی معتبر و قابل دفاع هستند. نظریه ساندرومن از لحاظ نظریه خالص و اصلاح روش‌شناختی (برای مثال، کاربرد ماهرانه‌تر سندشناسی) دارای مزیت‌هایی است. با این حال پژوهش آرشیو ملی کانادا بر حسب حفظ و نگهداری منابع فکری و مالی از طریق صرفه‌جویی در هزینه‌ها، مستقیم‌بودن نتایج و سادگی روش به‌کارگیری تعیین تکلیف در تمام سازمان‌های دولتی مزایای زیادی دارد.^۲

البته توجه داشته باشید که در پیروی از این منطق، معیارهای اصولی تحلیل‌ها تغییر پیدا کرده‌اند. علاوه بر تکمیل ارزشیابی کلان و دقیق سوابق اداره مرکزی و تفسیر تعبیری متون تعیین تکلیف و ارزشیابی مرتبط با فعالیت مدیریت هزینه‌ها در ۶۰ سال اخیر، مطالعه آرشیو ملی کانادا از طریق به‌کارگیری معیارهای اساسی هزینه-سودمندی و سنجش خطرات و منابع تقویت شده است. این نتیجه‌گیری به سطح انسجام داخلی ارائه‌شده در این دو رویکرد بالا به پایین ارزشیابی کلان ربطی ندارد. مطمئناً این یکی از ملاحظات کلیدی است که تحلیل مقایسه‌ای دو کاربرد روش ارزشیابی کلان، نشان می‌دهد، مزایا یا معایب یک کاربرد خاص ممکن است ربطی به پایداری روش به‌کارگیری این نظریه نداشته باشد.

نتیجه آشکار است؛ تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که سرانجام قاعده‌سازی ارزشیابی

۱. اگرچه در حال حاضر ۱۳۰ آژانس مشمول قانون آرشیو ملی کانادا هستند، اما نباید در مورد این موضوع دچار اشتباه شد. شکل‌های بزرگ‌تر، آژانس‌های دولتی را به تصویر می‌کشند که پیش از برنامه بازبینی در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۸ وجود داشته‌اند و هم مؤسسات دولتی که مشمول این قانون هستند و هم مؤسساتی که مشمول این قانون نیستند را شامل می‌شود.

۲. آخرین تناقض در مقایسه دو نوع روش‌شناسی ارزشیابی و راهبرد فراهم‌آوری در مؤسسات مربوط آن است که اگرچه آرشیو انتاریو از توصیه‌های ساندرومن پیروی نکرده و بنابراین با روش تعیین تکلیف آرشیو ملی در مورد سوابق مدیریت هزینه‌ها مطابقت دارد، اما مدیریت آرشیو ملی تمام بخش‌های مرتبط با توصیه‌های نویسنده را در مقاله سال ۱۹۹۸ رد می‌کند. آرشیو ملی برای تعیین تکلیف پرونده‌های مرتبط به گزارش نهایی ممیزی، تمایل به استفاده از راهبردی مشابه با رویکرد مختص به-مؤسسه ساندرومن دارد.



منسجم آرشویی نمی‌تواند به معیارهای ارزشیابی کلان یا فرضیات نظری درباره ارزش استنباط‌شده محدود باشد. روش و نظریه ارزشیابی کارکردی کلان مبنای لازم اما ناقص برای راهبرد آرشویی منسجم و ایجاد معیارهای ارزشیابی جامع را ارائه می‌دهد. برای بازگشت به موضوع اصلی این مقاله، ارزشیابی کلان مبنای استاندارد ارزشیابی و را ارائه می‌دهد نه کل استاندارد را. برای اینکه ارزشیابی کلان به‌طور مؤثر کار کند باید به ابزارهای دیگر دسترسی داشته و قادر باشد با محدودیت‌های بی‌شماری که بر اقدام ارزشیابی تحمیل می‌شود، مقابله کند. در مورد پژوهش آرشو ملی کانادا، ابزار مکمل نوعی از تحلیل هزینه-سودمندی است که با برخی تحلیل‌های خطرپذیری ترکیب شده و از برخی جهات با معیارهای «سودمندگرا» یا شبه‌کارکردی شباهت دارد که مارک گرین و دیگران برای آنچه که به‌عنوان «روش مینسوتا»^۱ شناخته می‌شود^۲ (Greene, 1998, pp. 127-169) ایجاد کرده‌اند. در شرایط دیگر، این ابزارها ممکن است بینش‌های سندشناسی (که ساندرومن استفاده می‌کند) یا تفسیرهای تعبیری باشند که آشکارا سابقه کلیدی را از طریق قرارگیری در معرض ارتباطات سخت و غیرمنتظره، شناسایی می‌کند؛ یا ممکن است این کار از طریق ارزشیابی ساده فیزیکی سوابق در محل با تولیدکننده باهوش در یک سازمان کوچک انجام پذیرد که در آن یک مجموعه از نسخ‌خطی خاص فاصله بین منابع آرشویی را پر کرده یا ارزش فوندهای مرتبط را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. آرشو دارانی که با نسخ‌خطی خصوصی سر و کار دارند به‌طور ضمنی درمی‌یابند که ارزش اطلاعات ارائه‌شده با تولیدکننده سوابق که شناخته‌شده نیست، ممکن است هنوز جای خود را در آرشوها حفظ کرده باشد. روش‌های قانونی بسیاری برای انجام این کار وجود دارد. برای تبدیل روش ارزشیابی یا راهبرد فراهم‌آوری، فرمول یا نمونه ثابتی وجود دارد که این فرمول یا نمونه، نسبت به بی‌تفاوتی نسبت به روش ارزشیابی یا راهبرد فراهم‌آوری به‌عنوان یک روش پژوهشی مستقل و جامع، دربردارنده خطرات بیشتری است. این یکی از نکات اساسی است که تحلیل مقایسه‌ای آشکار می‌سازد.

۵- نتیجه‌گیری: مزایای شک نسبت به قطعیت

برای بررسی پرسش‌های اساسی که کار خود را با آن آغاز کردیم، تفسیر مهم نظریه و عمل ارزشیابی کلان، نتیجه‌های اولیه زیر را پیشنهاد می‌دهد. با این حال، ارزشیابی کلان می‌تواند مبنای تدوین استانداردهای مترقی را برای ارزشیابی ارائه دهد. اما ارزشیابی کلان باید به‌طور گسترده تفسیر شود تا این نقش را به‌خوبی ایفا کرده و بستر عمومی موردنیاز برای تسهیل گفتگوی حرفه‌ای پیوسته را فراهم آورده و وسعت و گستره موردنیاز در یک استاندارد که برای انجام یک اقدام ضروری در پژوهش‌های مستقل به‌کار گرفته می‌شود را ارائه دهد. اساساً برای

1. Minnesota method

۲. لازم به ذکر است رویکرد سودگرایی در این مقاله، معیار و روش‌شناسی ارزشیابی کاملاً «مبتنی بر استفاده» نیست. این رویکرد، روش پیچیده هزینه-سودمندی است که ملاحظات متعددی را به‌کار می‌گیرد که برای انواع خاصی از سری سابقه‌های مرتبط با نهادهای خصوصی قابل‌استفاده بوده و قبلاً با استفاده از چارچوب ارزشیابی کارکرد-کلان که در مجموعه سوابق نهادهای خصوصی پذیرفته شده است، از نظر زمینه کارکردی، تجزیه و تحلیل شده‌اند. گرین به‌صراحت این نوع از زمینه‌سازی کارکردی را در ابتدای تحلیل خود، روشن ساخته است (ص ۱۲۳). در حقیقت، رویکرد گرین از نظر آگاهی دقیق از قانونی‌بودن و اهمیت محدودیت‌های منابع و هزینه‌ها به‌عنوان مسائل و معیارهای ارزشیابی نسبت به دیدگاه آن در ارتباط با کارکردمحور بودن یا پژوهش‌محور بودن آن در سنجش مزایا، تمایز دارد.



اینکه ارزشیابی کلان به بستری مناسب برای استاندارد روش‌های آرشیوی تبدیل شود، این نوع از ارزشیابی به بهترین شکل به‌عنوان فرایندی دو مرحله‌ای ذهنی درک می‌شود که بر حداقل تمرکز بر زمینه تولید تأکید می‌کند که با به‌کارگیری مفاهیم متنوع ارزش در سوابق موردنظر دنبال می‌شود. فراهم‌آوردن وسعت و گستره لازم برای استاندارد برای شایان در این حرفه دارای مزایای بی‌شمار است. بدون شک مسائل زیادی مورد مناقشه باقی می‌ماند، اما با توجه به مجموعه مشترکی از نکات مرجع، باید مبنای مشخصی برای گفتگوی حرفه‌ای متری داشته باشیم که معمای عملیاتی نظام‌مند در برنامه‌های فراهم‌آوری، یعنی انتخاب آنچه که باید نگه‌داری شود را مورد خطاب قرار می‌دهد.

درحالی‌که این خطرات، هم برای بررسی پرسش اساسی درباره استاندارد موردنیاز برای ارزشیابی آرشیوی و هم برای در نظر گرفتن ارزشیابی کلان به‌عنوان بستر روش‌شناختی برای این استاندارد موجود است، دلایل آشکار و دقیقی برای پیشرفت در این زمینه وجود دارند. اولاً یک استاندارد حرفه‌ای می‌تواند عدم توازن در استفاده از منابع ناکافی پیشین را اصلاح کرده و کارمندان مختلف را در یک راه مشترک، متحد کند. مهم‌تر اینکه، علی‌رغم چالش‌های حقیقی و فشارآوری که حجم بی‌شمار سوابق تحمیل می‌کنند، بحث نظری گسترده درباره ارزشیابی سوابق که در سال‌های اخیر پیش آمده است به‌تنهایی تمرکز موردنیاز رشته آرشیو را تأمین نمی‌کند. ارزشیابی کلان به‌عنوان یک نظریه رقیب که به‌دلیل ضرورت مطابقت با نیازهای حرفه‌ای مختلف به اجرای یک فرایند استاندارد نیاز دارد، در معرض تفسیرها و کاربردهای بسیار متفاوتی قرار دارد که برخی از آن‌ها بسیار خطرناک به‌نظر می‌رسند. ضمناً این حرفه به‌اندازه کافی مزایا، وابستگی و سازگاری روش‌ها و معیارهای دیگر را کشف نکرده است (ارزشیابی مبتنی بر استفاده، به‌کارگیری تحلیل هزینه و سودمندی، روش‌های سندشناسی و ارزش‌های طبقه‌بندی‌شده سنتی). همچنین این حرفه ابهام ذاتی روشی که ارزش را بر اساس زمینه تولید سوابق و بدون تعریف‌کردن روش‌های بعدی برای تغییر تمرکز تحلیل‌ها به‌سمت سوابق تعریف می‌کند را مورد خطاب قرار نمی‌دهد. با تغییر ارزشیابی کلان به‌سمت استاندارد روش‌شناختی، جست‌وجوی خود را روی بهترین اقدامات متمرکز می‌کنیم. ما امکان گفت‌وگوی واقعی را فراهم می‌آوریم که بر نیازها و اهداف سودمندگرای رشته ما تمرکز داشته و به بهترین شکل از عهده مقابله با کوهی از سوابق که از قرن بیستم به‌جا مانده‌اند و دنیای رقمی که در مقابل ما قرار دارد، برآییم.

با در نظر گرفتن ارزشیابی کلان به‌عنوان استاندارد برای شناخت روش‌ها، موضوعات یا معیارهایی که ممکن است در سطح نظری مورد بحث قرار گیرند را محدود نمی‌کنیم. با ایجاد یک رویکرد استاندارد از طریق بحث‌های آزاد، اطمینان حاصل می‌کنیم که این



رویکرد با چشم‌اندازهای قانونی مختلف کارمندان قدیمی، کنونی و آتی، مطابقت خواهد داشت. با اطمینان یافتن از اینکه ارزشیابی کلان به‌طور گسترده تعریف و آشکارا درک شده، بهتر می‌توانیم ضمانت کنیم که معیارهای نامطلوب سیاسی، محلی و پیشین به‌تدریج اصلاح شده است و امکان رقابت صحیح در زمینه تدوین راهبردهای فراهم‌آوری و روش‌های ارزشیابی را فراهم می‌آورد. ما از انعطاف‌پذیری و آزادی فکری لازم برای کارمندان آرشیو اطمینان پیدا می‌کنیم. این چیزی بیش از یک امید واهی است؛ این موضوع یک هدف حرفه‌ای واقعی و بالارزش است.

به‌کارگیری ارزشیابی کلان به‌عنوان یکی از راهبردهای فراهم‌آوری در خلأ اتفاق نمی‌افتد. این موضوع ناگزیر به تجربیات فراهم‌آوری گذشته وابسته بوده و مشروط به این تجربیات هستند. تفسیر متون به این شکل (به‌شکل تجربه فراهم‌آوری پیشین) پیش‌زمینه‌ای برای کار کردن این نظریه است. با این حال، اگر تفسیر تجربه پیشین تعیین تکلیف در ارتباط با یک فعالیت، تفسیر غیرمستقیم متون به شکل دیگر، یعنی تفسیر خود سوابق نیست، پس این تفسیر چیست؟ نظریه ارزشیابی کلان این موضوع را تأیید نمی‌کند اما برای اینکه بتواند به‌عنوان یک روش مؤثر ارزشیابی یا فراهم‌آوری کار کند، آشکارا با خود سوابق و نه با فعالیت‌ها آغاز می‌شود، یعنی دقیقاً از جایی که پیشینیان ما کار خود را شروع می‌کردند. از طرف دیگر، کوک اهمیت بررسی اولیه سوابق برای اثرگذاری مناسب ارزشیابی کلان را کاملاً تأیید نمی‌کند اما با مبهم رها کردن گستره، ماهیت و اهداف ارزشیابی کلان در نوشته‌های نظری خود، نسبت به برآون، به‌طور ضمنی ضرورت تحلیل سوابق را پذیرفته است.

ارزشیابی کلان به همان اندازه که از الزام به شناسایی نمونه‌های ذهنی جدید برای ارزشیابی علی‌رغم چالش‌های سوابق الکترونیکی نشأت گرفته، به همان اندازه هم از عدم رضایت از اقدامات گذشته برخاسته است. فقط یک نمونه از اقدامات ضعیف گذشته، شکست نسل‌های مختلفی از آرشیوداران آرشیو ملی در مستندسازی کافی دلایل انتخاب‌هایشان می‌باشد که به فقدان فکری بسیار زیادی منجر شده است. مشکل ما به‌کارگیری معیارهای ارزشیابی «طبقه‌بندی‌شده» به‌عنوان بخشی از رویکرد متمرکز بر محصول یا حتی متوسل شدن به فرضیات مشتق بر اساس علایق پژوهشی جدید نیست: مشکل نوشتن فرضیات و یافته‌هاست، مدیریت سهل‌انگارانه به‌معنای برنامه‌ریزی برای مهم‌ترین فعالیت‌های آرشیوی و مستلزم وجود این فعالیت‌ها نیست. بنابراین، دانش نسل‌های گذشته آرشیوداران دربارهٔ زمینه کارکردی کاملاً از بین رفته و زیر ادعاهای بی‌اهمیت ارزش شهودی و اطلاعاتی مدفون شده است. ارزشی را تصور کنید که ممکن است از ارزشیابی‌های گذشته که آرشیوداران به‌صورت نظام‌مند مستند کرده‌اند حفظ شده باشد که در این ارزشیابی‌ها آرشیوداران فرضیات پشت نمادها و نشانه‌هایی

که روی آن فهرست‌های طبقه‌بندی پرونده‌های حاشیه‌نویسی‌شده را مستند کرده‌اند و این فرضیات به‌عنوان مستندات ارزشیابی عمل می‌کنند. مشکل ما با اقدامات گذشته فقط در زمینه این فهرست‌ها، معیارها یا گرایش به محصولات نیست؛ مشکل ما شکست در حفظ و نگهداری و ثبت زمینه ذهنی است که ارزشیابی را ممکن می‌سازد. من فکر نمی‌کنم هدف این نظریه اجتناب از تأیید صریح این موضوع است که مسئولیت این محدودیت‌ها - یعنی استانداردهای حرفه‌ای متوسط که آرشیوداران برای دارایی‌ها و مدیران آن‌ها استفاده می‌کردند- در گذشته نهفته است. آنچه که ارزشیابی کلان در این زمینه انجام می‌دهد، یادآوری این نکته است که اگر ما در آرزوی بالابردن سطح این رشته فکری هستیم، باید آن را با دقت زیاد به کار گیریم. اما این مسئله یک نظریه یا روش عملی نیست؛ موضوع استانداردهای حرفه‌ای و احتمالاً درک عمومی است.

از چشم‌انداز دیگر، این تحلیل را می‌توان در این سخن کوتاه خلاصه کرد که «تئوری به‌معنای عمل نیست». به‌عبارت دیگر، دیانت و امانت‌داری آرشیودار ارزشیاب - و نه مهارت نظری او- به‌عنوان پژوهشگر مستقلی که در زمینه استانداردهای گسترده حرفه‌ای کار می‌کند است که اعتبار تصمیم او مبنی بر نگهداری یا امحا را تضمین می‌کند. بر اساس تجربیات ده‌ساله نویسنده این مقاله در ارزشیابی اداره مرکزی دولت کانادا و در ۲۶ ارزشیابی مجزا، به‌کارگیری روش‌های ارزشیابی ناگزیر به درک تجربیات فراهم‌آوری گذشته و دانش جمع‌آوری‌شده موجود درباره سوابق بستگی دارد. اگر این موضوع را تأیید نکنیم که ارزشیابی همیشه عمل قضاوت -و نه فقط تفسیر یا تحلیل ارتباطات- درباره ارزش سوابق بوده و خواهد ماند، هرگز با کاری که انجام می‌دهیم سازش پیدا نخواهیم کرد. برای رسیدن به هر نتیجه منجمم، ما به‌عنوان کارمندان این کار به تمرکز بر مراحل (یعنی، زمینه‌های تولیدی) و تمرکز شبه‌سنتی بر محصول سوابق نیاز داریم.

علی‌رغم ویژگی‌های گیج‌کننده، رشته نظری، روش‌شناختی و برنامه‌ای ارزشیابی کارکردی کلان چیزی بیشتر از یک نگاه گذرای شاغلان این حرفه را ضمانت می‌کند؛ ارزشیابی کلان سزاوار تعهدی عملی برای کشف استعداد این روش به‌عنوان وسیله‌ای برای سطوح بالاتر گفت‌وگوی حرفه‌ای و قدرت ذهنی زیاد و به‌عنوان مبنایی برای سنجش صحیح نتایج، می‌باشد. در مفهوم کلی نویسنده این مقاله به یکی از طرفداران دیرباز این نظریه و بیشتر روش‌های ارزشیابی کلان که تری کوک معرفی کرده، تبدیل شده است. علی‌رغم کاستی‌ها، بدنه کار ارزشیابی نویسنده از سال ۱۹۹۳ منجر به تلاش برای به‌کارگیری رویکرد ارزشیابی کلان به‌شکلی است که کاترین بیلی آن را «آزمودن دقیق اصول تا سرحد نقطه شکست» (Bailey, 1997, p. 123) می‌خواند. فشار آوردن به نظریه تا سر حد محدودیت‌ها در عمل ارزشیابی ارزشمند است زیرا

از طریق تعریف کردن محدودیت‌هاست که می‌توانیم یک استاندارد حرفه‌ای درست را ایجاد کنیم. اگر حین فرایند آزمون و امتحان کردن این نظریه وسایل مشترکی برای برقراری ارتباط و مقایسه نتایج پیدا کردیم که امکان سطوح بالاتر عمومی‌سازی درباره این نظریه (با توجه به راهبردها، الگوهای اثبات‌شده معیار انتخاب) را فراهم آورده و بنابراین به ما اجازه می‌دهد تا به‌عنوان فردی حرفه‌ای، عمل ارزشیابی اجتماعی را به‌طور مؤثرتر انجام دهیم، نتایج به‌دست آمده ارزش تلاش کردن را دارند.

در قلب الگوی جدید ارزشیابی - که برای تطبیق دادن رشته ما با ضروریات فناوری این عصر طراحی شده - ارزشیابی سوابق قرار دارد، یعنی فرایند ظریف و قدیمی قضاوت کردن برای حفظ مشترکات سابقه در حیطه تجربیات مشترک و شهادت دادن درباره آنچه که ما را در عصر همسان‌سازی جهانی متفاوت می‌سازد. عمل قضاوت در ارزشیابی سوابق ملاحظات درباره تنوع اجتماعی، تجربه گروه اقلیت و اختلاف معانی بسیار را به‌دنبال دارد که به‌وسیله آن افراد می‌توانند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را تطبیق داده، پذیرفته و درک کنند؛ آنگاه تجربیات ثبت‌شده آن‌ها به نیرویی تبدیل می‌شود که جوامع متنوع متبوع آن‌ها را از طریق وسایل مشترک که سوابق آرشیوی ثبت می‌کنند، به جلو حرکت می‌دهد. من تا حدودی به این موضوع شک دارم که ثبت این میراث غنی از معنایی از طریق تکیه بر یک نمونه انجام پذیرد. در جست‌وجو برای یک استاندارد ارزشیابی، لازم است آرشیوداران اطمینان پیدا کنند که این استاندارد یک آزمایشگاه آرشیوی، خانه‌ای با اتاق‌های بسیار برای انجام هر آزمایش با استفاده از روش‌های مختلف، باقی می‌ماند. تی. آر. شلنبرگ وقتی مشاهده کرد که «قضاوت‌های مختلف ممکن است به‌خوبی باعث اطمینان‌یافتن از مستندسازی‌های مناسب‌تر اجتماعی شود» (Schellenberg, 1997, p. 149) این الزام را پذیرفت. این شالوده اصلی یک استاندارد ارزشیابی نظری، تجربی و مبتنی بر پژوهش مناسب است. این به‌معنای علم نیست بلکه یک خط قانونی از جست‌وجوی ذهنی است که می‌تواند در مقابل آزمون‌های انسجام منطقی، مقاومت کند. خوشبختانه، در مرحله ایجاد چنین استانداردی، به یاد می‌آوریم که پایان تمام این تلاش‌های حرفه‌ای، بهترین سابقه قرار دارد نه بهترین تفسیر نظری درباره اینکه چگونه می‌توان بهترین سابقه را پیدا کرد. ارزشیابی امتیاز خصوصی نظریه‌پردازان و مدیران نیست: ارزشیابی به تمام کارمندان حرفه‌ای تعلق دارد که با تمام توان خود به‌عنوان پژوهشگران مستقل عمل می‌کنند. در حقیقت نظریه به‌معنای عمل نیست. ممکن است هر کدام از آن‌ها در سال‌های پیش رو باعث غنای دیگری شود.

- Bailey, Catherine (1997). "From the Top Down: The Practice of Macro-Appraisal", *Archivaria* 43, p. 94.
- Bearman, David and Lytle, Richard H. (1985-86). "The Power of the Principle of Provenance," *Archivaria* 21, pp. 14-27.
- Beaven, Brian P.N. (1995). "Archival Appraisal Report on the Records of the Office of Commissioner of Official Languages", Authority 95/026 unpublished report, submitted and approved, 1995, National Archives of Canada.
- Beaven, Brian P.N. (1998). "Archival Appraisal Report on Common Administrative Records Associated with the Financial Management and Comptrollership Functions of the Government of Canada," unpublished report, submitted June 1998, approved under the signature of the National Archivist, January 2000.
- Booms, Hans (1987). "Society and the Formation of a Documentary Heritage: Issues in the Appraisal of Archival Sources", in Hermina Joldersma and Richard Klumpenhower, eds. and trans., *Archivaria* 24, pp. 69-107.
- Brothman, Brien (1991). "Orders of Value: Probing the Theoretical Terms of Archival Practice", *Archivaria* 32, pp. 78-100.
- Brown, Richard (1991-92). "Records Acquisition and Its Theoretical Foundation: The Case for a Concept of Archival Hermeneutics", *Archivaria* 33, pp. 34-56.
- Brown, Richard (1995). "Macro-Appraisal Theory and the Context of the Public Records Creator", *Archivaria* 40, p. 152 and note 53.
- Brown, Richard (1995). "Macro-Appraisal Theory and the Context of the Public Records Creator", *Archivaria* 40, pp. 121-72.
- Cook, Terry (1991). "The Appraisal of Case Files: Sampling and Selection Criteria for the Government Archives Division, National Archives of Canada", internal report.
- Cook, Terry (1991). *The Archival Appraisal of Records Containing Personal Information: A RAMP Study with Guidelines*.
- Cook, Terry (1992a). "Mind over Matter: Towards a New Theory of Archival Appraisal", in Barbara L. Craig, ed., *The gArchival Imagination. Essays in Honour of Hugh A. Taylor*, pp. 38-70.



- Cook, Terry (1995). "Macroappraisal: The New Theory and Strategy for Records Disposition at the National Archives of Canada", Records Disposition Division, National Archives of Canada, paper originally presented to the Society of American Archivists, p. 4.
- Cox, Richard and Samuels, Helen (1988). "The Archivist's First Responsibility: A Research Agenda to Improve the Identification and Retention of Records of Enduring Value," *American Archivist* 51, pp. 28-46.
- Eastwood, Terry (1992b). "Towards a Social Theory of Appraisal", in Barbara L. Craig, ed., *The Archival Imagination. Essays in Honour of Hugh A. Taylor*.
- Government Archives Division, National Archives of Canada, (1991). "An Appraisal Methodology: Guidelines for Performing an Archival Appraisal".
- Government of Canada, National Archives of Canada, (1998). *Multi-Institutional Disposition Authorities and Supporting Documents*, 1st edition, published for internal circulation within the Government of Canada.
- Greene, Mark (1998). "The Surest Proof': A Utilitarian Approach to Appraisal", *Archivaria* 45, pp. 127-69.
- Ham, F. Gerald (1975). "The Archival Edge", *American Archivist* 38, p. 5-13.
- Ham, F. Gerlad (1981). "Archival Strategies for the Postcustodial Era", *American Archivist* 44, pp. 207-16.
- MacNeil, Heather (1999). "Overview of the InterPARES Project", paper presented in a plenary session of the joint conference of the Association of Canadian Archivists and the Archives Association of Ontario, London, Ontario, 5 June 1999.
- Piché, Jean-Stéphen (1995). "Macro-Appraisal and Duplication of Information: Federal Real Property Management Records", *Archivaria* 39, pp. 39-50.
- Samuels, Helen (1986). "Who Controls the Past," *American Archivist* 49, pp. 109-24.
- Schellenberg, T. R. (1956). "The Appraisal of Modern Public Records", *National Archives Bulletin* 8.
- Schellenberg, T. R. (1965). *Modern Archives: Principles and Techniques*.
- Schellenberg, T. R. (1965). *Modern Archives: The Management of Archives*.
- Suderman, Jim (1997). "Appraising Records of the Expenditure Management



- Function: An Exercise in Functional Analysis”, *Archivaria* 43, p. 138.
- Terry Cook, “What is Past is Prologue: A History of Archival Ideas Since 1898, and the Future Paradigm Shift,” *Archivaria* 43 (Spring 1997), pp. 7–63.
 - Wilson, Bruce (1994). “Systematic Appraisal of the Records of the Government of Canada at the National Archives of Canada”, *Archivaria* 38, p. 220.
 - Wilson, Ian E. (1990–91). “Towards a Vision of Archival Services,” *Archivaria* 31, pp. 91–100.



بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران با توجه به ساختار اداری، صلاحیت‌ها و قواعد حقوقی حاکم بر فعالیت‌ها (۱)

شیرین میزان‌دار و دکتر اسدالله یآوری

■ چکیده

این مقاله که به منظور بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران نگاشته شده در سه قسمت به بررسی ساختار، تشکیلات و صلاحیت‌های کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی قبل از ادغام، ویژگی‌های ساختاری و تشکیلاتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی و تغییرات صلاحیت‌های سازمان جدید ناشی از ادغام دو نهاد نسبت به گذشته می‌پردازد. در واقع هدف از پژوهش حاضر بررسی ساختار اداری، صلاحیت‌ها و قواعد حقوقی حاکم بر فعالیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در دستیابی به یکی از اهداف راهبردی سازمان اسناد و کتابخانه ملی در افق ۱۴۰۴ است. با مراجعه به کتب و مقالات موجود در کتابخانه ملی، پایگاه کتابشناسی ایران، پایگاه اطلاعاتی مگیران، پایگاه اطلاعاتی نورمگز و جست‌وجو در سایر بانک‌های اطلاعاتی مشخص شد تاکنون مقاله یا پایان‌نامه‌ای در زمینه موضوع پیشنهادی، دقیقاً با همین عنوان، در این پایگاه‌ها به ثبت نرسیده است. روش مطالعه در این حوزه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است و با بررسی قوانین تأسیس و اساسنامه‌های سازمان‌هایی که درهم ادغام شده‌اند، ساختار اداری، صلاحیت‌ها و قواعد حقوقی حاکم بر فعالیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با تحلیل و ارزیابی آن‌ها راه حل مناسب ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها

سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه ملی ایران، ادغام، اهداف، وظایف.



بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران با توجه به ساختار اداری، صلاحیت‌ها و قواعد حقوقی حاکم بر فعالیت‌ها (۱)

شیرین میزان‌دار^۱ و دکتر اسدالله یآوری^۲

بیان مسئله

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که در اجرای مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری از ادغام دو نهاد دولتی «سازمان اسناد ملی» و «کتابخانه ملی» شکل گرفته است، دارای دو قانون جداگانه، یکی با عنوان قانون تأسیس سازمان اسناد ملی و دیگری قانون اساسنامه کتابخانه ملی است که هر دو به جهت مرجع تصویب، دارای اعتبار برابر هستند. در مصوبه یادشده در صورت مغایرت برخی از مفاد قوانین با یکدیگر برحاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی تأکید شده است. صرف‌نظر از انتقاداتی که از سوی متخصصان هر دو حوزه بر این ادغام به لحاظ نامتجانس بودن وظایف و مأموریت‌ها مطرح می‌شد، قدرت یک مصوبه در لغو اعتبار برخی از مفاد قانون، به لحاظ سلسله‌مراتب موجود بین قوانین و مقررات، از نقطه‌نظر مرجع تصویب نیز، خالی از تردید نیست.

هر یک از این دو مرکز، به‌جز ریاست سازمان، دارای ارکان دیگری نیز هستند. در کتابخانه ملی رکن هیئت امنا است که متشکل از چند وزیر و تعداد دیگری اشخاص حقیقی، ازجمله دو عضو متخصص در حوزه کتابداری است و در سازمان اسناد ملی نیز شورایی به‌نام شورای اسناد ملی است که در بین اعضای آن، عضویت چند وزیر و اشخاصی از سایر قوا نظیر دادستان دیوان محاسبات و دادستان کل کشور و دو عضو حقیقی مسلط به تاریخ کشور نیز به‌چشم می‌خورد. در مصوبه، وظایف تخصصی هر یک از دو مرکز تحت دو معاونت با عناوین «معاونت اسناد» و

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی، رئیس
اداره حقوقی، سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران؛ mizandarshirin@yahoo.com
۲. دکترای حقوق عمومی، استادیار
دانشکده حقوق دانشگاه شهید
بهشتی؛ a_yavari@sbu.ac.ir



«معاونت کتابخانه» پیش‌بینی شده اما از ارکان دیگر سازمان یعنی هیئت امنای کتابخانه ملی و شورای اسناد و رابطه و نسبت بین آن دو، سخنی به میان نیامده است. این پژوهش بر آن است که با بررسی قوانین و مقررات موردعمل هر دو معاونت، و نظر به تغییر سیاست‌های سازمان در طول زمان، تحولات ساختاری در حاکمیت، به‌ویژه در خصوص کارکردهای قانون تأسیس سازمان اسناد ملی، بروز و ظهور تشکیلات موازی در بدنه دولت، عدم تمکین به قوانین و مقررات سازمان به دلیل فقدان ضمانت اجراهای مؤثر، حتی بعضاً موازی‌کاری در خود سازمان در انجام وظایفی که به جهت وجه تشابه در یکدیگر ادغام شدند و نیز قوانین موردعمل فعلی که به نظر می‌رسد فاقد کارایی و اثربخشی لازم در پیشبرد سازمان به‌ویژه در مأموریت‌های جدید آن پس از ادغام است را بررسی کند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت از جنبه‌های نوآورانه تحقیق حاضر، نسبت به تحقیقات گذشته، این است که این تحقیق ابعاد حقوقی موضوع را موردتوجه قرار داده است. حال آنکه هیچ یک از تحقیقات گذشته از این بعد به قضیه توجه نداشته‌اند و بیشتر تحقیقات معطوف به ابعاد تخصصی سازمان بوده است. از دیگر تمایزات پژوهش حاضر، جدید بودن و استناد به آخرین تحولات سازمان در بررسی ساختار آن بوده است. استناد به منابع دست اول و گردآوری و متمرکز کردن و چیدن آن‌ها در کنار یکدیگر، به‌نحوی که درک روشنی از وضعیت موجود ارائه دهد، از دیگر امتیازات تحقیق حاضر است. حفظ تقارن و توازن در بررسی مطالب مربوط به بخش‌های تخصصی سازمان، یعنی اسناد ملی و کتابخانه ملی از دیگر امتیازات آن است. که با توجه به نگاه تک‌بعدی تحقیقات گذشته، به‌ویژه تمرکز آن‌ها بر بخش کتابخانه ملی، تلاش شده است خلاء ناشی از این وضعیت تا حدودی جبران شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تجربه نشان داده است تغییر قوانین به‌طور کلی، آن‌گونه که بایسته است مقصود بانیان آن را تأمین نمی‌کند و ممکن است از مقصود بانیان آن، فاصله زیادی بگیرد. لذا بهتر است پیش از هر اقدامی در تدوین قانون جدید، به نحو شایسته و مطلوب، تحقیق جامعی در ضرورت انجام آن صورت پذیرد. خاصه آنکه این تغییرات مد نظر قوه مجریه بوده، ولی مرجع تصویب آن قوه مقننه است. اگرچه پیشنهاد قانون جدید، از سوی دولت در قالب لایحه و برحسب نیازهای حیاتی قوه مجریه، در اجرای سیاست‌های دولت در این زمینه، تقدیم مجلس می‌شود، اما، مواردی بوده است که لایحه در کمیسیون‌های مجلس چنان دچار تحول بنیادین شده که سرانجام در قالب طرح به صحن علنی مجلس آمده است. دست‌کم، این اتفاق یک‌بار در خصوص قانون اساسنامه کتابخانه ملی، در سال ۱۳۶۹ رخ داده است. درحالی که کتابخانه ملی تا پیش از تدوین

قانون اساسنامه جزئی از وزارت علوم بود و وزارتخانه یاد شده در تحقق اهدافش و ارتقاء جایگاه آن، لایحه قانون اساسنامه کتابخانه ملی را تهیه و برای تصویب از طریق دولت روانه مجلس کرد. در مجلس به کلی آن فکر اولیه تغییر ماهیت داده و با مسکوت ماندن لایحه در کمیسیون، موضوع در قالب طرحی از سوی نمایندگان به صحن علنی آمد. لذا بهتر است در این گونه اقدامات، جانب احتیاط را نگه داشت و به منظور پیشگیری از چنین احتمالاتی، راه‌های دیگری را نیز جست‌وجو کرد. از جمله در پژوهش حاضر می‌توان با تفسیر و واکاوی اراده قانونگذار، با استفاده از ابزار و فنون حقوقی، نظیر بحث تنقیح قوانین، به این مهم پرداخت. به‌ویژه آن‌که در بخشنامه شماره ۴۴۲۵۳/۱۰۵۸۸ مورخ ۸۹/۱/۲۵ موضوع اصلاح ساختار دفاتر حقوقی دستگاه‌های اجرایی، در یک حرکت همسو و هماهنگ، کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور مکلف به تأسیس اداره‌ای ذیل دفاتر حقوقی خود، مبنی بر انجام امور تنقیحی قوانین و مقررات مورد عمل و تعیین جایگاه آن در مجموع قوانین و مقررات کشور شده‌اند. در نتیجه شاید بتوان از این طریق به مقصود نایل شد و از هزینه‌های احتمالی تدوین قانون جدید اجتناب ورزید.

سؤالات تحقیق

- سؤال اصلی که بنیان این نوشته بر آن نهاده شده این بوده است: «آیا ساختار، تشکیلات و صلاحیت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی با مبانی، مأموریت‌ها و اهداف پیش‌بینی شده در قانون، سازگار است؟» برای رسیدن به پاسخ این سؤال، سه پرسش فرعی زیر مطرح شد:
- ساختار، تشکیلات و صلاحیت‌های کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی قبل از ادغام چگونه بود؟
 - ویژگی‌های ساختاری و تشکیلاتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی چگونه است؟
 - صلاحیت‌های سازمان جدید ناشی از ادغام دو نهاد چه تغییری نسبت به گذشته داشته است؟

مشکلات و موانع تحقیق

نظر به اینکه تحقیق حاضر اولین تحقیقی است که بُعد حقوقی ساختار سازمان را مورد بررسی قرار می‌دهد، بیشتر متکی بر منابع دست اول است. منابعی که یافتن آن‌ها، بعضاً پژوهشگر را با دشواری‌های بسیاری مواجه ساخته است. ادغام‌ها و انتزاعات مکرر و متعدد سازمان، پراکنده شدن اسناد و مدارک، به‌ویژه اسناد و مدارکی نظیر صورتجلسات و مصوبات شورای اسناد ملی و هیئت امناء که علی‌الاصول دسترسی به آن‌ها در شرایط عادی به‌ندرت امکان‌پذیر است، از موانع جدی تحقیق پیش‌رو بود.



مبانی، اهداف و کارکردها

اهمیت بحث اطلاع‌رسانی در پیشرفت جوامع، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه در عصر کنونی که مشهور به عصر انفجار اطلاعات است، برکسی پوشیده نیست. از این رو ایجاد و سازماندهی مراکزی با عناوینی از این دست و ارتباط آن‌ها با یکدیگر در داخل کشور از یک سو و ارتباط با سایر مراکز اطلاع‌رسانی خارج از کشور از دیگر سو، در جهت تبادل اطلاعات، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و سازوکار مناسبی را می‌طلبد و ایجاد می‌کند، این سازماندهی با محوریت یک نهاد و به‌صورت متمرکز در امر سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی کلی برای نهادهای مشابه، صورت پذیرد. برای درک بهتر موضوع، اقتضاء دارد مفاهیم این حوزه، برای مخاطبان پژوهش حاضر، که عمدتاً از جامعه حقوقی هستند، تعریف و حتی‌المقدور تلاش می‌شود به نحو مختصر و مفید مطالب ارائه شود. این مفاهیم عبارتند از اطلاع‌رسانی، مراکز اطلاع‌رسانی، نظام ملی اطلاع‌رسانی.

به‌طور کلی، علم اطلاع‌رسانی دربارهٔ راه و روشی است که مردم اطلاعات را در کارهایشان به‌کار می‌گیرند، مطالعه می‌کند و برای رسانیدن آن‌گونه اطلاعاتی که آن‌ها برای بهتر انجام دادن وظایفشان نیاز دارند، روش‌های کارآمدی تدارک می‌بینند. بنابراین علم اطلاع‌رسانی با راه و روشی سروکار دارد که افراد مختلف اطلاعات را به‌وجود می‌آورند، برای آن عنوان تعیین می‌کنند، ذخیره می‌کنند، می‌جویند، تحلیل می‌کنند، می‌فرستند و می‌گیرند و آن را به‌کار می‌بندند.

از آنجا که بدون وجود ساختار اطلاعاتی منسجم و پیشرفته، عملکرد مؤثر و صحیح حکومت‌های امروزی نیز غیرممکن می‌نماید، کلیه فعالیت‌های دولتی به‌طور اعم و برنامه‌ریزی توسعه، به‌طور اخص، نیازمند انواع مختلف اطلاعات است. بنابراین، هر حکومتی که قصد دارد به حل مشکلات ملی و بهبود کیفیت زندگی شهروندانش بپردازد، بدون در اختیار داشتن منبع اطلاعاتی دائم و مناسب نمی‌تواند امید موفقیت داشته باشد.

به سخنی کلی، مجموعهٔ نهادهای متمرکز و هماهنگ اطلاع‌رسانی و نیز مؤسسه‌های توزیع‌کنندهٔ اطلاعات را می‌توان نظام ملی اطلاع‌رسانی نامید. نظام ملی اطلاع‌رسانی، کل پیچیده‌ای است با تعدادی نظام‌های فرعی که تمامی عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن باید در ارتباط کامل با یکدیگر سازماندهی شده و ایفای نقش کنند. اجزای متمرکز نظام ملی اطلاع‌رسانی عبارت است از:

- ۱- سازمان اسناد و کتابخانه ملی؛
- ۲- مراکز ملی اطلاعات تخصصی علوم گوناگون؛
- ۳- مرکز ملی انتقال اطلاعات؛
- ۴- مؤسسهٔ ملی استاندارد (آزاد، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

ضرورت تشکیل کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی

پیش از ورود به بحث ضروری است با کلیات کتابخانه‌های ملی و اینکه کتابخانه‌های ملی چگونه نهادهایی هستند و با چه اهدافی تأسیس می‌شوند، آشنایی حاصل شود:

کتابخانه‌های ملی نهادهایی فرهنگی هستند که در طول تاریخ در جوامع مختلف با اهداف متفاوت شکل گرفته‌اند، گاه نمادی از قدرت سلطنتی باشکوه بودند و گاه در خدمت ارتقاء فرهنگ جامعه و صرف‌نظر از اهداف اصلی تأسیس، اغلب دارنده بخش قابل‌توجهی از دستاوردهای فرهنگی و علمی جوامع هستند. و نظر به اینکه چه اولیتی مد نظر مؤسسان آن‌ها بوده و به موازات همان تنوعی که در نیت تشکیل آن‌ها بوده است، تنوع در اهداف و وظایف دارند. البته کتابخانه‌های ملی نسبت به سایر انواع کتابخانه‌ها پدیده‌های جدیدتری محسوب می‌شوند، اما با توجه به مقدمه، قدر مسلم آن است که این نهادها غالباً به‌عنوان مراکز اطلاع‌رسانی عمل می‌کنند و تقریباً ماهیت کار آن‌ها منطبق با شرح وظایف این دسته از مراکز است (شاکری‌مطلق، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

ضرورت تشکیل سازمان اسناد ملی

اسناد در تدوین تاریخ، ابزاری بسیار مهم تلقی می‌شوند و به‌کارگیری آن‌ها در پژوهش‌ها و تاریخ‌نگاری امروز، امری اجتناب‌ناپذیر است. وظیفه ارائه اسناد در سطح ملی در همه کشورها به عهده آرشیو ملی است. اسناد به‌عنوان بخشی از یادواره‌های مشترک مردم جهان، نقش مهمی در حفظ هویت دینی، ملی و فرهنگی گذشته، حال و آینده دارند.

آرشیوداران را می‌توان به معماران و پل‌سازان تشبیه کرد که گذشته را به آینده پیوند می‌زنند. اسناد، چراغ راهنما هستند، برای مسئولان، پژوهشگران و ملت‌ها. اسناد، هویت دینی، ملی و فرهنگی ملت‌ها را پاسداری می‌کنند و در حقیقت «حافظه ملی» را تشکیل می‌دهند. میراث اسنادی، بخش وسیع و گسترده‌ای از یادواره‌ها را در برمی‌گیرد و در فضای بین‌المللی، نشانگر تنوع ملت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌ها به‌شمار می‌روند.

استقلال یا ادغام

به‌طور خلاصه ضرورت تشکیل آرشیو ملی و کتابخانه ملی بیان شد. لیکن با توجه به اینکه سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران تا سال ۱۳۸۱، به‌طور مستقل فعالیت می‌کردند، اکنون برآنیم تا ذیل دو عنوان استقلال و ادغام، وضعیت مطلوب را از این لحاظ که ادغام بهتر است یا استقلال و اینکه اغلب آرشیوها و کتابخانه‌های ملی دنیا در کدام وضعیت قرار دارند، مورد‌رزیابی قرار دهیم.

الف- استقلال: سازمان اسناد ملی که بدو با ایده ایجاد مرکز اسناد دولتی و بایگانی راکد کل کشور در سال ۱۳۴۹ شمسی ذیل سازمان امور اداری و استخدامی تشکیل یافت، نظیر بسیاری از آرشیوهای ملی دنیا، تا پیش از ادغام با کتابخانه ملی مستقل از کتابخانه ملی اداره می‌شد. همچنین کتابخانه ملی که در سال ۱۳۱۶ شمسی به صورت رسمی افتتاح شد -البته بنا به قولی آغاز فعالیتش به ۱۲۴۰ شمسی نیز می‌رسد- تا زمان ادغام با سازمان اسناد ملی یعنی سال ۱۳۸۱ نظیر بسیاری از کتابخانه‌های ملی دنیا، مستقل از آرشیو فعالیت می‌کرد تا اینکه بنا به سیاست‌های کلان دولت، ذیل قوانین برنامه‌ای پنج‌ساله، به‌ویژه به استناد موادی از آن، دائر بر کوچک‌سازی دولت و ادغام نهادها و مؤسسات با فعالیت‌های مشابه و موازی بنا به تشخیص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت، تصمیم بر ادغام این دو نهاد اتخاذ و این موضوع در نود و پنجمین جلسه شورای عالی اداری با اختیارات حاصله از ماده یک قانون برنامه سوم مصوب می‌شود (مصوبه شماره ۱۰۳۳۸۲/۱۰/۱۹۰۱ شورای عالی اداری). بنابراین ملاحظه می‌شود که پیش‌تر این دو نهاد تجربه استقلال از یکدیگر را در پیشینه خود داشته‌اند. همچنان‌که بسیاری از آرشیوها و کتابخانه‌های ملی دنیا مستقل از یکدیگر فعالیت می‌کنند.

ناگفته نماند، در ماده ۳ مصوبه یادشده، بر استقلال دو سازمان مهر تأیید زده شده است: «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲ مجلس شورای اسلامی، اداره می‌شود و قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۷ در کلیه موارد به استثنای مواردی که با اساسنامه فوق‌الذکر مغایرت دارد، لازم‌الاجرا می‌باشد».

آنچه که از مفاد مصوبه ادغام قابل‌استنباط می‌باشد این است که مصوبه نیز با احتیاط نسبت به ادغام دو سازمان تصمیم‌گیری کرده و یقینی بر تجانس صددردصدی امور و وظایف دو نهاد مزبور حاصل نشده است. لذا جانب احتیاط نگه‌داشته شده و بر استقلال عمل و حتی استقلال عنوان این دو نهاد تأکید شده است.

به نظر می‌رسد شورای عالی اداری، بنا به ملاحظات، بر فعالیت این دو سازمان پس از ادغام با یکدیگر، ذیل دو معاونت مستقل و حتی با عناوین و بودجه مستقل تأکید می‌کند. لذا نتیجه منطقی چنین تصمیمی، نمی‌تواند کوچک‌شدن دستگاه باشد. این موضوع به نحو مفصل‌تری در ادامه مقاله مورد‌ارزیابی قرار گرفته و با بررسی نمودارهای تشکیلاتی سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران و مقایسه آن با تشکیلات بعد از ادغام، خواهیم دید که چه تفاوت‌ها و تغییراتی حاصل شده است و آیا این ادغام اهداف تصویب‌کنندگان آن را تأمین کرده است؟

ب- ادغام: آنچه که از بررسی تحقیقات موجود در این زمینه به‌دست می‌آید، این است

که تعداد انگشت‌شماری از کشورها، دارای آرشیو ملی و کتابخانه ملی تحت مدیریت واحد هستند و اغلب کشورها این دو نهاد را به‌طور مجزا در تشکیلات اداری خود دارند. در اینجا، بد نیست به پایان‌نامه‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه‌های ملی کانادا و استرالیا» که مقایسه‌ای را بین ادغام این دو نهاد در کشور کانادا و ایران انجام داده است، اشاره شود. نتایج پایان‌نامه، حاکی از تفاوت عملکرد دولت‌های ایران و کانادا در مواجهه با پدیده ادغام کتابخانه ملی و آرشیو ملی دو کشور است. به باور محقق پژوهش یادشده، کشور کانادا، ادغام را در معنای واقعی خود اجرا کرده حال آنکه در خصوص کتابخانه ملی و اسناد ملی ایران اینگونه نبوده است. با این توضیح، که در کشور کانادا فرایندهای اموری که مشابه و موازی به‌نظر می‌رسیده‌اند در یکدیگر ادغام شده‌اند، ولی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، می‌توان این تفاوت عملکرد را با نگاهی اجمالی به عناوین تشکیلات سازمان به‌خوبی حس کرد و شاید این همان موضوعی است که برخی منتقدان ادغام در لغو بودن پدیده ادغام این دو نهاد بدان استناد می‌کنند. کما اینکه، استناد به بحث کوچک‌سازی دولت هم، نمی‌تواند توجیه مناسبی برای ادغام این دو نهاد تلقی شود زیرا نتایج پژوهش و مقایسه نمودار تشکیلاتی سازمان‌های یادشده در قبل و بعد از ادغام که در قسمت دوم از این مقاله می‌آید، حقیقت دیگری را آشکار می‌سازد.

اهداف و کارکردهای کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی

اگرچه در مصوبه اینگونه آمده است که ادغام با هدف سازمان‌دهی مدیریت اسنادی و هماهنگی برای نگهداری اسناد مکتوب و غیرمکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن و تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از انجام وظایف تکراری صورت می‌گیرد، اما همانگونه که توضیح داده شد، تصویب‌کنندگان، با تأکید بر استقلال عمل، عنوان و حتی بودجه دو سازمان، تلویحاً نظر بر استقلال عمل دو سازمان داشته‌اند. از این‌رو به‌نظر می‌رسد این ادغام بیشتر با رویکرد کوچک‌سازی دولت - نه مبتنی بر تجانس امور - صورت پذیرفته است. بنابراین طبیعی است که اهداف و کارکردهای سازمان تغییر چندانی نیافته باشد، به‌ویژه آن‌که بر استقلال قانون، عنوان و بودجه آن‌ها نیز در مصوبه تأکید شده است. بنابراین بهتر است تا اهداف و کارکردهای هریک از این دو نهاد را به‌طور مجزا پیش و پس از ادغام مورد‌ارزیابی قرار دهیم.

الف - کتابخانه ملی

کتابخانه ملی در هر کشوری به‌عنوان گنجینه و میراث غنی مکتوب کشور تجلی‌گاه غرور

فرهنگی هر ملتی است و باید نشان‌دهنده فرهنگ آن سرزمین باشد. به‌علاوه به‌عنوان یک نهاد واسپاری همانگونه که در ابتدای بحث به آن اشاره شد از تمام آثار و کتب مكتوب مربوط به کشورش نسخه‌ای را نگهداری کند و در نهایت به‌عنوان یک مرکز مادر در امر اطلاع‌رسانی و اشاعه اطلاعات عمل کند.

الف - ۱ اهداف: در تبیین اهداف تأسیس کتابخانه‌های ملی همان‌طور که در بالا اشاره شد باید گفت نظر به تنوع اهداف، طیف گسترده‌ای از وظایف برای این مراکز قابل‌تصور است، به همین سبب مأموریت‌های هریک از آن‌ها، بسته به اولویت‌های مد نظر مؤسسان، می‌تواند متفاوت باشد. لذا طبیعی است هر کشور بنا به فراخور ویژگی‌های منحصربه‌فردی که دارد و عوامل متعدد که دخیل در شکل‌گیری آن بوده‌اند، راهبرد خاصی را به‌کار گیرد و یا بر هدفی خاص متمرکز شود. مثلاً در خصوص قانون اساسنامه کتابخانه ملی ایران (به‌عنوان آخرین اراده قانونگذار در این زمینه)، باید اذعان داشت تمرکز بر ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی و نیز مدارک مربوط به انقلاب اسلامی خصوصاً به رهبری امام خمینی^(۹)، موردتوجه قرار گرفته است.

از سوی دیگر صرف‌نظر از مطالبی که در خصوص اهداف اولیه شکل‌گیری کتابخانه ملی ایران در مبحث اول قسمت دوم مقاله، یعنی تشکیلات کتابخانه ملی و تحولات آن می‌آید، براساس مشروح مذاکرات مجلس و به گزارش مخبر کمیسیون خاص در صحن علنی مجلس در بررسی طرح تقدیمی، هدف از تدوین قانون اساسنامه کتابخانه ملی، حمایت از این نهاد فرهنگی، با ارتقاء جایگاه آن از یک اداره کل ذیل وزارت علوم، به یک نهاد قدرتمند در عرصه فرهنگی با ریاست عالی‌ه رئیس‌جمهور بوده است. لذا صلاحیت‌های این نهاد در دوره یادشده از حیات خود، به نحو چشمگیری گسترش می‌یابد (مشروح مذاکرات مجلس در بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی).

بر اساس مفاد ماده ۳ قانون اخیرالذکر وظایف و اهداف کتابخانه ملی تقریباً منطبق با اهداف و وظایف یک مرکز اطلاع‌رسانی در نظر گرفته شده است، البته با این ویژگی که براساس مفاد آن، کتابخانه ملی به‌عنوان یگانه متولی این عرصه در امر سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی برای سایر مراکز با فعالیت مشابه، می‌بایست عمل کند.

الف - ۲ کارکردها: نظر به تنگاتنگ بودن اهداف و وظایف، گاهی اوقات این دو واژه چنان با یکدیگر درهم آمیخته می‌شوند، که قابل‌تفکیک نیستند. گرچه وظایف یا کارکرد در واقع تابعی از اهداف است، با این وجود، یکی انگاشتن این دو، خالی از اشکال نیست. گاه در برخی از متون قانونی، مشاهده شده است قانونگذار، بی‌توجه به این دوگانگی، آن‌ها را ذیل عنوان واحد قرار می‌دهد. همچنان‌که این موضوع، در قانون اساسنامه کتابخانه ملی رخ داده است. کتابخانه‌های ملی با هر هدف و نیتی که تشکیل یافته باشند، در یک وظیفه مشترکند و آن امر



اطلاع‌رسانی است و تقریباً می‌توان ادعا کرد آنچه را که یک مرکز اطلاع‌رسانی در ارائه خدمات به کار می‌گیرد، در کتابخانه‌های ملی نیز به عنوان کارکرد تلقی می‌شود. روی هم رفته از تعاریف گوناگونی که از کتابخانه ملی ارائه شده است، چنین بر می‌آید که تقریباً همه کتابخانه‌های ملی، در امر گردآوری، سازماندهی، حفاظت و نگهداری انتشارات کشور، اتفاق نظر داشته، به علاوه به جز امر گردآوری، خدمات به سایر کتابخانه‌ها را از طریق انجام وظیفه به عنوان مرکز اطلاعات کتابشناختی ملی، تهیه فهرستگان ملی و انتشار کتاب‌شناسی در دستور کار خود دارند. دست کم، اهم وظایف و فعالیت‌های کتابخانه ملی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: گردآوری، سازماندهی، اشاعه اطلاعات.

ب- سازمان اسناد ملی ایران

آرشیو ملی به عنوان متولی اصلی و قانونی گردآوری، حفاظت، آماده‌سازی و اطلاع‌رسانی اسناد ملی و تاریخی یکی از پایگاه‌های مهم و حساس پژوهشی آموزشی و فرهنگی در هر کشوری است.

ب-۱ اهداف: همانگونه که در ابتدای بحث اشاره شد در نظام ملی اطلاع‌رسانی یکی دیگر از مراکز مهم اطلاعاتی هر کشور، آرشیو ملی آن کشور است که وسیله درک تاریخ و شناخت تحولات اجتماعی، اقتصادی، اداری، علمی، فرهنگی، نظامی و تاریخی ملت است و نه تنها نشان‌دهنده رشد و فعالیت‌های دولت به شمار می‌رود، بلکه توسعه و تکامل ملی را نشان می‌دهد و منشأ مهمی برای بسیاری از تحقیقات است.

آرشیوهای ملی، در تصمیم‌گیری صحیح بر اساس سوابق و شواهد تاریخی، به دولت‌ها کمک می‌کنند در برنامه‌ریزی‌های کلان، برنامه‌های توسعه کشور، ایجاد عدالت اطلاعاتی و ایجاد فرصت‌های دسترسی به اطلاعات برای آحاد جامعه پژوهشگر، به مثابه بانک اطلاعات قوی و کارآمد مورد استفاده قرار گیرند (خالوئی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳) و از طرفی قسمتی از دوره زندگی اسناد در اداره و یا نهاد ایجادکننده طی می‌شود در نتیجه اسناد، بخش مهمی از زیربنای اداری دولت‌ها، حتی حکومت‌های محلی را تشکیل می‌دهند (آرشیو ملی مالزی، بی‌تا، ص ۱).

ب-۲ کارکردها: برای تبیین کارکرد و وظایف آرشیو ملی مقدماً باید گفت وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها برای انجام وظایف خود، ناگزیر از مکاتبه درون و برون سازمانی هستند. در این راستا، سالانه به مقدار زیادی اسناد و پرونده‌هایی که حاوی مطالب مربوط به اقدام‌های روزمره است، تولید و نگهداری می‌شوند. اینگونه اسناد و پرونده‌ها پس از آنکه نقش خود را در سازمان مربوط ایفا کردند، از چرخه اداری خارج شده و معمولاً مورد مراجعه دستگاه‌ها قرار نمی‌گیرند. این اسناد برای تعیین تکلیف در اختیار آرشیو ملی قرار می‌گیرند. آرشیو ملی مجوز

امحای مکاتباتی را که هیچ ارزشی در آن‌ها متصور نیست به دستگاه می‌دهد. اما گروهی از این مکاتبات هستند که دارای ارزش دیگری هستند که آرشیوداران از آن به ارزش ثانویه (آرشیوی یا اطلاعاتی) یاد می‌کنند و آن ارزشی است که اسناد از نظر محققان، پژوهشگران و آرشیوداران دارد. از این‌رو در واقع نقش آرشیوهای ملی در حفظ ارزش‌های ثانویه تبلور می‌یابد و در این فرایند جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی (اعم از دولتی و غیردولتی) و فراهم‌آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد، تعیین تکلیف اسناد راكد دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شناسایی اسناد واجد ارزش، نظارت بر انتقال اسناد واجد ارزش نگه‌داری به سازمان، نظارت بر امحای اوراق زائد در دستگاه‌ها، ارائه خدمات اطلاع‌رسانی اسنادی از اهم وظایف آن تلقی می‌شود.

فرایند اجرای وظایف آرشیوهای ملی هر کشوری به عوامل چندی از جمله ساختار خدمات آرشیوی دولتی و جایگاه سازمان آرشیو در کشور بستگی دارد. از این‌رو دست‌کم دو دسته از وظایف برای آرشیوهای ملی متصور است: وظایف مدیریت اسناد و وظایف مدیریت آرشیو.

- وظایف مدیریت اسناد: به‌طور مختصر باید گفت میزان و حدود نظارت آرشیوهای ملی بر وظایف و عملکرد مدیریت اسناد در کشورهای مختلف تفاوت زیادی دارد. در برخی از کشورها آرشیو ملی بر تمام وظایف مدیریت اسناد یعنی از زمان تولید سند تا نگه‌داری و تعیین تکلیف نظارت و دخالت دارد درحالی‌که در برخی دیگر نقش آرشیوهای ملی محدود به ارزشیابی اسناد و امحاء اوراق زائد می‌شود. از دیگر وظایف مدیریت اسناد، حق بازرسی و نظارت آرشیو ملی از مرحله ایجاد سند، نحوه نگه‌داری اسناد در ادارات دولتی است که حتی این حق را باید درخصوص اسناد محرمانه در قوانین آرشیوی برای آرشیو ملی کشور محفوظ داشت. همچنین از وظایف دیگر مدیریت اسناد می‌توان به بحث ایجاد بایگانی میانی (بایگانی راكد ملی) اشاره کرد که بعد اقتصادی قضیه یعنی صرفه‌جویی در هزینه نگه‌داری اسناد هم مد نظر است و بالاخره ارزشیابی و امحاء اسناد که معمولاً قانون آرشیو چارچوب‌های آن را از هر لحاظ مورد بررسی قرار داده و برای آن مقرراتی تدوین می‌کند. در نهایت می‌توان گفت دست‌کم سه فعالیت ذیل مدیریت اسناد هر سازمان آرشیوی بسته به قانون آرشیو آن کشور متصور است: حق نظارت بر روند ایجاد و نگه‌داری اسناد در سازمان‌ها؛ ایجاد بایگانی راكد و ارزشیابی و امحاء (آرشیو ملی مالزی، بی‌تا، صص ۴-۵).

- وظایف مدیریت آرشیو: طبق رویه موجود در آرشیوهای ملی وظایف عمده و اساسی آرشیو به‌خصوص در زمینه دریافت، انتقال، حفظ و نگه‌داری و دسترسی به اسناد و ایجاد تسهیلات در این موارد می‌باید در قوانین آرشیوی مشخص شود. وظایف مربوط به آرشیو ملی بر اساس سیاست‌های موجود در تدوین قوانین آرشیو ملی هر کشوری می‌تواند مشتمل



بر وظایف ذیل باشد:

- دریافت یا اکتساب اسناد؛

- انتقال اسناد؛

- حفظ و نگهداری؛

- دسترس پذیری؛

- تهیه نسخه ثانوی از اسناد (آرشیو ملی مالزی، بی تا، صص ۵-۸).

پ- سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در وضعیت پس از ادغام اینگونه قابل توصیف است که مؤسسه‌ای آموزشی، پژوهشی، علمی و خدماتی است که اساسنامه آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و ریاست عالیه آن با رئیس‌جمهور است. معمولاً شکل‌گیری رسمی این نهاد به سال ۱۳۱۶ ش. بازگردانده می‌شود. در سال ۱۳۵۸ مرکز خدمات کتابداری و در سال ۱۳۷۸ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، در کتابخانه ملی ادغام شدند و سرانجام در سال ۱۳۸۱ با تصویب شورای عالی اداری، کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی با هم ادغام شدند و سازمان فعلی شکل گرفت و در حال حاضر در دو ساختمان مستقل «کتابخانه ملی ایران» و «گنجینه اسناد ملی ایران» فعالیت دارد.

پ-۱ اهداف: شورای عالی اداری در نود و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ «به منظور ساماندهی مدیریت اسنادی و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن و همچنین تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از انجام وظایف تکراری» این ادغام را تصویب کرد.

پ-۲ کارکردها: صرف‌نظر از کارکردهای هر دو سازمان که در قوانین متبوع‌شان لحاظ شده، کارکردهای جدیدی است که طبق مصوبه شورای عالی اداری، هنگام ادغام این دو نهاد با یکدیگر، بر آن‌ها تأکید شده است. لذا در زیر، موارد مندرج در مصوبه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در بند ج ماده ۲ تصویب‌نامه که به امضای معاون وقت رئیس‌جمهور و دبیر شورای عالی اداری رسیده، آمده است که: «وظایف و مأموریت‌های تخصصی سازمان اسناد ملی ایران و همچنین کتابخانه ملی در قالب دو معاونت مستقل، تحت عنوان کتابخانه ملی و اسناد ملی با برنامه مستقل در قوانین بودجه سنواتی فعالیت خواهند کرد». در تصویب‌نامه بر ادغام وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای پژوهشی سازمان‌های تجمیع‌شده در یک سازماندهی



و واحدهای مربوط، تأکید می‌شود و در ماده ۴ تصویب‌نامه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، «وظایف مربوط به ساماندهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی و تنظیم روش‌های نگهداری و بایگانی از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» را برای خود محفوظ نگه می‌دارد. گرچه به‌زعم برخی کارشناسان حوزه اسناد، با سلب این صلاحیت از سازمان اسناد ملی سابق و محول‌شدن آن به سازمان مدیریت، عملاً یکی از وظایف ذاتی سازمان به تعطیلی کشیده شده و بلا تصدی مانده است. با این وجود، کار گردآوری، بررسی، امحاء و بالاخره نگهداری اسنادی که به دلایل ملی ارزش آرشیوی دارند، کماکان در صلاحیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی و برعهده معاونت اسناد ملی باقی مانده است.

با بررسی مفاد مصوبه و نظر به اینکه بیشتر مواد آن به بخش اسناد اختصاص یافته است، به‌نظر می‌رسد هدف تصویب‌کنندگان شاید بیشتر معطوف به بخش اسناد، به لحاظ ارتقاء جایگاه و متمرکزشدن امور اسنادی دولت، ذیل سازمانی مقتدر بوده است. اما در عمل و در بررسی‌های انجام شده که شرح آن در آینده می‌آید، به‌نظر می‌رسد این اهداف چندان تحقق نیافته است. به نحوی که از میان بسیاری از تشکیلات اسنادی موازی موجود در بدنه دولت، صرفاً تصمیم بر ادغام یک نهاد (مرکز اسناد ریاست‌جمهوری) در سازمان اتخاذ می‌شود که آن هم پس از گذشت حدود ۱۵ سال هنوز عملی نشده است.

صرف‌نظر از نقدهای موجود در خصوص ادغام یا استقلال کتابخانه ملی و اسناد ملی، به‌نظر می‌رسد صرفاً این دو نهاد در عنوان یکی شده‌اند و تحت نام «سازمان اسناد و کتابخانه ملی» ولیکن با همان استقلال عمل حوزه‌های تخصصی اسناد و کتابخانه و حتی در دو ساختمان جدا از یکدیگر عمل می‌کنند. همانگونه که در صدر مطالب و نقد ادغام آمد، این دو سازمان در واقع با هدف کوچک‌سازی و با برهان تجانس و موازی و تکراری بودن امورشان، با یکدیگر ادغام شدند. لکن همانگونه که قابل‌ملاحظه است و شرح مفصل آن در قسمت سوم مقاله خواهد آمد، صرفاً وظایف پشتیبانی و پژوهشی دو نهاد در یکدیگر ادغام شده و مصوبه، به‌طور ضمنی بر استقلال دو نهاد در حوزه تخصصی‌شان تأکید کرده است. روی هم رفته و در مجموع باید گفت که تصمیم بر ادغام، بر صلاحیت‌های دو بخش اسناد ملی و کتابخانه ملی تأثیر چندانی نداشته است و تقریباً با همان صلاحیت‌های گذشته و در کنار یکدیگر و صرفاً تحت مدیریتی واحد به حیات خود ادامه داده است.

شاید بتوان این وضعیت را ناشی از آن دانست که هر یک از سازمان‌ها دارای قانون و مقررات جداگانه‌ای هستند که مطابق آن عمل می‌کنند و مادامی که این قوانین تغییر نیابند کارکرد آن‌ها کماکان همان کارکرد قبل از ادغام خواهد بود.

منابع

- آزاد، اسدالله (۱۳۷۷). ضرورت برپایی نظام اطلاع‌رسانی در ایران. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. شماره ۲.
- خالوئی، مرضیه (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی آرشیوهای ملی ایران، آمریکا، انگلستان و فرانسه. گنجینه اسناد، شماره ۶۶.
- شاکری مطلق، محبوبه (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه های ملی کانادا و استرالیا. رساله کارشناسی ارشد کتابداری.
- آرشیو ملی مالزی (بی تا) نکاتی چند در مورد مدیریت اسناد و آرشیو. مترجم: شهلا اشرف. تهران: سازمان اسناد ملی ایران؛ مدیریت روابط عمومی و - امور بین الملل، نشریه شماره ۴۶ تکثیر محدود.

قوانین و مقررات

- مشروح مذاکرات مجلس در بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی قابل دسترس در:
http://www.ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&view=session&id=1449&page=25708&Itemid=38
- مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ شورای عالی اداری.



تدوین «اصطلاح‌نامه جنگ ایران و عراق/ دفاع مقدس»؛ ضرورتی برای سازماندهی مدارک و ارتقاء مطالعات جنگ

دکتر محبوبه شمشیرگرها

چکیده

اصطلاح‌نامه‌ها یکی از نظام‌های سازماندهی اطلاعات هستند که با نمایش روابط معنایی میان اصطلاحات و ساختار مفهومی آنان فرایند ذخیره، سازماندهی و بازیابی اطلاعات را تسهیل و تسریع می‌کنند. از این‌رو پس از طرح این نظر، همواره در دنیا و از آن جمله ایران، تهیه و تدوین اصطلاح‌نامه‌هایی در حوزه‌های موضوعی مختلف، به‌منزله یکی از شاخه‌های مهم کتابداری و مطالعات آرشیوی مورد توجه قرار داشته است. اما امروزه با وجود ده‌ها هزار مدرک اعم از سند، کتاب، مقاله، تک‌نگاشت، پایان‌نامه و غیره در موضوع جنگ تحمیلی، اصطلاح‌نامه‌ای تخصصی به‌منظور تجمیع، طبقه‌بندی (ایجاد روابط) و نیز یکپارچه‌سازی واژه‌ها و تعابیر پراکنده این حوزه، تدوین نشده است. در این راستا این نوشتار در پی روشن کردن ضرورت تدوین و توضیحی مختصر درباره «اصطلاح‌نامه جنگ ایران و عراق/دفاع مقدس» نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها

پردازش اطلاعات، اصطلاح‌نامه‌نگاری، جنگ ایران و عراق.



تدوین «اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس»؛ ضرورتی برای سازماندهی مدارک و ارتقاء مطالعات جنگ

دکتر محبوبه شمشیرگرها^۱

۱. استادیار سازمان اسناد و کتابخانه

ملی، گروه پژوهش‌های ایران‌شناسی و

اسلام‌شناسی؛

mah.shamshirgarha@gmail.

com

۲. استفاده از کلمه تزاروس، با مفهومی

کم‌وبیش امروزی، نخست در سال ۱۸۵۲

با انتشار کتاب «اصطلاحنامه لغات و

عبارات انگلیسی» اثر پیترمارک روزه آغاز

شد. از اوایل قرن بیستم با پیشرفت علم

اطلاعرسانی و شواهدی که دلالت‌بر

نارسایی روش‌های قراردادی بازیابی

اطلاعات داشت، اصطلاحنامه به‌عنوان

ابزاری فنی که می‌توانست با دقت بیشتری

اطلاعات موردنیاز را در هر زمینه بازیابی

کند، موردتوجه خاص قرار گرفت. در سال

۱۹۵۱، هانس پیتر لون تحت تأثیر روش

اصطلاحنامه روزه درصدد برآمد تا کلماتی را

که از نظر مفهومی با یکدیگر مرتبط بودند،

دسته‌بندی کند. نخستین اصطلاحنامه به

این شکل برای نمایه‌سازی مدارک شیمی و

مهندسی شیمی تهیه شد. برای اطلاعات

بیشتر درباره تاریخچه اصطلاحنامه‌ها، به

دایره‌المعارف کتابداری (۱۳۸۱-۱۳۸۵)، ج ۱،

صص ۲۱۴-۲۱۵ مراجعه کنید.

۳. اصطلاحنامه فرهنگی فارسی اصفاء،

اصطلاحنامه پزشکی فارسی، اصطلاحنامه

علوم قرآنی، اصطلاحنامه علوم‌زیستی،

اصطلاحنامه فنی و مهندسی، اصطلاحنامه

علوم‌کشاورزی، اصطلاحنامه فلسفه/اسلامی،

اصطلاحنامه اصول فقه، اصطلاحنامه منطق،

اصطلاحنامه کلام اسلامی برخی از مهم‌ترین

آن‌ها هستند. همچنین برای اطلاعات بیشتر،

به فولادی، ۱۳۷۲ مراجعه کنید.

۱- مقدمه

اصطلاحنامه‌ها یکی از نظام‌های سازماندهی دانش هستند که با نمایش روابط معنایی میان اصطلاحات و ساختار مفهومی آنان نه‌تنها ابزاری مفید در ذخیره، سازماندهی و بازیابی اطلاعات به‌شمار می‌روند بلکه می‌توانند نقشی مؤثر در یادگیری مفاهیم اساسی و بنیادی یک حوزه ایفا کنند. از این‌رو اندکی پس از شکل‌گیری این ایده، ساخت اصطلاحنامه‌ها رواج یافت و روزه‌بروز بر تعداد و گستره کاربرد آن‌ها افزوده شد.^۲ در ایران نیز از قریب چهل سال پیش تاکنون اصطلاحنامه‌های فارسی عمومی و تخصصی^۳ فراوانی تدوین و به‌کار گرفته شده‌اند. امروزه با گذشت بیش از سه دهه از آغاز جنگ تحمیلی و برخورداری این حوزه مطالعاتی از ده‌ها هزار مدرک منتشر شده و نشده، اعم از سند، کتاب، مقاله، پایان‌نامه و غیره ضرورت وجود نظامی برای جمع، طبقه‌بندی و یکپارچه‌سازی اصطلاحات به‌همراه تشخیص و ایجاد روابط بین مفاهیم این حوزه دانش، ضروری می‌نماید. این نوشتار بر آن است تا با روش تحلیل محتوا، ضمن تبیین ضرورت تدوین «اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق/دفاع مقدس» جهت عمق و وضوح‌بخشی به مسیر پژوهش‌های دفاع مقدس در حال و آینده، مجالی برای یاری و اظهارنظر متخصصان حوزه مطالعات جنگ درخصوص بایدها و نبایدها و چند و چون طرح مذکور فراهم آورد.



۲- تعریف اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق/دفاع مقدس

با توجه به تعریف کلی که از اصطلاحنامه (Thesaurus) ارائه شده^۱، «اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق/دفاع مقدس» مجموعه‌ای از واژه‌ها، اصطلاحات و تعابیری خواهد بود که با ارتباطات سازماندهی شده، اطلاعاتی درباره جنگ تحمیلی، ارائه کرده و فرایند ذخیره و بازیابی اطلاعات را ممکن، تسریع و تسهیل می‌سازد.

۳- اهداف و ضرورت های تدوین اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق/دفاع مقدس

نظر به اینکه با وجود حجمی نسبتاً وسیع از داده‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جنگ، «هنوز به دوره گذار آزمون و خطا در کاربری عملیاتی روش‌ها و منظرها ورود نکرده‌ایم و مطالعات جدی جنگ هنوز آغاز نشده» (کمری، ۱۳۹۰، ص ۳۰). تجمیع و یکدست‌سازی مفاهیم متعلق به آن و تدوین اصطلاحنامه‌ای برای ممانعت از پراکنده‌نویسی، پراکنده‌جویی و پراکنده‌پژوهی در این حوزه لازم به نظر می‌رسد. ضروریات و اهداف شکل‌گیری اصطلاحنامه دفاع مقدس در این برهه زمانی، به‌منزله مقدمه‌ای برای گام‌نهادن به مرحله بعد، از چند منظر قابل توجه است:

۳-۱ نمایاندن ساختار، زمینه و شاخه‌های موضوعی در پژوهش‌های دفاع مقدس

در فرایند ساخت یک اصطلاحنامه، تفکری نظام‌واره، در نهایت به شکل‌گیری اصطلاحنامه به‌منزله خروجی آن منتهی می‌شود. از منظر تاریخ‌پیدایش نیز، اصطلاحنامه بازنمایش زبان یک حوزه یا رشته‌ای خاص بوده است. با توجه به نموده‌شدن کلیت شاخص‌های مفاهیم یک فرهنگ و رشته، اعم از گستره، روابط، معانی و سایر امور در پیکره یک اصطلاحنامه، در حقیقت باید هویت آن فرهنگ یا حوزه موضوعی را از طریق چهره‌ای که اصطلاحنامه مذکور از آن به نمایش درمی‌آورد، استنباط کرد. بنابراین می‌توان امیدوار بود با وجود تمام پراکندگی‌ها و سردرگمی‌های حوزه مطالعات جنگ، با تدوین اصطلاحنامه‌ای دایر بر مفاهیم و موضوعات مرتبط با آن، نقشه کلی و شاکله این عرصه وسیع به‌صورت ساختاری منظم بازشناخته شود. در کنار حصول بستری برای درک و تصویر کلیت ساختار این رشته، وجود اصطلاحنامه، امکان طبقه‌بندی آتی اطلاعات و مدارک مقوله دفاع مقدس را در حدی فراتر از نظام رده‌بندی‌های موجود در جهت نظام‌یابی کتابخانه‌های تخصصی دفاع مقدس فراهم خواهد آورد.^۲

۱. اصطلاحنامه یا گنج‌واژه، مجموعه اصطلاحات یک رشته است که میان آن‌ها روابط معنایی، رده‌ای و سلسله‌مراتبی برقرار شده و توانایی آن را دارد که موضوع آن رشته را با همه جنبه‌های اصلی و فرعی و وابسته به گونه‌ای نظام‌یافته و به‌منظور ذخیره و بازیابی اطلاعات و مقاصد جنبی ارائه دهد (دایره‌المعارف کتابداری، ۱۳۸۱-۱۳۸۵، ص ۲۱۴) برای اطلاعات بیشتر درباره اصطلاحنامه و مفاهیم مربوط به آن، به فولادی، ۱۳۷۲، صص ۲۱۴-۲۱۹ مراجعه کنید.

۲. با توجه به خاستگاه جغرافیایی و موضوعی نظام‌های ترسیمی جاری و مرسوم کتابخانه‌ای (کنگره و دیویی)، این نظام‌ها پاسخگوی طبقه‌بندی دقیق علوم و مدارک در برخی رشته‌های حوزه تمدن اسلام و شرق نیستند. در این راستا به نظر می‌رسد یکی از محورهای نقش‌آفرینی دانش بومی سازماندهی اطلاعات، حوزه مدارک دفاع مقدس خواهد بود تا با تکمیل طبقه‌بندی موضوعات، ذخیره و بازیابی اطلاعات در این رشته، کارآمدتر شود.

۳-۲ ارائه اطلاعات یکدست و استاندارد در حوزه دفاع مقدس

متأسفانه به دلیل نبود نظام اطلاعاتی یکپارچه، گستردگی فراوان حیطه فرهنگی دفاع مقدس، تنوع انسان‌های جنگ از نظر سن، قومیت، تحصیلات، رده نظامی و غیره - که یادداشت‌هایی از خود به جا گذاشته و می‌گذارند - گوناگونی قالب‌ها و صورت‌های اسناد و مدارک به جا مانده در این موضوع، تعدد افراد و نهادهای تولیدکننده و اتخاذ خط‌مشی‌های متفاوت از سوی آن‌ها، تاکنون اقدام درخور توجهی درخصوص هماهنگ‌سازی و ثبت و ضبط یکسان مفاهیم و اصطلاحات این حوزه صورت نگرفته است. این درحالی است که گام اول در راستای انجام پژوهش در عموم زمینه‌های تخصصی به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، بهره‌مندی از یک استاندارد مورد توافق همه سازمان‌ها و نهادهایی است که بخشی از مدارک مورد نیاز را در اختیار دارند.

صرف‌نظر از مشکلات ناشی از نبود شیوه‌ای همخوان از سوی نهادهای مختلف برای به‌کارگیری اصطلاحات یکسان در سازمان‌دهی اطلاعات جنگ، وجود این مشکل حتی در حوزه مدارک موجود در یک نهاد واحد نیز از عمق این ناهمگونی و ضرورت دستیابی به شیوه‌ای واحد در این باره حکایت می‌کند. در این خصوص، ملاحظه اختلاف در توصیف‌گرهای اطلاعات دو تصویر زیر از مجموعه مدارک موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی نشان‌دهنده نمونه‌ای کوچک از این مشکل خواهد بود. لازم به ذکر است هر دو عکس به یک موضوع و یک منطقه عملیاتی مربوط می‌شوند.

نمونه مدرک	ایران ۱۸۲۰۰۰-۲۵	نمونه کتابشناسی ملی	۲۵-۲۵۱۲۴
عنوان قراردادی	رزمندگان در جبهه دشت عباس در قوئل	عنوان قراردادی	[نبره‌های مسلح]
عنوان و نام پدیدآور	رزمندگان در جبهه دشت عباس در قوئل [عکس]	عنوان و نام پدیدآور	نبره‌های مسلح
وضعیت تولید/نشر	دشت عباس: ۰۰/۱/۱۲۶۱	وضعیت نشر	شوش
مشخصات ظاهری	مادر: رنگی؛ ۱۲۸۹+ ۲۵-۱۸۲۰۰۰۰ مادر: رنگی؛ ۱۲۸۹+ ۲۵-۱۸۲۰۰۰۲	مشخصات ظاهری	مادر: رنگی؛ ۱۲۸۹+ ۲۵-۲۵۱۲۴
توصیف‌گر	جنگ ایران و عراق دشت عباس در قوئل خوزستان نبره‌های مسلح	توصیف‌گر	نبره‌های مسلح جنگ ایران و عراق منطقه دشت عباس شوش خوزستان
بسترسی و محل الکترونیکی	آدرس الکترونیکی منبع	چکیده	عکس دسته‌جمعی نبره‌های بسیجی بهلولی یک گنبد در منطقه دشت عباس شوش، قسمتی از گنبد بر اثر خمپاره تخریب شده است و بر روی آن پارچه‌وشته‌ای با عنوان «جنگ جنگ تا پیروزی دیده می‌شود»
چکیده	تصاویری از غذاخوردن و نطافت رزمندگان مستقر در جبهه دشت‌عباس در قوئل		

همچنین کاربرد سه اصطلاح «ستاد هفته دفاع مقدس» (ش ۳۵۸۱۴/۲۹۳)، «ستاد برگزاری هفته دفاع مقدس» (ش ۱۶۴۴۰/۲۹۳/۹۸) و «ستاد بزرگداشت مراسم دفاع مقدس» (ش ۹۲۱۳/۲۹۳) در توضیح یادداشت و دامنه سه سند از مجموعه اسناد این سازمان، از این خلأ ناشی شده است.

۳-۳ تعیین اصطلاحات مجاز و مشخص کردن حدود و معانی اصطلاحات به منظور ایجاد هماهنگی در نظام نمایه‌سازی

هدف از نمایه‌سازی، سرعت و سهولت بازیابی اطلاعات است (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). در



تکمیل مطالب بالا باید گفت سازماندهی و ذخیره اطلاعات حوزه دفاع مقدس، جز با وجود اصطلاحنامه تخصصی این موضوع ممکن نیست. به عبارت دیگر نمایه ساز مدارک دفاع مقدس، برای انتخاب واژه های کلیدی، ناگزیر از به کارگیری قواعد زبان کنترل شده به منزله ابزار کار است. چنانکه می دانیم پشتوانه پژوهش های دفاع مقدس، انبوهی از کتب و تکیه گاه های خاطرات، دست نوشته های شخصی، سرگذشت ها، یادنامه ها، گزارشات، وصایا، نقشه ها، اسناد جنگی و دیگر مدارک پژوهشی، تاریخی و ادبی است که از ابتدای جنگ رفته رفته بر تعداد آن ها (به لحاظ تولید یا کشف) افزوده شده؛ اما غالب این منابع از نمایاندن تصویری جامع و مانع از موضوعات شامل خود - که امروزه ارائه این شما بر عهده توصیف گر ها یا نمایه های موضوعی است - ناتوانند و جویندگان آن ها، از برخورداری چنین اطلاعاتی محروم. بهره مندی از یک نظام کنترل و پذیرفته شده زبانی در این حوزه خاص، می تواند با فراهم آوردن امکان نمایه سازی مدارک، گامی در جهت برطرف کردن این نقیصه به شمار آید.

در این راستا برگزیدن اصطلاحی برگزیده، برای سازماندهی اطلاعات جنگ از میان انواع مختلف منابع ذکر شده^۱، ضرورتی غیر قابل انکار است که برخی از مضمون های متعدد آن از این قرار است:

الف - برخی جای ها، نهادها، افراد، به ویژه در عباراتی از خاطرات رزمندگان، به نام گذشته و مصطلح قدیم خود - قبل از پیروزی انقلاب - خوانده شده اند. مانند نام دیگر «قرارگاه کربلا» در عبارت زیر:

- سه روز بعد از عملیات امام مهدی از طرف قرارگاه گلف سپاه اهواز پیغام دادند باید هرچه زودتر به آن قرارگاه بروم. کالک های خاکی/ ۲۲۳.

ب - همچنین تغییر نام برخی یگان ها و نهادهای مرتبط با جنگ در طول سال های دفاع مقدس نیز در این زمره می گنجد. مثلاً منابعی که موضوع شرح مواقع آن ها به پیش از تبدیل شدن «تیپ محمد رسول الله (ص)» به لشکر مربوط می شود:

- روی پارچه با رنگ سفید این کلمات نوشته شده بود: تیپ محمد رسول الله. راز نگین سرخ/ ۳۳۰.

ج - گاه از برخی جای ها، نهادها و افراد به دو یا چند نام، یاد شده است. مانند کاربرد هر دو واژه «کانال ماهی» و «دریاچه ماهی» هنگام سخن گفتن از محدوده ای آبگرفته در منطقه شلمچه و محدوده عملیاتی کربلای ۵.

- در شرق دریاچه ماهی جاده ای قدیمی در حالی که حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر روی آن را آب پوشانده ... کارنامه توصیفی عملیات هشت سال دفاع مقدس/ ۳۳۴.

- دشمن برای اینکه بتونه جلوی حمله ما رو بگیره کل منطقه جلوی کانال ماهی رو آب

۱. در این نوشتار سعی شده برای ارائه شواهد تا جای ممکن از همه انواع مدارک جنگ استفاده شود. هرچند نظر به نسبت بیشتر خاطره نگاشته ها به سایر منابع، موجب شده تعداد بیشتری از این دست کتاب ها مورد استفاده قرار گیرند.

انداخته. سفر به گرای ۲۷۰درجه/ ۹۶.

همچنین بازتاب یافتن سه راهی‌ای در منطقه‌ای خطرآفرین در شلمچه به هر دو نام «سه راهی مرگ» و «سه راهی شهادت» در متون نیز از این دست است:
- نهنگ در گرداب / تو/ در سه‌راهی مرگ^۱ / من در باد زخم‌های فسفری‌ات بی‌تاب. ناگهان از خاک/ ۱۰.

- سه‌راه شهادت: سه‌راهی در منطقه شلمچه-کانال ماهی؛ در عملیات کربلای ۵ بسیاری از برادران در این نقطه به شهادت رسیدند. فرهنگنامه جبهه/ ۵۸۶/۱.
کاربرد دو واژه «اردوگاه» و «کمپ» در اسناد، خاطرات و داستان‌های مربوط به دوران اسارت آزادگان نیز نمونه‌ای دیگر است.
- بعدازظهر سعد اسرای کمپ را از ورود عباس فرمانده جدید اردوگاه ۱۶ تکریت باخبر کرد. پایی که جاماند/ ۶۳۳.

- در ویلای صدام ما جزء آخرین افراد عملیات بودیم که به اردوگاه رمادی سه (کمپ نه) منتقل شدیم. در ویلای صدام/ ۵۵.
و مثال‌های دیگر:

- تا هزار کیلومتر دور از موج‌های آهنگین بهمن‌شیر، نخل‌های بی‌سر **ذوالفقاری** و مردم مهربان ... داستان‌های شهر جنگی/ ۱۱۲.
- جبهه **ذوالفقاریه** / عنوان کتاب

- در پشت روستای شلیبیه تا یک کیلومتری این روستا حدود ۳۰ سنگر گروهی دیده شده که تعدادی از این سنگرها بتونی بوده‌اند. گزارش‌های روزانه جنگ/ ج ۳/ ۶۳.
- رسول آرام پاسخ داد: سی و پنج تا سنگر اجتماعی، سه رشته کانل و خُدات تا سنگر انفرادی. راز نگین سرخ/ ۱۰۸.

د- بازتاب تعدادی اصطلاح محلی و منطقه‌ای برای بیان مفاهیم در برخی منابع، به‌ویژه در خاطراتی که از مردم و اهالی بومی جغرافیای تهاجم عراق و جبهه‌های جنگ (شهرها و روستاهای استان خوزستان، ایلام، کرمانشاه، هرمزگان و بوشهر) به‌جا مانده است. هرچند به‌طور کلی اصطلاحاتی از این دست، به‌دلیل حضور عامه مردم از حوزه‌های جغرافیایی، زبانی و فرهنگی مختلف در جبهه کم نیست.

کاربرد فراوان «خمس‌خمس» به‌عنوان معادلی برای «خمپاره» در عبارات فراوانی در سراسر کتاب دا نمونه‌ای از آن است.

ه- نحوه نگارش برخی اصطلاحات نیز- به‌ویژه در واژه‌ها و تعبیراتی که مقادیر عددی به همراه دارند؛ نظیر نام برخی اسلحه‌ها و ادوات نظامی، یگان‌ها، عملیات‌ها و نیز تاریخ‌ها - از

۱. شاعر، خود در توضیح پاورقی، منظور خود را از این اصطلاح، سه‌راهی خطرآفرین شلمچه دانسته است.



۱. هرچند امروزه و در آینده، با فراهم آمدن تسهیلاتی که فناوری‌های نوین در اختیار اشاعه‌دهندگان و کاربران اطلاعات به‌ویژه در بانک‌های اطلاعاتی تمام متن قرار می‌دهد، رفته‌رفته از ارزش و اهمیت حضور اصطلاحنامه‌ها کاسته می‌شود، اما با توجه به دو نکته، تدوین اصطلاحنامه جنگ/ دفاع مقدس همچنان ضروری می‌نماید. اول آنکه وجود انبوهی از مدارک گوناگون بالغ بر دوازده هزار کتاب و تانوشته‌هایی بسیار از این پیش، به‌صورت چاپ‌شده یا نشده و نبود الزامی برای دستگاه‌های دارنده بسیاری از این مدارک مبنی بر نشر و ارائه فراگیر اطلاعات، تصور حروف‌چینی اطلاعات تمامی این مدارک را به‌صورت یکپارچه، دست‌کم تا ده‌ها سال آینده بعید می‌نماید. دوم آنکه منظور و هدف از تدوین اصطلاحنامه، فقط بهره‌مندی کاربران و دستیابی آنان به اطلاعات نیست؛ بلکه لازم است به نقش این نظام درخصوص ذخیره‌سازی اطلاعات و گنجاندن مفاهیم در کنار یکدیگر و روشن کردن روابط آن‌ها، دقت شود. به‌ویژه آنکه به‌حتم روزه‌روز بر دامنه و حجم اطلاعات حوزه‌های تخصصی دفاع مقدس افزوده و تعدد و پراکندگی آن‌ها، موجب بروز مشکلات بیشتری در طبقه‌بندی و نظم‌بخشی به آن‌ها خواهد شد (برای اطلاعات بیشتر در این باره، به حری، مراجعه کنید).

همچنین در اینجا اشاره به رویکردهای جدید به این مقوله و ارائه نظریاتی مبنی بر ضرورت طراحی و به‌کارگیری «هستی‌شناسی» (Ontology) در مقایسه با اصطلاحنامه در ساختار معمول و سنتی آن خالی از فایده نیست. هستی‌شناسی‌ها در قلمروی کتابداری و اطلاع‌رسانی نوعی از ابزارهای معنایی هستند که به‌دلیل برخی کاست‌های ساختار اصطلاحنامه‌ها در بازه‌نمون دانش قلمروهای موضوعی از طریق نمایش مفهوم‌ها و رابط‌های میان‌شان، به‌ویژه در گستره اطلاعات رایانه‌ای و وب‌معنایی برای بازیابی اطلاعات، کاربردی جامع و شامل خواهند داشت. برای اطلاعات بیشتر در این باره، به صنعت‌جو و فتحیان، ۱۳۹۰ و شریف، ۱۳۸۷ مراجعه کنید.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره مطالب این قسمت، به آوستین و دیل، ۱۳۸۹ «اجزاء اصلی»: صص ۴۵-۱۷ و «روابط»: صص ۴۸-۷۰؛ «شیوه نمایش»، صص ۷۰-۸۷.

مقولاتی است که به‌کار نگرفتن شیوه‌ای واحد در ثبت و نمایه آن‌ها، امر ذخیره و بازیابی اطلاعات را با مشکل مواجه خواهد کرد. نایکدستی در ثبت عددی یا حروفی اعداد از شواهد زیر پیداست:

- در عملیاتی سرلشکر ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه هفتم عراق، می‌بیند یکی از درجه‌دارهایش یک اسیر ایرانی را به باد کتک گرفته. پایی که جا ماند / ۲۲۱.
- در این عملیات غرورآفرین رزمندگان اسلام نتایج درخشانی به‌دست آوردند و بیش از ۲۲ یگان دشمن و تیپ ۵۶ زرهی دشمن را منهدم کردند. پرواز در قفس / ۵۶.
- یادم هست زمان کربلای ۴ توی خسروآباد رفتیم برای دیدن بچه‌های حبیب. حاج بخشی / ۱۶۰.

- شاید تا وقتی این نامه به‌دست تو می‌رسد طرح کربلای دو با پیروزی که مساوی پیروزی در جنگ است به اجرا درآمده باشد. نامه‌های فهیمه / ۷۷.

۳-۴ سهولت در جست‌وجو و بازیابی اطلاعات

از آنجا که یکی از کارکردهای اصطلاحنامه، نزدیک‌ساختن زبان ارائه‌دهندگان و جویندگان اطلاعات است، در مطالعات جنگ نیز جست‌جوگر خواهد توانست با بهره‌مندی از زبان کنترل‌شده و واژگانی برآمده از نمایه‌سازی مدارک پایگاه‌های اطلاعاتی متنوع، با آن‌ها پیوند برقرار کرده و به اطلاعات موردنظرش دست یابد.^۱

۳-۵ ترغیب نویسندگان بالفعل و بالقوه برای استفاده از استانداردها

رواج و فراوانی کاربرد برخی اصطلاحات به‌ویژه در بخش مترادفات، رفته‌رفته زبان تولید آثار - به‌خصوص در بخش مدارک و منابع علمی و استنادی - را به‌سمت یکدستی خواهد برد. از این طریق به نویسندگان نیز کمک خواهد شد تا به مرور زمان بتوانند پیام خود را به‌گونه‌ای دقیق و مصطلح‌تر بیان کنند.

۴- ساختار اصطلاحنامه جنگ ایران و عراق/ دفاع مقدس

همانند دیگر اصطلاحنامه‌ها^۲ مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاحات موضوعی مرتبط و مهارشده در حوزه موضوعی جنگ، ساختار و پیکره این اصطلاحنامه را تشکیل می‌دهد.

۱-۴ اجزاء اصلی

اصطلاحات برگزیده، ناب‌گزیده، اعم، اخص، وابسته، یادداشت دامنه و اختصارات (نشانه‌های



خاص توضیحی و ارجاعی) از اجزاء اصلی اصطلاح نامه به شمار می آیند.

۴-۱-۱ اصطلاحات برگزیده/نابگزیده: یکی از مهم ترین روش های کنترل واژگان در اصطلاح نامه، استفاده از اصطلاحات برگزیده یا مرجح است. تعدد و وسعت کاربرد، ابهام نداشتن، اجمال، وحدت داخلی و خارجی اصطلاح نامه و جمع اصطلاحات قابل شمارش از جمله اصول برگزیدن یک اصطلاح، در مقابل اصطلاحات نابگزیده یا نامرجح هستند. مثال های زیر نمونه ای از این مقوله به شمار می آیند:

خرمشهر	خونین شهر
بج: خونین شهر	بک: خرمشهر
مواد شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو	ش. م. ر.
بج: ش. م. ر.	بک: مواد شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو
افشردی، غلامحسین	باقری، حسن
بج: باقری، حسن	بک. افشردی، غلامحسین

۴-۱-۲ یادداشت دامنه: تعریف و توضیحی مختصر است که می توان به برخی اصطلاحات افزود تا حدود مفهومی که مورد نظر نمایه سازی است، مشخص شود. برای مثال، بسیاری از واژه های جغرافیایی نظیر روستاهای مورد هجوم حزب بعث و دشت ها و ارتفاعاتی که در آن ها شناسایی یا عملیاتی صورت گرفته و نیز برخی اصطلاحات نظامی خاص، به ارائه یادداشت دامنه نیاز دارند تا استفاده از آن ها برای عموم نمایه سازان و کاربران ممکن شود. مانند: کالک: نوعی کاغذ نیمه شفاف که در نقشه کشی، طراحی و کپی برداری مورد استفاده قرار می گیرد و در هنگام جنگ/ دفاع مقدس نیز غالباً طرح و نقشه های عملیات بر روی آن رسم می شد.

۴-۲ روابط

روابط در اصطلاح نامه ها به منزله مهم ترین رکن ایجاد نظامی روشمند، هدفمند و منظم، به سه دسته تقسیم می شود:

۴-۲-۱ رابطه هم ارز: رابطه ایست که بین اصطلاحات مترادف (اصطلاحات برگزیده و نابگزیده) یا شبه مترادف^۱ برقرار می شود. برای نشان دادن این رابطه به طور معمول در اصطلاح نامه ها از نشانه «بک» (به کار ببرید) یا «بج» (به جای) استفاده می شود که پیش از این، به همراه مثال هایی آورده شد.

۱. در اصطلاح نمایه سازی به دو کلمه ای گفته می شود که صرف نظر از یکسانی در معنا یا غیر آن، معمولاً در کنار هم به کار می روند: مانند تر/ خشک، خوب/ بد.



۲-۲-۴ **رابطهٔ سلسله‌مراتبی:** رابطه‌ایست بین دو اصطلاح غیر هم‌ارز یا عام و خاص (اعم از: جنس و نوع؛ کل و جزء؛ مصداقی). نشانه‌های متداول برای نشان دادن آن‌ها در اصطلاح‌نامه‌ها «اع» و «اخ» هستند. مانند:

لباس رزم	پوتین
اخ: پوتین	اع: لباس رزم
جانبازها	جانباز شیمیایی
اخ: جانباز شیمیایی	اع: جانبازها
خلبان‌ها	شیرودی، علی‌اکبر
اخ: شیرودی، علی‌اکبر	اع: خلبان‌ها

۳-۲-۴ **رابطهٔ وابسته:** این رابطه اصطلاحاتی را دربرمی‌گیرد که با یکدیگر هم‌پوشانی معنایی دارند. در این رابطه هرچند اصطلاحات، روابط ترادفی و سلسله‌مراتبی ندارند اما از نظر مفهومی وابسته به یکدیگرند؛ به‌طوری که نام‌بردن از یکی، دیگری را نیز به ذهن متبادر می‌سازد. نشانهٔ آن، «او» است. مانند:

چمران، مصطفی	عملیات والفجر هشت
او: دهلاویه	او: فاو
او: جنگ‌های نامنظم	او: اروندرود
او: وزارت دفاع	او: خسروآباد
او: پاوه	او: غواص‌ها

۳-۴ شیوه نمایش

اصطلاحات و روابط متقابل آن‌ها را می‌توان به شیوه‌هایی مختلف در اصطلاح‌نامه نمایش داد. روش الفبایی، نظام‌یافته و ترسیمی همراه با الفبایی، از اساسی‌ترین روش‌های معمول هستند که توضیح آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد^۱. می‌توان بسته به سیاست‌ها و تصمیم‌های تدوین‌کنندگان این اصطلاح‌نامه از یکی از آن‌ها پیروی کرد.

۱. این روابط می‌تواند برای مراتب متعدد (نامحدود) ادامه یابد. نظیر:

ارتش
لشکر
تیپ
گردان
گروهان
دسته

۵- نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تهیهٔ «اصطلاح‌نامهٔ جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس» ضروری به‌نظر می‌رسد. البته از آنجا که امر به‌کارگیری اصطلاحات جدید در هیچ حوزهٔ موضوعی - حتی دربارهٔ موضوعاتی نظیر دفاع مقدس که رویدادی در زمان گذشته را مورد توجه



قرار داده‌اند - متوقف نمی‌شود، فرایند تدوین اصطلاح‌نامه هرگز سرانجام نمی‌یابد. در این راستا لازم است پس از ارائه، تصویب و حتی تدوین اصطلاح‌نامه مذکور، گروه یا فردی مشخص که انجام آن را عهده‌دار شده‌اند، به‌صورت دائمی - در فواصل زمانی مشخص - نسبت به جمع‌آوری، بررسی و گزینش توصیفگرهای جدید این مقوله موضوعی اقدام کنند.

منابع

- آغازی، عبدالرحمن (۱۳۸۹). پرواز در قفس. قم: نشر هدی.
- آوستین، درک ویلیام؛ دیل، پیتر (۱۳۸۹). راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک‌زبانه. مترجم: عباس حری. تهران: چاپار.
- اسلامی، محمدرضا (۱۳۹۲). در ویلای صدام: (روایت تلفیقی فریدون همتی و مصطفی امامی از جنگ تحمیلی و اردوگاه‌های صدام). قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
- اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۸). رمز و راز جنگ. همکار ابوالقاسم فراست. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- افشردی، غلامحسین (۱۳۸۹). گزارش روزانه جنگ. تنظیم و تدوین احمد دهقان. ج ۳. تهران: مرکز نشر آثار شهید حسن باقری.
- بابائیان‌پور، فهیمه (۱۳۸۸). نامه‌های فهیمه. به‌کوشش علیرضا کمری. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- باقری، عباس (۱۳۹۰). ناگهان از خاک (مجموعه شعر). تهران: تجلی مهر: صریر.
- بخشی، ذبیح‌الله (۱۳۹۰). حاجی بخشی: خاطرات شفاهی ذبیح‌الله بخشی. مصاحبه و تدوین محسن مطلق. تهران: عماد فردا.
- جعفری، محمدعلی (۱۳۹۱). کالک‌های خاکی: خاطرات شفاهی سرلشکر پاسدار محمدعلی (عزیز) جعفری. خاطره‌نگار گل علی بابایی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- حسینی، سیده‌زهره (۱۳۸۹). د. به اهتمام اعظم حسینی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- حسینی‌پور، سیدناصر (۱۳۹۰). پایی که جا ماند: یادداشت‌های روزانه سیدناصر حسینی‌پور از زندان‌های مخفی عراق. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- حمید، حسام (۱۳۸۴). راز نگین سرخ. تهران: صریر: پالیزان.
- دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۳۸۱-۱۳۸۵). سرویراستار عباس حری؛ ویراستار همکار نرگس نشاط؛ دستیاران علمی محمدحسن رجبی، نرگس نشاط. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دهقان، احمد (۱۳۹۲). سفر به گرای ۲۷۰ درجه. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- سمیعی، علی (۱۳۸۲). کارنامه توصیفی عملیات هشت سال دفاع مقدس. تهران: نسل کوثر.



- شریف، عاطفه (۱۳۸۷). کاربرد هستی‌شناسی‌ها در نظام مدیریت دانش. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، شماره ۴۳، صص ۹۷-۱۱۶.
- صنعت‌جو، اعظم؛ فتحیان، اکرم (۱۳۹۰). مقایسه کارآمدی اصطلاحنامه و هستی‌شناسی در بازنمودن (طراحی و ساخت نمونه هستی‌شناسی اصفاء). *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱ (۱)، صص ۲۱۹-۲۴۰.
- فولادی، اشرف‌السادات (۱۳۷۲). *کتابشناسی اصطلاحنامه‌ها*، [برای] وزارت فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- فهیمی، مهدی (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی*. هشت جلد. تهران: پایداری.
- کرمی‌هرستانی، قاسمعلی (۱۳۹۱). *جبهه نو/فقاریه*. اصفهان: ستارگان درخشان.
- حسام‌مظاهری، محسن؛ مصاحبه‌کننده (۱۳۹۰). «این جاده یک طرفه نیست: گفت و گو با علی‌رضا کمری پیرامون پژوهش جنگ ایران و عراق»، *دوماهنامه هابیل*، شماره ۴، خرداد و تیر، صص ۲۰-۳۵.
- میزگرد «استفاده از اصطلاحنامه‌ها در محیط وب». *کتاب ماه کلیات*، ۱۴ (۹)، شهریور ۱۳۹۰.
- نوروزی، علیرضا (۱۳۸۰). *نمایه‌سازی کتاب: راهنمایی برای ناشران، نمایه‌سازان و کتابداران*. تهران: چاپار.



دخل و خرج و اقدامات انجمن بلدی انزلی بر اساس اسناد آرشیوی

دکتر قربانعلی کناررودی

چکیده

هدف از مقاله حاضر، بررسی عواید دخل و خرج و عملکرد انجمن بلدی انزلی است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه اسناد تاریخی و منابع کتابخانه‌ای و روزنامه‌ای انجام و پس از بررسی و تحلیل اطلاعات تاریخی به نتیجه‌گیری پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با تصویب نظام‌نامه بلدیة در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری برابر با ۱۲ خرداد ۱۲۸۶ شمسی، بلافاصله قرار انتخابات انجمن بلدی انزلی گذاشته شد و در تاریخ ۹ شعبان همان سال انتخابات برگزار و منتخبان مردم از طبقات شش‌گانه شهری معلوم شدند و یکی از نخستین نهادهای مدنی در ایران و گیلان شکل گرفت و علی‌رغم مشکلات و موانع متعدد و ناسازگاری برخی از رجال و خوانین محلی، با قوت به کار خود ادامه داد. این انجمن در دوران کوتاه فعالیت خود با استفاده از عایدات گمرکی مانند تخم‌مرغ و کُری (مالیات پل و راهداری) و عایدی از اعضای انجمن و وکلای مردم و هدایای برخی رجال سرشناس، اقدامات مهمی را در زمینه‌های عمران شهری و امور فرهنگی و ارزاق عمومی و بهداری در این شهر انجام داد.

کلیدواژه‌ها

انجمن بلدی انزلی، عوارض تخم‌مرغ، امور شهری.



دخل وخرج و اقدامات انجمن بلدی انزلی بر اساس اسناد آرشیوی

دکتر قربانعلی کنارودی^۱

مقدمه

با توجه به سابقه ساختار سیاسی و حکومت استبدادی در ایران، ایجاد نهادهای مدنی به منظور اداره امور کشوری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی و نظارت بر آن، کاری عبث و بیهوده به نظر می‌رسید زیرا ماهیت نظام‌های استبدادی طوری است که به راحتی حاضر به واگذاری و تفویض اختیارات به نهادهای حکومتی و مدنی نبوده و تحمل رشد نهادهای حکومتی و مدنی هم‌عرض با خود را نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد از دوره ناصرالدین شاه قاجار، با توجه به مسافرت‌ها و مشاهدات او در اروپا و همچنین آشنایی محصلان اعزامی به اروپا، کم‌کم زمزمه ایجاد نهادهای حکومتی و مدنی در ایران شروع شد. البته این نهادهای مدنی فقط صورت ظاهری داشته و در عمل چندان موفق به ایفای نقش خود نشدند، زیرا کارها بایستی بنا بر میل و اراده شاه انجام می‌شد. بنابراین تأثیر نهادهای حکومتی و مدنی در جامعه زمانی صورت عملی به خود می‌گرفت که اراده قانون در جامعه حاکم شود و بر اساس آن، نهادهای حکومتی مختلف که اختیار آن‌ها را نیز قانون مشخص می‌کرد، در جامعه به وجود می‌آمد و انجام وظیفه می‌کرد. آنچه در انقلاب مشروطه انتظار می‌رفت، تشکیل نهاد قانون‌گذاری و تبع آن ایجاد نهادهای حکومتی و مدنی به منظور مقابله با روحیه خودکامگی و استبدادپروری مقام سلطنت بود.

با پیروزی انقلاب مشروطه و صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم، مأمور تأسیس مجلس منتخبین برای تنظیم نظامنامه انتخابات

۱. دکترای تاریخ، عضو هیئت علمی
پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و
کتابخانه ملی ایران؛
gh.k.edu@gmail.com



مجلس شورای ملی شد. سرانجام نظامنامه انتخابات در ماه رجب ۱۳۲۴ هجری قمری به امضای مظفرالدین شاه رسید و در ماده نهم آن، چگونگی تشکیل انجمن محلی در شهرها و انجمن ایالتی در مرکز ایالات مطرح شد. این انجمن‌ها به منظور نظارت بر حسن انتخابات تأسیس شدند و قرار بود بعد از آن منحل شوند، اما با تقاضای اهالی شهرها، به کار خود ادامه دادند و علاوه بر کار نظارت بر انتخابات، به امور دیگری چون نظارت بر کار حکمرانان و رسیدگی به عرایض و شکایات مردم پرداختند. بعدها با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، بر اختیارات آن‌ها افزوده شد. نظارت بر انتخابات مجلس، نظارت بر کار حکام و اقامه دعا علیه آن‌ها، امور مربوط به مالیات، انجام کارهای عام‌المنفعه، تولید اموال عمومی و تأسیس صندوق بازنشستگی برای متحدان دولتی از مهم‌ترین وظایف این انجمن‌ها بود.

انجمن‌های بلدی از جمله دیگر نهادها و مؤسسات مدنی برآمده از مشروطیت است. قانون انجمن‌های بلدی در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری برابر با ۱۲ خرداد ماه ۱۲۸۶ در زمان مجلس اول به تصویب رسید. این انجمن نیز مانند سایر نهادهای برخاسته از مشروطه در ابتدا وضعیت مطلوبی پیدا نکرد و تا سال ۱۳۰۹ که قانون جدید بلدی تصویب شد، در بسیاری از شهرهای ایران تشکیل نشده بود. اگر در برخی شهرها هم تشکیل شد به علت عدم همراهی حکام و یا نداشتن بودجه لازم حال و روز خوبی نداشت. با تصویب قانون بلدی در سال ۱۳۰۹، انجمن بلدی اهمیت خاصی پیدا کرد و نگاه مردم و دولت نیز نسبت به آن تغییر چشمگیری یافت. طبق قانون جدید طبقات سه‌گانه تجار، اصناف و ملاکین حق انتخاب شدن، پیدا کردند. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که انجمن بلدی انزلی پس از آغاز به کار، مخارج خود را چگونه تأمین کرده و چه اقدامات مهمی در امور شهری انجام داده است؟ فرضیه ما در این مقاله بر این قرار گرفت که با توجه به نزدیکی انزلی به رشت و از سوی دیگر ارتباط بازرگانی و تجاری این شهر با خارج از کشور موجب شد تا الگوها شهری و نهادهای مدنی در نظر مردم و بزرگان شهر انزلی شناخته شده و این شهر را در ردیف یکی از نخستین و پیشگام‌ترین شهرها در تشکیل و پذیرش نهادهای مدنی و مدیریت جدید شهری قرار دهد.

شکل‌گیری انجمن‌های مدنی در گیلان

سابقه تشکیل نهادهای حکومتی و مدنی در گیلان به عهد ناصری و زمان حکمرانی محمودخان ناصرالملک برمی‌گردد. مردی که به سیر و سیاحت در اروپا پرداخته بود و اهل اصلاحات و ترقی بود. او با ایجاد نخستین نهاد مدنی در گیلان با نام انجمن «مصلحت‌خانه» به انجام خدمات اجتماعی و عمرانی در گیلان پرداخت. از آنجایی که پیدایش چنین اساسی در این دوره متکی به شخص بود، با پایان گرفتن حکومت چندماهه ناصرالملک در گیلان، انجمن



مصلحت‌خانه نیز تعطیل شد. زمان حکمرانی عضدالسلطان پسر مظفرالدین شاه در گیلان با برپایی هرگونه انجمن برای مشورت در امور به شدت مخالفت شد.

۱- انجمن ملی رشت

نخستین نهاد مدنی که بعد از پیروزی مشروطه در گیلان تأسیس شد، انجمن ملی رشت بود. این انجمن در زمان حکمرانی میرزا صالح‌خان وزیر اکرم و به همت او و با هدف نظارت بر انتخابات مجلس تأسیس شد. این انجمن در ابتدا با عضویت شش نفر شروع به کار کرد اما پس از سه ماه، بالغ بر چهل نفر به عضویت این انجمن در آمدند. جلسات انجمن، در خانه حاجی مجتهد تشکیل می‌شد (رایینو، ۱۳۸۶، ص ۲۶). طبقات مختلف اجتماعی و دارای عقاید و تفکرات گوناگون در این انجمن، عضو بودند. برخی از اعضای این انجمن که تحت تأثیر اندیشه‌های تند انقلابیون قفقاز قرار داشتند، مردم را به ندادن مالیات و مال‌الاجاره و بهره مالکانه تشویق می‌کردند. این عده خواهان برچیده‌شدن نظام ارباب - رعیتی بودند و چندان به شیوه مسالمت‌آمیز معتقد نبودند. افرادی مثل سید جلال شهرآشوب و میرزا رحیم‌آقا شیشه‌بر، در این گروه قرار داشتند (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۳۶۱).

حضور افراد با سلیقه‌ها و تفکرات سیاسی مختلف و گاهی متضاد با یکدیگر سبب شد، انجمن ملی رشت در درون دچار اختلاف شود. نخستین شکاف بین اعضای این انجمن، بر سر انتخاب سپهدار تنکابنی به‌جای وزیر اکرم، به‌عنوان حکمران جدید گیلان آشکار شد و سبب شد برخی از اعضای آن، انجمن را ترک کنند و شاخه دوم انجمن ملی رشت را به‌وجود آورند. سپهدار تنکابنی حاکم جدید و منجم‌باشی تلاش کردند اختلاف بین اعضای انجمن ملی رشت را مرتفع سازند. موضوع اختلاف بین اعضای انجمن ملی رشت به مجلس شورای ملی کشیده شد و قرار شد مأمورانی از طرف مجلس برای برگزاری صحیح انتخابات انجمن ملی به گیلان اعزام شوند. با تشدید اختلافات بین اعضای تندرو و میانه‌روی انجمن ملی رشت، گروهی از مخالفان مشروطه به سرکردگی حاجی ملا محمد خمami در اعتراض به اعمال انجمن رشت به تهران رفتند تا اعتراض خود را به دولتیان و مجلسیان اعلام کنند. گروهی از اعیان و زمین‌داران بزرگ نیز در خارج از شهر رشت در ناصریه چادر زدند و تحصن کردند و طی تلگرافی به مجلس شورای ملی خواستار آن شدند که دولت و مجلس تکلیف انجمن رشت را هر چه زودتر مشخص کند (رایینو، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

در این بین، سپهدار تنکابنی برای پست صدراعظمی به تهران فراخوانده شد و صالح‌خان وزیر اکرم بار دیگر به حکمرانی گیلان منصوب شد. او به‌همراه حکم حکمرانی خود، مصوبه مجلس شورای ملی در مورد قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نظامنامه انتخاباتی آن را به



رشت آورد و به اطلاع عموم رساند. «معاذ السلطنه پیرنیا» و «محمد صفی خان» نمایندگان اعزامی از طرف مجلس شورا نیز به رشت آمدند و بدین ترتیب دست اعضای انجمن ملی رشت، در امور گیلان کوتاه شد و اولین نهاد مدنی در رشت بعد از هفت ماه، به کار خود خاتمه داد (رایینو، ۱۳۸۶، صص ۲۹-۳۰).

۲- انجمن ولایتی گیلان

با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۲۸۶ شمسی برابر با ۱۹۰۷ که قوانین مربوط به تشکیل انجمن‌ها، شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، ترتیب انتخاب اعضا، در شهرها و بلوکات، وظایف انجمن‌های ایالتی و بودجه و محاسبات مربوط به تعیین ایالت و ولایت را به‌طور دقیق مشخص کرده بود (آفاری، ۱۳۸۵). طبیعی بود که این قانون باید در تمام ایالات و ولایات سراسر کشور اجرا شود. در گیلان علی‌رغم حضور نمایندگان اعزامی از سوی مجلس شورا، اجرای آن با مشکلاتی همراه شد. گروهی از مخالفان مشروطه و طرفداران استبداد که ماهیت آن‌ها برای عموم مشخص نبود، خواستار طبقاتی برگزار شدن انتخابات بودند. در مقابل، مشروطه‌خواهان خلاف این نظر را داشتند و نگران بودند چنانچه انتخابات طبقاتی برگزار شود، ممکن است نمایندگان طبقه اشراف رأی بیشتری بیاورند.

مشکل دوم، اعتراض مشروطه‌خواهان به ولایت خوانده شدن گیلان بود چون تعداد و نحوه انجمن‌ها و امتیازات سیاسی و اقتصادی بین ایالت و ولایت تفاوت داشت. اختلاف بر سر این موضوع بین مشروطه‌خواهان و نمایندگان اعزامی در رشت، شدت گرفت و موضوع به مجلس شورای ملی ارجاع داده شد. مجلس رأی به ولایت بودن گیلان داد و در این حالت فقط شش وکیل می‌توانستند وارد مجلس شوند. در روز برگزاری انتخابات، حاجی‌آقا بزرگ که منتقد ایالت بودن گیلان بود، در مسجد جامع رشت که محل اخذ رأی بود، مجلس ختم برگزار کرد. با دخالت قزاق‌ها، محل را از وجود معترضان خالی کردند و انتخابات برگزار شد. اما گروه‌های ناراضی به تلگراف‌خانه رشت رفتند و طی تلگرافی، خواهان مذاکره با رئیس مجلس شدند. صنیع‌الدوله رئیس مجلس، بعد از اطلاع از اخبار گیلان، دستور توقف انتخابات گیلان را صادر کرد. موضوع گیلان در دستور کار رسمی مجلس شورای ملی قرار گرفت و اکثریت نمایندگان دوباره رأی به ولایت بودن گیلان و طبقاتی بودن انتخابات آن دادند و مقرر شد هر یک از طبقات شش‌گانه (علماء، تجار، فلاحین، اصناف، مالکین و اعیان) یک نفر برای عضویت در این انجمن ولایتی بفرستند و شش نفر از انجمن بلوکات نیز بر این تعداد اضافه شوند (یوسف‌دهی، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

به دنبال انتشار خبر تصمیم مجلس شورا، مشروطه‌خواهان گیلان به‌ویژه جناح تندرو،



طبقاتی بودن انتخابات را به سود اشراف و مستبدان و پایان آرزوهای مشروطیت دانسته و اعتراض کردند. جمع کثیری از مشروطه‌خواهان تندرو، پای پیاده راهی تهران شدند تا اعتراض خود را به گوش دولت و مجلسیان برسانند. عده‌ای از اصناف و تعداد زیادی از مشروطه‌خواهان در رشت و کسما و فومن تصمیم گرفتند به طرف تهران حرکت کنند. مذاکرات مجلس همچنان خبر از نظر مجلس مبنی بر ولایت بودن گیلان داشت، عده‌ای به قزوین برگشتند، گروهی نیز در منجیل تحصن کردند. در نهایت با توافق اشراف و مستبدان و جناح مشروطه‌خواهان معتدل، انتخابات انجمن ولایتی گیلان برگزار شد (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

مقاومت انجمن بلوکات در برابر انحلال، آشوب در گرگان‌رود، شورش اهالی دیلمان، چالش در مقابل انجمن تندرو و انقلابی ابوالفضلی یا همان انجمن عباسی، سبب شد انجمن ولایتی گیلان در برقراری نظم و آرامش در گیلان دچار مشکل شود. انتشار خبر به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی‌شاه، اوضاع را بدتر کرد. ظهیرالدوله، حکمران وقت گیلان دستور داد سربازان در مقابل عمارت دارالحکومه به حالت آماده‌باش در بیایند و اداره تلگراف‌خانه و پست را که بسته بود، باز کنند. انجمن ولایتی در مقابل دستور حکمران، مبنی بر باز کردن بازارها مخالفت کرد. معین‌الممالک ریاست انجمن ولایتی به دارالحکومه پناه برد. قزاق‌ها تلاش کردند به زور هم شده بازارها را باز کنند. درگیری بین قوای دولتی و مشروطه‌خواهان، با شلیک تیری از سوی یکی از جوانان به طرف قزاق‌ها شدت گرفت. در اثر آن یک نفر از قوای دولتی کشته شد و هفده نفر از مشروطه‌خواهان نیز زخمی شدند که بعدها سه نفر از آن‌ها درگذشتند (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۴۱). با کمک قوای دولتی اوضاع گیلان در دست مستبدین قرار گرفت و مشروطه‌خواهان نیز دست از مقاومت برداشتند.

۳- انجمن ایالتی گیلان

بعد از حوادث محرم ۱۳۲۷ هجری قمری در گیلان و حمله مردم به ارگ حکومتی در پی واقعه باغ مدیریه و کشته‌شدن سردار افخم (آقا بالاخان وکیل‌الدوله) (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶) و خلع سلاح قزاق‌ها و تسلط مشروطه‌خواهان بر رشت و انزلی، کمیسیون ترتیبات مجلس برای اداره امور گیلان تشکیل جلسه داد و برابر خواست مشروطه‌خواهان حکم به ایالت‌بودن گیلان داد و قرار شد دوازده نماینده در انجمن ایالتی عضویت داشته باشند و در هر یک از شهرهای مهم گیلان نیز انجمن ملی تشکیل شود. تصمیم کمیسیون ترتیبات موجهی از شادی را در بین مردم گیلان به‌وجود آورد و سه شبانه‌روز به جشن و پایکوبی پرداختند (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۴۸).

انجمن ایالتی گیلان طی اعلامیه‌ای، خواستار برقراری ارتباط بین شهرهای ایران و



هماهنگی بین تمام مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان شد. همچنین به سفرای کشورهای خارجی در تهران اعلام کرد که انقلاب در پی احیای حقوق ملی است و هیچ دشمنی با محمدعلی‌شاه ندارد و انجمن تمام تلاش خود را برای تأمین امنیت اتباع خارجی در گیلان به کار خواهد گرفت (فخرایی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۹).

انجمن برنامه‌های خود را که عبارت بود از اصلاحات محلی، رفع نواقص ادارات، پیشرفت فرهنگ و توسعه مدارس و بیمارستان‌ها و تأسیسات امور خیریه، استقرار امنیت در تمام ولایات گیلان، تهیه اسلحه و تدارک سپاه برای برقراری آرامش اعلام کرد. انجمن بلافاصله برای اینکه بتواند برنامه‌های اعلام‌شده خود را عمل کند، برخی نهادها مانند انجمن بلدیة که بعد از تصویب قانون بلدیة نوعی مشارکت در اداره امور شهر بود یا انجمن حفظ‌الصحة که به‌منظور تأمین بهداشت و سلامت عمومی جامعه و یا انجمن معارف، به‌منظور توسعه و گسترش فرهنگ و همچنین انجمن عدلیه را به‌منظور نظارت بر کارها و امور ایجاد کرد.

از نکات قابل‌توجه در مورد انجمن ایالتی گیلان این است که اعضای انجمن گیلان در مقایسه با برخی نقاط دیگر روشنفکرتر بودند و درهای انجمن به‌روی اقلیت غیرمسلمان یهودی و ارمنی باز بود. چنانکه «هارتون گالوستیان» جزو اعضای دوازده نفره انجمن گیلان انتخاب شده بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵ و آفاری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰).

۴- انجمن ملی انزلی

انجمن ملی انزلی نیز همزمان با انجمن ملی رشت، در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، تشکیل شد. این انجمن هم در بدو تشکیل با مخالفت اعیان و اشراف و زمین‌داران بزرگ انزلی روبه‌رو شد. بعد از استقرار و افزایش قدرت انجمن، اعیان و اشراف خواستار عضویت در آن شدند. این موضوع با مخالفت جدی مردم و مشروطه‌خواهان تندرو مواجه شد. اعیان و اشراف بیکار ننشسته و جداگانه انجمن «سنا» را تشکیل دادند. اختلاف بین این دو انجمن سبب شد، کمیسونی از رشت وارد ماجرا شود و قرار بر آن شد در عمارت معتمدی، انجمنی جدید که عموم مردم از آن راضی باشند، تشکیل شود.

یکی از اقدامات مهم انجمن انزلی در این سال‌ها، مخالفت با حضور و پیاده‌شدن علی‌اصغرخان اتابک ملقب به امین‌السلطان در انزلی بود. علی‌اصغرخان به دستور محمدعلی‌شاه از اروپا فراخوانده شده بود تا منصب صدر اعظمی را به عهده بگیرد. سپهدار تنکابنی حکمران وقت گیلان، خود به استقبال امین‌السلطان به انزلی رفت. مجلس شورای ملی در حکمی به رئیس انجمن ملی رشت، اجازه ورود امین‌السلطان به خاک ایران را ابلاغ کرد و انجمن انزلی نیز به احترام دستور مجلس موافقت خود را مبنی بر ورود امین‌السلطان به ساحل انزلی اعلام



کرد (فاخته جوبنه، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰).

به دنبال تشدید اختلاف بین اعضای انجمن ملی انزلی، نمایندگان اعزامی به گیلان از سوی مجلس شورای ملی، انجمن را منحل کردند. انتخابات نمایندگان انزلی در انجمن ولایتی گیلان برگزار شد و به دنبال آن انجمن بلدیة انزلی به منظور انجام امور و رفاه عمومی و برقراری نظم و آرامش و امنیت در جامعه و نظارت بر کار روزمره ادارات در انزلی تشکیل شد (فخرایی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۴).

۵- انجمن ملی لاهیجان

انجمن لاهیجان در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، تشکیل شد. اولین اقدام این انجمن، برگزاری انتخابات و تعیین شش نماینده برای عضویت در انجمن ملی رشت بود. همچنین تعیین یک نماینده برای مجلس شورای ملی. انجمن ملی لاهیجان بنا بر مصوبه مجلس شورای ملی مبنی بر ولایت بودن گیلان باید منحل شود. اما مردم لاهیجان در برابر این حکم مقاومت کردند و طی تلگرافی به حکم مجلس اعتراض کردند و خواهان ابقای انجمن بودند. اما مجلس شورای ملی علی رغم مخابره تلگراف های متعدد از سوی مردم لاهیجان به نمایندگان مجلس شورا همچنان حکم به انحلال انجمن لاهیجان داد. معاضد السلطنه و محمدصفی خان، نمایندگان اعزامی مجلس به انزلی رفتند تا انجمن را منحل کنند (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۳۰).

۶- انجمن محلی اسالم

از نخستین انجمن های محلی که بعد از انجمن های ملی رشت، انزلی و لاهیجان تشکیل شد، انجمن محلی اسالم بود. تجار خلخال که در گیلان کسب و کاری داشتند، برای کوتاه کردن دست خوانین و مستبدین از سر رعایا، این انجمن را تشکیل دادند. ولی خان تالشی نایب الحکومه اسالم، از طرف سردار امجد به محض ورود به اسالم شروع به تعقیب و آزار و اذیت اعضای انجمن کرد. به طوری که مؤسسان آن که اغلب تجار خلخال بودند، دست از انجمن کشیدند. اختناق که ولی خان در اسالم به وجود آورده بود به حدی بود که کسی جرأت نکرد نام انجمن را به زبان بیاورد (خارابی، ۱۳۸۰، ص ۴).

۷- سایر انجمن های گیلان

تشکیل انجمن محلی بلوکات در لشت نشا و لنگرود توسط پنج نفر از فرستادگان انجمن ملی رشت به این محلات صورت گرفت. تشکیل انجمن محلی در گرگانرود و آلاوان توسط



فرستادگان انجمن ملی انزلی صورت گرفت. اما ارفع السلطنه، نایب‌الحکومه توالش، انجمن محلی توالش را سرکوب کرد و اعضای آن را به حبس و تبعید فرستاد. نزدیک به چهار هزار نفر از اهالی منطقه توالش در اعتراض به اعمال ارفع السلطنه به آستارا رفتند و در تلگراف‌خانه شهر تحصن کردند. در شفت نیز شجاع نظام حاکم شهر، آقا سید باقر، فرستاده انجمن ملی رشت به شفت برای تشکیل انجمن را دستگیر و زندانی کرد.

حکمران وقت گیلان، شاهزاده امیراعظم (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲)، با توسل به زور و خشونت، تمام توان خود را برای اجرای دستور مجلس شورای ملی مبنی بر انحلال انجمن‌های ملی و بلوکات به کار بست.

عایدات انجمن بلدی انزلی

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، انجمن بلدی انزلی به دنبال تشدید اختلاف بین اعضای انجمن ملی این شهر و بنا بر صلاحدید نمایندگان مجلس شورای ملی که جهت حل اختلاف به این شهر آمده بودند، منحل شد. به دنبال انحلال انجمن ملی انزلی مردم و نمایندگان این شهر با برگزاری انتخابات موسوم به انجمن ولایتی ضمن برگزیدن نمایندگان ولایتی به انتخاب نماینده برای انجمن بلدی انزلی در سال ۱۳۲۵ هجری دست زدند و نمایندگان خود را معرفی کردند (بیطرفان، ۱۳۹۲، صص ۶۵-۷۷).

یکی از موارد مهم و موردتوجه انجمن بلدی انزلی در همان ابتدای شکل‌گیری، ارائه صورت دقیق دخل و خرج این انجمن بوده است که حتی در مکاتبات خود با مقامات رسمی کشور و ارباب جراید نیز به آن تأکید کردند. این انجمن حتی پیشنهاد داد که در صورت لزوم همه انجمن‌ها صورت دخل و خرج خود را در روزنامه‌های کثیرالانتشار منعکس کنند. در سندی که از انجمن در دست است آمده «اقتضای بلدی بودن انجمن انزلی مرتب بودن موارد دخل است ...». در سند مزبور به دو عایدی مهم انجمن در انزلی یعنی تخم‌مرغ و گُری یا همان عواید پل و راهداری اشاره صریح شده و از وزارت مالیه درخواست شد که اداره گمرک‌خانه با فرستادن مأموری به ثبت و ضبط و جمع‌آوری صحیح آن به همراهی نماینده انجمن اقدام کند (ساکما، سند شماره ۳ / ۶۲۶۰-۲۴۰). در اعلام صورت دخل و خرج انجمن بلدی انزلی، منتشرشده در روزنامه حبل‌المتین نیز این امر تأکیدشده و عایدی از اعضای انجمن و مردم خیر نیز بدان افزوده شده است (حبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۶). در سند دیگری از انجمن بلدی انزلی به مجلس شورای اسلامی، از مجلس می‌خواهند تا به وزارت مالیه حکم کند تا مأموران گمرک انزلی ضمن همکاری در دریافت مالیات و عواید تخم‌مرغ و گُری یا همان عواید پل و راهداری پول حاصل از آن را در اختیار انجمن قرار دهند (ساکما، سند شماره ۱۰۱ / ۶۲۶۰-۲۴۰).



در گزارش مفتش مالیه انزلی به مستشارالسلطان رئیس کل تفتیش مالیه نیز از عواید تخم‌مرغ و نحوهٔ اخذ آن در گمرک انزلی و در اختیار گرفتن این عایدی از سوی انجمن بلدی انزلی در سال ۱۳۲۵ هجری سخن به میان آمده است (ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰). ظاهراً عایدی تخم‌مرغ در قدیم نیز مرسوم بوده و حکومت گیلان همواره با عنوان عوارض راهداری به هنگام خروج از خاک ایران از افراد اخذ می‌کرده است. به تدریج این عمل اهمیت اقتصادی پیدا کرده و جزو درآمدهای ثابت حکومت محلی قرار گرفت. در زمان حکومت شعاع‌السلطنه و همچنین حکومت سپهدار به صورت مشروع و قانونی در اختیار مباشران و مستاجران قرار داده شد. بعد از متوقف کردن اخذ راهداری و علی‌رغم اینکه اداره گمرک برای حذف آن تلاش‌های زیادی کرد اما نتیجه‌ای نگرفت و همچنان این عمل ادامه یافت (ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰).

بر اساس اسناد موجود به صراحت می‌توان گفت درآمد انجمن انزلی از سه طریق زیر تأمین می‌شده است:

- دریافتی‌های انجمن از اعضا انجمن و وکلای مردم و بزرگان انزلی و رشت؛
 - عایدی از عوارض صندوق‌های تخم‌مرغ؛
 - عوارض حمام و کُری یا مالیات پل و راهداری.
- در صورت جمع و خرج ارسالی انجمن بلدی انزلی در مدت نه‌ماهه سال ۱۳۲۵ که در روزنامه جبل‌المتین به چاپ رسیده است، صراحتاً به این سه نوع از عایدات و همچنین مخارج و مصارف انجمن اشاره شده است (جبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۶).
- علاوه بر آنچه در جدول ارسالی انجمن به روزنامه جبل‌المتین آمده بزرگان و مردم دیگری نیز به انجمن بلدی کمک مالی می‌کردند. برای نمونه می‌توان از کمک‌های ماهیانه سردار منصور از رجال معروف انزلی به انجمن بلدی این شهر و همچنین حواله هزار تومانی ایشان به جهت مصارف مریضخانه و مدرسه در انزلی اشاره کرد که در روزنامه جبل‌المتین درج شد. در همین جدول دخل و خرج انجمن و در قسمت مربوط به مخارج مریضخانه انزلی به کمک‌های فردی به نام حاجی قاسم رشتی نیز اشاره شده است.

اقدامات انجمن بلدی انزلی

- مرمت آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی

در اسناد به‌دست آمده از انجمن بلدی انزلی صراحتاً به چند مورد مصرف عایدات انجمن اشاره شده است. در گزارش مفتش مالیه انزلی آمده است: «مبلغ مذکور را فعلاً به مصارف تعمیرات شمس‌العماره و ابنیه دولتی انزلی می‌رسانند، مسئله دیوار شمس‌العماره و باغ معتمدی



را درست نموده، سر در عمارت را تعمیرات لازمه نموده و بعضی لکه‌گیری لازم را نموده‌اند...»
(ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰).

– کوشش در جهت نشر معارف

از اقدامات فرهنگی قابل‌تحسین انجمن بلدی انزلی تأسیس و تجهیز مدرسه محمدیه و دعوت از معلمان زبده و مجرب جهت آموزش اطفال و فرزندان مردم بود. انجمن در نامه‌ای به وزیر علوم و معارف وقت، ضمن اعلام ساخت و تجهیز مدرسه محمدیه، درخواست ارسال معلم با کفایت در رشته تحصیلی و در عین حال آگاه به فرهنگ و زبان فارسی و قانع به مواجب تعیین‌شده از سوی انجمن دارد (ساکما، سند شماره ۲۸۵۵۸-۲۹۷؛ روزنامه خیرالکلام، ۱۳۲۵، ص ۳).^۱

– شماره‌دار کردن منازل و سرشماری نفوس

انجمن بلدی انزلی در نخستین گام در برنامه عمرانی خود تمامی عمارت‌ها و سر در خانه‌ها را علی‌رغم مخالفت برخی از رجال و مردم انزلی، مزین به کاشی و شماره (پلاک) کرد. در اقدام دیگری به سرشماری نفوس شهر انزلی پرداخت (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۲).

– اعلام نرخ اقلام مصرفی مردم

از دیگر اقدامات انجمن بلدی انزلی صدور اعلامیه‌هایی مبنی بر اعلام نرخ مصوب نان و گوشت در بین مردم و نصب در نانوائی‌ها و قصابی‌ها بود. این اقدام نیز اگر چه نارضایتی برخی قصاب‌ها را به همراه داشت، ولی اجرا شد و مورد استقبال مردم واقع شد (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۶، ص ۳).

– جلوگیری از ورود و خروج برخی اقلام وارداتی و صادراتی

یکی دیگر از اقدامات مهم انجمن بلدی انزلی جلوگیری از خروج برنج جودار از گمرک انزلی بود. روزنامه مظفری در گزارشی به شرح این مطلب می‌پردازد. ظاهراً دولت روسیه برای حمایت از تجار خود اقدام به واردات برنج جودار که غالباً ارزان‌تر هم بوده، از ایران کرد تا در داخل کشور خود آن را تبدیل به برنج سفید کند. صدور برنج جودار به ضرر کشاورزان و تجار ایرانی بود و لذا اعتراض کرده و خواهان جلوگیری از صدور آن شدند. انجمن بلدی رشت و انزلی در اقدامی مشترک دست به جلوگیری از صدور برنج جودار زدند. برخی از تجار وابسته و متمایل به روسیه با وعده و وعید روس‌ها پنهانی همچنان به صادرات خود ادامه می‌دادند

۱. در سند شماره ۳۱۳۷۲-۲۹۷ نیز انجمن بلدی انزلی ضمن تأکید بر تأسیس مدرسه تقاضای ارسال برنامه درسی جهت تدریس می‌کند.



تا در نهایت با حکم حکومت گیلان این صادرات متوقف شد (روزنامه مظفری، ۱۳۲۵، ص ۶؛ روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۲).

اقدام مهم دیگر انجمن بلدی انزلی جلوگیری از ورود بی‌رویه فشنگ به داخل کشور بود. در نامه انجمن به رئیس‌الوزرای وقت در تاریخ ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۵ ضمن اشاره به ورود بی‌رویه و بدون گمرکی این کالا به داخل کشور و برانگیختن هیجان عمومی مردم و امکان پیش آمدن مشکلات امنیتی در کشور، خواستار رسیدگی و توجه بیشتر مسئولان امر در این خصوص شد (ساکما، سند شماره ۵ / ۶۲۶۰-۲۴۰).

– ساخت و تجهیز بیمارستان

همان‌گونه که در گزارش دخل‌وخرج انجمن بلدی انزلی منتشره در روزنامه جبل‌المتین تهران آمده، ساخت و تجهیز مریضخانه انزلی از دیگر اقدامات انجمن در شهر انزلی بوده است. این اقدام در دیگر روزنامه‌های رسمی کشور نیز انعکاس داشته است (روزنامه خیرالکلام، ۱۳۲۵، ص ۳).

– نظافت خیابان‌ها و کوچه‌ها و برگزاری کمیسیون‌ها و جشن‌ها

از دیگر اقدامات مهم انجمن بلدی انزلی توجه به نظافت و زیبایی شهری بود. این اقدام به‌طوری موردتوجه روزنامه‌ها واقع شد که انزلی را با شهرهای اروپا مقایسه می‌کردند. گزارشگر روزنامه ندای وطن می‌نویسد: «انزلی با آن کثافت و هرج‌ومرج فعلاً مثل یکی از بلاد فرنگستان است» (روزنامه ندای وطن، ۱۳۲۵، ص ۳).

همچنین انجمن بلدی انزلی به‌دلیل سابقه و نزدیکی به مناطق محلی گرگانرود و اسالم کمیسیون‌هایی برای حل‌وفصل این مناطق و در سالگرد مشروطه و تصویب قانون اساسی مراسم جشن و شادمانی برگزار می‌کرد.

نتیجه‌گیری

از ابتدای جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان، آزادی‌خواهان و روزنامه‌نگاران و روشنفکران گیلانی به روش‌های مختلف به مبارزه با رژیم حاکم پرداختند و با نیروهای مشروطه‌خواه در تهران در ارتباط بودند. با تأسیس انجمن‌های پنهانی و آشکار در نقاط مختلف کشور، گیلان هم از این قاعده مستثنی نبوده و به‌دلیل ارتباط با برخی کشورهای همسایه با نهادهای مدنی و انجمن‌های سیاسی و فرهنگی آشنایی داشت.

با پیروزی مشروطه‌خواهان و تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب ایجاد انجمن‌های



ایالتی و ولایتی راه برای توسعه انجمن‌های مردمی باز شد. در این مرحله نیز گیلان و به‌ویژه شهرهای رشت و انزلی پیشگام بوده و از همان ابتدا دست به تشکیل انجمن ملی و سپس با انحلال انجمن‌های ایالتی و ولایتی با اصرار و تلاش فراوان اجازه تأسیس انجمن بلدی به‌عنوان بازوی حکومت در اداره شهرها را گرفت. در این میان انزلی با برگزاری انتخابات یکی از نخستین شهرهایی بود که صاحب انجمن بلدی شد.

این انجمن با گرفتن عایدات گمرکی از محصولات چوبی چون تخم‌مرغ و همچنین راهداری و عایدات پل یا همان کُری و جمع‌آوری عایدات از اعضای انجمن و برخی از رجال انزلی که متمایل به ایجاد انجمن بودند مشکلات مخارج خود را تأمین کرده و به امور موردنظر در مدیریت شهر انزلی پرداخت. انجمن مزبور از همان ابتدا چند برنامه برای توسعه امور شهری در پیش گرفت که علی‌رغم مخالفت‌های عده‌ای از شخصیت‌ها موفق به اجرای آن شد.





سواد
مورخه
نمبره

تقدیر نامه از اردشیر سوم
شماره ثبت ۱۳۲۵
۳۳۳۳

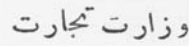
فرمانت حبس

اقتضای امر بدین جهت از طرف ترب بدین فرمانت است که چنانچه اگر چه این امر بدین جهت
نخواهد بود و همچنین که با امر که تا به این حد است و همچنین که با امر که تا به این حد است
ترب بدین جهت امر را بر طرف ترب بدین جهت و همچنین که با امر که تا به این حد است
میباشد و بدین جهت امر را بدین جهت و همچنین که با امر که تا به این حد است
حبس و بدین جهت امر را بدین جهت و همچنین که با امر که تا به این حد است
کما شایسته است و بدین جهت امر را بدین جهت و همچنین که با امر که تا به این حد است
در جهت امر و بدین جهت امر را بدین جهت و همچنین که با امر که تا به این حد است
و بدین جهت امر را بدین جهت و همچنین که با امر که تا به این حد است

Please register!
Visual Watermark

سند شماره ۲، ساکما، ۳/۶۲۶۰-۲۴۰





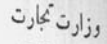
نمبر

بخدمت سر محمد سرور ای و شید الله درگاه منو

در حضور کربانه دستهای خسته بودند و توسط کربانین و بنو جرج
مجلس تشریف بر سر کربان درخت بر کربان دادیم و از آن روز
و حکم مجلس تشریف بر سر کربان درخت بر کربان دادیم و از آن روز
این بر توسط کربان گرفته باید وزارت باید به وزیر بنسبت اهل حق دارم
لکن استوار دارند وزارت کربان بر سر کربان است و هر قدر اهل
حضر و شرف و هر تاجیک بی ضربه جاز کرده و هر تاجیک کربان درخت
و با کربان است و در ضمن به کربان سرخ گرفته و هر تاجیک کربان درخت
ادامه دریافت کرده و یا یک صورت یا یک صورت هم و هر تاجیک کربان
بخوابد کربان به هر موافق استوار گرفته و هم آدم کربان درخت
نماند و از احم اجازت که نشوند و در کربان و هر تاجیک کربان
کربان به است محض بفرقت تقاضا بکنم این و کربان درخت
و بنزد وزارت باید هم خواهد سپرد و کربان درخت
از این و کربان درخت از این
و کربان درخت از این

Please register!
Visual Watermark





نور اللغات ص ۱۰۰

خروج از بغداد و زاد فسادات
تاریخ ۲۱ شهر رجب ۱۳۲۵
مقدّمه ۲۶۹

اداره
مورخه
نمبر

حضرت مولانا صاحب دہلی اویسی متد راجا لال پور کے ایک شخص سے ملے۔

در حدیقه برآمده بوده و در طرف کمرست کیدن منی نمودن در دم دردی در شکم کیدن
در دل درون کیدن کیدن در دین هر قدر که است پیدارده و یا کیدن در دین
حضرت زنده منی بطرف در کمرست جانب پیدارده در دم دردی در شکم کیدن
در دوزخ در هر یک یک دوزخ در آن خربت در آن دوزخ کیدن
بنا بر بسیاری بوده و در طرف کمرست کیدن بطرف از آن دوزخ کیدن
بوده و یا دوزخ منی کمرست پیدارده منی هر از دوزخ آن دوزخ
دور منی منی در دوزخ در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن
در دوزخ در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن
کعدی و یا دوزخ کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن
سیدان کیدن کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن
دوزخ کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن
در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن در دوزخ کیدن

[illegible]

مدرسه

Please register!
Visual Vignettes

سند شماره ۵، ساکما، ۱۰۱/۶۲۶۰-۲۴۰



منابع

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- بیطرفان، محمد (۱۳۹۲). *حکومت مشروطه و شکل‌گیری مدیریت جدید شهری در انزلی (۱۳۲۴-۱۳۲۶)*. مجله *اسناد بهارستان*، شماره اول، بهار ۶۵-۷۷.
- خرابی، فاروق (۱۳۸۰). مسئله ارضی و منازعات ایالت یا ولایت بودن گیلان. مجله *نامه انجمن*، ۱ (۱۶۱)، ص ۴.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۶۸). *مشروطه گیلان*. به کوشش محمد روشن. رشت: انتشارات طاعتی.
- روزنامه جبل‌المتین (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۱۸۹، ۱۹ ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۶.
- روزنامه جبل‌المتین تهران (۱۳۲۵). شماره ۱۳۹، ۴ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲.
- روزنامه جبل‌المتین تهران (۱۳۲۶). شماره ۲۳۰، ۱۵ محرم ۱۳۲۶، ص ۳.
- روزنامه خیرالکلام (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۳، ۲ رجب ۱۳۲۵، ص ۳.
- روزنامه مظفری (۱۳۲۵). سال ششم، شماره ۳۵، ۲۹ ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۶.
- روزنامه خیرالکلام (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۳، ۲ رجب ۱۳۲۵، ص ۳.
- روزنامه ندای وطن (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۸۲، ۸ رمضان ۱۳۲۵، ص ۳.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۶۲۴۰.۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۲۸۵۵۸-۲۹۷.
- ساکما، سند شماره ۵/۶۲۶۰-۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۶۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۱۰۱/۶۲۶۰-۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۳/۶۲۶۰-۲۴۰.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲). *نظم و نظمیه در دوره قاجار*. تهران: انتشارات یساولی.
- فاخته جوبنه، قربان (۱۳۸۶). *تاریخ گیلان*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱). *گیلان در جنبش مشروطیت*. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: انتشارات علمی.
- یوسف‌دهی، هومن (۱۳۸۷). *انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه*. رشت: فرهنگ ایلیا.



بررسی خدمات ژنرال پروسکی در محاصره هرات

احسان مهدی‌زاده و اکبر شریف‌زاده

چکیده

با تحولات سیاسی و نظامی جهان در عصر قاجار و به‌ویژه با شکست در جنگ با روسیه، ضرورت استفاده از نظم و انضباط و لزوم بهسازی و تجهیز قشون نظامی به‌صورت حرفه‌ای توسط حکام قاجار و به‌ویژه عباس میرزای نایب‌السلطنه موردتوجه قرار گرفت. با توجه به نیاز به اصلاح قشون، تشکیلات منظم نظامی، استعمال سلاح‌های جدید و دستیابی به استفاده از علوم نظامی و صنایع وابسته، استفاده از مستشاران نظامی اروپایی رونق گرفت و افسران فرانسوی و انگلیسی و بعدها سایر اروپاییان به ایران آمده و تعلیم سپاه قاجار را برعهده گرفتند. سیاست استفاده از مستشاران نظامی سوی محمدشاه نیز پیگیری شد و افسران لهستانی در نقش مستشار وارد سپاه وی شدند. مسئله اساسی در این مقاله نقش و جایگاه پروسکی افسر لهستانی است. بنابراین نقش منحصربه‌فرد افسر مشهور لهستانی به‌نام ایزودور بروسکی یا پروسکی (Isodor Borvuský) در این زمان که توسط شاه به ریاست مدرسه نظام انتخاب شد در این مقاله موردبررسی است. وی فرمانده جنگی در محاصره هرات بود که به قیمت از دست دادن جان خودش و دیگر یاران وفادار ایرانی و لهستانی‌اش تمام شد، لهستانی‌های زیادی در این نقش‌های متفاوتی را در صحنه سیاست ایران ایفا کرده‌اند که در این میان اسناد و مدارک در شناخت جایگاه، نقش و اهداف این افراد به محقق کمک‌های زیادی خواهد کرد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بر مبنای داده‌های سندی و مدارک و متون تاریخی است و نتیجه این پژوهش در درک بهتر نقش افسران لهستانی در جنگ هرات یاری‌رسان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

ایران، لهستان، هرات، افغانستان، پروسکی.

بررسی خدمات ژنرال پروسکی در محاصره هرات

احسان مهدی‌زاده^۱ و اکبر شریف‌زاده^۲

شناخت و بررسی اسناد در پژوهش و تحقیقات تاریخی از اهمیت فراوانی برخوردار است به‌گونه‌ای که بیشترین تأکید برای مسائل جدید و شناخت علت و علل وقایع تاریخی و نقش و جایگاه افراد را اسناد روشن می‌سازند و برای پژوهش‌های جدید نیز راهگشای بهتری هستند. یکی از مراکزی که اسناد مهمی را دربردارد، گنجینه اسناد کتابخانه ملی ایران است که حاصل سال‌ها وقت و هزینه در نگهداری و شناسایی و معرفی آن‌ها بود و اسنادی در آن یافت می‌شود که برای تحقیقات تاریخی بسیار مورد توجه و دارای جایگاه ویژه‌ای هستند^۳. یکی از این اسناد سندی درباره نقش ژنرال پروسکی در هرات است که توسط محمداشاه قاجار از خدمات و رشادت‌ها و زحمات وی تقدیر به عمل آمده، هر چند سند حاضر به شرح اعطای درجات پروسکی و تقدیر و تشکر از زحمات وی بوده اما حاوی اطلاعات در خور تأمل از جنگ هرات و شرحی بر زحمات و خدمات سران سپاه و ذکر اماکن و جغرافیای جنگ نیز هست. در این مقاله ابتدا به استنساخ متن سند پرداخته و سپس داده‌های سند را بر اساس شواهد تاریخی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

متن سند: شرح خدمات پروسکی

«به تاریخ شهر ذیقعد ۱۲۵۳ به شرح آنکه چون عالیجاه عمده‌المنتخبین جنرال پرسکی از هنگام درک شرف قبول تا اکنون دقیقه [ای] از رسوم خدمت نیاسوده است. از محاسن

۱. کارشناسی ارشد مدیریت

برنامه‌ریزی، نسخه‌پژوه و فهرست‌نگار؛

ehmehdi51@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ؛ فهرست‌نگار

و نسخ‌خطی اداره کل کتاب‌های خطی و

نادر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

sharifzadeh1@yahoo.com

۳. هر چند که با دستور نسنجیده مدیران

اسبق سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

همه این اسناد به ساختمان آرشیو منتقل

و عملاً امکان دسترسی برای محققان از

بین رفت.



اهتمامات جلیله خود که از عهد ولیعهد جنت رضوان به عرصه ظهور درآورده و در [این] مدت سیر ترقی کثیر کرده، به منصب سرکردگی منصوب و در زمره چاکران محسوب گشت. نخستین در قلعه سلطان میدان که شرفیاب رکاب ولیعهد مبرور بوده به اعطای یک قطعه نشان مکّال از جانب ولیعهد مبرور سرافراز شد و در قلعه خیوشان و سرخس جنگهای دلیرانه به جای آورد و باز چون شیر شکاری پیش افتاده آهنگ یورش کرد و زخم خورد و از طرف قرین الشرف خاقان مغفور نشان شیر و خورشید مرصّع از مرتبه دوم [چند کلمه ناخوانا] نمود و همچنین در سفر هرات و قلعه کوشان و درّه جز و فریمان و جنگ ترکمان که خدمات امور او دیده از جانب نواب همایون به اعطای یک قطعه شمشیر مرصع به اقسام جواهر سربلند و مباحی گردید و به درجه سرتیپی رسید. در این منصب جلیل به حسن خدمتگذاری خود را ظاهر ساخته تا اینکه در بدو طلوع نیر اعظم سلطنت سنیّه که کاخ جهاننداری به عزّ وجود همایون ما پیرایه پذیرفت او را به تنبیه اکراد نیشابور مامور فرمودیم. با نهایت تهوّر قلعه اکراد را محاصره و به حیطة تسخیر آورد. به اعطای منصب جلیل جنرال مغازی و یک قطعه نشان مکّال به انواع لالی در مرتبه اول با حمایل مفتخر و ممتاز گشت. پارسال در سفر گرگان که شرفیاب رکاب بود در مقدمه سپاه ظفر همراه با شش هزار به قرار افواج قاهره تجاری برادر گرامی فریدون میرزا^۱ قاری قلعه را که مقرّ طایفه ترکمان بود تسخیر کرد. خاطر ملکوت بناظر از محاسن خدمات خود خشنود نمود و امسال که ولایت [چند کلمه ناخوانا] و همه جا ملتزم رکاب و در فتوحات جلیّه با سایر جان نثاران [در حاشیه سند: مفوض داشتیم] مبارک داشته و در قلعه غوریان نهایت خدمت را کرده و مورد مراحم علیّه گشت و در دور هرات که تدبیر و تربیت یک سنگر را به او مفوّض فرمودیم جانب خدمت و جلالت را به جلوه ظهور آورده و هر روز به نوعی دیگر اهتمام و سعی در تقدیم مراسم خدمت را کرد. روزی با طایفه افغانه در خارج شهر جنگ کرده بعد از امداد زمان جدال سپاه منصوره، شکست فاحش به طایفه ضالّه دادند در انتهای مجادله گلوله شمشال^۲ خورد. بحمدالله از میامن توجهات شاهنشاهی بفاصله مدت قلیل زخم او التیام یافت. تنفس روایح مواهب جزیه را چون صبح صادق آمد و افروختن رایت مناصبت جلیله را لایق. لهذا او را در این سال به منصب جلیل جنرال لیت نانتی^۳ که جاه و جیه و شان [یک کلمه ناخوانا] داده، سرافراز فرمودیم بعواطف خسروی امیدوار و مستظهر شده، روز به روز در تقدیم مهام منصب مقرر درجاءت جهد و طاقت را مترقی گردد. مقرر آنکه امرا و اعظام و اعیان دربار شوکت قرار مشارالیه را مراد مراحم ملوکانه دانسته، توفیر منصب جدید او را منظور دارند و بر عهده شناسند.

سند حاضر به روشنی بیانگر وضعیت این افسر برجسته لهستانی در ایران و سرکردگی قشون و خدمات و مراتب تشویق و ترقی وی را نشان می‌دهد اما بحث کوتاهی درباره روابط

۱. فریدون میرزا (۱۲۲۵-۱۲۷۰ ق.) پسر پنجم عباس میرزای ولیعهد، هنگام مرگ پدر به نیابت از وی حکومت آذربایجان داشت و همواره همراه پدر در جنگ و سفرها بود با جلوس برادرش محمدشاه حاکم آذربایجان شد و ملقب به نایب‌الایاله شد. در ۱۲۵۲ ق. حکومت فارس را به مدت چهار سال بر عهده داشت. در ۱۲۷۰ ق. والی خراسان شد و در ۱۲۷۲ بر اثر وبا در مشهد در گذشت (بامداد، ج ۳، صص ۹۳-۹۴).
۲. شمشال: تفنگی سرپر و سنگین با لوله ای دهن‌گشاد (مدرسی، ۱۳۸۰).
۳. اصطلاحی فرانسوی که مرتبه و درجه‌ای برابر با امیر تومان در قشون ایران عصر قاجار است (مدرسی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۳).



ایران و لهستان در ادامه مطلب می‌آید و سپس به بحث محتوای سند و نقش پروسکی خواهیم پرداخت.

نظامیان لهستانی در ایران

ایران و لهستان دارای روابط دیرینه‌ای هستند و هیئت‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و نظامی در سده‌های پیشین بین آن دو کشور برقرار بوده است. اولین سند مربوط به روابط ایران و لهستان نامه‌ای از طرف اوزون حسن آق قویونلو برای کازیمیر یاگلون پادشاه لهستان به سال ۱۴۷۴ میلادی محفوظ در آرشیو ملی لهستان است (شفا، ۱۳۴۸، ص ۲۹۳).

بعدها در دوره صفویه نیز ارتباطات ایران و لهستان با قوت و ضعف ادامه یافت، استیفن باتونی پادشاه لهستان با سلطان محمد خداپنده پادشاه ایران، مکاتبات بین شاه عباس اول صفوی و سیگیسموند سوم، شرفیابی سفیر ارمنی لهستان توسط سیگیسموند سوم به نام سفر موراتووتیز به دربار شاه عباس کبیر، از سال ۱۶۴۱-۱۶۴۴ م. میرزا موسی بیک نامی به عنوان سفیر سیاسی ایران و ورشو بود، ژان سوبیسکی پادشاه لهستان (۱۶۷۳-۱۶۹۶ م.) یازده هیئت دیپلماتیک به ایران اعزام کرد، پیام تبریک شاه سلیمان صفوی به مناسبت پیروزی‌های لهستان در اروپا از دیگر نقاط عطف روابط ایران با این کشور اروپایی است (شفا، ۱۳۴۸، ص ۷). حضور کروسینسکی در زمان حکومت شاه سلطان حسین به عنوان مترجم دربار شاه و شاهد سقوط خونبار اصفهان و تاجگذاری محمود افغان که آن‌ها را در کتاب خاطرات سقوط اصفهان (طباطبایی، ۱۳۸۲) منعکس کرده و عشق و علاقه وی به ایران در آثارش ستودنی است (دولت‌شاهی، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

در دوره قاجاریه نیز لهستانی‌ها در ایران حضور جدی داشتند و نقش‌های مختلفی را ایفا کرده‌اند و با شروع دوره قاجار لهستانی‌ها حضور محسوسی در ایران یافتند و برخی به عنوان افسران نظامی در خدمت سپاه ایران درآمدند که اعزام سپاه به هرات در سال ۱۲۴۸ قمری توسط فتحعلی‌شاه در اثبات ادعای مالکیت در هرات و حضور ژنرال باروفسکی نشانه بارز روابط حسنه نظامی ایران و لهستان است. وی روابط حسنه‌ای با عباس‌میرزا داشت و بسیاری از لهستانی‌ها را وارد ارتش ایران کرد (انگلیش، ۱۳۸۲، ص ۲۲) و در سال ۱۸۳۸ م. در جنگ هرات کشته شد و در جلفای اصفهان در نزدیک کلیسای ارمنی کاتولیک دفن شد.

از دیگر لهستانی‌های ایران دوست می‌توان به خوجکو الکساندر بوریکا (۱۸۰۴-۱۸۹۱ م.) شاعر و سیاستمدار لهستانی اشاره داشت که در سال ۱۲۶۸ قمری از ناصرالدین‌شاه قاجار به دریافت نشان شیر و خورشید مفتخر و لقب میرزا را دریافت کرد و کتاب دستور زبان فارسی، تناتر ایرانی (تغزیه) و رهاوردهای مأموریت سیاسی و نمونه‌هایی از شعر مردم ایران از آثار او



است (ثروت، ۱۳۸۴، صص ۱۴۴-۱۶۸).

منابع عصر قاجار از فردی به نام راتولد یا راطوله کحال لهستانی نام می‌برند: اعتمادالسلطنه در خاطراتش در روز یکشنبه ۷ محرم سنه ۱۳۱۳ ق. چنین می‌نویسد: «علی‌الرسم در خانه رفته در مراجعت شنید و راتول کحال را منزل آورده با آنها نهار خوردیم» (خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۱۹).

ایزیدور بروسکی از افسران شجاع لهستانی تبار در جریان محاصره هرات جان خود را در دفاع از تمامیت ارضی ایران فدا کرد و به یکی از داشته‌های میراث مشترک دو ملت تبدیل شد. در میانه جنگ جهانی دوم ایران به مدت چهار سال پناهگاه و میزبان بیش از یکصد و بیست هزار مهاجر لهستانی بود که پس از حمله هیتلر به روسیه، از اردوگاه‌های سیبری آزاد شده و به ایران سرازیر شده بودند و شهر اصفهان مرکز تمرکز و تجمع یتیمان خردسال لهستانی این مهاجرت بزرگ بود به «شهر بچه‌های لهستانی» شهرت یافت. لهستان اولین کشوری بود که به ترجمه گلستان سعدی در آغاز قرن هفدهم توسط دانشمند لهستانی اوتونینوسکی و به‌واقع اولین ترجمه اثری فارسی به یک زبان اروپایی بود. پس از بازگشت این مهاجران به لهستان، آموزش زبان فارسی و ایرانشناسی که پیش از جنگ در معتبرترین دانشگاه این کشور در کراکوف دایر بود، در دانشگاه ورشو نیز راه‌اندازی شد.

با این مقدمه لهستانی‌های زیادی چه قبل از جنگ هرات و چه بعد از این در ایران حضور مستمری داشته و اثر و آثاری از آن‌ها برجای مانده که درخور توجه است. ما در این تحقیق به بررسی نقش و عملکرد پروسکی خواهیم پرداخت.

پروسکی در ایران

با تجهیز سپاه توسط عباس‌میرزا افسران لهستانی که توانسته بودند اعتماد دربار و ولیعهد را جلب کنند از جمله ژنرال باروفسکی که مقام فرمانده و مشاور جنگی در حمله به هرات را ایفا و در جنگ هرات نیز به قتل می‌رسد با خود عده زیادی از افسران و سربازان لهستانی را آورده و وارد سپاه ایران کردند یکی از این سربازان و افسران ایزیدور پروسکی است^۱، ایزودور بروسکی یا پروسکی افسر لهستانی‌الاصل متولد شهر ویلنا^۲ بود. از وی در پی‌نوشت ناسخ‌التواریخ چنین یاد شده است: «مردی کوشا و پویا و درعین‌حال توطئه‌گر و صحنه‌ساز بود. وی در موقع حمله روس‌ها به‌همراه پادشاه لهستان به لندن رفت و از لندن برای خدمت به آفریقای جنوبی و پس از آن سر از هند در آورد. از هندوستان عازم ایران تا زیر نظر ولیعهد ایران عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، سازمان نظامی ایران را سر و سامان دهد. به‌زودی مورد توجه ولیعهد و شاه ایران قرار گرفت و خیلی خوب توانست اطمینان ایشان و دیگر رجال بلند پایه ایرانی را جلب کند

1. Isodor Borvuský

2. Wilna



و در جنگ هرات با همتای دیگرش سیمو شرکت جست. در این جنگ هر دو تیر خوردند، سیمو که از ناحیه شانه زخمی شده بود بهبود یافت، اما پروسکی که گلوله به شکمش اصابت کرده بود درگذشت (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۶۷۸).

بر اساس سند حاضر که سواد فرمان محمدشاه در اعطای منصب نظامی به پروسکی و شرح خدمات وی است از زمان عباس میرزای ولیعهد پدر محمدشاه قاجار، این افسر لهستانی در خدمت ارتش ایران بوده است ولی اینکه دقیقاً وی در چه تاریخی و چه زمان و به چه دلیل وارد خدمت نظام قاجاری شده، بر ما مکشوف نیست اما اولین حضور وی در منابع و سند حاضر به تصرف قلعه سلطان میدان، توسط عباس میرزای ولیعهد که با شهامت و شجاعتش موفق به دریافت یک قطعه نشان مکمل شده و در حملات قلعه سرخس و خبوشان که مجروح می‌شود از دست خاقان مغفور، فتح‌علی‌شاه قاجار نشان شیر و خورشید مرصع از مرتبه دوم دریافت می‌کند، در سفر هرات و قلعه کوشان، دره‌جز و جنگ با ترکمان‌ها خدمات بسیاری انجام داده و از طرف عباس میرزا به یک قطعه شمشیر مرصع با اقسام جواهر سربلند و به درجه سرتیپی رسیده است.

در قلعه غوریان نهایت خدمت کرده، محمدشاه در جنگ هرات یک سنگر را بر عهده وی گذارده و در یک جنگ افغانه را شکست سختی داده و در آخر جنگ تیر خورده و البته به فاصله اندکی مداوا و به میدان جنگ بر می‌گردد و در سال ۱۲۵۳ قمری به جنگ با اکراد نیشابور مأمور شده و با پیروزی بازگشت و موفق به دریافت منصب «جنرال مغازی» و یک قطعه نشان مکمل در مرتبه اول دریافت کرده و با رکاب محمدشاه به تسخیر گرگان فرماندهی شش‌هزار مرد جنگی را بر عهده داشته است.

در نبرد قاری‌قلعه به همراه فریدون میرزای قاجار برادر محمدشاه شرکت داشته و موفق به شکست ترکمن‌ها شده است و سپس در محاصره قلعه غوریان و هرات شرکت کرده که در این جنگ زخمی شده و ظاهراً به همین زخم نیز جان خود را از دست داده است.

«وقایع سال ۱۲۵۳ قمری جنرال پروسکی با قراولان خود از جای جنبش کرده بر آن جماعت حمله بردند ... در این جنگ زخمی برداشت» (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۶۹۱).

پروسکی صاحب پسر پادشاه لهستان مملکت له [لهستان] که سال‌ها چاکر حضرت بود به خواستاری خویش در سنگر صمصام جا کرد [اشتباه وی را استاد کیانفر در پاورقی ناسخ به‌دلیل همراهی پادشاه انگلستان به لندن می‌داند] (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۷۱۶).

بالجمله هم در این وقت پروسکی به زخم گلوله از پای برفت (سپهر، ۱۳۷۷، ص ۷۱۸).
با توجه به این سند وی در این جنگ زخمی شده و به‌نظر می‌رسد سرانجام در اواخر همین جنگ جان خود را از دست می‌دهد. برخی از منابع احتمال جاسوسی برای انگلیس را نیز برای



پروسکی برشمرده‌اند، «هما ناطق» در پی‌نوشت کتاب خود در خصوص بروسکی اینگونه می‌نویسد: «بروسکی افسر لهستانی که از جانب روس‌ها در سپاه عباس‌میرزا خدمت می‌نمود و برای انگلیسی‌ها جاسوسی می‌کرد».

نتیجه‌گیری

اسناد اطلاعات دست اول و معتبری در خصوص وقایع و حوادث تاریخی به‌دست می‌دهند که کمتر در منابع دیگر می‌توان از آن‌ها یافت. سند حاضر نیز یکی از اسناد دست اول در خصوص افسر لهستانی است که حاوی شرح خدمات و وفاداری و دلیری وی در جنگ‌های مختلفی است که بر عهده وی گذاشته شده است. این سند چندین نکته از زوایای تاریخ معاصر ایران به‌ویژه در هنگامه جنگ هرات را روشن می‌سازد، اول آنکه استفاده از نیروهای خارجی به هر دلیلی موردتوجه دربار ایران قرار داشته، دوم آنکه افسران لهستانی و به‌ویژه بروسکی بسیار مورداعتماد فرماندهان سپاه ایران بوده است و سوم آنکه این لهستانی با دلیری و شجاعت و جوانمردی جان خویش را در سپاه ایران و در جنگ هرات تقدیم کرده که شایسته تقدیر است. از طرفی نشان می‌دهد چگونه قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای استفاده از منابع مادی و معنوی کشورهای فقیر به هر وسیله‌ای تمسک جسته و از هر ابزاری برای رسیدن به اهداف خویش بهره می‌گیرند. همچنین دربار قاجار به واقع اسیر دسیسه‌های مختلفی از طرفین درگیر بوده و تصمیم‌گیری و اجرای آن بسیار دشوار و خطرناک شده است. با این اوضاع و احوال می‌توان نتیجه گرفت که تنها عدم کفایت و سیاست هیئت حاکمه قاجار دلیل شکست ایران نیست بلکه عوامل متفاوت و پیچیده‌ای باعث از دست دادن هرات و در نتیجه افغانستان شد.



منابع

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره؛ میرمحمد صادق، سعید (۱۳۷۵). *ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات ۱۲۶۶-۱۲۳۶ هجری قمری*. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، نشر تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات*. تهران: امیرکبیر.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۸۰). *انفصال هرات*. تهران: سیامک.
- انگلیش، باربارا (۱۳۸۲). *جنگ ایران و انگلیس: جدایی هرات*. ترجمه منصوره اتحادیه و سعاد پیرا. تهران: نشر تاریخ ایران.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار.
- ثروت، منصور (۱۳۸۴). *خوجکو. نامه انجمن*، ۵ (۲)، صص ۱۴۴-۱۶۸.
- حبیب‌اللهی، محمد (۱۳۵۸). *روابط ایران و لهستان در طی قرون*. مجله وحید، شماره ۲۶۲ و ۲۶۳، صص ۵۴-۶۹.
- دولتشاهی، علیرضا (۱۳۸۳). *آن شاهد ژژوئیت. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت، ص ۲۳*.
- دولتشاهی، علیرضا (۱۳۸۶). *لهستانیان و ایران*. تهران: بال.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*. به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجاریه*. تهران: مدبر.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). *لقاب رجال دوره قاجاریه*. تهران: نشر نی.
- سند خطی شماره ۹: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (اداره کل کتاب‌های خطی و نادر).
- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۴۸). *جهان ایران شناسی*. تهران: [بی‌جا]. ج ۱، ص ۲۹۳.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۲). *سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی*. تهران: نگاه معاصر.
- سفارت لهستان (۱۳۸۸). *لهستان و ایران: برگ‌هایی از تاریخ روابط ایران‌ها و لهستانی‌ها / گردآوری سفارت لهستان*. تهران: کتاب‌سرا.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار: قشون و نظمیه*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ناطق، هما (۱۳۵۷). *از ماست که بر ماست*. تهران: آگاه.
- نیک‌پور خشک‌رودی، رضا (۱۳۸۷). *نگاهی به تاریخ روابط ایران و لهستان*. بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۴ و ۵، صص ۱۴۷-۱۵۹.



کتابچه محاسن و معایب دیوان استیفاء: تلاش حکومت قاجار برای اصلاح مالیه در دوره ناصری

امین محمدی

■ چکیده

در دوره قاجار، تحت تأثیر روابط با غرب، امور حکومتی بین چند وزارتخانه تقسیم شد. وزارت استیفاء تحت ریاست مستوفی الممالک از جمله این وزارتخانه‌ها بود که تمامی امور مالی حکومت قاجار را بر عهده داشت و به تدریج گسترش یافت. تشکیلات استیفاء که در ادامه وزارت مالیه نام گرفت شامل تنظیم بودجه، وصول مالیات و درآمدها و پرداخت مواجب اجزای حکومت بود؛ این تشکیلات به دلیل سیاست‌های نادرست حکومت به تدریج دچار ناکارآمدی شد و قاجاران را با بحران مواجه کرد. حکومت قاجار از دوره ناصرالدین شاه برای بهبود اوضاع مالیه، که قلب تپنده حکومت بود دست به کار شد و اقداماتی اصلاح‌گرایانه در این تشکیلات ایجاد کرد. در گام اول، به درخواست شاه رسائی به منظور شناخت معایب و راهکارهای رفع آن توسط برخی نخبگان حکومت ارائه شد. کتابچه مورد بررسی در این مقاله، آلبوم ۲۹۶ از مجموعه اسناد بیوتات سلطنتی و یکی از کوشش‌هایی است که حکومت قاجار در جهت اصلاح مالیه کشور انجام داد. در این مقاله قصد داریم بر اساس این رساله و رساله دبیرالملک فراهانی به این سؤال پاسخ دهیم که راهکار حکومت قاجار در عصر ناصری برای اصلاح مالیه کشور چه بود؟

کلیدواژه‌ها

استیفاء، رساله انتقادی، حکومت قاجار، برات دیوانی، اصلاحات.



کتابچه محاسن و معایب دیوان استیفاء: تلاش حکومت قاجار برای اصلاح مالیه در دوره ناصری

امین محمدی^۱

مقدمه

در زمان حکمرانی آقامحمدشاه قاجار، نظام ابتدایی و رشدنیافته مالی قاجاران با نظارت یک مستوفی و یک لشکرنویس بلندپایه در مرکز و با کمک حکام محلی و مستوفیان دون پایه در ایالات و ولایات شکل گرفت (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۶۸-۵۶۹). در دوره فتحعلی شاه و تحت تأثیر روابط گسترده با غرب، مقام وزارت تقسیم و صدارت اعظمی و وزارت خانه های رسائل، لشکر و استیفاء تشکیل شد (سپهر، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۴۷). اعتمادالسلطنه این واقعه مهم را اینگونه توصیف کرده است:

سنه هزار و دویست و بیست و یک، محض آسایش و آرایش بلاد و دسترسی مردم و استحکام امور دولت و انتظام مشاغل ولایتی، عزم ملوکانه خاقان مغفور بر آن تعلق گرفت که وزرای اربعه قرار دهد و هر کس را در امری مستقل سازد؛ لهذا حاجی حسینخان بیگلربیگی، حاکم اصفهان را که بعد به رتبه صدارت رسید به طهران احضار فرمود و او را وزارت استیفاء کل ممالک محروسه دادند و لقب امین الدوله یافت که قرار معاملات ولایات و جمع و خرج مالیات و محاسبات کشوری مخصوص او بود (اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، صص ۵۵-۵۶).

در این زمان، مستوفی الممالک پس از صدراعظم شخص دوم مقامات دولتی بود (خسرویگی، ۱۳۸۱، ص ۷۰). همراه با او بیست مستوفی در دیوان استیفاء «مال دیوان را اعم از مالیات ولایات یا تحویل صاحب جمعان دیوانی از هر قبیل هرچه بود» به طور کامل ثبت

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و کارشناس اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
amin.mohammadi64@ut.ac.ir



می‌کردند و «خرج دیوان آنچه را احکام مطاعه شرف صدور می‌یافت به شرح ایضاً محاسبات که نوشته می‌شد، بالتامام حق‌رسیدن داشته کمال دقت به عمل می‌آمد (ساکما، ۲۹۵/۷۲۵۸). تصدی وزارت استیفاء با مستوفی‌الممالک بود که وظیفه‌اش نظارت بر امور مالیاتی در کل ممالک محروسه و پرداخت مواجب تمامی اجزای حکومت بود (مصدق، ۱۳۶۵، صص ۲۸-۳۷). شماری از مستوفی‌دون پایه از جمله سررشته‌داران، لشکرنویسان، دبیران و دفترنویسان در دستگاه استیفاء مستوفی‌الممالک را یاری می‌کردند (فلور، ۱۳۹۵، ص ۵۶۹). حکام ولایات مأمور وصول مالیات و پرداخت مواجب برخی کارکنان کشوری و لشکری بودند. مستوفی هر ایالت و ولایت قبل از نوروز هر سال دستورالعملی برای سال مالیاتی می‌نوشت و در آن عایدات ایالت و ولایت را جمع می‌کرد و مصارف محلی و حقوق افواج پادگان محلی و مواجب مستخدمین مرکزی را که طبق مقررات جزو مخارج آن ایالت یا ولایت منظور بود، به خرج می‌گذاشت، هر چه باقی می‌ماند، باید به خزانه می‌رسید (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۳).

در این زمان مخارج ناشی از شکست ایران در جنگ با روسیه تزاری صدمات فراوانی به نظام مالی ایران وارد کرد (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۷۰-۵۷۳). در سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه، برخی فرزندان این شاه قاجار که در ایالات مختلف حکومت می‌کردند از پرداخت مالیات به حکومت مرکزی سر باز زده یا به بهانه‌های مختلف پرداخت آن را به تأخیر می‌انداختند (فلور، ۱۳۹۵، ص ۵۷۴). هزینه سرسام‌آور جنگ خارجی و عدم وصول کامل مالیات‌ها شرایط سختی را در این دوره به وجود آورده بود. با روی کار آمدن محمدشاه پسر عباس‌میرزا، میرزاابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی زمام امور را به دست گرفت و به اصلاح امور مالی مملکت پرداخت و توانست وجوهی را که مالیات‌دهندگان از پرداخت آن امتناع می‌ورزیدند را به خزانه خالی دولت بازگرداند (سیمونیچ، ۱۳۵۳، ص ۷) و اوضاع آشفتۀ مالی را سامان دهد. اما این وضعیت مدت زیادی به طول نیانجامید و پس از قتل قائم‌مقام فراهانی و در زمان حاجی میرزاآقاسی به واسطه ناکارآمدی این صدراعظم درویش مسلک، بار دیگر نظام مالی دچار نابسامانی و بحران شد به گونه‌ای که:

غالب یک حواله را حوالجات متعدد از خزانه صادر گشتی، به محلی که هزار تومان جمع داشتی دو هزار تومان حواله دادی. چنانکه به حسین‌خان مراغه‌ای مقدم آجودان‌باشی عساکر نصرت‌مآثر و صاحب اختیار فارس و یزد، پانصد هزار تومان علاوه بر جمع دیوان حواله داده بودند (نواب طهرانی، ۱۳۷۶، ص ۸۰).

جنگ هرات، تعلل حکام ولایات در ارسال مالیات‌ها به خزانه مرکزی و بروات دیوانی بلاوصول بی‌شمار که توسط حاجی میرزاآقاسی صادر شده بودند، از مهم‌ترین معضلات نظام مالی این دوره بود (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۷۶-۵۷۷).

اوضاع نامساعد مالیۀ ایران همچنان ادامه داشت تا اینکه با روی کار آمدن ناصرالدین شاه، امیرکبیر که درایت زیادی در به تخت رساندن شاه قاجار از خود نشان داده بود به صدارت اعظمی رسید. در این زمان کمیسیون به ریاست مستوفی الممالک مامور تهیه گزارشی از مداخل و مخارج کشور شد (فلور، ۱۳۹۵، ص ۵۸۷). امیرکبیر در آغاز کارش به تنظیم امور مالی پرداخت و در اولین گام تلاش کرد بروات پرداخت نشده سال های قبل را با کسری از مبلغ پرداخت کند. در این باره نویسنده شرح زندگانی من آورده است:

با میرزا نصرالله، پسر من، به دیدن امیرنظام رفتیم؛ از من پرسید موجب شما عقب نیفتاده است؟ گفتم چرا. گفت عجب! موجب مستوفی خزانه و ضابط اسناد خرج را هم نداده اند. گفتم دو سال است بی حقوق خدمت می کنم. گفت بروات آن را حاضر دارید؟ از قضا حاضر بود به دستش دادم، پس از اندکی تأمل گفت چقدر کسر می کنید نقد حواله بدهم. گفتم اختیار با شماست. گفت چند تا پسر دارید. گفتم شش تا. گفت یقین اکثر عیال و اولاد هم دارند؟ گفتم چندتایی از آنها دارای زن و بچه هم هستند. گفت دو عشر کسر چطور است؟ گفتم هرچه جنابعالی بکنید راضیم. بروات دو ساله حقوق ما را گرفت و پای همان ها دو عشر کسر کرد و حواله داد (مستوفی، ۱۳۷۱ ج ۱، ص ۶۹).

در ادامه با قطع مستمری ها و موجب اضافه برخی درباریان درآمدهای کشور افزایش یافت؛ او طی دو سال تعادل مداخل و مخارج کشور را که در زمان حاجی میرزا آقاسی برهم خورده بود احیاء کرد (فلور، ۱۳۹۵، ص ۵۷۹). این وضعیت دیری نپایید زیرا پس از قتل امیرکبیر بار دیگر اوضاع مالی حکومت آشفته شد؛ مالیات ها نرسید و بروات دیوانی بلاوصول ماند. یکی از کارکنان دارالفنون این نابسامانی را این چنین توصیف کرده است:

من در مدرسه مشغول تدریس هستم، تقریباً شصت شاگرد دارم. کارهای دولتی دوباره برگشته است به همان ترتیبی که در زمان حاجی بود. خرید و فروش برات ها دوباره شروع شده وصول مواجب ها به کشمکش افتاده، حواله به تمام ولایات و ایالات صادر شده همان هرج و مرج ها که سابقاً برقرار بود دوباره رجعت نموده است (سعادت نوری، ۱۳۴۴، ص ۳۰۹).

ناصرالدین شاه برای بهبود اوضاع به تغییرات گسترده در ساختار وزارتخانه ها دست زد؛ به طوری که تا سال ۱۲۸۳ هجری قمری هفت و در سال ۱۲۸۹ در زمان صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله تعداد آن ها به ۹ وزارتخانه رسید که عبارت بودند از: داخله، خارجه، مالیه، عدلیه، جنگ، علوم، فواید عامه، تجارت و زراعت و وزارت دربار. در این دوره مشیرالدوله به صدارت اعظمی رسید درحالی که خزانه تهی و بروات بلاوصول بیش از چهارصد هزار تومان در سال بود؛ او طی اصلاحاتی تلاش کرد نظام مالی را سروسامان بخشد، اما پس از مدتی از صدارت برکنار شد (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۸۲-۵۸۵).



ناصرالدین شاه پس از اولین سفر به اروپا بار دیگر وزارتخانه‌های موجود را در یکدیگر ادغام و آن‌ها را به شش وزارتخانه تبدیل کرد. در اواخر سال ۱۲۹۹ هجری قمری بار دیگر ترکیب وزارتخانه‌ها را بهم زد و تعداد آن‌ها را به سیزده وزارتخانه رسانید که عبارت بودند از: جنگ، خارجه، عدلیه عظمی، دربار اعظم و خزانه و گمرک، داخله و مالیه، وظایف و اوقاف و پست، دفتر لشکر، فلاح و تجارت، علوم و تلگراف و معادن، فواید عامه، صنایع انطباعات و دارالترجمه به‌ویژه بقایا و نیز مقرر داشت که هریک از وزیران در روز و ساعت معین از هفته شرفیاب شود و گزارش کار خود را به شاه بدهد (شمیم، ۱۳۸۳، صص ۳۲۴-۳۲۵). پس از ادغام مالیه و داخله امین‌السلطان زمام امور را در دست گرفت و ناکارآمدی و بذل و بخشش‌های او منجر به آشفتگی اوضاع مالی شد. در این زمان به‌رغم کاهش درآمدهای دولت، شاه ولخرج‌تر و نیازش به پول بیشتر شد (فلور، ۱۳۹۵، صص ۵۹۰-۵۹۱). سر مور تیمر دوران اوضاع کشور در دورهٔ صدارت امین‌السلطان را اینگونه توصیف کرده است:

اوضاع مالی بسیار مغشوش است و طی سه سال گذشته میزان کسری سالانه ۵۰،۰۰۰ لیره استرلینگ بوده است. بخش قابل‌توجهی از حقوق سربازان و کسانی که در دیگر بخش‌های دولتی کار می‌کنند، پرداخت نشده است. ارتش گروهی عوام‌الناس‌اند که نه اسلحه و مهمات بدرخور دارند و نه چیزی به اسم نظم و انضباط. در کشور هیچ محکمه قضایی قابل‌اعتمادی نیست.... و طمع دائمی شاه برای پول فقط با کسر از بودجهٔ عمومی دولت می‌تواند برآورده شود (دوران، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

تلاش حکومت برای اصلاح امور مالی کشور

وضعیت بغرنج مالیه کشور در زمان ناصرالدین شاه که همزمان با اوج مراودات با غرب بود، شاه قاجار را برآن داشت که به اصلاح امور مالی بپردازد. برای این کار دستور داد برخی نخبگان دیوان استیفاء شرحی از معایب این دیوان را تنظیم و راهکارهای برای بهبود اوضاع ارائه کنند. این حرکت ترقی‌خواهانه در تمامی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی چه از سوی نخبگان در دولت و خارج از دولت انجام گرفت و حاصل آن نگارش رسائلی در جهت بهبود اوضاع کشور بود. سنت رساله‌نویسی به امید بهبود اوضاع کشور از سال‌ها قبل و به‌دنبال شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و آگاهی نخبگان از ضعف و عقب‌ماندگی کشور نسبت به دنیای غرب شروع شده بود. نخبگان کشور هرکدام به طریقی به تحقیق و تفحص دربارهٔ علل عقب‌ماندگی کشور برآمدند و تلاش کردند پاسخی درخور برای این وضعیت بیابند. آن‌ها با دیدگاه‌های مختلف شروع به نگارش رسائل انتقادی کردند و معایب و مفاسد موجود در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نشان دادند و برخی راهکارها برای



برون رفت از وضع موجود ارائه کردند.

از جمله این رسائل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رساله «پلتیکای دولتی» نوشته میرزاملکم‌خان، درباره نقاط ضعف ایران در برقراری رابطه با انگلیس (نورایی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۱).
- رساله مداخل و مخارج نوشته ابراهیم بدایع‌نگار درباره درآمدهای دولت و چگونگی وصول آن‌ها، پرداخت حقوق کارکنان و کاربرد اسکناس و رعیت‌پروری و اصلاح پول (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، صص ۲۳۶-۲۴۸).
- رساله خان‌خانان از نویسنده‌ای ناشناس درباره اصلاح امور سیاسی و اقتصادی (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، صص ۲۴۸-۲۵۸).
- رساله امیریه یا قواعد نظام نوشته اعتمادالسلطنه درباره انتظام امور لشکر (محدث، ۱۳۹۱، صص ۲۷۳-۲۸۹).
- رساله کاداستره یا علویه نوشته اعتمادالسلطنه درباره تحدید حدود اراضی و ممیزی برای اخذ مالیات (محدث، ۱۳۹۱، صص ۳۹۷-۴۳۲).

در این بین می‌توان از دو رساله نام برد که توسط صاحب‌منصبان دیوان استیفاء قلمی شده است و نویسندگان آن تلاش دارند معایب تشکیلات مالی کشور را برای ناصرالدین‌شاه تشریح و پیشنهادهایی برای اصلاح امور ارائه دهند. رساله اول نوشته محمدحسین خان دبیرالملک فراهانی و رساله دوم از نویسنده‌ای ناشناس است که اثر او یکی از آلبوم‌های موجود در مجموعه اسناد بیوتات سلطنتی و محور اصلی این مقاله است. این دو رساله از نظر محتوایی مکمل هم هستند. رساله دبیرالملک در سال ۱۲۸۷ هجری قمری و رساله دوم بدون تاریخ است با این حال می‌توان تخمین زد که در تاریخی بسیار نزدیک به رساله اول به نگارش درآمده باشد.

در رساله اول دبیرالملک، چهار رکن اصلی برای دوام دولت را تطبیق مداخل و مخارج، انتظام قشون، رفاه رعیت و ازدیاد حرفت و صنعت و تجارت و تنظیم پولتیک دولتی می‌داند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۴۲۲). دبیرالملک که خود از مستوفیان حکومت قاجار است، به نواقص نظام مالی به‌صورت کامل آشنایی دارد و به همین دلیل یکی از عوامل اصلی نابسامانی در نظام مالی کشور را افزایش مخارج دولت نسبت به مداخل آن می‌داند و شرح مفصلی از چگونگی ایجاد این بحران مالی از زمان حاجی میرزاآقاسی به‌دلیل نبود تعادل میان درآمدها و هزینه‌ها را ارائه می‌دهد (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، صص ۴۲۲-۴۳۱). او که به‌واسطه منصبش در دیوان استیفاء به اسناد مالی دولت دسترسی داشته است، اذعان می‌کند که مداخل دولت در زمان صدارت حاجی میرزاآقاسی پنج کرور و مخارج آن چهارده کرور بوده است. دبیرالملک



که از برکشیدگان میرزاتقی‌خان امیرکبیر است، در ادامه شرحی از فعالیت‌های این صدراعظم اصلاح‌گر ارائه می‌کند و بر این باور است که این فعالیت‌ها باعث شده بود در مدت صدارتش مداخل بر مخارج فزونی یابد. ارائه فهرستی مستند از درآمدهای اضافه‌شده در این سال‌ها، بخش مهمی از این رساله است.

دبیرالملک سیاست میرزا آقاخان نوری در افزایش مواجب‌بگیران دولتی که اغلب از نزدیکان او بودند را باعث برهم‌خوردن تعادل مخارج نسبت به مداخل بعد از مرگ امیرکبیر می‌داند. او هزینه‌های غیرضروری و پرداخت مواجب هنگفت به برخی صاحب‌منصبان و نیز تقسیم تمامی مواجب صاحب‌منصبان متوفی میان مردم را موردنقد قرار می‌دهد و بر این باور است که باید مبالغ این مواجب‌ها قطع شود تا مخارج دولت کمتر شود. یکی دیگر از مباحث ارزشمند این رساله استناد او به اصلاحات مالی موفق در افغانستان است. دبیرالملک با شرحی از اقدامات شیرعلی‌خان حکمران افغانستان براساس «کتابچه قواعد افغانستان» که شاه نیز آن را مطالعه کرده است، نشان می‌دهد که چطور اقداماتی چون حذف مواجب گزاف به افزایش مداخل نسبت به مخارج انجامیده است.

در پایان مبحث مداخل و مخارج، هزینه‌تراشی‌های دوازده سال گذشته حکومت را موردنقد قرار می‌دهد و بیان می‌کند که دولت می‌توانسته با درآمدهای اضافه خود طی این سال‌ها با خرید از ده فروند کشتی در خلیج فارس یکی از قدرتمندترین قشون‌های دنیا را داشته باشد و تأسف می‌خورد که باوجود افزایش درآمدهای دولت در نهایت در پایان سال بروات بلاوصول زیادی در دست مردم می‌مانده است (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۴۳۱).

این رساله با شرحی از چگونگی انتظام قشون، رفاه رعیت و ازدیاد حرفت و صنعت و تجارت و تنظیم پولتیک دولتی می‌یابد؛ در مبحث انتظام قشون هم نویسنده اشاراتی به تأثیر نظام مالی بر تشکیل یک قشون مقتدر و منظم تأکید می‌ورزد. به‌طور کلی در دیدگاه دبیرالملک در مباحث مالی می‌توان برجستگی نقش اشخاص در اوضاع مالی را مشاهده کرد. او تدبیر و سیاست مالی درست مقام صدارت را تأثیرگذارترین علت انتظام یا آشفتگی امور مالی می‌داند. این دیدگاه، نقطه مقابل رساله دوم از نویسنده ناشناس است.

رساله دوم همان‌طور که پیشتر گفته شد، کتابچه‌ای ۱۴ برگی از مجموعه بیوتات سلطنتی است که نام نویسنده آن نامشخص است. این کتابچه به‌منظور تشریح «محاسن اداره جلیله استیفا و معایب» آن قلمی شده است؛ نویسنده ناصرالدین‌شاه را مخاطب قرار داده است و امیدوار است راهکارهای او موردتأیید شاه واقع شود و به اصلاح امور مالی حکومت قاجار بیانجامد.

بدون تردید، نویسنده خود از صاحب‌منصبان دیوان استیفاء بوده زیرا شأن بالایی برای



مستوفیان قائل است و آن‌ها را باعث «ازدیاد دخل دولت و آبادی ولایت و رعیت» می‌داند و به باور او کسی «که از اصالت عاری و از امانت و دیانت خالی و جوان و کم‌تجربه بوده، در این دستگاه راهی نداشته است».

نویسنده دو عیب اصلی برای دیوان استیفاء بر می‌شمارد: **اول** اینکه از زمان قائم‌مقام فراهانی تمام امور استیفاءی کشور را یک نفر اداره می‌کند. به باور او در این وضعیت اگر آن یک نفر امین باشد به‌تنهایی قادر به نظارت بر همه امور نیست و اگر امین نباشد نیز به فساد می‌انجامد چون کسی بر او نظارت ندارد. **دوم**، پایین آمدن شأن مستوفیان در حکومت و اینکه هر صاحب‌جمع به راحتی می‌تواند یک مستوفی از نزدیکان خودش را روی کار آورده و از طریق آن سوءاستفاده مالی انجام دهد. همچنین او به موروئی بودن شغل استیفاء ایراد می‌گیرد و معتقد است نباید یک کودک جای پدرش در منصب مهم استیفاء قرار گیرد.

راهکاری که نویسنده برای حل این معضلات ارائه می‌کند به این شرح است: انتخاب هشت مستوفی بدون داشتن وابستگی با صاحب‌جمعان بزرگ که دارای مواجب و شأن برابر هستند و از امنیت شغلی برخوردارند. نویسنده در ادامه پیشنهاد می‌دهد که مجلسی از این هشت نفر برای بررسی اسناد خرج و بروات تشکیل شود. به باور او نظارت نقش مهمی در پیشبرد این سیاست مالی دارد، پس در صورتی که هر کدام از آن هشت نفر کارش را دقیق و بدون اشتباه انجام دهد درخور پاداش (افزایش مواجب) و کسی که کارش با نقص و اشتباه همراه باشد مستوجب تنبیه (کسر مواجب) است.

راهکار دیگر نویسنده انتظام امور دخل (مالیات و هدایا و پیشکش و ...) است. سپس خرج که بیشتر باید «صرف معادن و ساختن راه و بستن سدهایی که منافع عظیمه از آنها حاصل می‌شود و آوردن کارخانه‌جات که اسباب ترقی دولت و آسایش اهالی ملت است و آبادی املاک و ولایات خراب و سایر کارهایی که خیر دنیا و آخرت دارد و یادگار این مردم موجود است بشود، نه اینکه یک مرتبه مال دیوان یک کرور صرف باغ فردوس بشود که هرچه تصور بکنی سوی اینکه مصالح او را بفروشی به هیچ کاری نمی‌خورد از این قبیل کارها زیاد است که نمی‌توان تعداد داد».

نویسنده در ادامه به مبحث مخارج حکومت و صدور بروات دیوانی می‌پردازد و بر این باور است که تنها راه انتظام امور نظارت کامل بر عملکرد مستوفیان است. او که تأکید بسیاری بر نظارت و بازرسی امور دارد معتقد است که در نگارش کتابچه جمع و خرج یا دستورالعمل مسئول بودن یک نفر به فساد می‌انجامد پس باید چند نفر مسئول باشند و نظارت کامل بر انجام این کار وجود داشته باشد (ساکما، ۲۹۵/۷۲۵۸).

در این رساله برخلاف رساله پیشین، نویسنده رویکردی ساختارگرایانه دارد. به باور او در



صورت تنظیم و تدوین یک ساختار دقیق برای تشکیلات مالی می‌توان سلامت و انتظام امور مالی را تضمین کرد. از سوی دیگر تأکید بسیار نویسنده بر «نظارت» نکته‌ای جالب توجه است. به نظر می‌رسد نویسنده به درستی نقطه ضعف تشکیلات مالی که همان عدم نظارت بر عملکرد کارکنان دیوان استیفاء است را شناسایی کرده است.

نتیجه گیری

دیوان استیفاء (مالیه) در اواخر دوره فتحعلی شاه تا زمان حکومت ناصرالدین شاه در بسیاری مواقع دچار نابسامانی بود. قائم مقام فراهانی، امیرکبیر و مشیرالدوله در مقاطع مختلف تلاش کردند با انجام اصلاحات آشفته تشکیلات مالی را سروسامان دهند. بر اساس شواهد هرچند همه آن‌ها در انجام رسالت خود موفق بودند، اما بعد از آن‌ها بار دیگر اوضاع نابسامان بر مالیه حکمفرما و حکومت مجدداً دچار بحران می‌شد. در این شرایط، ناصرالدین شاه از برخی نخبگان خواست ضمن نگارش رساله معایب دیوان استیفاء را مشخص و راهکارهای برای رفع آن‌ها ارائه کنند. حاصل این حرکت اصلاحی نگارش رسائلی بود که دو نمونه آن‌ها در این مقاله بررسی شد. در رساله اول، نویسنده با دیدگاهی فرد محور، عملکرد افراد و سیاست‌های فردی را بر تحولات و ترقی و آشفته‌گی دیوان استیفاء تأثیرگذار می‌داند و در رساله دوم که می‌توان آن را مکمل رساله اول به‌شمار آورد، نویسنده بنیان یک ساختار منظم و مناسب به‌همراه نظارت دقیق بر عملکرد کارکنان را به‌عنوان راهکار حل مشکلات دیوان استیفاء شناسایی کرده است.

بازخوانی کتابچه محاسن و معایب دیوان استیفاء

[۱] هوالله تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند سزاوار پرستش مقالات بندگان خود را از مراتب اعلی که انبیای عالمقدار و اوصیای کامکار و حکمای نامدارند تا مدارج سفلی که ساکنین وادی غیرذرع و جزایر دریاها هستند، محض رساندن فیض اصفا فرموده و می‌فرماید و به اندازه عمل هر کدام جزایی بسزا داده و می‌دهد. سایه خدا نیز ناگزیر است که رطب و یابس بندگان خود را استماع فرموده، اگر یکی از بندگان به جهت پاس حقوق نمک او گفتاری بنویسد، تاسی به خدا نموده استماع فرماید، اگر فایده‌ای در آن متصور است حمل به ادای حق نعمت کرده او را منظور نظر عاطفت فرماید، اگر فایده‌ای متصور نیست، چون گوینده [۱۰] قصدش اظهار خدمت بوده، ذیل عفو و



اغماض در چهره او کشیده، نشنیده انگارد. علی‌هذا چاکر این درگاه محاسن اداره جلیله استیفا و معایب او را آنچه می‌دانسته بدون ملاحظه ترتیب قلمی داشته، از آنچه به نظر مبارک ناپسند آید استدعای عفو و اغماض دارم.

قیام وزرای کافی که جهت تشیید قواعد جمیل و مبادی آثار نبیل و اسباب ازدیاد دخل دولت و آبادی ولایت و رعیت بودند، همیشه از اداره جلیله دفترخانه مبارکه استیفا بوده است و کمال جد و جهد از اولیای دولت در انتظام عمل و درستی آلات و ادوات این اداره جلیله به حدی منظور بوده که هر که از اصالت عاری و از امانت و دیانت خالی و جوان و کم‌تجربه بوده، در این دستگاه راهی نداشته است و تعدد اشخاصی که حفظ شأن و علو مدارج و تحصیل نام نیک را در خدمت ملت و دولت از هر دولت [۲۰] و مکنتی بهتر می‌دانستند منظور فرموده، بل شرط اعظم این کار قرار می‌دادند و به این لحاظ همواره حساب‌ها پاک و مال دیوان مصون و ولایات آباد و عرض و ناموس رعیت محفوظ و خاطر مبارک اعلیحضرت ظل‌الله روحنا فداه از این راه‌گذرها آسوده بود؛ چنانچه در زمان خاقان مغفور سفید مهر بروات او در نزد هر کسی موجود بود و تمتع بردن احدی از سفید مهر ممکن نبود. تعدد اشخاص به جهت این بود که بیست نفر مستوفی مال دیوان را اعم از مالیات ولایات یا تحویل صاحب‌جمعان دیوانی از هر قبیل هرچه بود باید بالتامام ثبت کنند و خرج دیوان آنچه را احکام مطاعه شرف صدور می‌یافت به شرح ایضاً محاسبات که نوشته می‌شد، بالتامام حق رسیدن داشته کمال دقت به عمل می‌آمد؛ اگر صاحب‌جمعی با مباشر حساب خود می‌خواست از جمع چیزی از قلم ببیندازد [۳۰] یا خرجی بدون قاعده و سند بنویسد، برحسب ضرورت باید با این بیست نفر همدستان شود والا کاری از پیش نمی‌برد و این مطلب واضح است که بیست نفر در هیچ دزدی متفق نمی‌شوند و اگر شدند امکان عقلی ندارد که بروز نکنند. این بود که سوای ظل‌الله کسی خزانه نداشت و در حساب‌ها و دستخط‌های مبارک نمی‌شد قلم برد و در دو جا خرج نوشت و بعضی تقلب‌ها که مکرر به خاکپای مبارک عرض می‌کنند نمی‌شد.

خرابی این اداره از جهات عدیده است: اول علم و عمل اختصاص داشتن به شخص واحد است و این خلاف رسم سابق بدعتی است که مرحوم قائم‌مقام به جهت بعضی خیالات بلندی که داشت در دولت علیه یادگار گذاشت و بعد از او به تدریج قوت گرفت تا حال که در غایت علو [۴۰] است. این یک نفر اگر امین باشد به عمل صد نفر مردمی که به جز بردن مال دیوان خیالی ندارند نمی‌تواند برسد و به عمل جزو همه احاطه کند و خائن به هر نوع که باشد یک نفر امین را می‌تواند راضی نماید و کار در نزد این دو مخفی می‌ماند و اگر خدای نخواستہ امین نباشد، چون قادر و غالب است و خاطر او از همه جهت جمع است احتمال دارد که اول با صاحب‌جمع پیچیده سخت بگیرد بعد از به عمل آمدن خط نفس صورت حسابی می‌نویسد

بعد از باقی کشیدن در مقابل باقی در تحت باقی حروف خرج می‌نویسد بعد از مدتی کتابچه می‌نویسند، کتابچه هم چندی می‌ماند همین که گرفته شد خرجی به جهت باقی تراشیده بعضی اوراق کتابچه را عوض می‌کند و اسناد آن را حکمی تحویل می‌دهد به اینطور که امروز باید حکماً این حساب تمام شود. بعد از تحویل دادن سند، مهر چند نفری را که [۵۰] از محارم مطیع می‌داند در پای کتابچه زده دست صاحبش می‌دهد کسی حق رسیدن ندارد و اگر بیچاره حرفی بزند کارش خراب می‌شود چون دیوان به این یک نفر محتاج است لابد است همه افعال او را امضا بدارد.

دویم بعضی خوارج در این نوع موجودند که کار آنها دزدی و خیانت و کجی است و مکرر خیانت آنها به طوری ظاهر شده که محل انکار به جهت احدی نمانده است. اشخاصی که بالضروره با شخص میرزا باید بد باشند، شناعة آنها را وضعی در نظر همایون جلوه داده‌اند که اسم میرزا که گفته می‌شود باید وجود خارجی میرزا صورت مهتر نسیم عیار باشد که درب حمام‌ها می‌کشند و به این واسطه نوع مستوفی خفیف و ننگین و سر در پیش است و در حضور مبارک عاطل و باطل است. بعضی از صاحب‌جمعان یک نفر از آدم‌های [۶۰] خود را مستوفی کرده بعد از آنکه سال‌های متمادی هر چه خواست از دیوان گرفت و خرج تراشیده بدون معین شدن صحت خرج سندی می‌نویسند و کسی حقی ندارد که در صحت و سقم آن حرف بزند یا برسد چون عادت اینطور جاری شده حساب را می‌نویسد و رئیس دفتر هم چون محتاج است که همه کس در ریاست آن قل بگذارد نانی قرض داده حساب او را می‌گذارند، البته انسانیت هم درباره او به عمل خواهد آمد؛ مثل مرحوم نظام‌الدوله که با تاکیدات دولت و اجماع ائمه مال سی ساله دولت به کلی از میان رفت و بعد از سی سال این همه مردم نفهمیدند که چه شده است دیگران هم هستند که ذکر اسمشان ریا است.

فلان مستوفی مباشر عملی بزرگ بوده است؛ البته چند نفر میرزا در انجام این عمل مشغول خدمت بوده‌اند و درست [۷۰] از عهده این کار برنمی‌آمدند. بعد از آنکه مرحوم شد و طفلی از او ماند مباشری این عمل بزرگ که چند نفر میرزای زبردست از رسیدن آن عاجز بوده‌اند اختصاص به این طفل دارد و حالا حالت انتظام و رسیدن این عمل معلوم است این عمل را می‌توان گفت که شخص واحد برای این معین می‌کند که عمل جزو این کار اختصاص به خودش داشته باشد. یک نفر با یکی از بزرگان بستگی دارد نه خط دارد نه سواد سه چشمه چهار چشمه کار بزرگ را به او داده‌اند که محرر بگیرد و مستوفی باشد. او مستوفی است یا محرر؛ اگر او مستوفی است خط و سواد ندارد. [حاشیه] اگر محرر مستوفی است دیوان چه اعتمادی به استیفای شخص نکره دارد. فلان جوان پسر فلان میرزای صاحب شأن بزرگ است محض این شأن چند حساب معتبر را باید بنویسند بعد از نوشتن حساب اگر جرئت رسیدن دارد

یا چیزی ببیند بتواند بگوید یا سلام و صلوات [۸۰] نفرستد کی است. فلان مستوفی مباشر ده چشمه حساب است خود او در جمع و خرج آنها مختار کل است در امانت آنها هم که حرفی نمی‌رود احدی قدرت استطاع هیچ کاری ندارد این کارها ملک طلق او است از اینجا صحت این عمل معلوم است.

مُهرهایی که مستوفیان در پای کتابچه‌ها می‌زنند یا از ترس این است که از قطار مستوفیان خارج نشوند یا این است که اسمی ندارند و می‌خواهند سرشان داخل سرها باشد چون علم حساب اختصاص به یک نفر دارد سایر مهرها به جهت زینت کتابچه‌ها است نه به جهت اعتبار. نظم این کار خیلی آسان است و از دیوان خرجی نمی‌خواهد اسباب نظم این کار تعیین هشت نفر مستوفی جهان دیده کارآموده با امانت است که با صاحب‌جمعان بزرگ بستگی نداشته طالب [۹۰] حفظ شان و استعلائی درجه و استبقای نام نیک باشند و در موجب و درجه و شان و اختیار در حساب و بروات مساوی بوده، هیچ یک ادعای برتری بر دیگری نکنند و اطمینان داشته باشند که به جهت حفظ مال و دیوان احدی نمی‌تواند از نوکری آنها را اخراج کند و شغل و عملشان را بگیرد. این هشت نفر در رتق و فتق جمع و خرج اهل تحقیق بوده در مجلسی خاص بنشینند، مباشر حساب یا برات بعد از آنکه حساب و برات را نوشت اسناد خرج حساب و برات را نزد اهل تحقیق حاضر کرده هر یک جدا جدا آنقدر که در رسیدن اتمام لازم دارد برسند وقتی که همه صحیح دانستند مُهر کنند. پس از آن خدمت رئیس کل آورده عرضه دارند. حق ریاست کل هم این است که اگر اهل تحقیق خط و خطایی کرده باشند به آنها حالی کند که درست کنند. بعد از [۱۰۰] آن رئیس کل خلاصه آن را به خاک پای مبارک عرضه دارد پس از عرض حضور به دفترخانه مبارکه بیاورند و سایر مستوفیان عظام برسند؛ اگر شخصی پنجاه تومان از این حساب اختلاف پیدا کرد، دیوان اعلی پنجاه تومان را به او اضافه موجب فرمان بدهد و از موجب اهل تحقیق کسر نماید و این جریمه آنها باشد که چرا با این عنایات که در حق آنها مبذول است، خطا کرده‌اند.

عمل حساب اول عمل دخل دولت است و انتظام این کار از هر کاری واجب‌تر است و آن از دو باب خارج نیست: اول مالیات و مایتعلق بها است؛ دوم هدایا و پیشکش‌ها است. ذمه اهل تحقیق مشغول است که باب مالیات را مفتوح ساخته با کمال امانت و دیانت موشکافی نمایند در هر جا اختلافی پیدا کردند فی‌الفور جمع کنند و اگر برای دیوان از قبیل جدیدالنسق یا تفاوت خلاصه یا چیز دیگر جمعی حاصل شد [۱۱۰] به شرح ایضاً ذمه اولیای دولت مشغول است که تحف و هدایا و پیشکش‌های اطراف را محض ورود از هر قبیل نقد یا جنس که به خاکپای مبارک وارد می‌شود به هر صاحب‌جمعی که حسب الحکم دادند، رئیس کل خلوت همایونی که باید همیشه در خلوت حاضر باشد، فی‌الفور در همان روز از صاحب‌جمع قبض گرفته نزد اهل

تحقیق فرستاده که آنها ثبت نمایند بعد به ضابط سند خرج بدهد و عوض قبض بگیرد که اینها در چند محل ثبت باشد و احدی نتواند حیف و میل نماید.

بعضی چیزها را به خاکپای مبارک عرض می‌کنند که این حسابها را لازم نیست میرزاها بدانند، الحمدالله پادشاه قادر و غالب و قاهر و مالک رقاب است و میرزاها به خصوص اهل تحقیق امناء دفتر و محرم حساب و شمار چه فسادى از دانستن این میرزاها ظاهر می‌شود که از علم دیگران ظاهر نمی‌شود یا ظل الله فی الارضین [۱۲۰] چه خوفی از بعضی دارد که باید چیزها را پنهان کند. سوای خزانه اندرون و موزه مبارکه که علمش اختصاصی اعلیحضرت ظل اللهی است، هیچ چیز باید از قلم میرزا خارج نشود ذره ذره جمع گردد وانگهی دریا شود. بعد از انتظام عمل دخل باید کار خرج از هر جهت منتظم باشد که دینار دینار که از بیوه زن و یتیم و فقیر به این زحمت گرفته می‌شود، بعد از مخارج ضروری دولت صرف معادن و ساختن راه و بستن سدهایی که منافع عظیمه از آنها حاصل می‌شود و آوردن کارخانه جات که اسباب ترقی دولت و آسایش اهالی ملت است و آبادی املاک و ولایات خراب و سایر کارهایی که خیر دنیا و آخرت دارد و یادگار این مردم موجود است بشود، نه اینکه یک مرتبه مال دیوان یک کرور صرف باغ فردوس بشود که هرچه تصور بکنی سوی اینکه مصالح او را بفروشی به هیچ کاری [۱۳۰] نمی‌خورد از این قبیل کارها زیاد است که نمی‌توان تعداد داد.

صدور دستخط مبارک است که به جهت سند خرج محاسبات به تدریج صادر می‌کنند بعد از آنکه یک سال یا دو سال مانند یک عددی زیاد نزد صاحب جمع جمع می‌شود آن وقت آنها را نزد مستوفی مباشر حساب برده مطالبه برات می‌کند، مستوفی یا آدم امین هر که باشد همین که دید حسابی و ناظری در کار نیست و هر چه بشود می‌گذرد البته طمع او را آسوده نمی‌گذارد. اول چون نوشتن دستخط را به قاعده علم سیاق نمی‌نویسند که حشو و بارزی و میزان معینی داشته باشد و در بارز نصفه یا بالمضاعف خورده باشد که نتوان چیزی در او داخل کرد به قدر مقدور و کفاف در بعضی آنچه باید کرد می‌کند و بار صاحب جمع و خودش را بار می‌کند تتمه هم برای مصرف دیگر نزد او حاضر است برات را نوشته در شرح [۱۴۰] برات می‌نویسد از قرار دستخط مبارک که نزد فلان مستوفی ضبط است و مهر می‌کند. شخص واحد به ملاحظه مهر مستوفی امین مهر می‌کند دو مرتبه برات به صحنه دستخط مبارک رسیده به جهت سند خرج ضبط می‌کنند فرضاً پانصد دستخط مبارک متبدل به چند برات مهر یک نفر مستوفی می‌شود و این پانصد دستخط مبارک اقلاً کمتر از صد هزار تومان نیست و این دستخطها باید خط نسخ کشیده شود که دو مرتبه نتوان جایی خرج نوشت نسخه نکشیده نزد مستوفی امین حاضر است هر جا در بماند هر قدر بخواهد دستخط حاضر دارد. عیوب اول اگر اطلاع و امانت یک نفر مستوفی در یکصد هزار تومان معتبر و کافی است، شخص همین که معتبر شد چه یکصد هزار

تومان چه ده کرور همه حساب‌ها را یک نفر می‌نویسد دیوان این همه میرزا را برای چه موجب بدهد. این یک نفر همه حساب‌ها را بنویسد اقلاً [۱۵۰] موجب این همه میرزا برای دیوان می‌ماند باز خوب است؛ دویم اگر دولت با مُهر یک نفر مستوفی از دویست طغرا دستخط مبارک مستغنی است، جهت این همه زحمت دادن به وجود مبارکی که اسباب آسودگی و اطمینان یک دنیا مردم است از چه راه است. اگر این دو باطل است صدور دستخط مبارک از دو شق خالی نیست یا ظل‌الله از نوشتن آن ناگزیر است مثل اینکه در اندرون یا شکارگاه یا جایی تشریف دارند که برات‌نویس حاضر نیست و کاری لازم می‌شود که باید دستخط مبارک شرف صدور دریابد. این دستخط را به هر اداره که متعلق است ببرند و مستوفی آن اداره برات آن را بنویسد و دستخط را نسخه بکشد و برات مُهر کند و دستخط نسخه کشیده را لای برات بگذارد که اشخاصی که آن برات را مُهر می‌کنند در زمان [۱۶۰] مُهرکردن همه ببینند در آخر ضابط سند خرج که برات را مُهر می‌کند دستخط نسخه کشیده را ضبط کند و برات را مُهر کند یا اینکه برخلاف شروح مذکور است هر خرجی که هست عوض فهرست که به صحه دستخط مبارک مزین می‌شود، برات بنویسند همان برات به دستخط مبارک مزین شود که این فایده‌ها به جهت مردم حاصل نشود و دو زحمت به وجود مبارک نرسد و این شبهات به کلی مرتفع گردد. مخارج یک فقره تعلق به عمل ولایت دارد مثل تخفیف و تنقیه قنوات و مقرری و مستمری دیگری موجب و مرسوم و غیره چاکران درباری چون این دو به اختیار اقدس ظل‌الله است، هر چه اضافه مرحمت شود مقرر گردد که سوای فرمان و برات هیچ حکمی مجری نباشد. اگر دیوان بخواهد که مخارج دولتی از اندازه خارج نشود، اداره جلیله استیفا به جهت نگاه داشتن [۱۷۰] اندازه دخل و خرج دولتی است باید مقرر شود که حساب هیچ اداره از اداره استیفا خارج نشود.

نوشتن دستورالعمل‌ها و محاسبات قانونش معین است چیزی که تغییر لازم دارد محل ملتزمین و مامورین از رکاب است که از قرار قبض در ولایات می‌گیرند بعضی علاوه از طلب خود می‌گیرند و به این جهت حاکم جزو باقی می‌اندازد و از میان می‌رود. بعضی دو جا می‌گیرند یکی از قرار قبض در ولایت و یکی از قرار برات در رکاب و بعضی را هم نمی‌دهند حاکم قبض می‌فرستد و کسی نمی‌داند این قبض مال صاحب موجب است یا مهر درب دکان حکاک بعد از گذراندن صاحبش به دیوان عارض شده مطالبه می‌کند. در اول سال سالیانه یا شش ماه هرچه معمول است برات بدهند و قبض صاحب مقرری به خرج بیاید.

محاسبات باید یک ماه از سال نو که بگذرد محصل مجلس اهل تحقیق التزام بدهد که هیچ محاسبه نگذشته [۱۸۰] نماند، زیرا که هر چه مال دیوان از میان می‌رود به جهت کهنه‌شدن محاسبات است. نوشتن جمع و خرج کل هر وقت لازم می‌شد سه نفر از مستوفیان

حسابدان مامور شده می‌نوشتند حالا یک نفر می‌نویسد اعتماد به جمع و خرج که یک نفر بنویسد کمال اشکال را دارد؛ اول اگر امین باشد در صورتی که از یک طرف جمع و خرج کل بنویسند و از طرفی به جمع و خرج جزو عمل دفتر و بروات رسیدگی نمایند، هر که باشد سهو می‌کند و اگر خدای نخواستہ امین نباشد هم سهو می‌کند و هم عمد مثل اینکه در زمان صدارت مرحوم میرزا آقاخان [نوری] صدراعظم محض اینکه دولت را به خودش محتاج کند مکرر به خاکپای مبارک عرض می‌کرد که جمع و خرج کل دولت سالی سیصد هزار تومان خرج علاوه بر دخل است که من محض خدمت به دولت عاملی می‌کنم و به جهت اثبات مدعی خود مرحوم میرزا ابراهیم نوری معین‌الملک [۱۹۰] را تطمیع کرده حسابی به دلخواه او نوشتند و سیصد هزار تومان برای دیوان باقی کشیدند و مرحوم میرزا مصطفی امین‌الملک مدعی شده حساب نوشته آنها را رسیدگی کردند یک کرور سیورسات قشون و مخارج نظام را یکجا جزو ولایات خرج آورده بودند یکجا جزو رکاب و دویست هزار تومان هم از سایر مخارج مکرر به خرج آورده بودند که هفتصد هزار تومان از حساب نوشته آنها برگشت نمود که چهارصد هزار تومان به جهت دیوان ماند البته به خاطر مبارک خواهد آمد.

جمع و خرج کل نوشتن وقتی معتبر است که سه چهار نفر بی‌غرض به اطلاع هم بنویسند و تصحیح کنند. عیوب دیگر هست که اطناب آن موجب زحمت خاطر مبارک می‌شود اگر قرار شد که هشت نفر اهل تحقیق در کارها رسیدگی نمایند همه این عیوب و عیوب دیگر برخاسته [۲۰۰] می‌شود و اگر رای مبارک قرار نگرفت این فقرات خاطر مثال عتبه علیّه ظل‌الله شده است؛ امر امر همایون است.



تعبیر
بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند سرور و پرورش مقامات نیکوکان خود را از سر بالا علی که انبیای عیال
و اوصیای کامکار و حکمای ماندگارند تا مدارج سفلی که ساکنین و ادویر در
و خیر دریاهاست محض رساندن فیض اصفا فرموده و میفرماید و باندازه عمل کلام
جزائی نبرداده و میسر بر سایه خدا نیز ناکیر است که رطب و یابس
نیکوکان خود را استماع فرموده اگر کی از نیکوکان پیچ پاس حقوق نمک او تقاضا
بنویسد تا سی خندانده استماع فرماید اگر فایده در آن تصور است حمل و ادائیج
نعمت کرده و او را منظر نظر غایت نماید اگر فایده تصور نیست چون گویند
قصدهش اظهار خدمت بوده دلی غفو و اغماض در چهره او شیده نشیده
انکار و علی فراچا کران درگاه محاسن اداره جلیله استیفا و معایب او را آنچه
میدانست بدین ملاحظه ترتیب قلمی داشته از آن خط مبارک نالیده استغفار غفران

قیام در رای کافی که جهت تشیید قواعد جمیل و مبادی آثار میل و اسباب
 ازیاده و دخل دولت و آبادی ولایت در رعیت بودند همیشه از اداره^{مصلحت}
 و قریه خایه بار که استیفا بوده است و کمال جد و جده از اولیای دولت
 در انشای نظم عمل و درستی آلات و ادوات این اداره بصلیه تجدیدی نظیر
 بوده که هر که از اصالت ثنای و امانت و دیانت خالی و جهان فکرم^{مکتوم}
 بوده در این دستگاه رای نداشته است و تقدیر اشخاص یکسخت نشان
 و علو مدارج و تحصیل نام نیک را در خدمت ملت و دولت از هر دو
 و مکتبی بهتر میدانشد منظور فرموده بل شرط اعظم این کار قرار میدادند و این
 لحاظ همواره حسابها پاک و مال دیوان بصورت دولایات آباد و مضر و مایوس
 رعیت محفوظ و خاطر مبارک اعلیحضرت ظل الله رو خاندان ارایان را که در بار
 اسوده بود و خیانت در میان خاندان منور رخسار هر دو ملت از دهر کسی

موجود بود و جمع کردن اصدی از سفید و مرکب بود تعدد ایشان مستحکم این بود
 که پست نفرستونی مال دیوان اعم از مالیات و لایات یا تحویل جمع
 دیوانی از هر قبل هر چه بود باید با تمام ثبت کنند و شرح دیوان آنچه را
 احکام مطاعه شرف صد در می یافت بشرح ایضا محاسبات
 که نوشته می شد با تمام حق رسیدن داشت کمال دقت بعمل می
 اگر صاحب جمعی با مباشر حساب خود میخواست از جمع خیزی ارقام بنویسد
 یا خرجی بدون قاعده و سند بنویسد بر حسب ضرورت باید باین پیش
 میداستان شود و الا کاری از پیش نمی برد و این مطلب واضح است
 که پست نفرستد و دزدی متفق نمی شوند و اگر شدند امکان عقلی ندارد
 که بروز کنند این بود که برای نعل کسی خزانة داشت و در حسابها
 و دستخطهای مبارک نمی شد قلم برد و در دو جا خرج نوشت و بعضی

بعضی قلع ب که کر بجا کپای مبارک عرض می کنند نمی شد
 خرابی این اداره از جهات عیدیه است اول علم و عمل اختصاص
 داشتن شخص واحد است و این خلاف رسم سابق بدست است
 که مرحوم قائم مقام تجربه بعضی خیالات بنده می که داشت در دولت علیه
 یاد کار گذاشت و بعد از او تدریج قوت گرفت تا حال که در غایت غلو
 است این کینه اگر این باشد بعمل صدف مردمی که خبر بردن مال دیون
 خیالی ندارند نمی تواند برسد و عمل خبر دهمه احاطه کند و خاین به نوع که باشد
 کینه امین را می تواند راضی نماید و کار در نزد این دو منحنی میماند و اگر صدای
 شجسته امین نباشد چون قادر غالب است و خاطر او از همه چیز جمع
 است احتمال دارد که اول با صاحب جمع پیچیده سخت بگیرد و بعد از عمل
 آمدن خط نفس صورت حالی می نویسد بعد از ماتی کشیدن و در حال

باقی در تحت باقی حرف صرح دیوید بعد از بدقی کتابچه دیوید کند که
 هم چندی می ماند همین که کند شد ضریجی تجر باقی تراشیده بعضی اوراق
 کتابچه را عوض می کند و اسناد را از اهلکی تحویل میدهد یا بنظر که امروز باید
 حکم این حساب تمام شود بعد از تحویل دادن سند هر چند نفری را که
 اند محاریم میداند در پای کتابچه زده دست صاحبش میدهد کسی حق ترند
 ندارد و اگر چاره صرفی بزند کارش خراب می شود چون دیوان یان
 کیفیت محتاج است لابد است همه افعال او را امضا بدارد
 و ویم بعضی خوارج در این نوع موجودند که کار آنها در دی و خیانت و کجی است
 و مکر خیانت آنها بطوری ظاهر شده که محل انکار و تبه احدی نموده است
 اشخاصی که با بصر و ره با شخص میز باید باشند شاعت آنها را و صغی
 در نظر مایلون جاوه داده اند که اسم میز را که گفته می شود باید وجود خارجی

خارجی میرا صورت قهر نسیم عیار باشد که در بجمام بامی کشند
 و باین واسطه نوعی خفیف و نیکین و سر در پیش است و در
 بارک غافل و باطل است بعضی از صاحبان کینه از ادعای
 خود راستی کرده بعد از آنکه سالهای متمادی هر چه خواست اردوان
 گرفت و خرج تراشیده بدن معین شدن صحت خرج سندی نیان
 و کسی حقی ندارد که در صحت و تقسیم آن صرف بزمیاری چون عادت
 اینطور جاری شده حساب را اینگونه ویرس و قهرم چون تمیاج است
 که بیکس در ریاست آن قل بگذار دمانی قرض داده حساب او را بیکس
 البته انسانیت هم درباره او بعمل خواهد آمد مثل مرحوم نظام الدوله که با مالکیت
 دولت و اجماع انشاء مال سی ساله دولت بکلی اریان رفت
 و بعد از سی سال این همه مردم نفقه میزدند که چه شده است و مکران هم

به شد که ذکر اسمشان ریا است فلان مستوفی با شریعی بزرگ بوده
 است البته چند نفر نیز را در انجام این عمل مشغول خدمت بوده اند و در
 انقضای این کار بنی آنده بعد از آنکه مرحوم شد وطنی از او ماند با شری این
 عمل بزرگ که چند نفر نیز برای بزرگ دست از رسیدن آن عاجز بوده اند
 اختصاص باین طفل دارد و حالا حالت اشطام در رسیدن این عمل
 معلوم است این عمل را میتوان گفت که شخص واحد برای این معین میکند
 که عمل خبر داین کار اختصاص بخودش داشته باشد کیفر باکی از بزرگان
 بسته کی دارد نه خط دارد نه سواد در چشمه چهار چشمه کار بزرگ را با و داده
 که محرک بر دو مستوفی باشد او مستوفی است یا محرک اگر او مستوفی است
 خط و سواد ندارد فلان جوان پسر فلان میرای صاحبان بزرگ است
 محض این نشان خدای حساب معتبر را باید بنویسد بعد از نوشتن حساب

اگر محرم بودی است دیوان چهارم دی استیضای محرم کرده دارد

آنکه حضرت رسیدن دارد یا چیزی به پند تواند بگوید یا سلام و صلوات
 نفرستد کی است ^{مندان} متوفی باشد و چشمه حباب است
 خود او در جمع و خراج آنها مشارک است در امانت آنها که حرفی
 نبرد و احدی قدرت استطلاع هیچ کاری ندارد این کار را ملک طوق
 او است از این جا صحت این عمل معلوم است ^{معدن} معدنی که در دنیا
 در پای کتیبه با میرند یا از ترس این است که از قطار توفیق
 خارج شوند یا این است که اسمی ندارند و نخواهند مرشان فضل
 سر باشد چون علم حباب اختصاص بکنف دارد سایر معدن با سحر است
 کتابچه با است نه تجمیع است بار نظم این کار خیلی آسان است و از
 دیوان خرجی میخواهد اسباب نظم این کار قیاس برست نفرستوفی جهان
 دیده کار از موده با امانت است که با صاحبان نزدیکی داشته باشد

خط نشان و استغفاری درجه و استغفاری نام نیک باشند و در واجب و در
 و نشان و اختیار و حساب و بروات میاوی بوده و پیک ادعای
 برتری بر دیگر می کنند و اطمینان داشته باشند که بجهت حفظ مال و دیوان
 احدی نمی تواند از دیگری آنها را اصرار کند و مثل عملشان را بگیرد این
 برشت نفر در ترقی و شرف و جمع و خرج اهل تحقیق بوده و مجلسی خاص نشینند
 مباشر حساب یا برات بعد از آنکه حساب و برات را نوشتند و حساب
 حساب و برات را نزد اهل تحقیق حاضر کرده هر یک جدا جدا افتد که در
 رسیدن اتمام لازم دارد و برسد وقتی که همه صحیح و درست باشند پس
 از آن خدمت رئیس کل آورده عرضه دارند حق ریاست کل هم این است
 که اگر اهل تحقیق خط و خطائی کرده باشند یا بنها حاکمی کنند که درست کنند بعد از
 آن رئیس کل خلاصه آنرا بنجاکای مبارک عرضه دارد پس از عرض حضرت

بدشرفانه مبارکه پا ورنه و سایر ستیغیان عظام برسند اگر شاهی بخواهد تومان از
 این حساب اختلاف پیدا کرد دیوان اعیان بخواهد تومان را با مواضع و وجوه بستان
 بدو و از وجوه اهل تحقیق کسر نماید و این جریمه آنها باشد که چرا با این غیایا
 که در حق آنها نبندول است خطا کرده اند عمل حساب اول عمل دخل
 دولت است و انتظام این کار از هر کاری واجب تر است و آن از
 دو باب خارج نمیشود اول مالیات و مایهات بها است دوم بدو مایهات
 بها است و در اهل تحقیق مشغول است که باب مالیات را مستخرج ساخته با کمال
 امانت و دیانت بر شکافی نمایند در هر جا اختلافی پیدا کردند فی الفور جمع
 و اگر برای دیوان از پسل جدید المنق یا تفاوت خالص یا چیزی دیگر حاصل شد
 بشرح ایضا در اولیای دولت مشغول است که تحف و هدایا و تبرکاتی
 اطراف را محض ورود در هر پسل نهاد یا خبری که سخاکای مبارک دارد



میشود بر صاحب جمعی که حسب الحکم دادند رئیس کل خلوت میاید که باید
 همیشه در خلوت حاضر باشد فی الفور در همان روز از صاحب جمع قبض گرفته نزد
 اهل تخت فرستاده که آنها ثبت نمایند بعد بضابطه نسخ در هر دو
 قبض بکند که این باید چند محل ثبت باشد و احدی نتواند حیث و سیل نماید بعضی
 خیر بارانجا کپای مبارک عرض میکنند که این جا بهار لازم نیست میرا
 به اندام الحمد لله پادشاه قادر و غالب و قاهر و مالک رقاب است
 و میرا به تجویض اهل تخت انشاء و قروم محراب و شمار چه فساد از
 دانستن این میرا با ظاهری شود که از علم دیگران ظاهر نمی شود یا ^{الله} ناطل اسد
 چیزی از بعضی دارد که باید بعضی خیر بارانجا کند سوای خزانه اندرون
 و نمره مبارکه که عیش احتضامی علی حضرت ظل اللهی است بهی خیر یار
 قلم میرا خارج نشود ذره ذره جمع کرد و دانمندی در ما شود



بعد از اتمام عمل دخل باید کار خرج از هر جهت منظم باشد که دیار دیار که از پناه
 زن و یتیم و غیر این نجات گرفته می شود بعد از مخارج ضروری دولت ضرر
 معادن و ماسن راه و سبزه باغی که منافع عظیمه از آنها حاصل می شود و
 کارخانه جات که اسباب ترقی دولت و آسایش ابالی ملت است و آب
 املاک و ولایات خراب و سایر کار باغی که خیر دنیا و آخرت دارد
 و یادگار این مردم موجود است بشود نه اینکه مکرر تباه دیوان یک کرد و ضرر
 باغ فردوس شود که هر چه تصور کنی سویی اینکه مصالح او را بفروشی هیچ کاری
 نماند از این قسمل کار زیاد است که نمیتوان تعداد داد ^{صدر}
 دستها مبارک است که بجهت خراج محاسبات بتدریج صادر می کنند
 بعد از آنکه یک سال یا دو سال بماند یک عددی زیاد نزد صاحب جمع جمع می شود و آنوقت
 آنها را نزد مستوفی مباشر حساب برده مطالبه رات می کند مستوفی



یا ادم این هر که باشد بمن که دید حافی و ناظری در کار نیست و هر چه بود
می کند و البت طبع او را آسوده نمی گذارد اول چون نوشتن و شط را بقاعد
علم سیاق نمی نویسند که خوش و بازی و میزان یعنی داشته باشد و بازی
نصفه یا بالمصاحف خورده باشد که نتوان چیزی در او داخل کرد بقدر مقدار
و کفاف در بعضی آنچه باید کرد می کند و بار صبا جمع و خودش را با می کند
تتمه هم برای مصروف دیگر نزارد حاضر است برات را نوشته در شرح
برات ننویسد از قرار دشت مبارک که نزد فلان مستوفی ضبط است
و مهر می کند شخص واحد بلا خط مهر مستوفی این مهر می کند دو مرتبه برات
بصورت دشت مبارک رسیده تهیه سند خرج ضبط می کنند فرضاً با نصف دشت
مبارک متبذل بچند برات مهر کنند مستوفی و این پانصد دشت مبارک
اقلاً که از صد هزار تومان منت و این دشت با این خط نسخ کشیده شود



که دوست به توان جانی خرج دوست نشانیده نزد ستوفی این
 حاضر است هر جا در بانه هر قدر بنجاید و شطح حاضر دارد و غریب اول
 اگر اطلاع و امانت کینه ستوفی در یکصد هزار تومان معتبر و کافی است شطح
 یعنی معتبر شد چه یکصد هزار تومان چه ده کرد در همه حسابها را یک نفر بنویسد و بگوید
 این همه سر را برای چه مواجب بدید این کینه همه حسابها را بنویسد اقل
 مواجب این همه سر را برای دیوان میانه باز خوب است و دوم اگر
 دولت با و کینه ستوفی از دولست طر او شطح مبارک است منی است
 چه این همه رخصت دادن بوجد مبارکی که اسباب آسوده کی و اطمینان
 یک دنیا مردم است از چه راه است اگر این دو باطل است صد در
 و شطح مبارک از دوستی عالی نیست یا طر الله از نوشن آن ناکر است
 مثل آنکه در اندون یا شکارگاه یا جانی شریف دارند که برات نویس



حاضر نیست و کاری لازم می شود که باید دستخط مبارک شرفند در باید
 این دستخط را بهر اداره که متعلق است ببرد و مستوفی آن اداره برات
 آن را بنویسد و دستخط را نخه بکشد و برات را مهر کند و دستخط نخه کشیده را
 لای برات بگذارد که اشخاصی که آن برات را مهر می کنند در زمان
 مهر کردن بهر بنسبت در آخر ضابطه سند خرج که برات را مهر می کند
 دستخط نخه کشیده را ضبط کند و برات را مهر کند یا اینکه برخلاف شرح
 مذکور است هر خرجی که است عوض فرست که بعد دستخط مبارک زمین
 می شود برات بنویسند همان برات بدستخط مبارک زمین شود
 که این فایده با نتیجه مردم حاصل نشود و در خدمت بجهت مبارک زمین
 و این ثبات بجای مرتفع گردد مخارج کفیفه تعلق بهمل و لای
 دارد مثل کهنه و شقه قنات و مقبری و ستمی و دیگر می بریم

و غیره چاکران درباری چون این دو با اختیار احدی تسلط بر همه صاحب
 مرحمت شود مقرر کرد که سوای فرمان و برات هیچ حکمی مجری نباشد اگر در
 سنجایی که مخارج دولتی از اندازہ خارج نشود اداره جلیلہ استیفاء تحریک گاه نشین
 اندازہ دخل و خرج دولتی است باید مقرر شود که حساب هیچ اداره از اندازہ
 استیفاء خارج نشود در شستن دست در العلماء و محاسبات فائز بن حسین
 چیزی که تغییر لازم دارد محل تمرین و مأمورین از رکاب است که از قرض
 در ولایات میگیرند بعضی علاوه از طلب خود میگیرند و بان چه حاکم خبرداتی
 می اندازد و از میان میرود بعضی دو جا میگیرند یکی از قرض در ولایت
 و یکی از قرار برات در رکاب و بعضی را هم نمیدهند حاکم قرض میبرد کسی
 نمیداند این قرض مال صاحب مراجب است یا مورد رب دکان چاکر
 اگر اندان صاحبش در میان حاضر شده مطالبه می کند و در اول سال یا سال
 شش



هر چه معلول است برات بنمید و قبض صاحب تقدیر بخرج محاسبات
 نماید ارسال نوز که بگذرد و محصل مجلس اهل تحقیق الترام بدو که هیچ محاسبه نشده
 نماید زیرا که هر چه مال دیوان از میان میرود و بجهت کثرت شدن محاسبات است
 نوشتن جمع و خرج کل هر وقت لازم می شود بر نفر از سر بیان
 حساب دان ما مر شده می نوشتند حالا کینفر بنویسد اتمام و جمع و خرج
 که کینفر بنویسد کمال اشکال را دارد اول اگر این باشد در صورتیکه از یک طرف جمع
 و خرج کل بنویسند و از طرفی بجمع و خرج جزو عمل و ضرر در دات رسیدگی نماید
 هر که باشد سر و می کند و اگر خدای نخواسته این نباشد هم سر و می کند و هم عهد
 مثل آنکه در زبان صدارت مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم محض آنکه دولت را
 بخودش محتاج کند مگر بجا کسای بارک عرض میکرد که جمع و خرج کل دولت
 سالی سیصد هزار تومان خرج علاده بر دخل است که من محض قدرت

بدولت عالی کینم و کجی اثبات مدعای خود مرحوم میرزا ابراهیم نوری
 را تظلم کرده چنانچه لخواه او نوشته شد و سیصد هزار تومان برای دیوان باقی
 کشیدند و مرحوم میرزا مصطفی امین الملک مدعی شده حساب نوشته آنها
 را رسیدگی کردند یک کر در سیرسات قشون و مخارج نظام را یکی
 جزو ولایات خرج آورده بودند یکجا جزو رکاب و دولیت نزارتوان
 هم از سایر مخارج مکرر خرج آورده بودند که همشده نزارتوان از حساب
 نوشته آنها برگشت نموده که چهار صد هزار تومان بجهت دیوان مانده است
 بخاطر مبارک خواهد آمد جمع و خرج کل نوشتن و قبی معتبر است که
 چهار نفر مغرض با اطلاع بهم نرسیدند و تصحیح کنند عجیب و غریب
 که اطباء آن موجب رحمت خاطر مبارک می شود اگر قرار شد که پشت
 نفر ایل تهنیت در کارها رسیدگی نماید همه این عجیب و غریب دیگر نوشته



۲۰

می شود و اگر راسی ببارک دار گرفت این نقرات خاطرشان
محبوبه عظیمه ظل الله شده است امر امر بسیار است



پی‌نوشت

- ۱- شماره سطر.
- ۲- فتحعلی‌شاه قاجار.
- ۳- برات دیوانی: نوشته‌ای که از طرف دیوان وزارت و بارگاه به خزانه‌دار یا ولایات فرستاده می‌شد تا در مقابل آن وجه یا جنسی به آورنده بدهند» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۲/ ذیل «برات»). برای اطلاع بیشتر از ساختار و کارکرد برات دیوانی رجوع کنید به: (محمدی و ثمره‌حسینی، ۱۳۹۴، صص ۱۵۹-۲۰۱).
- ۴- کتابچه‌هایی که توسط مستوفیان نگارش می‌شد انواع مختلفی داشت و فقط مختص امور مالیاتی نبود. برای نمونه «کتابچه بازدید اسلحه‌خانه مبارکه سرکاری ابوابجمعی معتمدالسلطان اسمعیلخان پیشخدمت و اسلحه‌دارباشی به تاریخ شهر شعبان ۱۳۱۳» (ساکما، ۱۳۹۵/۷۱۸۳).
- ۵- منظور نویسنده به احتمال بسیار زیاد دوستعلی‌خان نظام‌الدوله (معیرالممالک) فرزند حسینعلی‌خان معیرالممالک است. نخستین شغل معتبر دوستعلی‌خان نظام‌الدوله حکومت یزد بود. او در اواخر سلطنت محمدشاه در ۱۲۶۴ از آن سمت معزول شد و در ۱۲۷۴ پس از فوت پدر سمت خزانه‌داری و منصب معیرالممالکی و ریاست بیوتات سلطنتی یافت و در ۱۲۸۳ دارای مقام‌ها و مناصب ذیل بوده است: خزانه‌داری، جمع‌آوری و تحویل‌داری وجوه مخصوص خزانه اندرون، وصول مالیات و اقساط پرداخت وجوه، تصدی ضرابخانه، کالسکه‌خانه، زنبورکخانه، حکومت گیلان و یزد. او در ۱۲۸۸ عضو دارالشورای کبری شد و علاوه بر آن اندک زمانی وزارت مالیه هم به او تعلق گرفت. نظام‌الدوله دو سال بعد در اوایل ۱۲۹۰ در پنجاه و چهار سالگی به مرض تیفوس یا محرقه درگذشت (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹۰).
- ۶- میرزایوسف‌خان مستوفی‌الممالک در سال ۱۲۹۸ هجری قمری فرزند هفت ساله خود میرزاحسن‌خان را با تأیید ناصرالدین‌شاه ملقب به مستوفی‌الممالک کرد. شاه در ۱۳۰۳ پس از مرگ میرزا یوسف‌خان تمامی مشاغل و مسئولیت‌های او را به پسرش میرزاحسن واگذار کرد. میرزاحسن‌خان مستوفی‌الممالک در ادامه بیش از ۱۵ بار وزیر و ۱۱ بار نخست‌وزیر شد (سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴).
- ۷- متن یک برات دیوانی: «بیتایع قلمکار اصفهانی از عالیجاه حاجی عبدالوهاب قلمکار ساز اصفهانی که حاصل از قرار قبض جناب خازن‌الملک ابوابجمع خزانه مبارکه می‌شود و قبض مزبور نزد جناب جلالت‌مآب میرزاعلیرضا مستوفی ضبط است: [سیاق]: ۱۰۰۰ تومان [کسر از]: ۱۰۰ تومان رسم تومانی ۳ هزار دیناری: [تمه]: ۹۰۰ تومان. مقرر: سنه اودئیل. [سیاق]: ۹۰۰ تومان: مبلغ نهصد تومان وجه رایج خزانه است. [سیاق نصف]: ۴۵۰ تومان. تحریراً فی شهر شوال المکرم سنه ۱۳۱۹ (ساکما، شماره ثبت ۵۷-۲۰۳).
- ۸- نویسنده کتاب قوانین‌السیاق در تعریف نسخ‌کردن اسناد دیوانی آورده است: «به‌معنی نوشتن چیزی و از چیزی نقل کردن [است]. به کتابت اهل فن بعد از آنکه اسناد جمع و خرج مودی را کتابت کرده



مقابله نمایند و خواهند رد کرد یا بگیرند و مفاصا بسپارند، علامت بطلانی در قبوض و بروات کشند تا از درجه اعتبار ساقط شود و هروقت که خواهند، در دست باشد آن را نسخه کشیدن و نسخ کردن گویند» (کاشانی، ۱۲۵۵، ص ۱۴۵).

۹- مستوفی که وظیفه صدور برات دیوانی را بر عهده داشت. برات‌نویسان دو دسته بودند: دسته‌ای که برات‌نویسی دسته خاصی از اشخاص را بر عهده داشتند مثل برات‌نویس صندوقخانه و آبدارخانه؛ دسته دوم برات‌نویسانی که محدود به صدور بروات یک طبقه نبودند و بروات اشخاص مختلف را صادر می‌کردند. برای اطلاع بیشتر به مصدق، ۱۳۰۴، ص ۱۱۰ مراجعه کنید.

۱۰- برای هر کدام از مخارج دولتی یک نوع برات صادر می‌شد و شرح و مبلغ آن در برات قید می‌شد. برای مطالعه بیشتر به ثمره‌حسینی و محمدی، پیام بهارستان، ۱۳۹۴، ص ۹ مراجعه کنید.

۱۱- مستوفی برای هر یک از ولایات قلمرو خود، هر ساله دستورالعملی (بودجه‌ای) ترتیب می‌داد. جمع این دستورالعمل، خلاصه دفتر جز و جمع ولایت و خرج آن، مصارف محلی از قبیل جیره و مواجب شش‌ماهه افواج مرخص‌خانه ولایت و مواجب کارکنان محلی و حق‌الحکومه حکام و اجمالاً تمام مصارف دائمی این ولایت بود. البته بعد از این جمع و خرج اولیه، مبلغی باقی می‌ماند. بعد از آن، مصارفی که به امر اولیای امور در این سال باید بخرج این ولایت بیاید، مانند جیره و مواجب افواجی که در این سال پادگان (ساخلو) ولایت را تشکیل می‌دادند و همچنین مواجب رجال و اعیان و اشخاصی که به موجب امر مقالات بالاتر حقوقشان را از این ولایت باید دریافت دارند، بخرج این باقی منظور می‌گردید. دستورالعمل هر ولایت قبل از عید نوروز تمام می‌شد و به امضای مستوفی‌الممالک و صدراعظم و صحه شاه میرسید و برای حکام می‌رفت که از روی آن مالیات‌ها را وصول و مصارف را پرداخت کنند و باقی تحت دستورالعمل را به خزانه برسانند (مستوفی، ج ۱، ص ۴۲۳). نویسنده کتاب فروغستان نیز دستورالعمل را این‌گونه تعریف کرده است: «بدان که در اول سال یا اول عمل مباشری و آنچه برای دانستن و قرار داد و ستد او جمعاً و خرجاً نوشته به دست او دهند آن را دستورالعمل خوانند و صورت آن با مفاصاحساب تفاوتی ندارد، مگر اینکه غالباً مخارج ولایتی را از حشو جمع آن موضوع داشته سایر اطلاعات را در تحب باقی معین نمایند» (فروغ‌اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۵).

۱۲- در هر سال بعد از ختم دوره عمل، باید محاسبه سال قبل صاحب‌جمعان رسیدگی شود و مستوفی مکلف بود گذراندن حساب سال قبل ولایات قلمرو خود را از حاکم بخواهد. حاکم تمام قبوض و اسناد خرج حساب خود را یا خود یا به‌وسیله پیشکارش نزد مستوفی می‌فرستاد. جمع این محاسبه، همان مبلغ جمع دستورالعمل بود، مگر اینکه در عرض سال مقامات عالیه دولتی تخفیفی به مالیات ده یا بلوکی داده باشند که در اینصورت تخفیف از آن کسر می‌گشت یا بخرج صاحب‌جمع می‌آمد. خرج این جمع همان مخارج دستورالعملی و قبض‌های رسید وجه باقی دستورالعملی به خزانه‌دار بود ولی با این قید که باید قبض رسیدهای مصارف و مواجب اشخاص تحویل مستوفی شود تا مستوفی دقت‌های



- لازم را در صحت صدور رسیده‌ها به عمل آورد و محاسبه را تنظیم کند و اگر باقی داشته باشد، حاکم نقداً باید به خزانه بپردازد و قبض رسید خزانه تحویل کند که محاسبه باقی و فاضلی نداشته باشد. بعد از این اقدامات، مستوفی محاسبه نوشته حاضر را به دفترخانه می‌برد تا رسیدگی نهائی در آن به عمل آید (مستوفی، ج ۱، ص ۴۲۴).
- ۱۳- پس از قتل میرزا تقی‌خان امیرکبیر از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۶ صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار بود. به راوندی، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۵۰۸ مراجعه کنید.
- ۱۴- در سال ۱۲۶۷ که میرزا مصطفی سرشته‌دار اتابیکی بود، به منصب استیفاء و لقب امین‌الملک نیز نایل آمد (سلیمانی، ۱۳۷۹، صص ۴۵-۴۶).
- ۱۵- اصل: برخواسته.

منابع کتاب

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ انوری. تهران: انتشارات سخن.
- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما (۱۳۵۶). افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. تهران: انتشارات آگاه.
- ثمره‌حسینی، مرضیه؛ محمدی، امین (۱۳۹۴). تحلیل ساختار برات‌های دیوانی دوره قاجار. گنجینه اسناد، سال ۲۵، شماره ۱۰۰.
- خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۸۱). مستوفیان و مستوفی‌الممالک در دوره قاجار. نامه انجمن، شماره ۸، صص ۶۴-۷۵.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ج ۲، تهران: نگاه.
- سرجان ملکم (۱۳۸۳). تاریخ ایران. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: انتشارات سنائی.
- سعادت‌نوری، حسین (۱۳۴۴). حاجی میرزا آقاسی. یغما، شهرپور، ش ۲۰۶، صص ۳۰۶-۳۱۲.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹). القاب رجال دوره قاجاریه. تهران: نشرنی.
- سیمونیچ، ای. او. (۱۳۵۳). خاطرات وزیرمختار (از عهدنامه ترکمن‌چای تا جنگ هرات). ترجمه یحیی آربین‌پور، تهران: انتشارات پیام نور.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۳). ایران در دوره سلطنت قاجار. چاپ ۱۱. تهران: نشر مدبر.
- فروغ اصفهانی، محمدمهدی (۱۳۷۸). فروغستان. به کوشش ایرج افشار. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- فلور، ویلم (۱۳۹۵). تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.



- لسان‌الملک (سپهر)، محمد تقی (۱۳۵۳). *ناسخ‌التواریخ*. مصحح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران*. تصحیح ایرج افشار، ۳ جلد، ج ۲، تهران: اساطیر.
- محدث، میرهاشم (۱۳۹۱). *رسائل اعتمادالسلطنه: شامل بیست و چهار رساله*. تهران: اطلاعات.
- محمدی، امین؛ ثمره‌حسینی، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی اسناد برات و شبه برات. *پیام بهارستان*، ش ۲۶، صص ۱۵۹-۲۰۱.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه یا شرح زندگانی من*. تهران: انتشارات زوار.
- مصدق، محمد (۱۳۰۴). *اصول قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران*. تهران: مطبعه تمدن.
- مصدق، محمد (۱۳۶۵). *خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق*. به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.
- نورایی، فرشته (۱۳۵۲). *تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله*. تهران: کتابهای جیبی.

نسخه خطی

- کاشانی، محمدکاظم، *قوانین السیاق*، ۱۲۵۵ ق، نسخه خطی، مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ب ۱۱۰-ادبیات / ۵۰۲۴.

سند

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ثبت ۵۷-۲۰۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۵/۷۲۸۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۵/۷۱۸۳.



سرپل‌ذهاب، هدیه جاده عتبات جغرافیای تاریخی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار

دکتر صباح قنبری و صباح خسروی‌زاده

چکیده

موضوع مقاله حاضر در واقع جغرافیای تاریخی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار است. این شهر در فاصله ۱۴۷ کیلومتری کرمانشاه و در مرزهای غربی با کشور عراق قرار دارد. در پیشینه جغرافیای سرپل‌ذهاب سابقه و ریشه دو شهر حلوان و ذهاب وجود دارد. بعد از ویرانی و فراموشی شهر ساسانی - اسلامی حلوان در دوره ایلخانان و نابودی شهر ذهاب در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، خیلی زود و فقط در فاصله حدود بیست کیلومتری ذهاب، شهر سرپل‌ذهاب با هویتی مستقل حیات شهری خود را آغاز کرد. از اقبال بلند شهر یکی این بود که در مسیر جاده عتبات قرار داشت و از میزبانی و شیوایی قلم سفرنامه‌نویس‌های عتبات برخوردار شد. این مقاله می‌کوشد به اندازه وسع منابع به بررسی تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی این شهر کوچک در دوره قاجار بپردازد.

کلیدواژه‌ها

سرپل‌ذهاب، سفرنامه‌ها، قاجار، عتبات.



سرپل‌ذهاب، هدیه جاده عتبات جغرافیای تاریخی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار

دکتر صباح قنبری^۱ و صباح خسروی‌زاده^۲

مقدمه

موقعیت جغرافیایی مناسب برای شکل‌گیری شهر به‌تنهایی کافی نیست بلکه این اراده انسان است که تصمیم می‌گیرد در کجا عمارتی بر پا کند. ویدال دو لابلش (۱۸۴۵-۱۹۱۸ م.) -جغرافیدان اختیار و امکان‌گرای فرانسوی- اعتقاد دارد طبیعت عرضه‌کننده بستر ساخت و مقر و مکان جغرافیایی شهر است و انسان به دلخواه، ارگانیزم شهری را بر این نشستگاه می‌نشاند. قدرت خلاقیت و سازندگی انسان در ساخت و پرداخت شهرها به‌مراتب بیش از روستاها نقشی است و شهر جز نشانه‌ای از مساعی عظیم انسان‌ها بر پهنه زمین نیست. بنابراین جبر تاریخی در مورد ظهور، رشد و قدرت‌یابی و افول و عظمت شهرها محتمل است و نمی‌توان آن را به مانند قانون تغییرناپذیر قبول کرد. در تکامل شهرها، فقط شرایط آمرانه طبیعی حاکم و جبر جغرافیایی را نیز در کل و به‌طور سربسته نمی‌توان باور داشت، زیرا جبر طبیعی و فاتیلیسم جغرافیایی در زایش، رشد و حرکت تکاملی شهر، اثری نسبی دارد (فرید، ۱۳۸۴، صص ۸-۱۰) گاهی حتی برخی از جای‌ها که ظاهراً قابلیت تبدیل شدن به یک شهر را ندارد بر اثر رخداد یک حادثه خاص مثل یک واقعه مذهبی برجسته می‌شود. سرپل‌ذهاب در دشتی هموار و در کنار رودخانه الوند این شانس را داشت که به یک شهر تبدیل شود. اما آنچه که سرپل‌ذهاب^۳ یا پل ذهاب را اوایل دوره قاجار از یک ده به یک شهر کوچک مرزی تبدیل کرد رونق جاده عتبات بود. محرومیت این شهر کوچک از سیاست‌های عمرانی دولت کم بودجه قاجاری، شیوه اجاره

۱. دکترای تاریخ اسلام؛ @sabah.gh62@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، کارشناس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ @sabah.khosravi@gmail.com

۳. زهاب یا «زهاو» اسمی پهلوی و کردی از ریشه «زه+آب یا آو» است که محل تراویدن آب و موضع چشمه را معنا می‌دهد. با توجه به سکونت تاریخی مردم کرد و وجود اصطلاح‌های مشابه مثل «ریجاب= ریژاو»، «پراو»، «سراو» و ده‌ها نمونه دیگر در این منطقه املاي زهاب و معنای آن صحیح‌تر است؛ از طرف دیگر اسناد و منابع تاریخی از دوره صفویه و قرارداد زهاب (۱۰۴۹ ق.) تا اواخر دوره قاجار از املاي زهاب استفاده کرده‌اند و فقط از اوایل دوره پهلوی بود که به اشتباه شکل ذهاب به‌معنای محل رفت‌وآمد رایج شده است. از آنجا که در نقشه رسمی کشور نام این شهر به‌شکل سرپل‌ذهاب نوشته شده، در این مقاله نیز از همین روش نگارشی پیروی شده است.

حاکمیت آن به صورت مقاطعه و ظلم حاکمان محلی به تبع آن مانع از تکامل شهر سرپل ذهاب در این دوره شد.

موقعیت جغرافیایی سرپل ذهاب

طبق آخرین تقسیمات کشوری، شهرستان سرپل ذهاب با مساحت تقریبی ۱۲۷۱ کیلومتر مربع و جمعیت ۸۵۶۱۶ نفری در ۴۵ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۲۴ درجه عرض جغرافیایی در غرب کشور قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به ثلاث باباجانی، از شرق و جنوب شرقی به شهرستان دالاهو، از جنوب و جنوب غربی به شهرستان گیلان غرب و از غرب به شهرستان قصر شیرین و خاک عراق محدود می شود (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، ص ۳). سال ۱۳۲۹ ش. در تقسیمات کشوری به شهر ارتقا پیدا کرد و در سال ۱۳۶۸ ش. با دارا بودن یک بخش مرکزی و پنج دهستان، حومه، قلعه شاهین، بشیوه، دشت ذهاب و پشت تنگ مرکز شهرستان شد. مساحت کل اراضی این شهرستان ۱۱۹۴۰۰ هکتار است و فاصله آن تا کربلا ۲۷۰، تا تهران ۶۸۰ و تا کرمانشاه ۱۴۷ کیلومتر است. سرپل ذهاب به طور کلی در موقعیت آب و هوایی گرم و خشک قرار دارد. اما قسمت های شمالی و شرقی آن در شرایط اقلیمی معتدل کوهستانی هستند. این تفاوت آب و هوایی، تقریباً فقط در مساحت ۱۲۷۱ کیلومترمربعی این شهر باعث تنوع در پوشش گیاهی و جانوری و البته زیست انسانی شده است. ناحیه گرم و خشک شهر، تابستان های گرم و طولانی با درجه حرارتی نزدیک به ۵۰ درجه دارد که در آن به ندرت برف می بارد در حالی که در نواحی معتدل آن بارش برف نادر نیست. در تاریخ منتظم ناصری ذیل حوادث سال (۱۲۷۲ ق.) آمده است که در ذهاب تگرگی باریده که از قرار معلوم هر دانه به قدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواش را تلف کرده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۸۷۶). اما تابستان های گرم سرپل نیز وقتی با بادهای سمی همراه شود کشنده است (احتسابیان، ۱۳۱۸، ص ۱۴۸).

پیشینه شهری در جغرافیای تاریخی سرپل ذهاب

در جغرافیای تاریخی شهر سرپل ذهاب امروزی، تا قبل از پیدایش آن با هویت و نام سرپل ذهاب، حداقل به صورت روشن دو شهر حلوان و ذهاب حیات تمدنی داشته اند. حلوان از شهرهای بزرگ دوره ساسانی و بر سر شاهراه بزرگ خراسان-تیسفون قرار داشت. اوایل دوره اسلامی نیز به علت پیوستگی جغرافیایی قلمرو اسلام، جاده حج - به خاطر عبور و مرور کاروان های حج از مسیر آن - حلوان اهمیت خود را حفظ کرد. با حمله مغول و تقسیم ممالک اسلامی به شرقی و غربی، جاده حج اهمیت خود را از دست داد و حلوان رو به ویرانی نهاد.

در نتیجه جنگ‌های صفویه-عثمانی به تدریج منطقه سرپل ذهاب امروزی اهمیت زیادی یافت. وقتی عثمانی به موجب قرارداد صلح (۱۰۴۹ق.)، بخش‌هایی از غرب قلمرو ایران را به دست آورد، ذهاب را به عنوان یکی از پاشانشین‌های بغداد مرکز فرماندهی خود قرار داد. دولت عثمانی در ذهاب به وسیله حاکمان تابع خود- باجلان‌ها بنیان شهری را همزمان با آغاز دوره نادری گذاشت که بالاخره در نتیجه لشکرکشی محمدعلی میرزای دولت‌شاه در سال ۱۲۲۶ق. دوباره به خاک ایران الحاق یافت که البته در نتیجه این جنگ‌ها و کوچ اجباری ایل بزرگ باجلان شهر ذهاب رو به ویرانی نهاد. اما از اقبال بلند، رونق جاده عتبات مخصوصاً از دوره ناصری به بعد زمینه پیدایش شهر سرپل ذهاب را در فاصله بیست و چند کیلومتری شهر ذهاب و در کنار کاروانسرای شاه عباسی فراهم ساخت (برای مطالعه درباره شهر حلوان، شهر ذهاب و شکل‌گیری شهر سرپل ذهاب به قنبری و خسروی‌زاده، ۱۳۹۱ مراجعه کنید).

شکل‌گیری شهر سرپل ذهاب و بررسی جمعیتی آن

هسته اولیه شهر سرپل ذهاب امروزی به تدریج اوایل دوره قاجار بنیان نهاده شد. ابتدا دولت عثمانی با احداث گمرک در تنگه میانکل حیات شهری آن را آغاز کرد. اولیویه که ۲۱ ذی‌القعدة ۱۲۱۰ق از «ده سرپل» عبور کرده است به وجود این گمرک‌خانه اشاره می‌کند که از هر بار سی‌پاره مطالبه می‌کرد (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۷). متأسفانه در این دوره با فقر اطلاعاتی منابع درباره سرپل روبه‌رو هستیم. آنقدر می‌دانیم که کاروانسرای رو به ویرانی و چند زاغه گلی در کنار این گمرک‌خانه بوده است. وقتی در سال ۱۲۲۶ق. دوباره سرپل و قصرشیرین به خاک ایران ضمیمه شد گمرک به قصرشیرین انتقال پیدا کرد. ابتدا شهر در قسمت شرقی رودخانه و در محدوده فعلی میانکل استقرار داشت اما به تدریج در قسمت غربی رودخانه و در کنار کاروانسرا، در دو سوی رودخانه توسعه پیدا کرد. با رونق جاده عتبات، فرصتی برای رشد سرپل با کارکرد خدماتی زیارتی فراهم شد. میرزا سیدمحمد تقوی که شب یکشنبه ۲۵ شعبان ۱۲۴۰ق. در این کاروانسرا خوابیده است قدمت آن را به دوره صفوی و شاه‌عباس مربوط دانست که تمام خراب و کثیف و در آستانه ویرانی بوده است (تقوی‌قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۰). از دوره ناصری سفرنامه‌نویسان از رونق نسبی کاروانسرا صحبت می‌کنند. ناصرالدین‌شاه ۱۶ شعبان ۱۲۷۶ق. آن را کاروانسرای معتبر ملاحظه می‌کند و بنای آن را به شیخ‌علی‌خان زنگنه (۱۰۲۰-۱۱۰۰ق.) ارجاع می‌دهد که توسط محمدحسین‌خان قراگوزلو معروف به حسام‌الملک (ف ۱۳۰۷ق.) تعمیر شده است (ناصرالدین‌شاه، بی‌تا، ص ۹۱). شیخ‌علی‌خان زنگنه از سال ۱۰۶۴ق. و در زمان شاه‌عباس دوم حاکم کرمانشاه بود تا اینکه در ۱۰۸۰ق. به وزارت شاه‌سلیمان صفوی رسید. با توجه به شهرت کاروانسرا به عباسی و اشاره ناصرالدین‌شاه به



شیخعلی خان زنگنه حاکم کرمانشاه در زمان شاه‌عباس دوم، احتمالاً قدمت این کاروانسرا به دوره صفوی و پادشاهی شاه‌عباس دوم و حکومت شیخعلی خان زنگنه در کرمانشاه بر گردد. از نظر زمانی هم باید تاریخ ساخت آن بین سال های ۱۰۶۴ تا ۱۰۸۰ ق. باشد. تا اینکه دوباره سال ۱۳۰۴ ق. نویسنده سفرنامه «از حریم تا حرم» نوشته است که از ثلث مرحوم نیم‌تاج‌خانم به‌شکل ایوان و بدون اتاق در حال تعمیر بودند (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۸). در نتیجه این تعمیرات است که علی‌اکبر هما سال ۱۳۱۷ ق. تنها مکان دلپذیر سرپل را «رباط شاه‌عباسی» دانسته است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۶). پل تاریخی شهر هم جلوی دهکده میانکل بر روی رودخانه حلوان یا الوند مقابل کاروانسرا قرار داشت. منابع آغازین قاجاری اشاره‌ای به این پل ندارند. اوژن فلاندن که در فاصله سال های ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۸ ق. از مناطق مختلف ایران دیدن کرده است به این پل اشاره و آن را تازه‌بنا و با دو چشمه نوشته است (فلاندن، ۱۳۵۶، ص ۲۱۱). اما ناصرالدین‌شاه سال ۱۲۷۳ ق. آن را پلی با سه‌دهنه نوشته که قدری خرابی دارد (ناصرالدین‌شاه، بی‌تا، ص ۹۱). از دوره ناصری به بعد منابع به‌طور مکرر به این پل اشاره کرده‌اند. علی‌اکبر هما سال ۱۳۱۷ ق. ضمن عبور از پل آن را پلی با سه چشمه بزرگ توصیف کرده است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۷). اما اوژن اوین سال ۱۳۲۵ فقط به دو چشمه پل اشاره می‌کند (اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۵۶). آنطور که از روزنامه سفر کربلا بر می‌آید، طهماسب میرزا مؤیدالدوله که بین سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۱ ق. در کرمانشاه حکومت کرده است و حاکم بعد از او یعنی محمدحسین خان قراگوزلو معروف به حسام‌الملک (ف ۱۳۰۷ ق.) در بازسازی و تعمیر این پل نقش داشته‌اند (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). می‌دانیم که اوایل دوره قاجار سرپل از داشتن حمام محروم بوده است زیرا احمدبن محمدعلی بهبهانی معروف به آل‌آقا سال ۱۲۱۰ ق. هنگام عبور از سرپل ذهاب برای حمام مجبور شد به چشمه سراب گرم در خارج از شهر برود (آل‌آقا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۹۶). اولین منبع در دسترس ما که به وجود حمام در سرپل اشاره می‌کند نسخه خطی سفرنامه عتبات علی‌اکبر هما مربوط به سال ۱۳۱۷ ق. است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۸). اما گزارش نسبتاً مفصلی درباره حمام سرپل از زبان محمدحسین خان هروی معروف به خان افغان در دوم ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ق. داریم. به نوشته خان افغان فوته به کمر داشتند و بقیه مردم بدون حجاب داخل می‌شدند. خان افغان از حمامی درخواست لنگ می‌کند که با تعجب متوجه می‌شود که حمام لنگ ندارد. در این زمان نعمت‌الله خان، حاکم سرپل، قصد حمام می‌کند و به‌همین دلیل آن را برای او قرق می‌کنند و خان درمانده افغان مورد لطف و توجه حاکم قرار می‌گیرد (خان افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷). در مورد تلگراف نیز می‌دانیم که عضدالملک در ذی‌الحجه سال ۱۲۸۳ ق. برای زدن تلگراف مجبور شد از سرپل مأمور به خانقین بفرستد (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۷۹).

اما سال ۱۲۹۸ ق. آنطور که در سفرنامه عتبات نویسنده‌ای ناشناس آمده است هم سرپل و هم قصرشیرین تلگراف داشته‌اند (طاوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴). علی‌اکبر هما نیز سال ۱۳۱۷ ق. به وجود تلگراف‌خانه در سرپل اشاره کرده است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۸). از جهت نظامی سربازان حاضر در سرپل اغلب داخل چادر بودند. به تدریج از دوره ناصری به بعد شاهد ایجاد قورخانه و توپخانه در سرپل هستیم (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۸؛ سدیدالسلطنه مینایی، ۱۳۶۲، صص ۳۱۶-۳۱۸). به جهت اهمیت منزل سرپل در مسیر جاده عتبات، همیشه قراسوارانی برای محافظت از مسافران به چشم می‌خورد (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). خانه حاکم سرپل در واقع ساختمانی برج و بارو دار در میانکل بود که با چند فروند توپ و تعدادی سرباز محافظت می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). در مجموع همان‌طور که عضدالملک در ۱۲۸۳ ق. نوشته است اوضاع نظامیان دولتی حاضر در سرپل ذهاب پریشان بوده است. آن‌ها از حداقل امکانات برای یک سرباز، غذا، لباس و اسلحه، برخوردار نبودند و اغلب خود موجب ناامنی می‌شدند (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۸۴). علاوه بر این، شهر سرپل ذهاب پستخانه، قهوه‌خانه، عرق‌فروشی، بیدستان و باغی بزرگ کنار رودخانه الوند برای استراحت مسافران داشته است (هدایتی، ۱۳۴۳، ص ۲۷؛ هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، صص ۵۷-۵۸؛ خان افغان، ۱۳۹۰، ص ۹۸۷؛ فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۸؛ اوبن، ۱۳۶۲، صص ۲۵۶-۲۵۷). در تمام دوره قاجار خانه‌های مردم سرپل ذهاب برای مسافران فقط دافعه داشت. ابتدا به صورت چادر و بعد به شکل زاغه و خانه‌های گلی به شکلی کثیف و زشت بوده است (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۵۶). به نحوی که مثلاً میرزا سیدمحمد تقوی سال ۱۲۴۰ ق. منازل مردم محلی را قابل سکونت ندانسته است (تقوی قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۰) علی‌اکبر هما نیز سال ۱۳۱۷ ق. خانه‌های رعایا را بیشتر از نی و چوب و چند خانه را هم گلی اما بی‌سلیقه‌تر از طویله گاوان و خران بی‌مهرتر نوشته است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، ص ۵۶). حاجیه‌خانم علوی کرمانی که در آخرین سال‌های حکومت ناصری به سفر عتبات رفته بود درباره خانه‌های مردم سرپل ذهاب می‌نویسد: «خانه‌هاشان همه از سنگ [و] گل بالا آوردند. سقف‌ها چوب و نی، گل مالیدند رویشان» (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). به لحاظ جمعیتی نیز ابتدا فقط چند خانه در سرپل بوده است (اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۸). اما به تدریج از اوایل دوره ناصری جمعیت رو به فزونی نهاد. به طوری که در سال ۱۲۷۳ ق. حدود بیست خانه جمعیت داشته است (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴، ص ۶۹). در دوره مظفری جمعیت بیشتر شد و به حدود ۴۰ خانه رسید (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). نکته قابل توجه این است که در فصل سرد سال، جمعیت عشایری برای گذراندن قشلاق به اطراف سرپل می‌آمدند اما قبل از خردادماه شهر و اطراف آن به یکباره خالی می‌شد.



اداره شهر سرپل ذهاب و حاکمان آن

اوایل دوره قاجار سرپل ذهاب به نیابت از عثمانی به دست پاشای باجلان ذهاب بود. با استناد به تاریخ ذوالقرنین در اوایل دوره فتح‌علیشاه طاق‌گرا در ۱۵ کیلومتری شهر سرپل ذهاب به طرف کرد غرب، مرز دولت ایران و عثمانی بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۲). در روزنامه سفر هیئت سرجان ملکم و سفرنامه اولیویه نیز به این نکته تأکید شده است (هالینگبری، ۱۳۶۳، ص ۸۷؛ اولیویه، ۱۳۷۱، ص ۲۸). در سال ۱۲۲۶ ق. شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه برای بازپس‌گیری سرپل ذهاب لشکر کشید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۷). در این زمان فتح‌پاشا از سوی عبدالرحمن پاشای شهر زور حاکم سرپل بود و توان مقابله در برابر دولتشاه را نداشت. به این ترتیب، این شاهزاده لایق قاجاری ذهاب و سرپل را از سلطه عثمانی رها ساخت. شیوه اداره سرپل ذهاب بعد از الحاق مجدد به ایران، مقاطعه آن به سرکردگان فوج گوران کردی از سوی حاکم کرمانشاه بود (اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷). از معروفترین حاکمان سرپل ذهاب در دوره ناصری می‌توان به ملک نیازخان فرزند حیات‌قلی‌خان کردی اشاره کرد که حدود یک ماه میزبان عضدالملک بود. مهمان صاحب‌منصب میزبان خود را جوانی عاقل و برای دولت نوکری مفید خواند که جمله رفتارش بر وفق کفایت و کاردانی بود (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۸۹). سندی در فهرست کتابخانه ملی موجود است که به اجاره قریه‌ها مزارع، مراتع، نهرهای ذهاب و قصرشیرین به وکالت از طرف ظل‌السلطان (۱۲۶۶-۱۳۳۶ ق.) و حکم حسام‌الملک (۱۲۷۵-۱۳۴۶ ق.) به جوان‌میرخان سرتیپ احمدوند در سال (۱۳۰۳ ق.) اشاره دارد (ساکما، ۱۳۰۲/۳۹۶).

جوان‌میر پسر احمد معروف به اجل رئیس طایفه احمدوند (حمه‌وند) چلبی با قتل یکی از سران ایل جاف بر حکومت عثمانی شوریده و از طرف کرکوک به ایران مهاجرت کرد و به قول سردار مقتدر در نواحی سرپل و ذهاب کانون فساد به وجود آورده بود (سنجابی، ۱۳۸۰، ص ۶۵؛ اوین، ۱۳۶۲، ص ۳۵۶). حاجیه علویه کرمانی در این باره می‌نویسد: «اینجا [قصرشیرین] جایی است که جوان امیر کرد جلوی زوار را می‌گرفت و می‌کشت که هر چند سال یک دفعه قدغن می‌شد زوار نیاید. در هشت سال قبل از این [یعنی در سال ۱۳۰۴ ق.] شاه ما با شاه عثمانی دست یکی کردند و او را کشتند» (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). سندی نیز درباره قلع و قمع حمه‌وندیها در منطقه ذهاب و پناهنده‌شدن آنها به عثمانی در فهرست اسناد کتابخانه ملی موجود است (ساکما، ۲۹۶/۳۶۲۰). در ۲۱ شعبان (۱۳۰۷ ق.) تلگرافی از سرپل ذهاب به تهران می‌رسد که در آن بیان شده است مردم از بابت مأمورشدن علی‌مردان‌خان سرتیپ به حکومت ذهاب تماماً شادی دارند (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲، ص ۶۱). سندی دیگر نیز درباره تلگراف علی‌مردان‌خان از سرپل به حسام‌الملک در باب انجام اوامر مربوط به حفظ طرق، حسن سلوک



با مأمورین، پرداخت اقساط و اشاره به فقره احموندها وجود دارد (ساکما، ۱۳۷۲/۲۹۶). اوژن اوین که سال ۱۳۲۵ ق. از سرپل عبور کرده است از نعمت‌الله‌خان صارم‌الممالک نام می‌برد که علی‌رغم مسکینی و حقارت خانه‌اش از آداب تشریفات و اسباب بزرگی غفلت نکرده است. تعدادی فراش و شاطر قرمزپوش و تعدادی سرباز همواره مأمور خدمت در خانه‌اش بودند. نعمت‌الله‌خان در گفتگو با اوژن اوین از ناامیدی خود نسبت به مشروطه سخن گفته است (اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷).

بررسی اقتصادی شهر سرپل‌ذهاب

الف - ظرفیت‌های خدماتی - زیارتی شهر سرپل‌ذهاب

با رونق جاده عتبات در دوره قاجار و موقعیت ممتاز سرپل در مسیر این راه به تدریج فرصتی فراهم شد تا کارکرد خدماتی - زیارتی شکل بگیرد. مک داول ظاهراً با دسترسی به منابع آرشیوی عثمانی، زائران ایرانی عتبات را در پایان قرن ۱۹ م. سالانه هزار ۱۲۰ نفر به همراه ۸ هزار جنازه برای تدفین در کربلا و نجف ذکر می‌کند (مک داول، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶). چارلز عیسوی این رقم را ۱۰۰ هزار (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷)، روزنامه حبل‌المتین روزانه ۶۰۰-۵۰۰ نفر (روزنامه حبل‌المتین، سال هشتم، شماره ۹، ۱۳۱۴ ق.)، احتشام‌السلطنه، کارپرداز ایران در بغداد ۱۰۰ هزار و اوژن اوین ۴۰۰ هزار می‌دانند (شهسواری، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶) تفاوت فاحش رقم اوین با دیگر منابع از بی‌دقتی او نیست. آمار او مربوط به اوایل مشروطه و سال‌های پس از معاهده الرزنه‌الروم دوم است که در نتیجه ثبات سیاسی و آرامشی که در روابط ایران و عثمانی حاصل شده بود، زیارت عتبات رونق چند باره یافته بود.

میرزا علی نائینی که در سال (۱۳۱۸ ق.) به زیارت عتبات رفته است نیز عدد جالبی در شمارش زائران ارائه می‌دهد: «امروز منزل میان طاق است ... در صدد برآمدن که عدد ادج‌هایی را که از طرف بالا یعنی کربلای معلی می‌آیند معین نمایم تا اواخر منزل هفتصد و هفتاد و دو نفر به شمار آمد. حیرتم برده بود و بعضی از تعداد به در رفته بود» (نائینی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۹-۱۶۰). با مطالعه سفرنامه‌های مختلف می‌توان به مستندبودن تعداد زوار از این مسیر پی برد. سفرنامه‌نویسان در منزل سرپل به عبور و مرور کاروان‌های دیگر اشاره کرده‌اند. برای مثال علی‌اکبر هما سال ۱۳۱۷ ق. به قافله و زوار زیادی از اهل قراباغ و سبزوار اشاره کرده است (هما، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳، صص ۵۸-۵۹). این تعداد مسافران زیاد احتیاج به خدمات غذایی، مسکن و امنیت داشتند. در همین منبع به انعام زوار به قراسوران محلی و اجاره منازل مردم محلی توسط زوار اشاره شده است. (همانجا) مردم بومی به چند شیوه از کاروان‌های زیارتی تحصیل درآمد می‌کردند. در مسیر زائران و در قصبه‌ها دکان‌های مختلفی شکل گرفت برای



مثال حاجیه علویه درباره قصر شیرین - شهر همسایه سرپل - می نویسد: «چند دکان و بازار دارد. قصابی، نانوائی، بقالی، الان هندوانه، خیار، بالنگ هم دارند ... آنجا [سرپل ذهاب] همه چیز است» (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). حاجیه علویه از خرید انگور عسکری، ماست و پنیر، قفل و قندشکن های خوب در کرد - شهر دیگر همجوار سرپل - خبر می دهد (علوی کرمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). مؤلف روزنامه سفر کربلا نیز به خرید بلوط، نان، ماست و لیمو در همین شهر اشاره دارد (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). حسین مهاجرانی می نویسد که در خسروآباد از مردم محلی کبک خریده است (مهاجرانی همدانی، نسخه خطی شماره ۴۷۹۱، ص ۱۵۹). گاهی دکان دارها مقداری رشوه به قراسواران - مأموران دولتی راه - می دادند تا آن ها مسافران را مجبور به اتراق در جاهای خاصی کنند. برای مثال چند نفر زوار به ظهیرالدوله (۱۲۸۱-۱۳۴۱ ق.) شکایت بردند که قراسواران مانع است که هر جا میل داریم منزل کنیم ما را مجبور می کنند که باید حتماً فلان جا منزل کنیم و هر چه لازم داریم از فلان دکان بخریم و آن دکان هم قیمت هر چیز را پنج برابر می خواهد. قراسواران را خواستیم (ظهیرالدوله، ۱۳۸۵، صص ۲۵۶-۲۵۷). قهوهخانه های بین راهی که یکی از معروفترین آن ها در سرخه دیزه قرار داشت نیز محلی برای کسب در آمد بود. ابن شیخ از نوشتن چایی در قهوهخانه سرخه دیزه همراه با «جناب رشید نظام» صحبت می کند (ابن شیخ حایری، نسخه خطی شماره ۸۸۰، صص ۶۵-۶۶). گاهی حتی مأمورین دولتی چادرهای خود را به زائرین اجاره می دادند (هدایتی، ۱۳۴۳، ص ۲۸). کاروانسرا محل درآمد بود زیرا توسط حاکم شهر به زوار اجاره داده می شد (تقوی قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۱). نویسنده ناشناسی که ۶ محرم ۱۲۹۸ ق. در سرپل بوده است به خرید گندم، جو، کاه، هیزم، نان، ماست، بره و انگور از مردم سرپل ذهاب اشاره کرده است (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). در مسیر جاده عتبات از کرد به سرپل ذهاب، در واقع دو منزل تهیه شده بود. منزل اول میان طاق در چهار فرسنگی (حدود ۲۵ کیلومتری) کرد بود. منزل دوم در شهر سرپل ذهاب با همین حدود مسافت از میان طاق قرار داشت (ادیب الملک، ۱۳۶۴، ص ۶۸). گاهی هم در میان این دو منزل، کاروان ها در پاتاق توقف می کردند. در واقع معمولاً مسافران از کرد به طرف سرپل در دو منزل استراحت می کردند. منزل اول را یا میان طاق در چهار فرسنگی کرد یا پاتاق در شش فرسنگی انتخاب می کردند. منزل دوم در سرپل و هشت فرسنگی کرد بود. منزل میان طاق احتمالاً در روستای سرخه دیزه امروزی کاروانسرای داشت که توسط محمد علی میرزا در دوره فتحعلیشاه ساخته شده بود. (همانجا) اما منزل پاتاق کاروانسرا نداشت بلکه خانه های مردم بومی و بیدستان کنار رودخانه محل استراحت کاروان ها بود (فخرالملک، ۱۳۷۲، ص ۲۷). برخی از ساکنان شهر در ادارات و اماکن خدماتی دولتی دوره قاجار مثل گمرک خانه، پستخانه، کاروانسرا، حمام و مهم تر از همه به عنوان سرباز مشغول خدمت بودند و از این طریق

به معیشت خود می‌پرداختند. عضدالملک سال ۱۲۸۳ ق. و اوژن اوین سال ۱۳۲۵ ق. به اشتغال تعدادی از مردم شهر به نظامی‌گری پرداخته‌اند (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۳-۸۴؛ اوین، ۱۳۶۲، ص ۲۴۱).

ب- ظرفیت‌های دامداری شهر سرپل‌ذهاب

سرپل‌ذهاب آغاز نقطه گرمسیری جاده عتبات از مسیر همدان - کرمانشاه است. دشت‌های گرم سرپل‌ذهاب در دوره قاجار همواره محل قشلاق ایلات مختلف گوران، کلهر، سنجاب و جاف بود. هر چند قابلیت زندگی در تابستان را نداشت ولی در زمستان‌های سرد بهترین مکان برای زندگی دامداری بود. به‌همین جهت، بخش مهمی از معیشت مردم سرپل در دوره قاجار از طریق دامداری گذران می‌شد. این وجه از زندگی مردم در سفرنامه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. بهترین توصیف درباره زندگی دامداری سرپل‌ذهاب را در دوره قاجار محمدحسین‌خان هروی سال ۱۳۲۴ ق. نوشته است که در آن به قشلاق‌بودن محل سرپل‌ذهاب برای ایلات کرمانشاه، برخورداری از علفزارهای غنی، گله‌های زیاد دام و بره‌آوری گوسفندان منطقه دو مرتبه از سال تأکید کرده است (خان‌افغان، ۱۳۹۰، صص ۱۹۸۶-۱۹۸۷). دامداری پررونق و شکار حیواناتی مثل کبک، دراج، تیهو و غیره امکان گذران معیشت را برای مردم سرپل فراهم ساخت. آن‌ها در کنار بهره‌مندی خانوادگی خود از محصولات دامی، مازاد تولید خود را به مسافران جاده عتبات می‌فروختند و گاهی هم بخشی از آن را به‌عنوان تعارف به مقامات بلندپایه مسافر جاده یا صاحب‌منصبان و بزرگان بومی می‌دادند. عضدالملک که حامل خشت‌های طلا برای کربلا بود از تعارف آهوی شکارشده توسط پسر ملک نیازخان، حاکم سرپل، در ذی‌الحجه ۱۲۸۳ ق. بی‌نصیب نماند (عضدالملک ۱۳۷۰، ص ۸۷). نویسندۀ ناشناس یکی از سفرنامه‌های عتبات نیز به خرید بره و قیمت گوشت در سرپل اشاره کرده است. بره را که سه کیلو گوشت داشت هزار دینار خریده است. گوشت دام تقریباً سه برابر محصولات زراعی و حدود بیست و پنج درصد نسبت به محصولات باغی مثل انگور اختلاف قیمت داشت (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). مردم دامدار محلی علاوه بر گوشت، محصولات لبنی مثل ماست و کره و پنیر را هم به مسافران می‌فروختند (خان‌افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۸).

ج- ظرفیت‌های کشاورزی شهر سرپل‌ذهاب

دشت‌های پهناور سرپل‌ذهاب، رودخانه الوند و چشمه‌های متعدد اطراف شهر به همراه آب و هوای گرمسیری ظرفیت خوبی برای رونق کشاورزی در این محل بود. اما مشکل اصلی به هجوم حشرات موزی و مهم‌تر از همه ملخ برمی‌گشت که کشاورزان را مجبور به ترک زمین



می‌کرد. عضدالملک سال ۱۲۸۳ق. زمین‌های کشاورزی از کردند تا قصرشیرین را آماج حمله ملخ‌ها گزارش کرده است به نحوی که رعایای بیجاره یا زمین‌ها رها کرده بودند یا با کمک حاکم محلی امرار معاش می‌کردند (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۰، ۸۴، ۱۰۵). آب‌وهوای گرم تابستان و ناتوانی تحمل آن توسط مردم ایل و عشایر هم در عدم رونق کشاورزی نقش داشت. خان‌افغان مردم سرپل‌ذهاب را از اینکه به خیال زراعت نبودند، شماتت کرده است (خان‌افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷). کمبود محصولات کشاورزی شهر سرپل‌ذهاب در دوره قاجار از شهرهایی مثل ماهیدشت و خانقین جبران می‌شد. اما همواره این نوع از مواد غذایی در سرپل‌ذهاب گران و کمیاب بود. به‌طوری‌که حتی وقتی عضدالملک به ۱۲۸۳ق. به اراضی ایل بزرگ جاف رفت که به لحاظ دامی ثروتمند بودند از تهیه نان برای سیصد همراه عضدالملک عاجز ماندند و ملک نیازخان مجبور شد تا آرد به آن‌ها بدهد تا نان را برای مهمانان آماده کنند. عضدالملک با شکایت از گرانی و کمبود نان در سرپل‌ذهاب، قیمت آن را خرواری ده تومان و جو خرواری شش تومان نوشته است (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۶-۹۰). نویسنده ناشناسی هم که محرم ۱۲۹۸ق. از سرپل عبور کرده است از گرانی جو، نان، کاه و هیزم گلایه کرده و مردم آنجا را بی‌انصاف خوانده است. طبق گزارش این سفرنامه‌نویس نان در کردند و پاطاق و سرپل‌ذهاب منی چهارصد دینار اما در قصرشیرین پانصد دینار بوده است. جو در کردند منی دویست دینار و در سرپل ۲۵۰ دینار قیمت داشت. کاه در کردند منی شصت و هفت دینار، در پاطاق صد دینار و در سرپل‌ذهاب پنجاه دینار بوده است. هیزم هم در سرپل‌ذهاب پنجاه دینار گران‌تر از کردند و پاطاق منی صدوپنجاه دینار قیمت داشته است (طاوسی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۳۳). ابن‌شیخ در سفرنامه خود به ظرفیت کشاورزی سرپل اشاره کرده و از بی‌توجهی دولت قاجار به آن تأسف خورده است (ابن‌شیخ حایری، نسخه خطی شماره ۸۸۰، صص ۶۳-۶۴). علاوه‌بر محصولات زراعی مثل گندم، جو، برنج، ذرت محصولات باغی نیز مثل گردو، انار، انگور، انجیر و حتی در باغ ابراهیم پاشا باجلان در ذهاب لیمو، نارنج، زردآلو و آلوچه نیز بوده است (عضدالملک، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵).

مشکلات توسعه شهر سرپل‌ذهاب

الف- شرایط بد آب‌وهوایی

شهر سرپل‌ذهاب با قرار گرفتن در شرایط اقلیمی گرم و خشک و دوری نسبی از منابع آب نوشیدنی گوارا، دافعه‌ای مبتنی بر نیازهای اولیه برای سکونت داشت. این مشکلات در تابستان مضاعف و به یکباره شهر از مردم خالی می‌شد. احتمال بیماری و شیوع انواع امراض در چنین شرایط آب‌وهوایی برای ساکنان این شهر محتمل به‌نظر می‌رسد. در آثار البلاد روایت شیرینی در این باره آمده است که خود گویای همه چیز است:

«گفته شد ملک الموت را کجا بیاید کسی تو را؟ گفت بر سرپل حلوان (سرپل ذهاب امروزی)» (قزوینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۸).

برادران هدایتی که دوشنبه ۱۲ رمضان ۱۳۳۸ ق. در سرپل ذهاب بوده‌اند با تأکید بر تفاوت آب‌وهوایی سرپل ذهاب در مسیر جاده عتبات آن را آغاز نقطه گرمسیر نوشته و از وجود گرد و غبار در آن شکایت کرده‌اند (دایتی، ۱۳۴۳، ص ۲۷). برای تهیه آب گورا احتمالاً مجبور بودند به چند کیلومتر محل شهر بروند. کنت دو سرسی که ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۵۵ ق. یعنی در تیرماه از سرپل عبور کرده است آب نوشیدن را در آن بسیار ذی‌قیمت دانسته و از زردی و گل‌آلودی آب گله کرده است (دوسرسی، ۱۳۶۲، ص ۷۹). علیرضا عضدالملک که در سال ۱۲۸۳ ق. مأمور رساندن خشت‌های طلا به عتبات بود به‌دلیل سیل در بغداد مجبور شد تا ذی‌الحجه همین سال در سرپل اقامت کند. او هم از آب ناگوارا و هوای گرم اردیبهشت‌ماه شهر کلافه شده است. تا آن حد که حاکم وقت شهر، ملک‌نیزخان سرتیب گوران، مجبور شد مهمان بلندپایه خود را همراه با سیصد همراهش به ییلاق و چراگاه بزمیر آباد^۱ در دامنه کوه‌های دالاهو برود. شرایط آب‌وهوایی به‌صورتی بود که ملک‌نیزخان حتی زمانی که عضدالملک حدود یک هفته در کاروانسرای سرپل اقامت داشت خودش غروب به ییلاق می‌رفت و صبح زود برمی‌گشت (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۸۶-۸۷).

ب- جانوران و حشرات موذی؛ مار، عقرب و ملخ

با تمام پیشرفت فناوری، گاهی هنوز انسان در برابر حیوانات موذی و مزاحم احساس درماندگی می‌کند. حتماً این درماندگی در دوره قاجار برای مردم سرپل ذهاب چند برابر بوده است. ساکنان این شهر به‌خوبی با مار و عقرب و ملخ آشنا هستند زیرا در دوره اخیر هم، بخشی از پرونده‌های پزشکی بیمارستان و بهداری‌های سرپل ذهاب مربوط به گزیدگی مار و عقرب است. کشاورزان هم از شر هجوم ملخ‌ها در امان نبوده‌اند. در سفرنامه عضدالملک به‌خوبی این مشکل بحث شده است. هجوم ملخ‌ها به مزارع از کرد تا قصرشیرین گسترش داشت. رعیت ساکن در مزرعه ورگنبد کردند در برابر هجوم ملخ‌ها و ناامیدی از نگهداری حاصل مزرعه، مهاجرت کردند و تعداد کمی نیز که باقی مانده بودند با کمک‌های مالی ملک‌نیزخان به زندگی خود ادامه می‌دادند (عضدالملک، ۱۳۷۰، صص ۷۹ و ۸۰ و ۱۰۵). به‌دلیل همین مشکل، زراعت در سرپل و قصر ضعیف بود. به حدی که مجبور بودند از ماهیدشت یا خانقین محصولات را بیاورند و مثل گندم و جو را وارد کنند (طاوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴). محمدحسین‌خان هروی که روز اول و دوم ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق. در سرپل ذهاب بوده است ضمن نکوهش مردم کرد، کمبود زراعت در منطقه را به خصوصیات اخلاقی آن‌ها انتساب می‌دهد (خان‌افغان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸۷). مار

۱. روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان سرپل‌ذهاب در استان کرمانشاه است.

و مخصوصاً عقرب یک عامل مهم در عدم رونق و توسعه سکونت‌های تمدنی در گستره سرپل‌ذهاب بوده است. هنوز هم در مناطق گرم‌تر و دورافتاده‌تر این شهر تعداد این جانوران مودی زیاد است. اهالی معدود سرپل‌ذهاب سال ۱۲۸۳ق. به عضدالملک گفتند که از ماه جوزا (خرداد) عقرب‌ها از کوه پایین می‌آیند و سکونت در کاروانسرا و اطراف آن را غیرممکن می‌کنند تا حدی که ایلات حاضر در قشلاق آنجا قبل از این ماه کوچ می‌کنند. عضدالملک و همراهانش که در ماه اردیبهشت کاروانسرای سرپل‌ذهاب بودند از ترس عقرب شب‌ها نمی‌خوابیدند (عضدالملک، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

ج- محرومیت از سیاست‌های عمرانی دولت قاجار

جنگ تمام عیار ایران و روس، در مرتبه بعد جنگ‌های مرزی ایران و عثمانی و مشکلات متعدد دیگر بودجه دولت قاجاری را آنقدر تخفیف داده بود که به شهری کوچک و شبیه به یک روستا در مرزهای غربی توجه نکنند. حاصل جنگ با عثمانی ویرانی مرزهای نواحی غربی ایران خصوصاً از سمت قصرشیرین و سرپل‌ذهاب شده بود. میرزا سیدمحمد تقوی قزوینی شعبان ۱۲۴۰ق. هنگام عبور از سرپل‌ذهاب از اینکه کاروانسرای شهر رو به ویرانی بوده اظهار تأسف کرده و به جهت اینکه دولت بودجه کافی برای رسیدگی به این کارهای عمرانی ندارد حسرت خورده است. ناراحتی او زمانی بیشتر شد که فهمید برای یک شب ماندن در آن کاروانسرای ویران و کثیف دو قران از سورچی بابت هر دستگاه گرفته اند (تقوی قزوینی، ۱۳۹۴، ص ۸۱). عضدالملک نیز که ذی‌الحجه ۱۲۸۳ق. در سرپل بوده است ضمن بیان روند ویرانی کاروانسرای میان طاق و سرپل از سربازان فوج گوران مستقر در شهر صحبت می‌کند که لباس و اسلحه نداشته‌اند. از قرار وقتی مأمورین دولتی در کرمانشاه متوجه مأموریت عضدالملک برای بردن خشت‌های طلا به کربلا می‌شوند نهایت کاری که می‌توانند انجام دهند از قورخانه کرمانشاه چند دست لباس و شیپور شکسته و مدرس و دو دست طبل معیوب برای سربازان فوج گوران در سرپل فرستادند. عضدالملک ضمن ابراز تأسف از این وضعیت، با تأکید بر مرزدارانی این نیروها و آراستگی قشون عثمانی در طرف دیگر مرز خواستار توجه بیشتر به این نیروها شد (عضدالملک، ۱۳۹۰، صص ۸۳-۸۴). ایزابلا بی‌شوب که سال ۱۳۰۷ق. در کرمانشاه بود از مهاجرت مردم این شهر به عثمانی و شهرهای شمالی آذربایجان در نتیجه ستم بیش از حد عمال دولتی خبر داده است (بی‌شوب، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

نتیجه‌گیری

جغرافیای تاریخی سرپل‌ذهاب به‌عنوان یک شهر کوچک در دوره قاجار، موضوع پژوهش حاضر

است. شهرستان سرپل ذهاب با مساحت تقریبی ۱۲۷۱ کیلومترمربع و جمعیت ۸۵۶۱۶ نفری در ۴۵ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۲۴ درجه عرض جغرافیایی در غرب ایران قرار دارد. در این جغرافیا تا به امروز و به صورت مشخص، سه شهر حیات تمدنی داشته‌اند؛ حلوان، ذهاب و سرپل ذهاب. شهر ذهاب که اوایل دوره نادری و البته در قلمرو اشغال شده توسط عثمانی شکل گرفت، اوایل دوره قاجار، رو به ویرانی نهاد و فقط در حدود بیست کیلومتری آن و در مسیر جاده عتبات شهر سرپل ذهاب ظهور یافت. آنچه در مقاله حاضر انجام شد، بررسی جغرافیای تاریخی سرپل ذهاب در دوره قاجار بود. در این پژوهش نشان دادیم که گمرک‌خانه عثمانی اوایل دوره قاجار در تنگه میانکل آغاز حیات شهری سرپل ذهاب است که به تدریج با الحاق مجدد به ایران و رونق جاده عتبات زمینه برای توسعه شهر فراهم شد. کاروانسرا، پل، برج و عمارت، بازار، حمام، بیدستان و باغ، قورخانه، توپخانه و تلگراف‌خانه از جمله مکان‌هایی عمومی بود که تا پایان عصر ناصری در این شهر ایجاد شد. سرپل ذهاب در دوره قاجار به علت محروم ماندن از سیاست‌های عمرانی دولت و قرار گرفتن در شرایط آب‌وهوایی گرم نتوانست جمعیت زیادی را به خود جذب کند. در فصل تابستان و قبل از رسیدن خردادماه مثل یک شهر متروکه می‌شد. هجوم جانوران و حشرات موذی مثل عقرب و ملخ مخصوصاً در فصل گرم سال زندگی را برای ساکنان شهر سخت می‌کرد. خانه‌های سرپل ذهاب ساده و به دور از هر هنری معمولاً بیشتر از آنکه برای مسافران جاذبه داشته باشد دافعه داشت. به لحاظ جمعیتی نیز از ابتدای دوره قاجاری با چند زاغه گلی شروع شد و در نهایت نیز به بیشتر از هزار نفر نرسید.



اجاره قرا، مزارع، مراتع و نه‌رهای ذهاب و قصر شیرین به جوانمیر خان سرتیپ
احمدوند



تلگراف علیمراد خان از سربل به حسام الملک

منابع الف - کتاب‌ها

- احتسابیان، احمد (۱۳۱۸). *جغرافیای ایران*. بی‌جا، بی‌نا.
- ادیب‌الملک، عبدالعلی‌خان (۱۳۶۴). *سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات*. تصحیح مسعود گلزاری. تهران: انتشارات دادجو.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری*. تهران: دنیای کتاب.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲). *ایران/امروز*. ترجمه و توضیحات علی سعیدی. تهران: زوار.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا وره‌رام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- آل‌آقا، احمد بن محمد علی بهبهانی (۱۳۷۳). *مرآت‌الحوال جهان‌نما*. قم: انتشارات انصاریان.
- بی‌شوب، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه مهراب امیری. تهران: نشر آژان.
- تقوی‌قزوینی، میرزا سید محمد (۱۳۹۴). *سفرنامه عتبات، هند و حج*. تصحیح محمدعلی باقرزاده. تهران: نشر مشعر.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تحقیق و تصحیح ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دوسرسی، کنت ادوارد (۱۳۶۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ میلادی: سفارت فوق‌العاده کنت دو سوسرسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶). *فرهنگ آبادیهای کشور (سرپل‌ذهاب، قصرشیرین)*. تهران: سازمان انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سدیدالسلطنه مینایی، محمدعلی‌خان (۱۳۶۲). *سفرنامه*. تصحیح و تحشیه احمد اقتداری. تهران: انتشارات به‌نشر.
- سنجابی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). *خاطرات سردار مقتدر (ایل سنجابی و مجاهدات ملی ایران)*. به تحریر و تحشیه کریم سنجابی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ظهیرالدوله، علی بن محمد بن ناصر (۱۳۸۵). *خاطرات و سفرنامه*. به کوشش سیف‌الله وحدنیا. تهران: آبی.
- عباسی، محمدرضا و بدیعی، پرویز (۱۳۷۲). *گزارش اوضاع سیاسی و اجتماعی ولایات عصر ناصری*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- عضدالملک، علی‌رضابن موسی (۱۳۷۰). *سفرنامه عضدالملک به عتبات*. به کوشش حسن مرسلوند. تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- علوی کرمانی، حاجیه خانم (۱۳۸۶). *روزنامه سفر حج*. به کوشش رسول جعفریان. قم: نشر مورخ.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
- فخرالملک، ابوالحسن‌خان اردلان (۱۳۷۲). *از حریم تا حرم: سفرنامه ابوالحسن‌خان فخرالملک اردلان به*



- عتبات. به کوشش محمدرضا عباسی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- فرید، یدالله (۱۳۸۴). *جغرافیا و شهرشناسی*. تبریز: دانشگاه تبریز.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نور صادقی. تهران: انتشارات اشراقی.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قنبری، صباح؛ خسروی زاده، صباح (۱۳۹۱). *پژوهشی در تاریخ سریل ذهاب*. تهران: تمدن پارس.
- مک داول، دیوید (۱۳۸۳). *تاریخ معاصر کرد*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانیز.
- ناصر الدین شاه (بی تا). *سفرنامه ناصرالدین شاه به کربلا و نجف*. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳). *روزنامه سفر سرچان ملکم به دربار ایران*. ترجمه هوشنگ امینی. تهران: کتابسرا.
- هدایتی، احمد؛ هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۳). *خاطرات سفر مکه*. تهران: چاپخانه حیدری.

ب- مقالات

- خان افغان، محمدحسین خان هروی (۱۳۹۰). *سفرنامه عتبات*. تصحیح سید خلیل طاوسی. *فصلنامه پیام بهارستان*، دوره دوم، ۴ (۲۴).
- طاوسی، سیدخلیل (۱۳۹۱). *سفرنامه عتبات*. نویسنده ناشناس. *پیام بهارستان*، دوره دوم (۱۵).
- نائینی، میرزاعلی خان (۱۳۸۹). *روزنامه سفر کربلا*. تصحیح سیدخلیل طاوسی. *مجله پیام بهارستان*، دوره دوم، ۳ (۹).

ج- اسناد

- سند قتل عام همه وندیها در ذهاب، ساکما: شناسه سند: ۲۹۶/۳۶۲۰.
- تلگراف علیمراد خان از سریل به حسامالملک، ساکما: شناسه سند: ۲۹۶/۱۳۷۲.
- سند اجاره قرا، مزارع و مراتع و نه‌رهای ذهاب و قصرشیرین به جوانمیرخان سرتیپ احمدوند، ساکما: شناسه سند: ۳۹۶/۱۳۰۲.

د- نسخ خطی

- *سفرنامه*. ابن شیخ حایری، محمد بن زین العابدین، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۸۸۰.
- *سفرنامه عتبات*. مهاجرانی همدانی، حسین، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۴۷۹۱.
- *مشکاه‌المسافرين*، *سفرنامه عتبات*. هما، علی اکبر، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۳۰۷۳.

ه- پایان نامه‌ها

- شهسواری، ثریا (۱۳۸۶). *نقش عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجاریه*. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ، دانشگاه تهران.



بررسی تأثیر آهارهای نشاسته گندم و نشاسته برنج بر زردشدگی اوراق نسخ خطی تاریخی

دکتر مهرناز آزادی بویاغچی، مصطفی خواجه محمودی و
عباس عابد اصفهانی

چکیده

مواد آهاری همواره به عنوان استحکام بخش و سهل کننده کتابت، به اوراق نسخ خطی اضافه شده است. نقش مثبت این مواد در استحکام و قوام کاغذهای تاریخی هیچ گاه نفی نشده است، اما این مسئله که آیا این مواد در فرایند زردشدگی و تغییر رنگ کاغذهای تاریخی نیز نقش دارند به روشنی مشخص نشده است. هدف از این تحقیق، شناخت میزان تأثیر آهارهای نشاسته گندم و نشاسته برنج در فرایند تغییر رنگ و زردشدگی کاغذهای تاریخی است. در این پژوهش، روش یافته اندوزی کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی است. نمونه کاغذها از دو نوع الیاف پنبه و کنف انتخاب و تهیه شدند. آهارهای نشاسته برنج و نشاسته گندم نیز طبق رسالات تاریخی موجود ساخته و نمونه‌های کاغذ به وسیله آن‌ها آهار داده شدند. تعداد نمونه کاغذها ۱۸ عدد (۶ گروه سه تایی) و نمونه‌ها در اندازه ۵×۵ سانتی متر برش زده شدند. طبق استانداردهای ASTM به شماره D6789 و D4714، نمونه‌ها تحت دو مرحله پیرسازی تسریعی نور و دما-رطوبت قرار گرفتند. نمونه‌ها قبل و پس از پیرسازی تسریعی به وسیله دستگاه رنگ سنج مدل Salutron Messtechnik GmbH مورد بررسی تغییرات رنگی قرار گرفتند. داده‌ها نشان داد پس از پیرسازی، نمونه کاغذ PH (کنف خالص) با فاکتور B (زردشدگی) برابر ۲۲۹۹، نمونه RPH (کنف با آهار نشاسته برنج) با فاکتور B برابر با ۲۳۲۸ و نمونه BPH (کنف با آهار نشاسته گندم) با فاکتور B برابر ۲۳۵ تقریباً در یک محدوده تغییرات هستند. هر چند، بیشترین تغییرات رنگی مربوط به پیرسازی دما-رطوبت و نمونه‌های ساخته شده با الیاف کنف و آهار نشاسته برنج با ΔE (تغییرات رنگی کلی) برابر ۹ است. اما این تغییرات با نمونه کنف خالص بدون آهار با ΔE برابر ۸۳۶ تقریباً برابری می‌کند. در کل، نمونه‌های پنبه خالص دارای کمترین میزان تغییرات و نمونه‌های کنف خالص دارای بیشترین میزان تغییر رنگ هستند. نتایج بررسی داده‌ها نشان می‌دهد آهارهای نشاسته گندم و برنج، نقش مؤثری در زردشدگی اوراق نسخ خطی تاریخی ندارند.

کلیدواژه‌ها

آهار نشاسته گندم، آهار نشاسته برنج، کاغذ تاریخی، زردشدگی.



بررسی تأثیر آهارهای نشاسته گندم و نشاسته برنج بر زردشدگی اوراق نسخ خطی تاریخی

دکتر مهرناز آزادی بویاغچی^۱، مصطفی خواجه محمودی^۲، عباس عابد اصفهانی^۳

مقدمه

از دیرباز، از مواد آلی با خاصیت چسبندگی مناسب، برای آهار دادن کاغذ و بهبود خواص فیزیکی و افزایش استحکام و مقاومت آن در برابر کتابت استفاده شده است. مواد آهاری سبب می‌شود تا خواص ترشدگی کاغذ کاهش یافته و امکان نوشتن روی آن فراهم آید. زردشدگی عنوانی است که به کاغذهای تاریخی داده می‌شود که به مرور زمان کدر شده‌اند. این زردشدگی می‌تواند به علل گوناگونی حاصل آید که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به واکنش‌های اکسیداسیون، هیدرولیز و فتواکسیداسیون اشاره کرد. مواد افزودنی که در مراحل بعدی برای بهبود خواص کاغذ به آن اضافه می‌شود نیز از جمله مواردی است که می‌تواند با تغییر رنگ خود در درازمدت، سبب تغییر رنگ و زردشدگی کاغذ بستر خود شوند. شناخت علت اصلی زردشدگی کاغذ تاریخی می‌تواند در درمان آن نقش به‌سزایی داشته باشد. در این مقاله به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا آهارهای نشاسته برنج و گندم سبب زردشدگی اوراق تاریخی می‌شوند و اگر چنین است نسبت زردشدگی کاغذ در کدام نمونه‌ها بیشتر است. بر این اساس، نمونه‌ها تحت دو مرحله پیرسازی تسریعی نور و دما-رطوبت قرار داده شدند که شرایط محیط پیرسازی بر اساس استانداردهای ASTM ایجاد شده و نمونه‌سازی‌ها نیز بر اساس متون تاریخی موجود انجام شده که در این باره نقل شده است. هدف از این پژوهش، بررسی میزان تأثیر آهارهای نشاسته گندم و برنج بر تغییر رنگ و زردشدگی کاغذهای تاریخی است.

۱. نویسنده مسئول، استادیار، عضو

هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان؛

Mehrnaz_Azadi@yahoo.
com

۲. دانشجوی دکتری مرمت اشیاء

فرهنگی و تاریخی؛ M.kh.

mahmoudi@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مرمت اشیاء

فرهنگی و تاریخی، عضو هیئت علمی

دانشگاه آزاد واحد خوراسگان؛

Abedesfahani@gmail.com



پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارتند از:

- ۱- تأثیرات منفی مواد آহারی بر کاغذهای بستر چیست؟
- ۲- آهارهای نشاسته گندم و برنج تا چه میزان بر فرایند زردشدگی کاغذهای بستر خود تأثیر گذارند؟

پیشینه پژوهش

A. Mosca Conte et. 2012 به بررسی نقش اکسیداسیون سلولز^۱ در برخی از کاغذهای متعلق به قرن ۱۵ میلادی پرداخته و پس از بررسی ساختاری نمونه‌های تاریخی اقدام به نمونه‌سازی از روی آن‌ها و پیرسازی نمونه‌ها کرده است. در ادامه هم از نمونه‌های تاریخی و هم از نمونه‌های ساخته‌شده و پیرسازی‌شده به صورت مصنوعی، با استفاده از محاسبات نظری روشی به نام AB-initio که بر اساس نظریه تابعی چگالی وابسته به زمان تفسیر شده است، غلظت کروموفورهای که باعث تغییر رنگ شده‌اند را اندازه‌گیری می‌کنند. آن‌ها معتقدند مجموع کروموفورهای تولیدشده ثانویه در زمان پیری اثر، به شدت وابسته به شرایط زیست‌محیطی است که شیء در طول عمر خود در معرض آن قرار داشته است.

Gerard Banik, Irene Brukle 2011 به بررسی اجمالی برخی ساز و کارهای زردشدگی کاغذ مانند زردشدگی کاغذهایی که علت اصلی آن حضور لیگنین است و برخی دیگر که هیدرولیز سلولز^۲ و پیش‌روی فرایند آن باعث ایجاد ترکیبات جاذب نور می‌شوند، پرداخته‌اند. خراسانی و همکارانش (۱۳۹۱) به بررسی اثرات نشاسته بر خواص کاغذهای صنعتی پرداخته‌اند. در پایان اذعان می‌دارند، استفاده از نشاسته برای جبران خواص پلیمری از دست‌رفته کاغذ نقش مؤثری داشته است.

مقاله حاضر برای اولین بار به جست‌وجوی علل زردشدگی کاغذهای تاریخی در مسیری متفاوت پرداخته و میزان تأثیر مواد افزودنی مانند آهار نشاسته برنج و آهار گندم را روی کاغذهای نسخ‌خطی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا از منابع مختلف تاریخی و مقالات و کتب نوین و مطالعات آزمایشگاهی بهره گرفته شده است.

مواد و روش‌ها

آماده‌سازی نمونه‌ها^۳

الف) ساخت کاغذ

در ساخت کاغذها از دو نوع الیاف کف و الیاف پارچه کهنه پنبه‌ای استفاده شد. طناب‌های کفی و پارچه‌های چلوار که از جنس پنبه هستند برای این منظور مورد استفاده قرار گرفتند.

1. Cellulose oxidation
2. Cellulose hydrolysis
3. Preparation of samples



پارچه‌ها دارای بافت ساده بودند که نخ‌های پود در آن به‌طور متناوب و یک در میان زیر و روی نخ‌های تار قرار می‌گیرند. در ابتدا هر دو نوع الیاف به‌وسیلهٔ قیچی کاملاً کوتاه شدند و در آب آهک با pH 12/22 خوابانده شدند تا هم باعث جدا شدن الیاف از یکدیگر و هم سبب روشن شدن رنگ الیاف شود. خواباندن در آب آهک و سپس شست‌وشوی آن با آب مقطر در چندین مرحله انجام گرفت و پس از هر مرحله الیاف با هاون کوبیده می‌شدند. پس از آماده شدن خمیر موردنظر، کاغذسازی با قالب انجام شدند و بر روی پارچه کرباس پهن شده تا خشک شوند. نمونه‌ها در کاغذهای ساخته شده با الیاف پنبهٔ خالص و کاغذ با الیاف کنف خالص آماده شدند. برای هر کدام از نمونه‌های موردنظر، سه عدد کاغذ در نظر گرفته شد. برای ساخت نمونه، کاغذهایی با اندازه ۵×۵ سانتی‌متر برش داده شدند.

ب) تهیه آهار نشاسته^۱

برای این منظور، دو نوع نشاستهٔ برنج و گندم که از رایج‌ترین آهارهای نشاسته مورد استفاده در کاغذهای تاریخی هستند، انتخاب شدند. تهیه آهارها با توجه به دستورالعمل‌های گوناگون ساخت آهار انجام گرفت.

۱) تهیه نشاستهٔ گندم^۲

برای تهیه نشاستهٔ گندم چندین رساله موجود است که از آن جمله می‌توان به رسالهٔ «صراط‌السطور» از سلطان علی مشهدی، رسالهٔ «گلزار صفا» نوشتهٔ علی صیرفی و رسالهٔ «خط و مرکب» نوشتهٔ حسین عقیلی رستم‌داری اشاره کرد. طبق دستورالعمل رسالهٔ «خط و مرکب» نوشتهٔ حسین عقیلی رستم‌داری، گندم‌ها به مدت یک شبانه‌روز در آب قرار داده شدند و سپس حرارت داده شدند تا عصارهٔ لزجی به دست آید، بعد گندم‌ها جدا و محلول آماده شده، برای آهار دادن کاغذها سرد شد. پس از سرد شدن، pH آهار با استفاده از دستگاه pHسنج Metrohm اندازه‌گیری شد که در دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد برابر ۶٫۷۳ بود. نمونه‌ها توسط پنبه‌ای تمیز به آهار آغشته شده و سپس بر روی کرباس تمیزی پهن تا خشک شدند.

۲) تهیه نشاستهٔ برنج^۳

نشاستهٔ برنج مشخصاً در سه رسالهٔ بیان‌الصناعات نوشتهٔ حبیب‌الله تفسیسی مورخ ۱۲۰۶ میلادی، رسالهٔ جوهر سیمی در قرن پانزدهم میلادی و رسالهٔ حلیه‌الکتاب، فصل دهم بیان‌الصناعات توسط نویسندگانی ناشناس در دوره صفویه آمده است.

1. Starch Sizing
2. Wheat Starch
3. Rice Starch



ساخت آهار نشاسته طبق دستورالعمل رساله حلیه‌الکتاب، فصل دهم بیان‌الصناعات انجام گرفت. به برنج نمک اضافه شد و بعد چندبار با آب شستشو داده شد و یک شبانه‌روز در آب خیسانده شد تا نرم شود. سپس در هاون کوبیده و بر روی منبع حرارتی قرار داده شد. پس از حرارت‌دیدن و لزج‌شدن آب محتوی برنج، محلول به‌دست‌آمده برای آهاردهی نمونه‌ها سرد شد. pH محلول به‌دست آمده، در دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد ۵/۱ با دستگاه قرائت شد. نمونه‌ها با پنبه تمیز و عاری از گرد و غبار به آهار نشاسته برنج ساخته‌شده، آغشته شدند. نمونه‌های آغشته‌شده با نوع آهار نشاسته برنج^۱ و آهار نشاسته گندم^۲ روی کرباس تمیز پهن تا خشک شوند. قبل از اینکه نمونه‌ها کاملاً خشک شوند، با استفاده از سنگ صاف و صیقلی مهره شدند. پس از پایان نمونه‌سازی، تعداد ۶ گروه سه‌تایی نمونه آماده شد که در مجموع ۱۸ نمونه را شامل می‌شد. این نمونه‌ها در جدول زیر به همراه کد اختصاری آنها آورده شده است.

نمونه کاغذ	کد اختصاری	تعداد
پنبه خالص	PC	۳ عدد
پنبه خالص + آهار نشاسته برنج	RPC	۳ عدد
پنبه خالص + آهار نشاسته گندم	BPC	۳ عدد
کنف خالص	PH	۳ عدد
کنف خالص + آهار نشاسته برنج	RPH	۳ عدد
کنف خالص + آهار نشاسته گندم	BPH	۳ عدد

جدول ۱- نمونه‌ها و کد اختصاری آنها

پس از آماده‌سازی، نمونه‌ها وارد دو مرحله پیرسازی تسریعی^۳ نور و دما-رطوبت شدند. قبل از شروع پیرسازی، از نمونه‌ها رنگ‌سنجی^۴ انجام گرفت تا با تغییرات صورت‌گرفته در مراحل پیرسازی مقایسه شوند.

پیرسازی تسریعی نمونه‌ها

الف) پیرسازی نوری^۵

پیرسازی نوری نمونه‌ها طبق استاندارد شماره D6789 انجام گرفت. طبق این استاندارد، نمونه‌ها در معرض لامپ زنون OSKAM، HQI-BT400 ساخت کشور اسلواکی قرار گرفت. زاویه تابش ۴۵ درجه و دمای روی سطح نمونه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ درجه سانتی‌گراد، با تغییر

1. Rice Starch Sizing
2. Wheat Starch Sizing
3. Accelerated aging
4. colorimetry
5. Light aging



فاصله لامپ از نمونه‌ها، تنظیم شد. در این پیرسازی نمونه‌ها بر اساس استاندارد به مدت ۴۵۶ ساعت تحت تابش نور قرار گرفتند. پس از اتمام زمان در نظر گرفته شده، مجدداً از نمونه‌ها رنگ‌سنجی انجام گرفت تا میزان تغییرات صورت گرفته بررسی شود.

ب) پیرسازی دما-رطوبت^۱

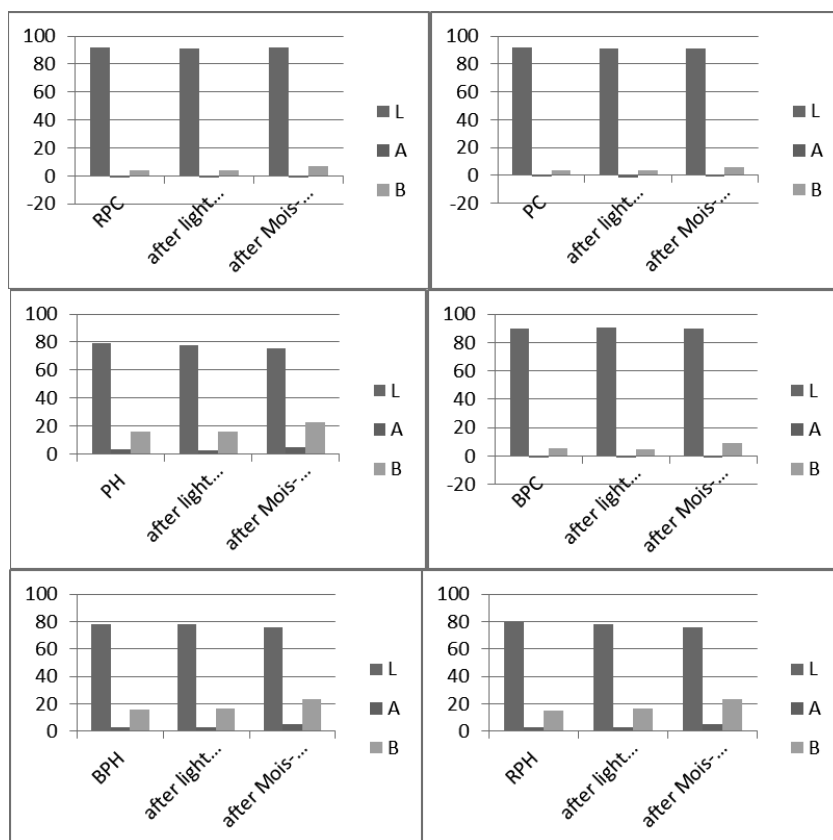
پیرسازی دما-رطوبت طبق استاندارد ASTM^۲ شماره D4714 انجام گرفت. طبق این استاندارد، نمونه‌ها در معرض دمای ۹۰ درجه سانتی‌گراد و رطوبت نسبی ۵۰٪ به مدت ۳۸۴ ساعت قرار گرفتند. محیط در نظر گرفته شده برای این پیرسازی، آون Memmert با قابلیت دمای ۱۲۰ درجه سانتی‌گراد و تعیین زمان ۱۲ ساعت، ۶۰۰ وات و ۲۲۰ ولت است. منبع تأمین رطوبت در این آون، یک بشر ۴۰۰ میلی‌لیتری حاوی آب مقطر بود. در پایان مرحله پیرسازی دوم، از سطح نمونه‌ها رنگ‌سنجی انجام گرفت.

بحث و تحلیل داده‌ها

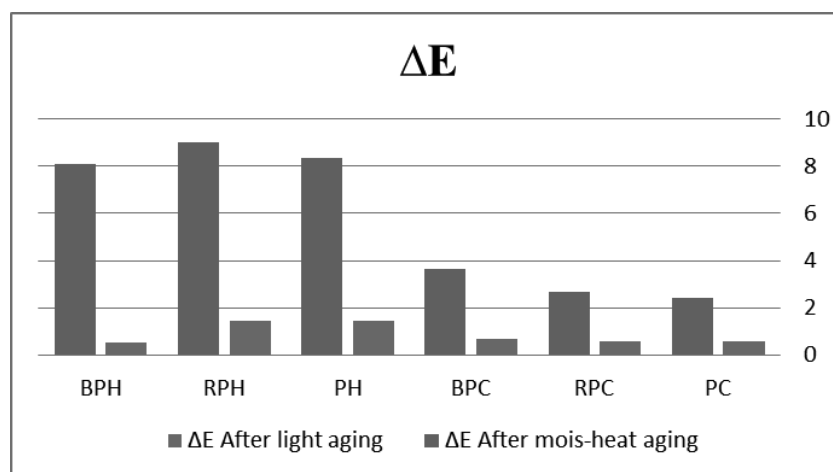
بررسی تغییرات رنگی در نمونه‌های ساخته‌شده قبل و پس از دو مرحله پیرسازی نوری و پیرسازی دما-رطوبت، با دستگاه اندازه‌گیری و اعداد خوانده شده و با برنامه اکسل به صورت نمودار آورده شده است. اندازه‌گیری رنگ نمونه‌ها با دستگاه بر اساس سه فاکتور L, A, B دستگاه رنگ‌سنج انجام شد. هر چه فاکتور L بزرگتر باشد، رنگ نمونه روشن‌تر و بالعکس هر چه مثبت آن کمتر و به منفی نزدیک‌تر باشد، رنگ نمونه تیره‌تر است. در مورد فاکتور A، هر چه مثبت آن بیشتر و عدد بزرگ‌تر باشد، رنگ نمونه رو به قرمزی و هر چه مثبت آن کمتر و به سمت منفی باشد، رنگ نمونه به سمت سبز گرایش دارد. برای فاکتور B نیز هر چه مقدار آن بزرگ‌تر و مثبت آن بیشتر باشد، به طرف رنگ زرد و هر چه کمتر و به سمت منفی باشد به سمت رنگ آبی گرایش دارد. در ادامه، تغییرات کلی این فاکتورها از رابطه $\Delta E = \sqrt{\Delta L^2 + \Delta A^2 + \Delta B^2}$ به دست می‌آید (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۴). ΔE نشان‌دهنده میانگین تغییرات رنگی کلی ایجادشده در نمونه‌هاست. از طریق این رابطه می‌توان مشخص کرد، بیشترین تغییرات رنگی مربوط به کدام نمونه‌ها و در کدام مرحله از پیرسازی صورت گرفته است. در زیر نمودارهای مربوط به رنگ‌سنجی نمونه‌ها قبل و پس از دو مرحله پیرسازی و کد اختصاری آن‌ها آورده شده است.

1. Mois-heat aging
2. American Society for Testing and Materials





نمودار ۱- نمودارهای رنگ‌سنجی نمونه‌ها پس از دو مرحله پیرسازی تسریعی



نمودار ۲- نمودار تغییرات شش نمونه مورد مطالعه پس از دو مرحله پیرسازی تسریعی

در نمودار ۱، در همه نمونه‌ها، فاکتور B که نشان‌دهنده میزان زرد شدگی نمونه‌هاست، افزایش یافته است. این فاکتور در مرحله پیرسازی دما-رطوبت افزایش یافته است که نشان می‌دهد فتواکسیداسیون^۱ سبب زردشدگی کاغذهای موردنظر نشده و آنچه عامل آن است، اکسیداسیون و هیدرولیزی است که طی مرحله پیرسازی دما-رطوبت رخ داده است. فاکتور A که نشان‌دهنده محدوده رنگ سبز و قرمز می‌باشد، در نمونه‌های کنف افزایش محسوسی داشته و به سمت رنگ سبز متمایل گشته که این تغییرات نیز در مرحله پیرسازی دما و رطوبت رخ داده است و باز هم نشان از زردشدگی این نمونه‌ها دارد. و در مورد فاکتور L که نشانگر تیرگی و روشنی نمونه‌هاست، در نمونه‌های پنبه‌ای تقریباً ثابت مانده و در نمونه‌های کنفی با کاهش تقریباً محسوسی همراه است. در کل، نمونه‌های پنبه خالص دارای کمترین میزان تغییرات و نمونه‌های کنف خالص دارای بیشترین میزان تغییر رنگ هستند. آنچه در این تغییرات به خوبی روشن است، آن است که آهار نشاسته گندم و برنج تأثیر ناچیز و تقریباً صفری را بر زردشدگی نمونه‌ها گذاشته و آنچه سبب این تغییرات گشته است، ساختار خود کاغذ و شرایط محیطی مؤثر بر آن بوده است. نمونه PH (کنف خالص) با فاکتور B برابر ۲۲٫۹۹، نمونه RPH (کنف با آهار نشاسته برنج) با فاکتور B برابر ۲۳٫۲۸ و نمونه BPH (کنف با آهار نشاسته گندم) با فاکتور B برابر ۲۳٫۵ این امر را تصدیق می‌کند. هر چند، طبق نمودار ۲، بیشترین تغییرات رنگی مربوط به پیرسازی دما-رطوبت و نمونه‌های ساخته شده با الیاف کنف و آهار نشاسته برنج با ΔE برابر ۹ است، اما این تغییرات با نمونه کنف خالص بدون آهار با ΔE برابر ۸٫۳۶ تقریباً برابری می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله میزان تأثیر آهار نشاسته گندم و برنج بر فرایند زردشدگی اوراق نسخ‌خطی تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. در یک بررسی آزمایشگاهی و آماری مشخص شد، نمونه کاغذهای کنفی با توجه به ناخالصی‌های فراوان موجود در آن در شرایط پیرسازی تسریعی دما-رطوبت، بیشترین میزان زردشدگی را از خود نشان دادند و این شرایط با وجود آهار نشاسته (گندم و برنج) تغییر چندانی نداشته است. در نمونه‌های کاغذ با الیاف پنبه‌ای نیز کمترین میزان تغییرات مشاهده شد و در نمونه‌های پنبه حاوی آهار نشاسته (به‌طور کلی نشاسته گندم و برنج) نیز تغییرات قابل توجهی نسبت به پنبه بدون آهار مشاهده نشد. هر چند، بیشترین میزان تغییرات نیز متوجه نمونه‌های کنفی حاوی آهار نشاسته برنج می‌باشد که نقش آهار نیز در این تغییرات با توجه به تغییرات نمونه کنف خالص بدون آهار، بسیار کم‌رنگ می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین تغییر در کاغذهای تاریخی مربوط به نوع الیاف، میزان ناخالصی موجود

1. Photo-oxidation

در آن‌ها و همچنین محیطی که در طول حیات خود در آن قرار دارند، می‌باشد. همچنین نشان می‌دهد که نور نیز کمتر از دما و رطوبت سبب تخریب و زردشدگی نمونه‌های ساخته‌شده گردیده و آنچه مهم‌ترین عامل ایجاد زردشدگی در آن‌ها به حساب می‌آید، واکنش‌های اکسیداسیون و هیدرولیز سلولز انجام گرفته بر اثر تغییرات دما و رطوبت است.

منابع

- خراسانی، زینب؛ همزه، یحیی؛ عشوری، علیرضا؛ آزاد فلاح، محمد (۱۳۹۱). اثر نشاسته کاتیونی و کیتوسان بر مقاومت خشک خمیر کاغذ رنگ‌بری شده حاصل از باگاس پیش‌استخراج‌شده و پیش‌استخراج‌نشده. *مجله علوم و تکنولوژی پلیمر*، ۲۵ (۵)، صص ۳۸۳-۳۹۲.
- روبرتس، جی. سی. (۱۳۸۱). *شیمی کاغذ*. (مترجمان: سید احمد میرشکرای؛ حسن صادقی‌فر). تهران: نشر آبیژ.
- سدینگتن، مرین (۱۳۷۸). *هنر کاغذسازی دستی* (مترجم: مهران روحانی). تهران: شرکت انتشارات فنی ایران.
- کاظمی، محسن؛ شعبانپور، بهاره و پورعاشوری، پرستو (۱۳۹۴). بررسی خصوصیات فیزیکی فیلم نانوکامپوزیتی حاصل از پروتئین ماهی تقویت‌شده با نانوفیبر سلولز. *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم و فنون سیالات*، ۴ (۳)، صص ۱۱۹-۱۳۱.
- کریم‌نژاد، فاطمه؛ فیروزبخت، فهیمه؛ میرلطفی، صدیقه؛ قدیمی، شهرزاد؛ فرجامند، فاطمه (۱۳۹۱). ارزیابی توأم ظرفیت آنتی‌اکسیدانی و میزان فلاونوئیدهای عصاره الکلی برخی از گیاهان رایج طب سنتی. *پاتوبیولوژی مقایسه‌ای*، ۹ (۳)، ۷۵۵-۷۵۸.
- فرهوش، رضا؛ حدادخداپرست، محمدحسین؛ پورآذرنگ، هاشم؛ رحیمی‌زاده، محمد؛ سیدی، سیدمحمد (۲۰۰۶). مقاومت حرارتی فراکسیون عمده آنتی‌اکسیدانی برگ گیاه نوروزک (*Salvia leriifolia*). *علوم و صنایع کشاورزی*، ش ۱: صص ۵۳-۶۰.
- لیه‌ناردی، آن؛ وان دام، فیلیپ (۱۳۷۹). *راهنمای حفاظت، نگهداری و مرمت کاغذ* (ابوالحسن سرومقدم، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی: مجموعه رسائل در زمینه خوشنویسی، مرکب‌سازی، کاغذگری، تذهیب و تجلید*. بانضمام فرهنگ *واژگان نظام کتاب‌آرایی*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- منشی‌قمی، قاضی احمد (۱۳۶۶). *گلستان هنر*. به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: کتابخانه منوچهری.
- Banik, Gerhard and Brukle, Irene (2011). *Paper and water*. Oxford: Butterworth-



Heinmann.

- Dhakal, H.N.; Zhang, Z.Y. and Richardson, M.O.W. (2006). "Effect of water absorption on the mechanical properties of hemp fibre reinforced unsaturated polyester composites". *Composites Science and Technology*, 1-10.
- Dolenc, J.; Sket, B. and Strlic, M. (2002). "Are quinonemethides responsible for yellowing of paper in light?". *Tetrahedron Letters*. 43)32: (5669–5671.
- Ming, GAO and DAI Qiu-ju (2006). "Studies on Thermal Degradation of Cellulosic Fibers Treated with Flame Retardants". *The Chinese Journal of Process Engineering*, 6(2): 242-246.
- Mosca conte, A.; Pulci O.; Knapik A.; Bagniuk, J.; Del Sole R.; Lojewska, J. and Missori, M. (2012). "Role of Cellulose Oxidation in the Yellowing of Ancient Paper". *APS Journals, Phys. Rev. Lett.*, 108(16):285-294.
- Pramanik, P. and Patil, Vilas M. (2009). "Physical Characteristics of Cotton/Polyester core spun yarn made using ring and AIR-JET systems". *AUTEX Research Journal*, 9(1):14-19.
- Tosun, M.; Ercisli, S.; Ozer, H.; Turan, M.; Polat, T.; Ozturk, E.; Padem, H. and Kilicgun, H. (2012). "Chemical composition and antioxidant activity of Foxtail Lily (*Eremurus spectabilis*)". *Acta Sci. Pol., Hortorum Cultus* 11(3): 145-153.
- Whitmore, Paul M. (2011). Paper aging and the influence of water. In: Banik, Gerard; Brukle, Irene. *Water and paper*. 224. Oxford: Butterworth- Heinmann.



دستورالعمل‌های نگهداری آرشیوی

اداره خدمات عمومی آرشیو نیویورک
ترجمه: فرشته ابراهیمی

■ چکیده

حفاظت و نگهداری صحیح از منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای از جمله اقدامات مؤثر برای پاسداشت و جلوگیری از تخریب آن‌هاست. در این راستا استفاده از تجهیزات و فضای مناسب، از الزامات موردنیاز است. در این مقاله به فعالیت‌های اداره خدمات عمومی آرشیو در خصوص حفظ و نگهداری اسناد موجود در آن مرکز اشاره شده است. این مرکز با استفاده از ابزار، شرایط و تجهیزات مناسب برای حفاظت و نگهداری از سوابق اعضای خود فعالیت می‌کند که از آن جمله می‌توان به ایجاد دما، رطوبت و نور ایده‌آل برای مکان ذخیره‌سازی، استفاده از جعبه‌ها و پوشه‌های مناسب برای مواد ذخیره‌سازی و همچنین پردازش مواد آرشیوی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها

حفاظت و نگهداری، ذخیره‌سازی، تجهیزات نگهداری.



دستورالعمل‌های نگه‌داری آرشیوی^۱

اداره خدمات عمومی آرشیو نیویورک | ترجمه: فرشته ابراهیمی^۲

اداره خدمات عمومی (G.S.O.)^۳ یک بایگانی برای نگه‌داری سوابق تاریخی و کسب‌وکار اعضای آن است. از آن جمله می‌توان به سوابقی اشاره کرد که روی طیف گسترده‌ای از رسانه‌ها، فیلم‌های سیاه و سفید و رنگی، صداها، ضبط‌شده، تلگراف، نسخه‌های خطی، نوشته‌های تایپ‌شده و یا دست‌نویس، اسناد با کاغذهای کربنی، عکس‌ها، صفحه‌های نگاتیو، مجموعه اسلایدها و ریزفیلم‌ها موجود هستند.

آرشیو (G.S.O.) تعهد دارد که شرایطی مناسب برای ذخیره‌سازی و حفظ سوابقی که در آنجا بایگانی شده‌اند، ایجاد کند. دستورالعمل‌ها و روش‌های توصیه‌شده کاملاً با آرشیوهای حرفه‌ای مطابقت دارند.

نگه‌داری در مقابل حفاظت

اطلاعات این مقاله برای کمک به آرشیوهای محلی، منطقه‌ای یا بخشی، ارائه شده است. در این مقاله فقط روش‌ها و فنونی برای حفاظت و نگه‌داری از سوابق پیشنهاد شده‌اند. آرشیوداران، مسئولیت حفاظت از اسناد را بر عهده ندارند؛ از این‌رو، روش‌هایی برای نگه‌داری در زیر بیان شده است. نگه‌داری، فرایندهایی برای ایجاد ثبات و حفظ اسناد تاریخی در حال نابودی، با استفاده از مواد باکیفیت آرشیوی و فراهم‌آوردن شرایط محیطی بهینه برای ذخیره‌سازی را شامل می‌شود. حفاظت شامل کار حرفه‌ای برای مرمت آسیب‌هایی است که

۱. این متن ترجمه ای است از:

Archives Preservation
Guidelines, from G.S.O., Box
459, Grand Central Station,
New York, NY 10163, www.
aa.org.

در این متن در خصوص موارد انتقال،

تجهیزات، ذخیره‌سازی، نمایش، پردازش و

نگه‌داری اسناد توضیحاتی ارائه شده است.

۲. کارشناسی‌ارشد شیمی، کارشناس

آزمایشگاه شیمی، سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران: ebrahimifereshteh@

yahoo.com

۳. (G.S.O.): اداره خدمات عمومی در

نیویورک که به الکلی‌های گمنام در آمریکا

و کانادا خدمت‌رسانی می‌کنند.

The General Service Office

in New York serves the A.A.

groups in the U.S. and Canada.



به سند یا مصنوعات وارد شده است و با به کارگیری روش‌های فیزیکی و یا شیمیایی صورت می‌پذیرد. لازم است که قانون اول کار آرشیوی را به‌خاطر داشته باشیم: آسیب نرسان. مطمئن باشید که هر عملی، عکس‌العملی دارد.

جابه‌جایی مواد آرشیوی

در هر بخش آرشیوی با انتقال صحیح انواع کاغذهای می‌توان به حفاظت از آن‌ها کمک کرد. اگر شما با مواد آرشیوی به‌طور صحیح کار نکنید ممکن است بیشترین آسیب را به آن‌ها وارد کنید. برای مثال، اگر شما این مواد را در اتاق زیر شیروانی یا زیرزمین رها کنید یا آن‌ها را بدون دستکش و با دست آلوده لمس کنید، چربی طبیعی انگشتان شما، آسیب جدی و غیرقابل‌برگشت به مواد آرشیوی وارد خواهد کرد. برای جابه‌جایی مواد آرشیوی باید موارد زیر را مدنظر قرار داد:

- دست‌ها باید تمیز باشد یا باید از دستکش نخی استفاده کرد. اگر دستکش‌های نخی مناسب نیستند، برای مثال اگر جسم موردنظر شکننده باشد، از دستکش‌های جراحی بدون پودر، استفاده شود.

- در همه بخش‌ها از یک تکیه‌گاه سخت و صاف استفاده شود که مناسب و مخصوص اجسام ضعیف و شکننده باشد.

- برای جابه‌جایی منابع آرشیوی در مسافت‌های طولانی، کاغذهای صاف آن‌ها را مابین دو تکیه‌گاه سفت قرار دهید.

- باید در بین آثار هنری و اسناد، صفحات سفید و کاغذهای آرشیوی قرار داد تا از سایش آن‌ها به یکدیگر و انتقال چسب و جوهر از از سایر موارد به آن‌ها، جلوگیری شود.

- برای جابه‌جایی و انتقال منابع آرشیوی بزرگ، از چرخ دستی یا بستر مسطح استفاده شود.

- هنگامی که با آثار هنری و اسناد سر و کار دارید از مداد استفاده کنید نه خودکار، زیرا علامت‌هایی که با مداد ایجاد می‌شود به‌آسانی قابل‌پاک‌کردن است اما جوهرها می‌توانند مشکلاتی ایجاد کنند که پاک کردن آن‌ها غیرممکن باشد.

مکان ذخیره‌سازی

بخش بزرگی از فرایند نگهداری که مجبوریم در مورد منابع آرشیوی انجام دهیم، استفاده از وسایلی مانند جعبه‌ها و یا پوشه‌ها برای ذخیره‌سازی سوابق و همچنین مکان ذخیره‌سازی آن‌هاست. بدون استفاده از روش‌های مناسب برای ذخیره‌سازی، موضوع حفاظت صحیح اسناد انجام نمی‌شود. در شرایط ایده‌آل، منابع آرشیوی باید در محیطی با دما، رطوبت و نور



قابل کنترل نگهداری شوند. محدوده مناسب برای دما، بین ۶۵ تا ۶۸ درجه فارنهایت است. در صورت امکان، عکس‌ها باید در دمای پایین‌تر، در حدود ۵۵ درجه فارنهایت، ذخیره شوند. از آنجایی که کتاب‌ها و دیگر منابع کاغذی بسیار آسیب‌پذیر هستند، باید در مکان‌های با رطوبت پایین، ترجیحاً ۳۰ تا ۵۰ درجه، ذخیره شوند.

بهتر است سطح دما و رطوبت برای نگهداری سوابق و منابع آرشیوی ثابت باشد. نوسان دما و رطوبت، بیشتر از دما و رطوبت بالا به این منابع آسیب وارد می‌کند. همچنین قراردادن منابع آرشیوی در معرض نور نیز می‌تواند به آن‌ها آسیب وارد کند. توجه داشته باشید هنگامی که از مخازن استفاده نمی‌شود، چراغ‌ها را خاموش کنید. همچنین ساس‌ها، حشرات و جوندگان از عوامل مضر و زیان‌آور برای منابع آرشیوی هستند. بنابراین، فضا باید کاملاً تمیز باشد. برای جلوگیری از بروز آفت و ضرر و زیان حاصل از آن و همچنین برای جلوگیری از خرد شدن و لکه‌دار شدن منابع آرشیوی نباید اجازه داد در مخازن عمل خوردن و آشامیدن صورت گیرد. باید برای گرفتن حشرات تله‌گذاری کرد و مخازن به‌طور مرتب باید پایش شوند. از وجود حشرات، انواع آن‌ها و تعداد حشراتی که در محوطه ذخیره‌سازی دیده شده‌اند، گزارش تهیه کنید. از این راه می‌توانید از آلودگی آگاهی پیدا کرده و قبل از آنکه به مشکل جدی برخورد کنید، مراحل از بین بردن آن‌ها را به‌درستی آغاز کنید.

همچنین باید مراقب بود که مخازن و در صورت امکان فضاهایی که در آنجا کار آرشیوی انجام می‌شود، تمیز باشند. هنگامی که مخزن آرشیوی راه‌اندازی می‌شود، قبل از آنکه جعبه‌ها در مخزن قرار گیرند، قفسه‌ها باید نظافت شوند. وقتی قفسه‌ها آلوده به گرد و خاک باشند، دلیلی برای نظافت منابع آرشیوی وجود ندارد. معمولاً قفسه‌ها از بالا به پایین نظافت می‌شوند. منابع آرشیوی باید پیش از ورود به مخزن نظافت شده و بعد جعبه یا کابینت فایل ذخیره شوند.

مواد ذخیره‌سازی

دو مورد از مهم‌ترین مواد برای ذخیره‌سازی آرشیوی، پوشه‌ها و جعبه‌ها هستند. از پوشه‌ها و جعبه‌ها باید به‌طور خاص برای آرشیو استفاده شود، بدین معنی که Ph پایین و یا خنثی داشته و همچنین بی‌اسید باشند. اسناد در اسیدیته بالا، همانند کاغذ روزنامه، به‌سرعت تخریب می‌شوند. ذخیره‌سازی منابع آرشیوی در جعبه‌ها و پوشه‌های بی‌اسید کمک می‌کند تا اسیدیته درون جعبه‌ها به سوابق سرایت نکند، بنابراین به حفظ دوام منابع کمک خواهد کرد.

جعبه‌ها

اگر معلوم نیست که جعبه‌ها بی‌اسید هستند یا نه، باید آن‌ها را عوض کرد. همچنین، جعبه‌ها



باید پس از گذشت حدود ۱۰ سال جایگزین شوند. وقتی جعبه‌ها کم‌رنگ شوند، قابلیت جذب اسید را پیدا کرده و شرایط حفاظت از اسناد را از دست می‌دهند؛ در این شرایط باید نسبت به جایگزینی آن‌ها اقدام کرد. می‌توان قلم‌های ویژه طراحی را خریداری کرد تا با آن Ph جعبه‌ها و پوشه‌ها را آزمایش کرده و نیاز به جایگزینی آن‌ها را تعیین کرد.

وقتی جعبه‌ها شرایط حفاظت از منابع داخل خود را نداشته یا این شرایط را از دست می‌دهند، باید جایگزین شوند. نوارها باید در جعبه‌هایی با اندازه مناسب قرار گیرند. جعبه‌ها نباید بیش از حد پر یا نیمه‌پر باشند. نیمه‌پر شدن جعبه می‌تواند باعث شود تا نوارها در جعبه فرو بریزند و در نهایت دچار انحنا و تاب‌خوردگی شوند. پر شدن بیش از حد جعبه نیز می‌تواند باعث شود که نوارها در هنگام تکان خوردن و جابه‌جایی اقلام صدمه ببینند.

می‌توان جداکننده‌ها را به جعبه‌ها اضافه کرد تا به پشتیبانی از سوابق در جعبه‌های نیمه‌پر کمک شود. از جداکننده‌ها استفاده می‌شود تا نوارهای ضبط‌شده در یک خطوط قرار گیرند تا بتوان آن‌ها به شکل مناسب در جعبه چید. جداکننده‌ها باید بدون اسید بوده و از شرکت‌های عرضه‌کننده منابع آرشیوی تهیه شوند.

پوشه‌ها

پوشه‌ها فقط به نگهداری نوارها کمک نمی‌کنند بلکه در ساماندهی منابع در جعبه‌ها نیز به کار گرفته می‌شوند. فقط باید جعبه‌ها بی‌اسید باشند، پوشه‌ها سالم باشند و هنگامی که توانایی نگهداری از اسناد را ندارند باید جایگزین شوند. اندازه پوشه‌ها باید مناسب باشد؛ لبه آویزان سوابق به راحتی آسیب می‌بیند. مخصوصاً زمانی که پوشه‌ها را درون جعبه گذاشته یا از جعبه برمی‌دارند، احتمال آسیب به آن‌ها وجود دارد. پوشه‌ها نباید بیش از حد پر شده باشند؛ در این حالت پشتیبانی کافی از سوابق صورت نمی‌گیرد و احتمال خطر افتادن سوابق افزایش می‌یابد. در بیشتر پوشه‌های آرشیوی خط‌های نشانه‌ای در زیر پوشه وجود دارد که باعث افزایش حجم آن می‌شود. نباید پوشه‌ها را فراتر از حجمی که این خطوط مشخص می‌کنند، پر کرد. پیشنهاد می‌شود، همیشه برای نوشتن روی برچسب پوشه‌ها از مداد استفاده شود. بیشتر جوهرهای غیرآرشیوی، اسیدی هستند و اگر در معرض آب یا رطوبت زیاد قرار بگیرند تمایل به محو شدن یا پخش شدن دارند. از آنجایی که در تولید این جوهرها استانداردهای آرشیوی رعایت نمی‌شود، بهتر است همیشه از مداد استفاده شود، مگر آنکه قلم ایمن آرشیوی خریداری شود. به خاطر داشته باشید، حتی زمانی که از جوهرهای مناسب آرشیوی استفاده می‌شود، باز هم احتمال آسیب دیدن سوابق وجود دارد.



پردازش منابع آرشیوی

مدارک روزنامه‌ای

مدارک بسیار اسیدی، مانند تلگراف‌ها و روزنامه، در اولویت قرار دارند تا روی کاغذ آرشیوی رونوشت‌برداری شده یا در بین لایه‌هایی از کاغذهای بدون اسید قرار داده شوند. وقتی روزنامه کهنه می‌شود، کاغذ آن به سبب قراردادن در معرض نور و اکسیژن، به‌صورت شیمیایی با اکسیژن ترکیب می‌شود. بروز این تغییر شیمیایی، دلیل تغییر رنگ کاغذهای روزنامه به رنگ زرد-قهوه‌ای است. ممکن است متوجه رنگ سبز مازویی روی کاغذهایی شده باشید که نزدیک روزنامه‌ها نگهداری شده‌اند؛ وجود این رنگ روی کاغذ ناشی از مواد شیمیایی کاغذ روزنامه است. متأسفانه، از آنجایی که کاغذ روزنامه، کاغذ با کیفیت بسیار پایین است، نمی‌توان حفاظت زیادی از آن انجام داد. بهترین راه برای جلوگیری از آسیب بیشتر آن است که از روزنامه‌ها رونوشت‌برداری شده و سپس نسخه اصلی را دور انداخت. همچنین می‌توان مقاله را در روکش پلی‌استر قرار داد. با قراردادن کاغذهای بدون اسید یا قراردادن برگه‌های سفید کاغذ لابه‌لای صفحات روزنامه، می‌توان به جذب اسید موجود در کاغذ روزنامه کمک کرد. اگر مقاله چاپ‌شده در روزنامه دارای ارزش ذاتی باشد، باید با استفاده از فنون بالا از آن نگهداری کرد.

مدارک در اندازه‌های بزرگ

مدارک زمانی بزرگتر از اندازه به‌نظر می‌رسند که نتوان آن‌ها را بدون تا خوردن و یا پیچاندن در داخل جعبه یا پوشه قرار داد. تلاش برای قرار دادن منابع در اندازه‌های بزرگ داخل جعبه‌های استاندارد می‌تواند به منابع خسارت وارد کند و یا می‌تواند باعث خم‌شدن و یا تاب‌دار شدن آن‌ها شود. نباید منابع را برش داد و با برش‌دادن منابع تلاش کرد تا آن‌ها را در جعبه‌های کوچک‌تر قرار داد. به جای این کار باید جعبه‌های بزرگتری برای مدارک فراهم آورده شود. مدارک باید با توجه به اندازه آن‌ها در جعبه‌ها با اندازه‌های مناسب، بایگانی شوند.

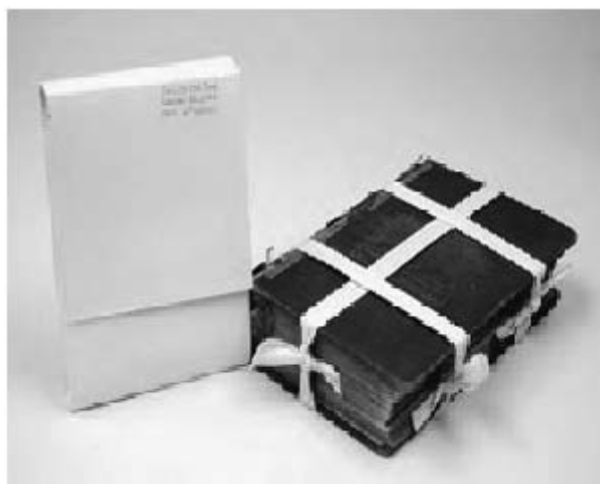
در صورتی که منابع در اندازه‌های بزرگ در جعبه‌های استاندارد ذخیره شده باشند می‌توان آن‌ها باید جابه‌جا کرد. در صورت امکان این منابع باید به‌شکل صاف و بدون خم، تا یا پیچش، بایگانی شوند. ممکن است تا کردن منابع به محل اتصال آن‌ها آسیب وارد کرده و باعث خسارت به مدارک بی‌دوام و شکننده شود. همچنین آثار هنری اصلی، پوسترها، یا عکس‌ها نباید تا شوند. تا کردن مدارک زمانی قابل‌قبول است که مدارک قوی و انعطاف‌پذیر باشند. حتی اگر لازم است مدرکی را تا کرد، می‌توان آن‌ها را فقط یک‌بار تا زد. وقتی منابعی که بزرگتر از اندازه معمول هستند از جعبه برداشته و با منبع دیگری جابه‌جا می‌شوند، باید دقت کرد تا تمام منابع بازگردانده شده و هیچ‌کدام از منابع کم نشوند. جابه‌جا کردن منابع بزرگتر از اندازه توسط



یک نفر، کار ناشیانه‌ای است؛ پس برای جابه‌جایی این نوع از منابع نیاز به دو نفر است و نباید این منابع را طوری حمل کرد که امکان آسیب به آن‌ها وجود داشته باشد.

محدود کردن جلدها

در اینجا دو راه اساسی برای کمک به ثابت نگه‌داشتن جلدهایی که آسیب دیده‌اند وجود دارد: گره‌زدن یا قرار دادن در جعبه (شکل الف). وقتی کتاب را گره می‌زنید هدف آن حفاظت از جلد و عطف کتاب در مقابل جدا شدن آن‌هاست. کتاب‌ها را باید با نوار پارچه‌ای کتان سفید گره زد که می‌توان از شرکت‌های عرضه‌کننده محصولات آرشیوی آن را تهیه کرد. مراقب باشید نوار را نباید خیلی محکم گره زد. نوار را باید در اطراف کتاب به صورت طولی پیچید، بعد آن را از روی خودش عبور داد و سپس روی عرض کتاب پیچاند. مطمئن شوید که نوار کتان روی کتاب به شکل کاملاً صاف قرار گرفته باشد. حجم کتاب باید گره خورده باشد به طوری که هنگام وارونه‌شدن، عطف آن قوس پیدا نکند؛ یعنی باید به اندازه‌ای شل باشد که امکان بازکردن گره و دوباره گره‌زدن آن وجود داشته باشد.



شکل الف- روش‌هایی برای ثابت نگه‌داشتن جلدهای آسیب‌دیده

قرار دادن جلدهای آسیب‌دیده در جعبه نیز گزینه مناسبی است. این روش امکان حفاظت بهتر را میسر می‌سازد، به طوری که کل جلد به شکل تنظیم‌شده، داخل جعبه قرار می‌گیرد. اطراف این منابع تا می‌شود تا در جعبه با اندازه مناسب قرار داده شود. می‌توان این جعبه‌ها را از شرکت‌های عرضه‌کننده محصولات آرشیوی تهیه کرد.

در حالت ایده‌آل، باید جلدهای بزرگ و سنگین را به‌صورت افقی ذخیره کرد نه عمودی. این روش، حفاظت بهتری را برای عطف و جلد کتاب فراهم می‌آورد. به دلایل گوناگون، بیش از سه یا چهار جلد را نباید روی هم انباشته کرد: نخست، به کتاب زیرین فشار کمتری وارد می‌شود؛ دوم، در هنگام جست‌وجوی یک کتاب احتمال خطر افتادن کتاب از قفسه به بیرون کمتر است. هنگام بررسی کتاب‌ها، از بالا به آن‌ها فشار وارد نکنید و هنگام برداشتن آن‌ها از روی قفسه، کتاب‌ها را از پایین نگه دارید. اگر کتاب‌ها کوچک هستند، آن‌ها را در پوشه‌های بدون اسید قرار داده و روی پوشه‌ها برچسب بزنید.

هر یادداشتی که در کتاب‌ها پیدا شود باید ارزش آرشیوی آن‌ها ارزیابی شود. بعد از روزنامه‌ها، کاغذهای یادداشت می‌توانند اسیدپایه بالایی دارند که به جلدها خسارت وارد می‌کنند. این کاغذها را باید روی کاغذ بدون اسید رونوشت‌برداری کرده یا روی کاغذهای با ثبات به‌صورت دست‌نویس رونوشت‌برداری کرد.

اسناد رول‌شده یا چین‌خورده

در صورتی اقدام به بازکردن یک منبع رول‌شده که کاغذ آن مقاومت لازم را داشته باشد و اطمینان داشته باشید که آسیبی به آن وارد نمی‌شود. اگر هنگام بازکردن مدرک، مدرک شروع به خراب‌شدن کرد، صبر کنید و با ملایمت اجازه دهید تا جمع شود. این منابع باید فقط با محافظ باز شوند. زمانی که مدرک را باز می‌کنید، قسمت پیچیده‌شده را برنگردانید و تلاش کنید تا آن‌ها را صاف بخوابانید. برگرداندن قسمت پیچیده‌شده مدارک مخصوصاً چین‌دار شدن آن‌ها می‌تواند مدارک را شکننده کرده و به‌سمت پاره‌شدن یا شکسته‌شدن ببرد.

به‌کار بردن روش‌هایی برای جلوگیری از خم‌شدن مدارک: یادتان باشد منابع را خم نکنید تا آسیبی به آن‌ها وارد نشود و همچنین قسمت خم‌شده را برنگردانید و به‌جای این کار، مدرک را به‌صورت صاف روی میز تمیز قرار داده و با دستان تمیز آن‌ها را از سمت رأس منبع روی سطح صاف بخوابانید. در صورتی که مدرک به‌صورت صاف نبود می‌توان آن را در پوشه یا در روکش پلی‌استری قرار داد. تلاش نکنید تا کاغذهای شکننده را باز کنید، این کار ممکن است باعث شکستگی کاغذ شود.

نوشتن یادداشت روی سوابق آرشیوی

اگر نیاز است که روی مدارک آرشیوی یادداشتی نوشته شود، همیشه یادداشت‌ها در مکان‌هایی قرار می‌گیرند که با اطلاعات ارئه‌شده در سابقه تداخلی ایجاد نکنند. یادداشت‌ها باید به مرتب‌ترین شکل ممکن نوشته شوند. پیشنهاد می‌شود برای راهنمایی علامت {} را اطراف



اطلاعات قرار دهید تا مشخص شود این یادداشت‌ها آرشیودار اضافه کرده است نه تولیدکننده مدرک.

توصیه می‌شود هنگام اضافه کردن یادداشت به سوابق آرشیوی، فقط از مداد استفاده شود. اگر لازم است از جوهر استفاده شود باید خودکار مناسبی خریداری شود که جوهر آن اسیدی نبوده و پخش نشود.

مراقبت از یادداشت‌ها

پاک کردن

هنگام نظافت کتاب‌های شکننده یا کاغذهای شکننده باید دقت زیادی شود. برای نظافت سوابق آلوده، از یک پارچه نرم و لطیف یا قلم‌مو استفاده کنید. همیشه از وسط سابقه شروع کرده و به سمت لبه خارجی پیش روید. فقط منابعی که در شرایط خوبی هستند را نظافت کنید. نظافت بخش‌هایی از منابع که شکننده یا پاره هستند ممکن است باعث آسیب دیدن آن‌ها شود. سعی نکنید لکه یا کثیفی جامانده روی سوابق را پاک کنید. این کار فقط به عهده کسانی که مسئول حفاظت و مرمت سوابق هستند.

برای جلوگیری از گسترش آلودگی یا پاک کردن آن از منابع بدون محافظ، حد و مرزی تعیین کنید و همچنین به‌خاطر داشته باشید این کار باید با پارچه‌ای نرم انجام شود. در صورتی که نیاز باشد لبه‌ها هم پاک شوند. اطراف و لبه‌های منابع باید از حالت عادی خود سفت‌تر و محکم‌تر باشند تا مانع از ورود آلودگی به منابع شوند.

هرگز از پارچه پرزدار روی بافت سوابق یا عکس‌ها استفاده نکنید. استفاده از پارچه‌های پرزدار برای نظافت منابع ممکن است باعث شود گرد و غبار بیشتری روی منابع به‌جا بماند. همه عکس‌ها باید قبل از آنکه در پوشش پلی‌استری قرار بگیرند با برس نرم مخصوص گردگیری، نظافت شوند. برس‌ها را باید به‌صورت دوره‌ای با آب و صابون تمیز کرد و اجازه داد در هوای آزاد خشک شوند.

نگهداری

مدارک شکننده، مانند روزنامه یا تلگراف‌ها، یا سوابق پاره‌شده باید در پوشش پلی‌استری قرار گیرند تا به حفاظت از آن‌ها در مقابل آسیب بیشتر، کمک شود (شکل ب). مطمئن شوید که پوشش مذکور از خود سابقه بزرگتر است و بنابراین سابقه را به‌طور کامل محصور می‌کند. زمانی که سابقه را در پوشش قرار می‌دهید مراقب باشید. پوشش را روی یک میز تمیز قرار دهید و از بالای ورق درون پوشش آن را بلند کنید. پشت برگه را به‌سمت میز قرار داده و به‌آرامی



سابقه را درون پوشش قرار دهید. می‌توان سابقه را همراه با کاغذ بدون اسید در پوشش قرار داد تا به حفاظت از سابقه کمک کند. اگر سابقه دو طرفه است، کاغذ بدون اسید می‌تواند باعث حذف آن طرف از سابقه شود که در پوشش قرار دارد. این ایده خوبی است که در آرشیو پوشش‌های پلی‌استری داشته باشیم که دو طرف آن‌ها بسته می‌شود و به حفاظت از سوابق و جلوگیری از بیرون‌افتادن آن‌ها کمک کند. ممکن است پوشش پلی‌استری که فقط یک طرف آن بسته می‌شود، هنگام قراردادن یا برداشتن از پوشه‌ها مچاله شود. این نوع پوشش حفاظت کافی را فراهم نمی‌آورد و احتمال دارد سوابق به راحتی از پوشش خود خارج شوند.



شکل ب- قراردادن مدارک شکننده در پوشه‌های پلی‌استری

در هر پوشش فقط یک سابقه قرار دهید. خارج کردن سابقه از پوشش و برگرداندن به داخل آن به صورت مکرر، موجب وارد آمدن آسیب به سابقه خواهد شد. قبل از قرار دادن سابقه در پوشش باید همه اتصالات برداشته شوند. فقط زمانی که ممکن است برداشتن اتصالات از سابقه باعث بروز آسیب بیشتر شود، می‌توان از برداشتن اتصالات چشم‌پوشی کرد. ممکن است از نوار چسب‌های مرمت آرشیوی برای تعمیر کتاب‌ها یا سوابق پاره استفاده شود. برای این منظور نوارهای گوناگونی وجود دارد که می‌توان از فروشندگان لوازم آرشیوی آن‌ها را تهیه کرد. با این حال، استفاده از این نوارچسب‌ها ممکن است مشکل باشد. پیشنهاد می‌شود اول روی اسناد غیرآرشیوی تمرین کرده و بعد از این نوار چسب‌ها برای چسباندن منابع آرشیوی از آن‌ها استفاده کرد. بهتر است از نوار چسب‌ها در پشت سوابق استفاده شود تا



اختلالی در اطلاعات سابقه ایجاد نشود. همچنین پیشنهاد می‌شود از این نوار چسب‌ها برای منابعی که ارزش ذاتی کمی دارند، استفاده شود. سوابقی که دارای ارزش ذاتی بالایی هستند باید در پوشش پلی‌استری نگهداری شوند تا مرمت‌گر سوابق کار اصلاح آن را انجام دهد.

بستن اسناد

برای جدا کردن اسنادی که با مهر وموم، سریش، چسب، نوار توری، یا گره‌ها کنار همدیگر نگه داشته شده‌اند، تلاش نکنید. مجزا کردن اسنادی که کنار هم هستند را فقط باید حفاظت کاران آموزش‌دیده انجام دهند. نباید از اتصالات فلزی، نوارهای پلاستیکی، بست آهنی، گیره‌های کاغذ، نوار چسب یا سنجاق‌های صاف برای نگه‌داشتن اسناد آرشیوی کنار یکدیگر استفاده شود؛ این اتصالات را باید قبل از برداشته‌شدن ارزیابی کرد. ممکن است فلز موجود در این اتصالات زنگ بزند و باعث ایجاد لکه و سست شدن سوابق شود. سایر اتصالاتی که بزرگ هستند، نمی‌گذارند سوابق به شکل صاف قرار بگیرند و ممکن است باعث تخریب آن‌ها شوند. اکثر اوقات نوارهای پلاستیکی قابلیت ارتجاعی خود را از دست داده و چسبناک می‌شوند و ممکن است به اطراف سوابق بچسبند. این امر نه تنها باعث می‌شود که نوارهای پلاستیکی سابقه را چسبناک کنند، بلکه ممکن است سبب شود که سوابق به هم بچسبند. تلاش برای جداسازی این سوابق می‌تواند باعث آسیب شود.

استفاده از کلیپس‌های پلاستیکی یا فولادی ضدزنگ برای بستن سوابق به یکدیگر ارجحیت دارند. به هر حال، مراقب باشید برای قراردادن تعداد زیادی کاغذ در کنار یکدیگر از کلیپس‌های پلاستیکی استفاده نشود، احتمال شکستن آن‌ها وجود دارد و ممکن است فشار بیش از حدی بر صفحات وارد کنند. برای کاهش فشار روی کاغذ، نوری از کاغذ بدون اسید را بین گیره کاغذ و سوابق قرار دهید. گیره‌های کاغذ را در نقاط مختلف در بالای کاغذ قرار دهید نه فقط در یک مکان. پخش کردن گیره‌ها به صاف شدن کاغذها در پوشه کمک خواهد کرد. ممکن است برخی از اتصالات در کاغذ جاسازی شوند و فقط باید حفاظت‌گر آن را بردارد. برای کمک به حفاظت از سوابق در مقابل وارد آوردن آسیب وارد شده از طرف این اتصالات، سوابق را باید در پوشش پلی‌استر قرار داد. اگر گیره یا بست آهنی زنگ زده باشد، باید به‌آرامی فلز آن را از روی کاغذ بلند کرد تا اطمینان حاصل شود که روی کاغذ اثر نمی‌گذارد.

برای برداشتن اتصالات زنگ‌زده، سابقه را به صورت صاف روی یک میز تمیز قرار دهید. معمولاً برای برداشتن بست فلزی باید این کار را از سمت زبانه آن انجام داد. با دقت کاردک کوچکی^۱ را زیر زبانه‌های بست فلزی قرار داده و به‌آرامی دو طرف زبانه را به سمت بالا صاف کنید (شکل ج). بعد کاغذ را به سمت مخالف چرخانده و به‌آرامی بست فلزی را از قسمت

۱. کاردک وسیله مناسبی برای انجام کارهای مختلف است. می‌توان از کاردک برای برداشتن برچسب، جدا کردن ورق‌ها، برداشتن اتصالات یا برای کارهای دقیق دیگر استفاده کرد.



جلوی کاغذ خارج کنید. گاهی اوقات زبانه‌های بست فلزی هنگام تلاش برای صاف کردن آن‌ها می‌شکنند، مخصوصاً اگر این بست‌ها خیلی زنگ‌زده باشند. مطمئن شوید که همه قطعات بست فلزی هنگام برداشتن آن جمع شده‌اند.



شکل ج- جداکردن بست فلزی از سند با کاردک کوچک

مثال‌هایی از سوابقی که نباید گیره داشته باشند:

- عکس‌ها، نگاتیوها، یا منابع حساس دیگر.
- اگر سابقه خیلی شکننده باشد.
- اگر ارزش یک منبع تحت تأثیر قرار گیرد.

مورد دیگری که باید از آن اجتناب شود، استفاده از نوار سلفون است. ممکن است سوابقی در آرشیو پیدا شوند که روی آن‌ها نوار سلفون وجود داشته باشد. با گذشت زمان، چسب آن خشک‌شده و روی سابقه لایه‌های زردرنگی باقی می‌ماند. اگر چسب خیلی کهنه باشد، باعث بلندشدن نوار از روی صفحه می‌شود. باین‌حال، اگر نوار به اندازه کافی خشک نیست، آن را به زور برندارید. حین انجام این کار ممکن است به سابقه آسیب جدی برسد. همچنین، قسمتی چسب روی سابقه باقی‌مانده و ممکن است صفحات دیگر به آن بچسبند. اگر مجبور به جداکردن این چسب‌ها باشید، ممکن است صفحات صدمه ببینند.



رونوشت‌های پشتیبان

بهتر است یک مجموعه پشتیبان از سوابق آرشیوی داشته باشید که امکان استفاده پژوهشگران از آن بدون نگرانی از آسیب‌رسیدن به نسخه‌های اصلی وجود داشته باشد. همچنین بهتر است یک مجموعه پشتیبان از سوابق در فضای خارج از آرشیو، نگهداری شود. به این ترتیب، حتی اگر مجموعه موجود در آرشیو آسیب دیده یا نابود شود، یک نسخه پشتیبان از سوابق وجود خواهد داشت.

سعی کنید هنگام رونوشت‌برداری از سوابق آرشیوی، به هیچ وجه به آن‌ها آسیب نرسد. این کار نباید از طریق تغذیه‌کننده‌های خودکار دستگاه‌های رونوشت‌برداری انجام شود. ممکن است با این روش زمان رونوشت‌برداری طولانی‌تر شود اما خطر چسبیدن سوابق از بین می‌رود. نسخه‌های اولیه اغلب روی کاغذهای نازک تولید می‌شوند که نازک و ظریف هستند. باید هنگام بررسی این کاغذها دقت بیشتری شود. بهتر است کار خود را محدود به رونوشت‌برداری از منابع نکنید زیرا در موارد ممکن است این کار به شیرازه کتاب‌ها آسیب برساند. بهتر است از این منابع عکسبرداری کرده یا از آن‌ها ریزفیلم تهیه کنید. برای مدارک بسیار بزرگ، عکسبرداری و تهیه ریزفیلم بهتر است، زیرا ممکن است وقتی تلاش می‌کنید تصویر کاملی از آن ایجاد کنید، ممکن است منابع آسیب ببینند.

منابع نمایشی

اگر منابع را نمایش می‌دهید، سعی کنید مدت زمان نمایش آن‌ها را محدود کنید. منابع نباید بیش از شش ماه نمایش داده شوند. زمانی که این منابع در معرض نمایش هستند باید با زمانی که در معرض نمایش نیستند برابر باشند. برای مثال، اگر منبعی به مدت سه ماه نمایش داده شده است، باید قبل از آنکه دوباره نمایش داده شود، حداقل سه ماه به مخزن ذخیره‌سازی برگردانده شود. به عنوان یک قاعده کلی، منابع نباید در معرض مواد مضر مانند گاز منتشر شده از موارد مورد استفاده در ساخت مواد نمایشگاهی نمایش داده شوند.



حفاظت و نگهداری اصولی از کتابخانه و مجموعه‌های آرشیوی

آلیسون واکر
ترجمه: فریمه باقری

■ چکیده

همان‌طور که بیلز در سال ۱۸۸۰ گفته است: «مطمئن‌ترین راه برای نگهداری صحیح کتاب‌ها و مجموعه‌های آرشیوی آن است که همانند کودکان خود با آن‌ها رفتار کنیم. همان‌گونه که اگر کودکان ما در فضای بسته با هوای آلوده، بسیار گرم، سرد و مرطوب یا بسیار خشک باشند مطمئناً بیمار خواهند شد، کتاب‌ها و مجموعه‌های آرشیوی نیز در این شرایط آسیب خواهند دید». در این مقاله نویسنده توصیه‌هایی در خصوص حفظ و نگهداری مجموعه‌های آرشیوی و کتابخانه‌ای ارائه می‌دهد. این توصیه‌ها برگرفته از پیشنهادهایی است که مرکز مشاوره و نگهداری انگلستان در ارتباط با حفاظت از مجموعه‌ها ارائه داده است. این دستورالعمل نقطه شروعی برای همه مؤسساتی است که کتابخانه‌ها و مجموعه‌های آرشیوی را مدیریت و نظارت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

حفاظت و نگهداری، کتابخانه‌ها، آرشیوها، مجموعه‌های آرشیوی.



حفاظت و نگهداری اصولی از کتابخانه و مجموعه‌های آرشیوی^۱

آلیسون واکر | ترجمه: فریماه باقری^۲

نگهداری چیست؟

حفاظت و نگهداری به معنای مدیریت مسائل فنی و مالی برای جلوگیری از تخریب و از بین رفتن منابع و مجموعه‌های آرشیوی و همچنین در دسترس قرار دادن آن‌ها و افزایش طول عمر بیشتر برای مجموعه‌هاست (Eden et al, 1988). عملیات حفظ و نگهداری اصولی، به میزان قابل توجهی طول عمر مفید مجموعه‌ها را افزایش می‌دهد و معمولاً مقرون به صرفه‌تر از اقداماتی است که پس از آسیب دیدن مجموعه، برای ترمیم آسیب‌ها انجام می‌شود.

علل بیرونی تخریب مجموعه‌ها موارد زیر را شامل می‌شود:

– بایگانی یا جابه‌جایی نامناسب؛

– سرقت یا تخریب؛

– آتش‌سوزی و سیل؛

– آفت‌ها؛

– آلودگی؛

– نور؛

– درجه حرارت و رطوبت نسبی نامناسب.

به‌طور طبیعی تخریب مجموعه به دلیل عمر یا قدمت آن‌ها صورت می‌گیرد، اما می‌توان با به حداقل رساندن اثرات علل بیرونی ذکر شده میزان تخریب را به‌طور قابل توجهی کم کرد.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Basic preservation for library
and archive collections

برگرفته از:

[https://www.bl.uk/aboutus/
stratpolprog/collectioncare/.../
basic_preservation.pdf](https://www.bl.uk/aboutus/stratpolprog/collectioncare/.../basic_preservation.pdf)

۲. کارشناسی مدیریت اسناد،

کارشناس مسئول گروه اطلاع‌رسانی
اداره کل خدمات آرشیوی؛

fari_bagheri@yahoo.com



هر علت را باید به صورت جداگانه بررسی کرد؛ اما گاهی این تخریب‌ها با هم صورت می‌گیرند؛ برای مثال: حرارت نامناسب و رطوبت‌نسبی می‌تواند خطر ابتلا به آفات را افزایش دهد. بایگانی نامناسب نیز می‌تواند احتمال آسیب ناشی از آتش‌سوزی و سیل را بیافزاید.

در این میان باید جنس و ماهیت مجموعه‌ها را نیز در نظر گرفت. از آنجایی که برای کاغذهای اسیدی یا منابع از جنس پوست و یا پارچه، دما و رطوبت‌نسبی نامناسب ممکن است اثرات جدی‌تر و سریع‌تری نسبت به سایر مواد داشته باشد باید برای ایمنی و حفاظت و نگهداری آن‌ها، همهٔ خطرات ناشی از ماهیت مواد را که می‌توانند روی مجموعه‌های اثر بگذارند، تعیین و کنترل کنید.

جابه‌جایی و نگهداری

به‌منظور تأمین و گسترش محیط ایده‌آل مواد کتابخانه‌ای و آرشیوی، آموزش دوره‌ای برای همه کارکنان و کاربران و آشنایی با روش‌های حمل‌ونقل و جابه‌جایی مناسب مجموعه، از اهمیت خاصی برخوردار است. ضمن اینکه کاربران آن مجموعه، باید وسایل کمکی مجهز و تجهیزات ضروری در اختیار داشته باشند. اگر کاربران نتوانند آموزش ببینند، پرسنل باید آمادگی کمک‌رسانی در مواردی که اشتباهی پیش آمده باشد را داشته باشند و مشکل را حل کنند. از دستورالعمل مرکز مشاوره برای حفظ و نگهداری منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی می‌توان از توصیه‌هایی با جزئیات بیشتر استفاده شود.

آرشیو مناسب و صحیح می‌تواند از خطر آلودگی، آفت، رشد کپک، نفوذ آب و جرقه‌های الکتریکی جلوگیری کرده یا حداقل این خطرات را کاهش دهد و سلامت مجموعه را تأمین کنند.

قفسه‌بندی‌ها باید از مواد عایق و متناسب با اندازهٔ محتویات قفسه‌ها باشد. محافظ‌ها مثل جعبه‌ها، پوشه‌ها و پاکت‌ها باید از مواد مناسب آرشیو یا از جنس پلی‌استر بوده و برای شناسایی واضح محتویات برچسب‌گذاری شوند. برای توصیه و استفاده از جزئیات بیشتر می‌توان از دستورالعمل مرکز مشاوره حفظ و نگهداری لوازم کتابخانه‌ای، بایگانی منابع آرشیوی و کتاب‌های آسیب‌دیده استفاده کرد. همچنین محیط آرشیو باید تمیز باشد و منابع آرشیوی باید به‌طور منظم طبق برنامه زمان‌بندی‌شده نظافت شوند.

گرد و خاک باعث آسیب‌دیدن مجموعه می‌شود. گرد و خاک ممکن است حاوی آلاینده‌ها و بستر مناسب رشد کپک، آلودگی و آفات باشد. نباید هیچ رطوبتی در نزدیکی مجموعه‌های کتابخانه‌ها و آرشیوها باشد. کتاب‌ها باید با یک برس نرم و در جهت خارج از شیرازه کتاب‌ها گردگیری شوند. بهتر است از جاروبرقی مخصوص با فیلتر مناسب، برس نرم و مکنده



۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

- Adcock, E., ed., IFLA Principles for the Care and Handling of Library Material, Paris: IFLA-PAC, 1998 www.ifla.org/VI/4/news/pchlm.pdf.

- Cleaning books and documents, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/clean.pdf.
- Library and archive storage furniture, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/storage.pdf.
- Mould outbreaks in library and archive collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/mould.pdf.

- PD 5454:2012 Guide for the storage and exhibition of archival materials, London: British Standards Institution, 2012.

- Using library and archive collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/handling.pdf.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

- Adcock, E., ed., IFLA Principles for the Care and Handling of Library Material, Paris: IFLA-PAC, 1998 www.ifla.org/VI/4/news/pchlm.pdf.

- Cleaning books and documents, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/clean.pdf.

- Library and archive storage furniture, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/storage.pdf.

- Mould outbreaks in library and archive collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/mould.pdf.

- PD 5454:2012 Guide for the storage and exhibition of archival materials, London: British Standards Institution, 2012.

- Using library and archive collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/handling.pdf.

قابل تنظیم استفاده شود. اگر کتاب یا سند آلوده به گرد و خاک، کپک و قارچ باشد، باید از تجهیزات حفاظتی مانند دستکش و ماسک استفاده شود. تمیز کردن کتابها و مدارک و شیوع قارچ و کپک در کتابخانه و مجموعه‌های آرشیوی بسیار مهم است و برای جزئیات بیشتر باید از دستورالعمل مرکز مشاوره حفظ و نگهداری، استفاده کرد^۱.

سرقت و تخریب

با توجه به شرایط مجموعه‌های موجود در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، روش‌های امنیتی متفاوت است؛ برای مثال: ممکن است یک مجموعه در دسترسی آزاد، جاری یا دسترسی محدود باشد و یا حتی در یک اتاق بسته نگهداری شود. ۵۴۵۴:۲۰۱۲ پی.دی. در این خصوص مجموعه‌ای از استانداردهای توصیه‌شده را ارائه می‌دهد. محل آرشیو باید حداقل دارای یک زنگ خطر و در و پنجره‌های مجهز به دزدگیر باشد^۲.

آتش‌سوزی و سیل

آسیب و تخریب ناشی از آب و آتش اغلب در زمانی که آتش در حال مهار شدن است با هم اتفاق می‌افتد. معمولاً خاموش کردن آتش با آب، منجر به آسیب دیدن مجموعه با آب می‌شود. برنامه‌ریزی‌های کلان، خسارات ناشی از حوادث اضطراری برای مجموعه‌ها را به حداقل ممکن می‌رساند. برنامه‌ریزی‌ها باید بتوانند واکنش سریع و مؤثر ایجاد کنند و اولویت‌ها و فرایندهای نجات مجموعه را تنظیم کنند. برنامه‌ریزی حوادث اضطراری کارآمد، باید بتواند همکاری‌های بین سازمان‌ها را نیز پیش‌بینی کند و از خدمات اضطراری و امکانات نجات، اطمینان حاصل کند. همچنین در داخل سازمان به همکاری بین مدیران مجموعه و مدیران فنی نیاز است و هماهنگی و خدمات‌رسانی احتمالی بین بخش‌های مختلف که لزوماً در حالت عادی این همکاری به این صورت نبوده است را می‌طلبد. برنامه‌ها باید به‌صورت جمعی و دوره‌ای تمرین و به‌صورت آزمایشی اجرا و حتی اگر لازم باشد بازنگری و اصلاح شوند.

کارکنانی که برای این منظور مشخص شده‌اند باید با روش‌های آموزشی صحیح تربیت شوند و تمام فرایندها و سوابق و مدارک به‌طور دقیق و منظم بررسی و به‌روزرسانی شوند. تمرین‌های دوره‌ای اضطراری و فوریتی، روش مفیدی برای تأیید و اطمینان از اثربخشی فراخوان زمان و مکان حادثه هستند.

در بسیاری از موارد، بازسازی آسیب‌های ناشی از آب را می‌توان در محل انجام داد؛ برای مثال: کتابی که به‌طور کامل با آب آسیب دیده است را می‌توان صاف نگه‌داشته و با یک پنکه برقی که باد خنک بین صفحات بزند، خشک کرد. این کار بهتر است در یک کانال پلاستیکی



باد انجام شود. بهتر است مدارکی که خیلی خیس هستند را اول در شرایط یخزدن قرار داد؛ سپس برای خشک کردن با هوا یخزدایی شوند. نکته قابل اهمیت اینکه کتاب‌ها یا مجموعه‌های آرشیوی باید در ۴۸ ساعت اولیه پس از وقوع سیل، خشک یا فریز شوند زیرا قارچ و کپک در این فاصله زمانی رشد می‌کند. البته برای مجموعه‌هایی با جنس متفاوت، باید از روش‌های دیگری استفاده کرد. مثلاً مدرکی که به خاک‌رس آغشته شده، باید با بلوک‌های خاک، خشک شود؛ کاغذهای مجموعه هنگامی که خیس است از هم جدا نشوند و ریزفیلیم خیس باید در یک سطل آب تمیز نگهداری شود تا در زمان مناسب برای متخصص ترمیم ارسال شود.^۱

آفات

حشرات، جوندگان و پرندگان می‌توانند به مجموعه‌ها آسیب برسانند. اما آسیب ناشی از خسارت حشرات از همه شایع‌تر است. در انگلیس هجوم عظیم حشرات بسیار کم و محدود است، اما خسارت‌هایی که به مجموعه‌ها می‌زنند شایع است. برنامه‌ریزی‌های مناسب مدیریتی برای پیشگیری ورود آفات به محیط مخازن با پایش آن‌ها و انجام اقدامات کنترل مناسب طراحی شده است. می‌توان از نوارهای چسبناک برای شناسایی و از بین بردن حشرات استفاده شوند.^۲

آلودگی

آلودگی‌هایی که به شکل ذرات ریز به مجموعه‌ها خسارت وارد می‌کنند، ممکن است از طریق عوامل بیرونی مثل خیابان‌ها، اماکن صنعتی و مصالح ساختمانی، وارد کتابخانه و آرشیوها شوند. گرد و خاک و دوده معمولاً در اثر عوامل داخلی، مثل سیگار کشیدن یا پخت‌وپز ایجاد می‌شوند.

آلودگی‌های گازی ممکن است از همان منابع موجود در کتابخانه یا آرشیوها ایجاد شوند و یا ممکن است از فعل و انفعالات شیمیایی کتابخانه‌های چوبی یا انواع خاصی از رنگ‌ها ایجاد شوند.

برای جلوگیری از ورود این آلودگی می‌توان ورودی هوایی که وارد محوطه مخازن می‌شوند را فیلتر کرد بدین وسیله می‌توان از مجموعه‌ها محافظت کرد و حتی اگر فیلتر کردن امکان‌پذیر نبود، با استفاده از درزگیرهای پنجره‌ها و درها مانع از ورود آلودگی‌های خارجی شد. همچنین باید آلودگی‌های داخل محوطه مخازن به حداقل رسانده شود. استفاده از جعبه‌های

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

- Disaster preparedness and response (list of online resources), Conservation Online <http://cool.conservation-us.org/bytopic/disasters>.

- McIlWaine, J. IFLA disaster preparedness and planning: a brief manual, Paris: IFLA PAC, 2006

<http://archive.ifla.org/VI/4/news/ipi6-en.pdf>.

- Mould outbreaks in library and archive collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/mould.pdf.

- Salvaging library and archive collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/salvage.pdf.

- Selected resources on disaster management, IFLA PAC <http://archive.ifla.org/VII/s19/usefulres.htm>.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

- Managing pests in paper-based collections, London: Preservation Advisory Centre www.bl.uk/blpac/pdf/pests.pdf.

- Pest management (list of online resources), Conservation Online <http://cool.conservation-us.org/bytopic/pest>.

- Pinniger, D., Pest management: a practical guide, Cambridge: Collections Trust, 2009.

- Pinniger, D., Pest management in museums, archives and historic houses, London: Archetype Publications, 2001.

- Pinniger, D. and Winsor, P., Integrated pest management: a guide for museums, libraries and archives, London: Museums and Galleries Commission, 1998.



چوبی محافظ و مناسب آرشویی، به‌طور قابل‌توجهی از آلودگی‌ها جلوگیری می‌کند.^۱

نور

برخی از مجموعه‌ها اگر در معرض نور قرار گیرد؛ جوهر و رنگدانه‌های آن‌ها کم‌رنگ می‌شوند و باعث کهنگی و شکنندگی کاغذ و یا پارچه و چرم می‌شود؛ برای مثال: می‌توان از زردشدن رنگ روزنامه‌ای که در نور مستقیم نورخورشید و یا نور مصنوعی قرار می‌گیرد با روزنامه‌ای که در معرض نور نبوده است، نام برد. زردشدن کاغذ آسیب عمده و غیرقابل‌بازگشت خواهد بود که باید موردتوجه قرار گیرد.

انواع نورها آسیب‌زننده هستند اما اشعه یو.وی. به مجموعه آسیب کلی وارد می‌کند. با نصب یک پرده نازک ضد یو.وی. روی پنجره‌ها یا با استفاده از پرده‌ها و یا هر چیزی که مانع عبور نور شود، همچنین با قراردادن فیلترهای ضد یو.وی. روی نورهای مصنوعی و یا با خاموش کردن چراغ‌ها زمانی که از محیط استفاده نمی‌شود و با نگهداری مدارک در جعبه‌ها، می‌توان آسیب‌ها را به حداقل رساند. در نمایشگاه‌ها یا سایر مکان‌های مشابه، سطح نور باید اندازه‌گیری و کنترل شوند. برای کسب اطلاعات بیشتر باید به دستورالعمل راهنمای نمایش منابع آرشویی و کتابخانه‌ای مرکز مشاوره حفظ و نگهداری مراجعه شود.^۲

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

- Hatchfield, P. B., Pollutants in the museum environment: practical strategies for problem solving in design, exhibition and storage, London: Archetype, 2002.

- Tetreault, J. Airborne pollutants in museums, galleries and archives, Ottawa: Canadian Conservation Institute, 2003.

<?> - Guidance for exhibiting archive and library materials, London: National Preservation Office

www.b1.uk/b1p a c /p d f /exhibition.pdf.

- PD 5454:2012 Guide for the storage and exhibition of archival materials 6.13 Lighting, London: British Standards Institution, 2012.

حرارت و رطوبت نسبی

رطوبت نسبی یک نسبت است و به‌صورت درصد بیان می‌شود. رطوبت، میزان بخار آب موجود در مقدار مشخصی از هواست که در مقایسه با بیشترین مقدار بخار آب در همین حجم هوا در هر دما و فشار معین می‌تواند وجود داشته باشد. زمانی که رطوبت صددردص باشد هوای گرم، رطوبت را بیشتر در خود نگه می‌دارد. در هوای سرد، رطوبت نسبی کمتر خواهد بود. بنابراین از آنجایی که رطوبت نسبی به دمای هوا بستگی دارد، این دو فاکتور باید با هم در نظر گرفته شوند.

برای حفظ و نگهداری کتابخانه و مجموعه‌های آرشویی کنترل دما و رطوبت نسبی بسیار حائز اهمیت است، زیرا میزان رطوبت و دمای نامناسب باعث آسیب قابل‌ملاحظه به مدارک کتابخانه و مجموعه‌های آرشویی می‌شود. گرما و حرارت سرعت تخریب را افزایش می‌دهند. سرعت واکنش‌های شیمیایی تقریباً با هر ده درجه افزایش دما، دو برابر می‌شود. رطوبت نیز واکنش‌های شیمیایی در مواد را سرعت می‌بخشد و هنگامی که درجه حرارت هم بالا برود، زمینه رشد قارچ، کپک و فعالیت حشرات را فراهم می‌کند.

در زمستان ساختمان‌هایی که به‌صورت مرکزی گرم می‌شوند و رطوبت به‌شدت کاهش



می‌باید و یا آب‌وهوای خیلی خشک، باعث خشک‌شدن و شکنندگی برخی از منابع کتابخانه‌ای و آرشیو می‌شوند. نوسان دما و رطوبت از عوامل تخریب است. منابع کتابخانه‌ای و مجموعه‌های آرشیوی رطوبت را به راحتی جذب و آزاد می‌کنند. این منابع با تغییرات روزانه و فصلی دما و رطوبت، با انبساط و انقباض واکنش نشان می‌دهند. این تغییرات چند بُعدی تخریب را افزایش می‌دهد و منجر به تغییرات قابل ملاحظه‌ای مثل تاب برداشتن کاغذ، از بین رفتن جوهر، چروکیدگی و خمیدگی جلد‌ها و ترک خوردگی عکس‌ها می‌شود. این قبیل تغییرات را می‌توان با استفاده از فضا‌های ذخیره‌سازی و یا قراردادن با فاصله کتاب‌ها از یکدیگر به طور موقت بایگانی کنیم تا از بی‌ثباتی برخی از منابع جلوگیری شود. ۵۴۵۴:۲۰۱۲ پی.دی. مطالعه پارامترها برای آرشیو کتابخانه و مجموعه‌های آرشیوی چنین پیشنهاد می‌کند:

- ۱۳ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد.

- ۳۵ تا ۶۰ درصد رطوبت نسبی^۱.

حفاظت و نگهداری

حفاظت و نگهداری از آثار قدیمی به واسطه روش مداخله‌ای امکان‌پذیر است. حفاظت از مجموعه‌ها باید از خصوصیات مهم برنامه حفظ و نگهداری باشد. روش‌های پیشگیرانه در مرحله اول باید مشخص شوند. عمل حفاظت باید با مراقبت و با هماهنگی و طبق قوانین مشخص انجام شود تا یکپارچگی و سندیت آثار حفظ شود. این عمل باید به دقت تحت نظر باشد و فقط با مشورت از کارشناسان کتابداری و آرشیوی به عنوان یک قانون کلی، حداقل مداخله برای حمایت و تثبیت مدارکی که ارزش آثار هنری دارند، استفاده شود. در طول دوره حفاظت، فنون و مواد استفاده‌شده نباید به مجموعه آسیب بزنند. تمام موادی که در نگهداری کتابخانه و مجموعه‌های آرشیوی استفاده می‌شوند باید کیفیت مناسب آرشیوی داشته و نباید حاوی موادی باشد که به آثار آسیب می‌زنند و باید دوام طولانی مدت داشته باشند. حفاظت یک عمل تخصصی است و نباید به وسیله افراد غیرمتخصص انجام شود. کتابخانه یا آرشیوی که فاقد کارکنان متخصص است باید اقدام به استخدام کارکنان متخصص کند^۲.

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به دستورالعمل مدیریت کتابخانه و محیط آرشیوی مرکز مشاوره حفظ و نگهداری مراجعه شود:

Managing the library and archive environment, London: Preservation Advisory Centre
www.bl.uk/blpac/pdf/environment.pdf.

- PAS 198: 2012 Specifications for managing environmental conditions for cultural collections, London: British Standards Institution, 2012.

- PD 5454:2012 Guide for the storage and exhibition of archival materials, London: British Standards Institution, 2012.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر به منبع زیر مراجعه کنید:

- Guidelines for choosing and working with a conservator, London: Icon, 2006
www.conservationregister.com/picon-workingwithaconservator.asp.



- Canadian Conservation Institute. www.preservation.gc.ca.
- Conserve-o-grams. www.nps.gov/museum/publications/consveogram/cons_toc.html
- Collections Link. www.collectionslink.org.uk
- Conservation Online. <http://cool.conservation-us.org>
- Icon, the Institute of Conservation. www.icon.org.uk
- International Preservation News. www.ifla.org/en/publications/international-preservation-news
- Northeast Document Conservation Center 'Preservation 101' online course. www.nedcc.org/education/online.php
- Oxford University Library Services, Conservation and collection care. www.bodley.ox.ac.uk/dept/preservation
- reCollections: caring for collections across Australia. www.collectionsaustralia.net/sector_info_item/3
- Eden, P. et al., A model for assessing preservation needs in libraries, London: British Library Research and Innovation Centre, 1998.
- PD 5454:2012 Guide for the storage and exhibition of archival materials.
- Recommendations for the storage and exhibition of archival documents, London: British Standards Institution, 2012.
- Edwards, E. and Hart, J. (eds), The National Trust manual of housekeeping: the care of collections in historic houses open to the public, Oxford: Butterworth-Heinemann, 2006
- Matthews, G. and Feather J. (eds), Disaster management for libraries, Aldershot: Ashgate, 2003
- Matthews, G. and Eden, P., Disaster management in British libraries. Project report with guidelines for library managers, London: British Library, 1996 (Library and Information Research report 109).
- PAS 197: 2009 Code of practice for cultural collections management, London: British Standards Institution, 2012.



- PAS 198: 2012 Specification for managing environmental conditions for cultural collections, London: British Standards Institution, 2012.
- Ritzenthaler, M.L., Preserving archives and manuscripts, Chicago: Society of American Archivists, 1993.
- Swartzburg, S.G., Preserving library materials, 2nd ed., Metuchen, N.J. & London: Scarecrow Press, 1995.
- Thompson, J.M.A. et al. (eds), Manual of curatorship: a guide to museum practice, 2nd ed. Oxford: Butterworth-Heinemann, 1992.



معرفی آرشیو دایرة ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل ترکیه^۱

نسرین نگاهبان^۲

یکی از مؤسسات ریشه‌دار و بنیادی در ترکیه، دایرة ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل است که با استفاده از روش‌های علمی به شناخت تاریخ نظامی ترکیه اقدام کرده و هدف آن بررسی، پژوهش و نگارش بر اساس اسناد معتبر و قابل‌اعتماد و انتقال اطلاعات به نسل‌های آینده است.

این مؤسسه به‌منظور معرفی تاریخ نظامی ملی و بین‌المللی، فعالیت‌هایی را برای برنامه‌ریزی چاپ و انتشار در زمینه تاریخ نظامی، برنامه‌ریزی می‌کند. سابقه تاریخی دایرة ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، به جنگ جهانی اول بازمی‌گردد.

۱- تاریخچه تا زمان اعلان جمهوری (۱۹۲۳-۱۹۱۶)

الف- تغییرات سازمان و کارکنان آن

دایرة ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، به‌طور مستقل در جریان جنگ جهانی اول، تأسیس شد. در ۱۱ آوریل ۱۹۱۶، به فرمان انورپاشا^۳ جانشین فرمانده کل جنگ جهانی اول و وزیر جنگ، به «معاونت مستشاری نظارت حریبه»^۴ وابسته شد و به‌طور موقت با نام «شعبه تاریخ حرب»^۵ آغاز به کار کرد. کارکنان شعبه در این تاریخ عبارت بودند از: یک افسر ستاد، یک افسر فرمانده، دو کارمند (منشی)، یک افسر درجه‌دار نقاش و دو نیروی تحت فرمان (ستوان دو به بالا). هدف از تأسیس این شعبه سازمان، گردآوری جراید و اطلاعات جنگی و

1. Genelkurmay Askerî Tarih ve Stratejik Etüt (ATASE)

این مقاله ترجمه‌ای است از بروشور ارسالی از سوی آرشیو دایرة ریاست تاریخ نظامی

و مطالعات استراتژیک ستاد کل ترکیه و نیز مقاله‌ای که به مناسبت صدمین سالگرد تأسیس آن در مجله زیر چاپ شده است:

ALEV KESKIN (2016). KURULUŞUNUN 100'

ÜNCÜ YIL DÖNÜMÜNDE

ATASE DAİRE

BAŞKANLIĞI.

SİLAHLI KUVVETLER

DERGİSİ. SAYI:428, NİSAN

2016, YIL:135. S: 4-15.

۲. کارشناس علوم سیاسی و معاون

اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات.

negahban_na@yahoo.com

3. Enver Paşa

4. Harbiye Nezareti Müsteşar Muavinliği

5. Harp Tarihi Şubesi



نگارش تاریخ جنگ از زمان جنگ‌های چاناک کالعه تا جنگ جهانی اول بود. شعبه تاریخ حرب در ۱۲ نوامبر ۱۹۱۶ به فرمان انور پاشا وزیر جنگ، از «معاونت مستشاری نظارت حربیه» جدا و به «ارکان حربیه عمومی»^۱ ملحق شد. فقط به علت آنکه جنگ جهانی اول ادامه داشت و به سبب وجود نداشتن نائب رئیس دایره ارکان حرب عمومی، این شعبه تا زمان صلح، تحت نظارت ریاست قرارگاه ارکان عمومی حرب، رئیس ستاد فرماندهی کل قوا^۲ قرار گرفت.

بر اساس تغییرات به عمل آمده در سال ۱۹۱۷م. شانزدهمین شعبه تشکیلات قرارگاه عمومی با نام «شعبه تاریخی حرب»^۳ تشکیل شد. درحالی که جنگ جهانی اول رو به اتمام بود، شعبه تاریخی حرب، در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹، از پنجمین شعبه دایره ارکان حربیه عمومی، به هشتمین شعبه، تغییر موقعیت داد. در این دوران، همزمان با ادامه جنگ استقلال، در تشکیلات جدید فرماندهی نیز تغییراتی ایجاد شد. در تشکیلات جدید، وظیفه چهارمین بخش «واحد عملیات»^۴، نگارش جریده حرب بود. این تشکیلات، تا انتهای جنگ استقلال ادامه داشت. در انتهای سال ۱۹۲۲، در تشکیلات ستاد کل، بخش «جریده حرب» که به شعبه نخست (واحد عملیات) تشکیلات ستاد کل وابسته بود، با شعبه «تاریخ حرب»، یک شعبه جدید از بدنه ستاد کل را تشکیل دادند.

ب) نوشتن آثار و فعالیت های آرشیو

هدف این مؤسسه، گردآوری منابع مورد اعتماد و نگارش تاریخ جنگ، از چاناک کالعه تا جنگ جهانی اول بود که بعدها به فرمان ناظر حربیه، انور پاشا، نگارش تاریخ جنگ‌های دوران عثمانی هم به آن اضافه شد. با این هدف، گردآوری اسناد مربوط به این جنگ‌ها آغاز شد و آرشیو با دریافت جراید و پرونده‌ها از شعب، واحدها و سازمان‌ها، شکل گرفت.

بخش تاریخ جنگ، از زمان شکل‌گیری و اتحاد ارتش ترک، یعنی ماه مارس ۱۹۱۶م. جراید، بولتن‌ها و پرونده اسناد جنگی را در کم‌ترین زمان گردآوری کرد و از تاریخ یادشده به بعد، هر سه ماه یک بار مواد یادشده به این بخش ارسال می‌شود. با توجه به ضرورت نگارش تاریخ نبردهای قبل از جنگ جهانی اول و چاناک کالعه، قدم بعدی بخش تاریخ جنگ، تصمیم به گردآوری اسناد مربوط به این جنگ‌ها بود.

پس از مکاتبات فراوان، گردآوری گزارش‌ها، جراید و پرونده اسناد مربوط به جنگ کریمه^۵ ۱۸۵۳-۱۸۵۶، صرب-قره‌داغ^۶ ۱۸۷۷-۱۸۷۸، عثمانی-روس^۷ ۱۸۹۷، ترک-یونان^۸ ۱۹۱۱، ترک-ایتالیا^۹ ۱۹۱۳-۱۹۱۲ و نبردهای بالکان^{۱۰}، آغاز شد.

به این ترتیب، در سال ۱۹۱۷م. «دستورالعمل در خصوص جراید جنگی و پرونده مستندات

1. Erkânıharbiyeumumiye Dairesine
2. Karargâh-ı Umumi Erkânıharbiye Reisine (Başkomutanlık Kurmay Başkanı)
3. Harp Tarihi Şubesi
4. Harekât Şubesinin
5. Kırım
6. Sırp-Karadağ
7. Osmanlı-Rus
8. Türk-Yunan
9. Türk-İtalyan
10. Balkan Harpleri



جنگی^۱ صادر شد و بر اساس آن، جراید جنگی تحت نظم قرار گرفت و ثبت و آماده ارائه شد. بخش تاریخ جنگ، از یک سو کوشش می کرد تا جراید و پرونده اسنادی که توسط ریاست ستاد کل ارسال نشده را گردآوری کند و از سوی دیگر پرونده اسنادی را که به شکلی نامنظم دریافت کرده، منظم و در فایل ها نگهداری می کرد و مانع از بین رفتن آن ها می شد. همچنین تبلیغاتی صورت گرفت تا دفاتر خاطره ای که طی عملیات جنگی توسط سربازان و فرماندهان نگاشته شده بود، جمع آوری گردد و نیز درخواست شد که داستان شجاعت ها و قهرمانی هایی که در حین جنگ به ظهور رسیده بود، برای شعبه تاریخ جنگ ارسال شود. در ماه نوامبر سال ۱۹۱۹، بخش تاریخ جنگ، هشتمین شعبه ریاست ستاد کل شد. در طی این مدت، فعالیت های آرشیوی، فرایندهای قابل توجهی را به منصه ظهور رساند. اسناد ارسالی به بخش تاریخ جنگ، فهرست نویسی شدند. اسناد موجود، در حین فهرست نویسی، بر اساس دوره ای که به آن تعلق داشتند، طبقه بندی شدند. به این ترتیب اسناد تاریخ جنگ، به گروه های زیر طبقه بندی شدند:

الف- جنگ های قبل از جنگ بالکان؛

ب- جنگ بالکان؛

پ- جنگ جهانی اول؛

ت- امور بهداشتی تاریخ جنگ؛^۲

ث- امور دامپزشکی تاریخ جنگ؛^۳

ج- آرشیو.

لذا موضوعات تحت پوشش برای فعالیت های نوشتاری شعبه نیز در خصوص همین گروه ها بودند. مقالاتی که با این موضوعات توسط گروه نویسندگان نگارش یافت، پس از پیوست کردن اسناد و مجموعه های نظامی، به چاپ رسیده اند.

۱- تاریخچه از زمان اعلان جمهوری تا سال ۱۹۷۸ (۱۹۷۸-۱۹۲۳)

الف- تغییرات سازمان و کارکنان آن

در ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ پس از افتتاح مجلس ملی بزرگ ترکیه^۴ و ایجاد ریاست ستاد کل در آنکارا، چهارمین قسمت اولین شعبه آن، «جریده حرب»^۵ نام گرفت و وظایف آن تا انتهای جنگ استقلال، تعریف شد.

درحالی که بخش تاریخ جنگ ستاد کل، با نام «هیئت تحریر تاریخ جنگ»^۶ به تلاش های خود برای ثبت تاریخ جنگ ادامه می داد، بحث تشکیل «بخش آرشیو»^۷ به میان آمد و در بخش سوم، شعبه آموزش و پژوهش جا گرفت و نام آن به «آرشیو حربیه مستندات عمومی

1. Harp Cerideleri ile Vesâik-i Harbiye Dosyaları Hakkında Talimat
2. Sağlık İşleri Harp Tarihi
3. Veteriner İşleri Harp Tarihi
4. Türkiye Büyük Millet Meclisi
5. harp ceridesi
6. Harp Tarihi Tahrir Heyeti
7. Arşiv Kısmı



ارکان حربیه^۱ تغییر یافت. هیئت تحریر تاریخ جنگ، در سال ۱۹۲۱ با نام «انجمن تحریری نظامی»^۲ و در سال ۱۹۲۲ در ابتدا با عنوان «انجمن ستاد کل»^۳ و سپس با نام «شعبه تحریر جنگ»^۴ به فعالیت‌های خود ادامه داد.

پس از سازماندهی مجدد ستاد کل در جنگ استقلال، با توجه به فقدان مکان مناسب در ساختمان ستاد کل در آنکارا، در اواخر ماه مه ۱۹۲۳، این بخش به قونیه انتقال یافت. طی دوره‌ای که اسناد در قونیه بودند، به‌منظور نگارش تاریخ جنگ، اسناد دارای موضوع یکسان که برای طبقه‌بندی در اولویت بودند، شماره‌گذاری شدند. این کار چنان با جدیت پیگیری شد که برای گردآوری نواقص اسناد مربوط به جنگ جهانی اول، جنگ استقلال و دیگر جنگ‌ها، از وزارت دفاع ملی، نامه‌ها و درخواست‌هایی به فرماندهان واحدها ارسال و اسناد ناقص تکمیل شدند.

در سال ۱۹۲۵، نام شعبه از «دایره تاریخ حرب ارکان عمومی حرب» به «دایره تاریخ حرب ستاد کل» تغییر یافت و تا سال ۱۹۲۶ که اسناد به آنکارا انتقال یافتند، فعالیت مربوط به طبقه‌بندی اسناد در قونیه ادامه داشت.

در اوت سال ۱۹۲۶ این بخش از قونیه به آنکارا، سمت حمام اونو^۵ انتقال یافت و در بنائی کرایه‌ای استقرار یافت. در تشکیلات جدید ریاست ستاد کل، نام این واحد به «ریاست دایره تاریخ جنگ»^۶ تغییر یافت. در سال ۱۹۲۸ م. با عنوان «انجمن تاریخ جنگ ستاد کل»^۷ به فعالیت‌های خود ادامه داد. این بخش در سال‌های بعد نیز با تغییراتی که در تشکیلات پدید آمد، نام‌های مناسبی یافت و از سال ۱۹۳۱ تاکنون در ساختمان مرکزی ستاد کل جا گرفته است. اسناد آرشیوی هم در ساختمان سینمای وزارت دفاع ملی ذخیره شده‌اند.

در سال ۱۹۴۴ بر اثر تغییراتی که در تشکیلات ستاد کل پدید آمد، «انجمن جغرافیا»^۸ نیز به این انجمن پیوست و «انجمن تاریخ و جغرافیای حرب»^۹ ریاست ستاد کل، ایجاد شد. نام این انجمن در سال ۱۹۵۱، به «دایره تاریخ جنگ ریاست ستاد کل»^{۱۰} تغییر یافت.

مهم‌ترین فعالیت دایره تاریخ جنگ، در زمینه انتشار اطلاعات اسناد آرشیوی، در سپتامبر سال ۱۹۵۲ بود که شروع به انتشار «مجله اسناد تاریخ نظامی»^{۱۱} کرد. هدف از انتشار اسناد، بررسی و ارزیابی اسناد به‌عنوان منابعی برای انجام پژوهش‌هایی علمی در زمینه تاریخ جنگ بود. این مجله اکنون با نام «مجله اسناد تاریخ نظامی»^{۱۲} و با همان اهداف، انتشار می‌یابد.

در سال ۱۹۵۴ در دایره تاریخ جنگ، یک کتابخانه تأسیس شد که وظایف کارکنان کتابخانه و آرشیو، کاملاً شبیه هم برشمرده شده بود. در سال ۱۹۵۵ به علت کمبود جا در مخازن و اینکه جایی برای ذخیره اسناد در حال طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی وجود نداشت، فکر تهیه یک ساختمان دیگر برای رفع احتیاجات دایره مطرح شد و در همین سال ساخت بنای

1. Erkân-ı Harbiye-i Umumiye Vesâik-i Arşiv-i Harbiye
2. Tarih-i Askerî Encümeni
3. Genelkurmay Encümeni
4. Harp Tarihi Şubesi
5. Hamamni
6. Harp Tarihi Dairesi Riyaseti
7. Genelkurmay Harp Tarihi Encümeni
8. Coğrafya Encümeni
9. Harp Tarihi ve Coğrafya Encümeni
10. Genelkurmay Başkanlığı Harp Tarihi Dairesi
11. Harp Tarihi Vesikaları Dergisi
12. Askerî Tarih Belgeleri Dergisi



جدید - که دایره الان هم در آن مستقر است - آغاز شد. ساخت بنا در سال ۱۹۵۶ پایان یافت و دایره تاریخی حرب به محل امروزی خود در خیابان دیکمن^۱ انتقال یافت.

پس از استقرار در ساختمان جدید، در وهله اول ۱۰ افسر بازنشسته در اختیار گرفته شد و سپس در سال ۱۹۵۹ افسرانی با تخصص دریائی، هوائی، تجهیزات ارتشی [پشتیبانی]، لوازم [خدمات]، بهداشت [بهداری]، دامپزشکی و نقشه [خوانی]، به کار فراخوانده شدند تا به صورت تخصصی و با علم لازم، به فهرست نویسی و طبقه بندی اسناد بپردازند.

در سال ۱۹۶۰ به دستور رئیس ستاد کل، ژنرال جودت سونای^۲، ۴۴ سرهنگ و سرهنگ ۲ که به زبان ترکی عثمانی تسلط داشتند، به کار گرفته شدند. در سال ۱۹۶۳ با محاسبه افراد جدید، دایره تاریخ جنگ، دارای ۱۰۴ نفر نیروی انسانی بود.

به علت وجود برخی از اسناد مربوط به جنگ های قدیمی در آرشیو نخست وزیری استانبول، گروهی نویسنده متشکل از ۱۰ ژنرال و افسر از سوی فرماندهی آکادمی جنگ استانبول برای بررسی این اسناد به کار گرفته شدند.

در سال ۱۹۷۲ نام این گروه پس از تهیه سند TMK^۳ (مخفف واژه های تشکیلات، لوازم، کارکنان) به «مؤسسه مطالعات استراتژیک استانبول»^۴ تغییر یافت و مقررات مربوط به وظایف و مسئولیت های ریاست تاریخ جنگ منتشر شد. بر این اساس، سه گروه کاری برای انجام مطالعات و فعالیت های آرشیوی ایجاد شد. گروه متخصصان طبقه بندی پیش آرشیوی، گروه متخصصان طبقه بندی آرشیوی دقیق و گروه متخصصان آرشیو و بایگانی.

در سال ۱۹۷۳ در فرایند گذار به الفبای جدید ترک، کار تبدیل اسناد موجود در آرشیو نیز مطرح بود. اما با توجه به زمان بر بودن این کار برای رسیدن به نتیجه، از آن صرف نظر شد. مؤسسه تا سال ۱۹۷۵ کار خودش را در کاخ ییلدیز^۵ (ستاره) ادامه داد. در این سال، کار تهیه ریز فیلم از اسناد آرشیوی آغاز شد.

مؤسسه مطالعات استراتژیک استانبول در سال ۱۹۷۷ به «مؤسسه تاریخ حرب استانبول»^۶ تغییر نام داد.

در سال ۱۹۶۴، موزه نظامی که قبلاً به وزارت دفاع ملی وابسته بود، با وبگاه فرهنگی وابسته به آن، دائرة تاریخی حرب را ایجاد کردند. موزه در سال ۱۹۶۷ به ساختمان قدیمی مدرسه حرب^۷، انتقال یافت.

موزه نظامی که اساس آن اتحادیه مهتران^۸ بود، در تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۶۸ در ۹ طبقه از نو بازگشایی شد.

در ۲۹ جولای ۱۹۶۶ «انستیتو استراتژیک»^۹ ایجاد شد و در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۶، انستیتو به «دایره مطالعات استراتژیک نخست وزیری»^{۱۰} تغییر نام داد. در تاریخ مارس ۱۹۶۷

1. Dikmen

2. Cevdet SUNAY

3. Teşkilat, Malzeme ve Kadro (TMK)

4. İstanbul Stratejik Etüt Kurulu

5. Yıldız Sarayı

6. İstanbul Harp Tarihi Kurulu

7. Harp Okulu

8. Mehteran Birliği

9. Stratejik Enstitü

10. Stratejik Etütler Daire Başkanlığı



دائرة تاریخ حرب ریاست ستاد کل 7-I- به ریاست تبدیل حالت داد و نام آن به «ریاست تاریخ حرب»^۲ اصلاح شد.

بر اساس دستور ریاست ستاد کل در ۵ سپتامبر ۱۹۷۳، با مینا قرار گرفتن ریاست تاریخ حرب، «کمیسیون ملی تاریخ حرب»^۳ به وجود آمد. این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ به عضویت «کمیسیون بین‌المللی تاریخ نظامی»^۴ درآمد.

به علت شدت یافتن و سنگینی کار و نیز افزایش مداوم کارکنان، ساختمانی دیگر در پشت ساختمان قدیمی ساخته و به آن ملحق شد و در سال ۱۹۷۴ کارکنان به ساختمان جدید منتقل شدند.

در سال ۱۹۷۴ در تشکیلات ریاست تاریخ حرب، دائرة تاریخ حرب و دائرة مطالعات استراتژیک با هم ادغام شدند و «ریاست دائرة مطالعات استراتژیک و تاریخ حرب»^۵ را پدید آوردند.

ب- نگارش آثار و فعالیت های آرشیو

بخش آرشیو از سوئی مشغول فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی پرونده‌ها بود و از سویی دیگر با همکاری وزارت دفاع ملی و ریاست پرسنل و دستیابی به آدرس فرماندهان و ارسال نامه به آنها، سعی در تکمیل اطلاعات ناقص اسناد در مورد جنگ جهانی اول، جنگ استقلال و دیگر جنگ‌ها داشت.

از زمانی که دائرة تاریخ حرب در سال ۱۹۵۶ به ساختمان جدید انتقال یافت، فعالیت‌های آرشیوی و نیز نگارش تاریخ در آن شتاب یافت. به همین منظور، کار بررسی اسناد و پرونده‌های درون صندوق‌ها و طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی آنها آغاز شد. از سویی دیگر کار تبدیل جریدهای حرب و اسناد جنگ جهانی اول و نبرد استقلال به رکورد و طبقه‌بندی آنها آغاز شد. در این دوره، نوشتن مطالب تاریخی نیز آغاز شد. در آنکارا دائرة تاریخ حرب تصمیم گرفت اسناد تاریخی مربوط به جنگ و صلح قبل از جنگ کریمه (۱۸۵۶-۱۸۵۳) را که در نیروهای مسلح ترکیه باقی مانده بود، مورد مطالعه قرار دهد. در استانبول هم هیئت تاریخ نظامی، اسناد مربوط به بعد از جنگ کریمه را مورد بررسی قرار داد و سرانجام، تاریخ حرب توسط نویسندگان دائرة تاریخ حرب در سال ۱۹۶۰، منتشر شد.

در سال ۱۹۶۰ از یک طرف کار نگارش تاریخ حرب ادامه داشت و از سویی دیگر کار طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی اسناد انبوه مربوط به تاریخ جنگ- که در صندوق‌ها نگهداری می‌شد- در حال انجام بود. این فهرست‌نویسی در ابتدا در سطح ردیف و در مرحله بعد در سطح جزئی‌تر و در سطح پرونده انجام می‌شد.

1. Harp Tarihi Dairesi Genelkurmay Başkanlığının
2. Harp Tarihi Başkanlığı
3. Millî Harp Tarihi Komisyonu
4. Uluslararası Askerî Tarih Komisyonunu
5. Harp Tarihi ve Stratejik Etütler Dairesi Başkanlığı



جدا از نگارش تاریخ حرب، در این دوره چاپ و انتشار نشریات دوره‌ای و مجلاتی چون مجله نیروهای مسلح^۶، مجله تاریخ نظامی^۷، مجله اسناد و مدارک تاریخ حرب^۸، مجله حکایت‌ها و داستان‌های جنگ^۹، ارمان هفته آتاتورک^{۱۰} و بولتن مطالعات استراتژیک^{۱۱} نیز آغاز شد.

۲- تاریخچه دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل از سال ۱۹۸۷ تاکنون

الف- تغییرات سازمان و کارکنان آن

دایره ریاست تاریخ حرب و مطالعات استراتژیک در سال ۱۹۸۷ با نام جدید ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک (ATASE) به ادامه فعالیت پرداخت.

هیئت تاریخ نظامی استانبول در ماه سپتامبر سال ۱۹۷۸ از قصر ییلدیز به بنای آکادمی‌های جنگ در ینی لونت^{۱۲} انتقال یافت^{۱۳}. در سال ۱۹۸۱ در پی تغییراتی، هیئت تاریخ نظامی استانبول به دومین هیئت تاریخ نظامی تبدیل شد^{۱۴}.

در سال ۱۹۸۳ نیز تغییری رخ داد و برای هماهنگی و پیشبرد فعالیت‌های مربوط به انتشار مطالب، شعبه جدیدی در «گروه برنامه‌ریزی و هماهنگی»^{۱۵} با نام «شعبه مدیریت انتشارات»^{۱۶}، شکل گرفت.

در سال ۱۹۸۶م. هماهنگ با تهیه ریزفیش، پیشرفت‌های فنی هم به‌دست آمد. در این دوره، همراه با آغاز نظام جدید طبقه‌بندی، چکیده اسناد به‌صورت کارت کاتالوگ نوشته شد. در همان سال نام «کمیسیون ملی تاریخ حرب»^{۱۷} به «کمیسیون تاریخ نظامی ترک»^{۱۸} تغییر یافت. در سال ۱۹۹۲ جای افسران بازنشسته قراردادی ۶۵ ساله، با متخصصانی با تحصیلات بالا در رشته تاریخ پُر شد.

در اکتبر ۱۹۹۷ به علت سن بالا و بازنشسته‌شدن کارکنان هیئت مطالعات استراتژیک، این هیئت تقریباً به‌علت نداشتن نیروی انسانی، تعطیل شد اما با به‌کارگیری سرهنگان و افسران بازنشسته جدید، فعالیت خود را مجدداً آغاز کرد. در سال ۱۹۹۷ به‌علت برآورده‌نشدن برخی نیازها در روش قبلی، تصمیم گرفته شد که کاتالوگ اسناد پس از گذراندن مراحل طبقه‌بندی و آنالیز، تهیه شود.

در جولای سال ۱۹۹۶ با دستورات رئیس ستاد کل، ژنرال اسماعیل حاکی کارادائی^{۱۹} به‌منظور گسترش و افزایش تفکرات کمالیستی در داخل دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل و نیز دستیابی به هدف اطمینان از حاکم‌بودن استانداردهای لازم در آموزش‌ها، فعالیت‌های مربوط به تأسیس «مرکز پژوهش و آموزش آتاتورک»^{۲۰} آغاز شد و این مرکز در ماه می ۱۹۹۷ آغاز به کار کرد. نظامنامه «مرکز پژوهش و آموزش آتاتورک» در تاریخ

1. Silahlı Kuvvetler Dergisi
2. Askerî Tarih Dergisi
3. Harp Tarihi Vesikaları Dergisi
4. Savaş Menkıbeleri Dergisi
5. Atatürk Haftası Armağanı
6. Stratejik Etütler Bülteni
7. Yenilevent
8. Harp Akademileri Yıllığı (1848-1990); Harp Akademileri Komutanlığı Yayınları, İstanbul, 1990, s. 5.
9. ATASE D. Bşk. lığı Arşivi; 1981 yılı Gnkur. ATASE Başkanlığı, 2'nci Askerî Tarih Kurulu Tarihçesi
10. Plan ve Koordinasyon Grubu
11. Yayın Şube Müdürlüğü
12. Millî Harp Tarihi Komisyonunun
13. Türk Askerî Tarih Komisyonu (TATK)
14. Orgeneral İsmail Hakkı Karadayı
15. Atatürk Araştırma ve Eğitim Merkezinin (ATAREM)



۲۰ اوت ۱۹۹۹ در روزنامه رسمی منتشر و به اجرا گذاشته شد.

با توجه به آنکه مخازن موجود از نظر شرایط فیزیکی، وضعیت مناسبی نداشتند و اینکه لازم بود فعالیت‌های آرشیوی در محیطی سالم و مناسب انجام پذیرد، در سال ۲۰۰۱ فعالیت‌های مربوط به بنای ساختمانی جدید، با امکانات فنی مدرن برای آرشیو، آغاز شد.

ساختمان جدید آرشیو که در ۴ نوامبر سال ۲۰۰۱ پی‌ریزی شد، در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲ به اتمام رسید و پس از جابه‌جایی وسایل و اسناد، فعالیت‌ها در ساختمان جدید ادامه یافت.

در ۱۹ ماه می ۲۰۰۱، «ریاست مرکز مطالعات و پژوهش‌های استراتژیک»^۱ در دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، ایجاد و فعالیت‌های آن آغاز شد.

در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۱۱ نیز بخشی با عنوان «ریاست دایره تاریخ نظامی ستاد کل»^۲ در دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل شکل گرفت. با اضافه‌شدن کارکنان این بخش به دایره، در تاریخ ۲ دسامبر ۲۰۱۱، تغییرات جدیدی در نام این دایره پدید آمد و عنوان آن به «دایره ریاست مطالعات استراتژیک و تاریخ نظامی»^۳ تغییر یافت.

در حال حاضر دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، شامل بخش‌هایی چون: مرکز مطالعات تاریخ نظامی^۴، مدیریت شعبه هماهنگی و برنامه‌ریزی، مدیریت شعبه انتشارات، مدیریت شعبه اداری و موزه نظامی و وبگاه فرهنگی فرماندهی است. بخش ریاست مطالعات تاریخ نظامی ATEM هم دارای بخش‌هایی چون: مدیریت شعبه آموزش و پژوهش‌های آتاتورک (با دربرداشتن دبیرخانه کل مرکز آموزش و پژوهش‌های آتاتورک)، مدیریت شعبه تاریخ نظامی (با دربرداشتن کمیسیون تاریخ نظامی ترک TATK) و مدیریت شعبه آرشیو است.

موزه نظامی و سایت فرهنگی دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، در استانبول، در سمت حریبه^۵ مستقر است. نام‌گذاری این منطقه، بر اساس نام مدرسه‌ای به نام «مدرسه حرب»^۶ - که در اواخر دوران عثمانی در آن قرار داشته - صورت گرفته است. رهبر جمهوری ترکیه، کمال آتاتورک نیز از فارغ‌التحصیلان همین مدرسه بوده است.

اتحادیه مهتران نیز در موزه نظامی و سایت فرهنگی فرماندهی، مکانی را به خود اختصاص داده است. فعالیت بخش اتحادیه مهتران پس از تغییراتی که در تشکیلات، امکانات و کادر آن در سال ۲۰۱۴ پدید آمد، بهبود یافت و با افزایش تعداد پرسنل اتحادیه، امکان و قابلیت اجرای هم‌زمان دو کنسرت در آن فراهم شد.

سالن‌های موجود در داخل موزه نظامی و سایت فرهنگی، عبارتند از: سالن نمایش، سالن سلاح‌های تیراندازی، سالن سوارکاری، بخش یاوز و فاتح^۷، سالن سلاح‌های بُرنده، سالن سلاح‌های دفاعی، سالن سلاح‌های آتشین، سالن ماکت توپ‌های جنگی، سالن نمایش

1. Stratejik Araştırma ve Etüt Merkezi (SAREM) Başkanlığı

2. "Genelkurmay Askerî Tarih Daire Başkanlığı"

3. "Askerî Tarih ve Stratejik Etüt (ATASE) Daire Başkanlığı"

4. Askerî Tarih Etüt Merkezi (ATEM)

5. Harbiye

6. Harp Okulu

7. Fatih ve Yavuz KÖşesi



توپ‌های جنگی، گالری شهدا، سالن مشروطیت، سالن جنگ جهانی اول، سالن جنگ‌های چاناک کالعه، سالن نبرد استقلال، سالن دوران جمهوریت، سالن آتاتورک، سالن آثار قوم‌نگاری (مردم‌نگاری)، سالن رؤسای ستاد، سالن کنان اِورَن^۱ (هفتمین رئیس جمهور ترکیه)، سالن چادرها، گالری البسه و سالن درفش‌ها و پرچم‌ها. در سال ۲۰۱۵ سالن نمایش توپ، تجدید سازماندهی و تبدیل به گالری شهدا شد. مراسم یادبود شهدای ترکیه از ۱۸ام مارس ۲۰۱۵ در چارچوب برنامه‌های مربوط به شهدا، در این سالن برگزار می‌شود.

ب- نگارش آثار و فعالیت‌های آرشیو

در آرشیو دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، نزدیک به ۱۰ میلیون سند نگه‌داری می‌شود. در این آرشیو که تاریخ اسناد آن از جنگ کریمه (۱۸۵۳-۱۸۵۶) شروع می‌شود، مجموعه‌های اسناد با موضوعاتی چون محاربه، عملیات، اطلاعات و پشتیبانی لجستیک، وجود دارد. در این آرشیو، بر اساس فعالیت‌های صورت گرفته از زمان تأسیس جمهوری تاکنون، ۱۹ مجموعه شکل گرفته است.

عناوین مجموعه‌های عمومی عبارت است از:

جنگ عثمانی و روس (جنگ کریمه) (۱۸۵۳-۱۸۵۶)، جنگ عثمانی-صرب-قره‌داغ (۱۸۷۵-۱۸۷۷)، جنگ عثمانی و روس (۱۸۷۷-۱۸۷۸)، جنگ عثمانی-یونان (۱۸۹۷)، جنگ عثمانی-ایتالیا (۱۹۱۱-۱۹۱۲)، جنگ بالکان (۱۹۱۲-۱۹۱۳)، جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، جنگ استقلال (۱۹۱۹-۱۹۲۲)، جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، عملیات صلح قبرس (۱۹۷۴) و مجموعه آتاتورک که اسناد این مجموعه‌ها در دسترس پژوهشگران قرار دارند. قدیمی‌ترین اسناد موجود در آرشیو دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، متعلق به سال‌های ۱۸۵۳ الی ۱۸۵۶م. و مربوط به جنگ کریمه هستند.

از جمله اسناد موجود در برخی از این مجموعه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جنگ عثمانی و روس (جنگ کریمه) (۱۸۵۳-۱۸۵۶): این کاتالوگ اسنادی از تاریخ ۱۴ آوریل ۱۸۴۹ تا ۱۸ اگوست ۱۸۷۰ را پوشش می‌دهد.

- جنگ عثمانی-صرب-قره‌داغ (۱۸۷۵-۱۸۷۷): در این کاتالوگ، قدیمی‌ترین سند، متعلق به تاریخ ۲۹ جولای ۱۸۷۰ است. این اسناد شامل مکاتبات وزیر جنگ با لشکرها، مکاتبات لشکرها با وزیر جنگ و دیگر فرماندهی‌های ارتش بعد از شروع عملیات است. علاوه‌براین، در این کاتالوگ، اسنادی که ارتباط مستقیمی با عملیات ندارند، مانند اسناد مربوط به خدمات نظامی دیگر این دوره و اسناد اداری، ملکی، قضائی و آموزشی هم یافت می‌شود.

- جنگ عثمانی و روس (۱۸۷۷-۱۸۷۸): کاتالوگ هفت مجلد است و شامل اسنادی از



تاریخ ۱۷ می ۱۸۳۳ تا ۲۴ مارس ۱۸۸۵ است. اسناد متعلق به جنگ عثمانی-روس شامل موضوعاتی چون اسکان، اعاشه، خدمت سربازی، استخبارات و گزارش‌های جنگی است.

- جنگ عثمانی-یونان (۱۸۹۷): این کاتالوگ اسنادی از تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۸۸۵ تا ۲۲ فوریه ۱۹۱۲ را پوشش می‌دهد. اسناد متعلق به جنگ عثمانی-یونان شامل موضوعاتی چون تجمع کل قوای وابسته به ارتش عثمانی، نیروهای اعزامی، مکاتبات مربوط به تجهیزات و گزارش‌های جنگی و همچنین مکاتبات مربوط به بسیج قوا، وضعیت رفاهی گردان‌ها، اخبار روزنامه‌ها در مورد اوضاع کشورهای خارجی، شورش کرت و امور پرسنلی (مانند: انتصاب، ترفیع، دادن مدال و نشان) است.

- جنگ عثمانی-ایتالیا (۱۹۱۱-۱۹۱۲): این کاتالوگ، حاوی اسنادیست که موضوع آن‌ها از سال ۱۹۰۵ آغاز و تا ۱ جولای ۱۹۲۲ ادامه دارد. این اسناد حاوی اطلاعاتی در مورد موجودی کل قوای عثمانی و ایتالیا، گزارشات حاوی اخبار وضعیت عمومی و نظامی ایتالیا، نوشتجات مربوط به بسیج قوا، لوازم، تجهیزات، پرسنل، اعاشه، خدمت سربازی و نوشتجات متنوعی از نیروهای عثمانی است.

- جنگ بالکان (۱۹۱۲-۱۹۱۳): این کاتالوگ اسنادی از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۰۹ تا ۲۵ نوامبر ۱۹۲۲ را پوشش می‌دهد. اسناد موجود در کاتالوگ جنگ بالکان، حاوی اطلاعاتی در مورد گزارشات مربوط به تشکیلات ارتش دولت‌های مختلف بالکان، همچنین جداول و نمودارهای عمومی، مکاتبات مربوط به خدمت سربازی، اعاشه، استخبارات، بسیج قوا، جابه‌جایی نیرو و تجهیزات نظامی، خدمات بهداشتی و پزشکی، انواع فرمان‌های اداری و جریده‌های جنگی است.

- جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸): شامل اسنادی از تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۱۳ تا ۵ آوریل ۱۹۲۳ است. در این کاتالوگ فرمان‌ها و مکاتبات متنوعی با موضوعاتی چون خدمت سربازی، سلامتی، امور پرسنلی، روزنامه‌های جنگی، بسیج قوا، اعاشه، اسکان، امور اداری، انتقال نیرو، گزارشات مربوط به عملیات نظامی متنوع در خشکی و دریا، اخبار مطبوعات خارجی در خصوص رویدادهای سیاسی و نظامی و سازمان و مباحث مربوط به ارتش، یافت می‌شود. در این مجموعه، فعالیت مربوط به طبقه‌بندی برخی اسناد موجود در رایانه هنوز ادامه دارد.

- جنگ استقلال (۱۹۱۹-۱۹۲۲): در کاتالوگ جنگ استقلال، اسنادی با موضوعاتی چون خدمت سربازی، اعاشه، استخبارات، اعزام نیرو، ترابری، مباحث و سازمان ارتش، گزارشات جنگی مربوط به این دوره، اخبار چاپ‌شده مربوط به حوادث سیاسی و نظامی در روزنامه‌های داخلی و خارجی و مکاتبات مربوط به امور پرسنل و سلامتی آن‌ها وجود دارد.

- مجموعه آتاتورک: این کاتالوگ حاوی اسنادی از سال ۱۸۹۷ الی ۱۹۳۸ است. در



مجموعه آتاتورک دفترهای یادداشت مصطفی کمال آتاتورک، همچنین روزنامه‌های جنگی و مکاتبات مربوط به نیروهای نظامی اعزامی به جبهه‌ها و موضوعات سیاسی و مکاتبات متنوع ارسالی مصطفی کمال آتاتورک یافت می‌شود.

در آرشیو دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، یک آزمایشگاه وجود دارد که کار آن نظارت بر نگهداری اسناد و مرمت اسناد آسیب‌دیده است. در این بخش، اسنادی که بر اساس یک یا چند عامل گوناگون بیولوژیک، فیزیکی، مکانیکی و شیمیایی دچار تخریب شده‌اند، شناسایی و مرمت می‌شوند. برای نگهداری اسناد، وضعیت آن‌ها از نظر مسائل مختلفی چون اکسیداسیون، تخریب توسط قارچ‌ها و حشرات آسیب‌رسان به اسناد و نیاز به اسیدزدایی بررسی می‌شود و آن‌ها را ضدعفونی می‌کنند و گاه با کشیدن لایه‌ای از کاغذهای فاقد اسید با چسب‌های فاقد مواد قندی بر روی آن‌ها، از اسناد محافظت می‌کنند. برای محافظت از اسناد، دمای مخازن بین ۱۸ تا ۲۳ درجه سانتی‌گراد و رطوبت نسبی آن‌ها بین ۵۰٪ تا ۶۰٪ محدود می‌شود.

همان‌گونه که از محتویات مجموعه‌های این آرشیو مشخص است، آرشیو دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، منبع بسیار مهمی برای مطالعه تاریخ نظامی ترکیه است. همان‌گونه که اسناد قدیمی در این آرشیو گردآوری شده‌اند، اسنادی که امروزه در ارتباط با تاریخ نظامی تولید می‌شوند نیز به این آرشیو انتقال می‌یابند.

در سایت رسمی اینترنتی ریاست ستاد کل، در زیر عنوان انتشارات، فرمی وجود دارد که با تکمیل و ارسال آن می‌توان به خدمات مربوط به اسناد از طریق پست دست یافت. این بخش پژوهشگران محلی و اتباع بیگانه را در خصوص پژوهش درباره تاریخ نظامی، یاری می‌کند. علاوه بر ارائه خدمات آرشیوی به پژوهشگران، یکی از وظایف اصلی دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، انجام مطالعه و پژوهش در خصوص تاریخ نظامی ترکیه و نگارش تاریخ نظامی این کشور، در قالب فعالیت‌های انتشاراتی است. اسناد گردآوری‌شده در این آرشیو، پایه اصلی کار پژوهشگران و متخصصان تاریخ جنگ هستند که به‌واسطه آن‌ها، رویدادهای مهم تاریخ نظامی ترک و نیروهای مسلح ترکیه با بیان جزئیات، بررسی و نگاشته می‌شود.

از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فهرست اسناد جنگ عثمانی و روس (۱۸۷۷-۱۸۷۸)، بروشور تاریخی جنگ عثمانی و روس (۱۸۷۷-۱۸۷۸)، آمادگی سیاسی و نظامی دولت عثمانی برای ورود به جنگ (در ارتباط با جنگ جهانی اول)، بیوگرافی فرماندهان جنگ‌های چاناک کاله، بیوگرافی فرماندهان جنگ جهانی اول (فرماندهان بیش از سه گردان و یا دارای درجات بالاتر) در سه جلد، مکتوبات،

عبارات و آثار جنگ‌های چاناک کالعه در دو جلد، نوزدهمین دسته سواره نظام جنگ‌های چاناک کالعه در یک جلد، جبهه شرق در جنگ جهانی اول، خدمات بهداری-درمانی در جبهه شرق در جنگ جهانی اول.

کتاب‌هایی که در خصوص نبردهای چاناک کالعه نوشته شده بود، به‌روزرسانی و مجدداً منتشر شدند. همچنین «تاریخچه مربوط به جنگ‌های آنافارتالار^۱» که به خط عثمانی قدیم توسط مصطفی کمال آتاتورک نوشته شده بود و «گزارش جنگ‌های آربورنو^۲» به خط ترکی جدید برگردانده شده و انتشار یافته است. ۱۲ جلد «دفترچه‌های یادداشت آتاتورک» و یک جلد از کتاب «کمال آتاتورک در اسناد آرشیو» منتشر شده است.

با توجه به نبرد استقلال، «بیوگرافی فرماندهان نبرد استقلال» (فرماندهان بیش از سه گردان و یا دارای درجات بالاتر) در دو جلد و نیز پنجمین جلد «نبرد استقلال ترکیه، جبهه جنوب» تجدید چاپ شده است. «بروشور تاریخ جنگ‌های اینونو^۳» و «بروشور تاریخ جنگ آسلاحانلار-دوملپنار^۴» هم منتشر شده است.

در چارچوب روابط دوجانبه نیز می‌توان به کتاب‌های «روابط ترکیه و افغانستان از گذشته تاکنون»، «تاریخ کوزووا از گذشته تاکنون و روابط ترکیه-کوزووا» و «روابط ترکیه و تونس در طول تاریخ» اشاره کرد.

مواردی که نام برده شد، از فعالیت‌های اخیر ریاست دائره، در زمینه چاپ و انتشارات است. این دایره، علاوه بر فعالیت‌های نگارشی در داخل خود، در خارج از مجموعه هم با خرید حق تألیف، آثار نگارش‌یافته در حوزه خود را چاپ و منتشر می‌کند.

کمیسیون تاریخ نظامی ترک همچنین شماره‌هایی از مجله ای^۵ که در خصوص تاریخ نظامی بین‌المللی توسط کمیسیون بین‌المللی تاریخ نظامی منتشر می‌شود را چاپ و منتشر کرده است. کمیسیون تاریخ نظامی بین‌المللی، برای کمیسیون‌های کشورهای عضو، خلاصه کتاب‌ها و کاتالوگ‌های اطلاعاتی را در قالب مجله بین‌المللی کتاب‌شناسی سالانه منتشر و ارائه می‌کند.

نشریات ادواری که هم‌اکنون توسط دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل انتشار می‌یابند عبارتند از:

۱- ارمغان هفته آتاتورک؛ این نشریه از سال ۱۹۷۴ هر سال در تاریخ ۱۰ نوامبر منتشر می‌شود. در ۱۰ نوامبر سال ۲۰۱۵، چهل و دومین شماره آن انتشار یافت.

۲- مجله اسناد تاریخ نظامی: از سال ۱۹۵۲ در هر سال دو بار منتشر می‌شود. به‌طور عمده موضوعاتی در مجله منتشر می‌شود که بررسی آن‌ها، همراه با استفاده از اسناد و مستندات باشد. شماره ژانویه ۲۰۱۶ این مجله با عنوان «کوت العماره، محاصره و پیروزی» صد و

۱. Anafartalar جبهه سوم در جنگ‌های چاناک کالعه
۲. Arıburnu جبهه ای در جنگ‌های چاناک کالعه

3. İnönü
4. Aslıhanlar-Dumlupınar
5. Revue Internationale d'Histoire Militaire
6. ATATÜRK Haftası Armağanı



سی و هفتمین شماره این نشریه است.

۳- مجله پژوهش‌های تاریخ نظامی: از سال ۱۹۷۶ در هر سال ۲ شماره منتشر می‌شود. مجله از تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۱۳ در شبکه علمی ملی و مرکز اطلاعات، در پایگاه داده‌های ترکی، جا گرفته است. از امتیازات چاپ مقاله در این نشریه، کسب رتبه علمی برای نویسنده آن است. بیست و پنجمین شماره مجله در سال ۲۰۱۵ با عنوان «در صدمین سال جنگ جهانی اول» آماده شد و در دسامبر سال ۲۰۱۵ بیست و ششمین شماره آن منتشر شد.

۴- مجله قوای مسلح: از سال ۱۹۱۹ هر سال ۴ شماره منتشر می‌شود. سیستم اشتراک مداوم مجله نیروهای مسلح، از ۱۳ ژوئن ۲۰۱۳ متوقف شده است. از اکتبر همین سال، یعنی از شماره ۴۱۸ نشریه، مقرر شد تمام مصارف نشریه از بودجه عمومی تأمین شود و بین تمام تیپ‌ها، هنگ‌ها و واحدهای هم‌سطح، به‌طور مساوی توزیع شود. علاوه‌براین انتشار الکترونیکی آن در شبکه داخلی و خارجی نیروهای مسلح ادامه دارد.

صفحه آتاتورک که توسط دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل آماده‌سازی شد، از ۴ فوریه ۲۰۱۳ در صفحه شبکه نت داخلی نیروهای مسلح ترکیه و در ۶ فوریه ۲۰۱۳ در صفحه شبکه نت خارجی نیروهای مسلح ترکیه، نشر الکترونیک خود را آغاز کرد.

همچنین در «آنت کبیر» آرامگاه رهبر جمهوری ترکیه آتاتورک، موزه‌ای برای نمایش اسناد، مدارک و اشیای دیگر تأسیس شده که به‌گونه‌ای موجز و مؤثر رویدادهای تاریخی ترکیه را در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهد. این موزه در «آنت کبیر» در ۲۶ اگوست ۲۰۰۲ طی مراسمی با حضور رئیس ستاد کل افتتاح شد.

ج- فعالیت‌های علمی دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل

دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل، فعالیت‌هایی چون برگزاری کنگره، همایش و نشست را نیز در برنامه‌های خود دارد. به‌عنوان نمونه از ۳ تا ۷ دسامبر ۲۰۱۲ به مناسبت صدمین سالگرد جنگ‌های بالکان، در موزه نظامی و سایت فرهنگی، چهاردهمین کنگره تاریخی خود را در سطح بین‌المللی با عنوان «بالکان و تاریخ بالکان از قرن ۱۴ تاکنون»^۱ برگزار کرد. در این کنگره که در ۱۳ نشست، برنامه‌ریزی شده بود، در مجموع ۴۱ گزارش ارائه شد که ۱۱ گزارش آن توسط اتباع کشورهای دیگر (خارجیان) تهیه شده بود.

همچنین، از تاریخ ۲۳ تا ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳، به مناسبت نودمین سالگرد اعلام جمهوری، در آنکارا، در دانشکده جنگ زمینی، همایشی با عنوان «آتاتورک و جمهوریت در نودمین سالگرد اعلام جمهوری»^۲ برگزار شد که در پنج نشست آن، ۱۶ گزارش ارائه شد.

به مناسبت فرارسیدن صدمین سالگرد جنگ جهانی اول، کارکنان نیروهای مسلح ترکیه

1. On Dördüncü Yüzyıldan
Günümüze Balkanlar ve
Balkan Tarihi
2. Cumhuriyet'in İlanının
90'ıncı Yılında ATATÜRK
ve Cumhuriyet Sempozyumu



با هدف ارائه اطلاعات در خصوص جنگ جهانی اول، در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴ در دانشکده جنگ زمینی، در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۴ در دانشکده جنگ دریائی و در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴ در دانشکده جنگ هوایی، نشست‌هایی را با عنوان «جنگ جهانی اول: دولت‌ها، جبهه‌ها، فرماندهان و سربازان»^۱ برگزار کردند.

به مناسبت بزرگداشت صدمین سالگرد جنگ‌های چاناک کاله نیز همایشی بین‌المللی با عنوان «صدمین سالگرد جنگ‌های چاناک کاله»^۲ از ۲۱ تا ۲۷ مارس ۲۰۱۵ در موزه نظامی و سایت فرهنگی استانبول برگزار شد که طی آن از ۱۰ کشور، ۳۱ سخنرانی انجام گرفت.

دیرکل کمیسیون تاریخ نظامی ترکیه، هر سال به‌عنوان نماینده کشور ترکیه در کنگره بین‌المللی تاریخ نظامی مشارکت می‌کند. در این زمینه در چهلیمین کنگره بین‌المللی تاریخ نظامی که در وارنای^۳ بلغارستان برگزار شد، در نشست بعدازظهر روز ۵ سپتامبر ۲۰۱۴، در نشست مجمع عمومی، نام ترکیه به‌عنوان نامزد برگزاری کنگره در سال ۲۰۱۶ اعلام شد و پس از آن رئیس کمیسیون تاریخ نظامی بین‌المللی، دکتر پیت کامفویس^۴ اعلام کرد که ترکیه به‌عنوان کشور مجری کنگره در سال ۲۰۱۶ پذیرفته شده است.

چهل و یکمین کنگره بین‌المللی تاریخ نظامی، در سال ۲۰۱۵ در پکن چین برگزار شد. در این کنگره که عنوان آن «جنگ جهانی دوم و تحولات نظامی در قرن بیستم» بود، به برگزاری کنگره چهل و دوم در کشور ترکیه اشاره شد.

چهل و دومین کنگره بین‌المللی تاریخ نظامی از ۳ تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ در استانبول برگزار خواهد شد. عنوان این کنگره «جنگ‌های منطقه‌ای و تأثیرات جهانی از قرن ۱۷ تاکنون» اعلام شده است.

برگزاری کنفرانس‌ها در خصوص مدرسه نظامی و کمالیسم نیز از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل در هر سال است. لذا در هر سال در ۱۰ نوامبر، ریاست ستاد کل در سایت فرهنگی آتاتورک، برنامه‌هایی را در یادبود آتاتورک سازماندهی می‌کند. همچنین در هر سال در ۱۸ مارس، روز شهدا^۵، ۱۹ می با موضوع آتاتورک شخصیتی دولتی و نظامی^۶ و ۱۹ سپتامبر روز قاضی‌ها^۷، برنامه‌هایی اجرا می‌شود.

دایره ریاست تاریخ نظامی و مطالعات استراتژیک ستاد کل که کار خود را با هیئت هفت نفره در ۱۱ آوریل ۱۹۱۶ آغاز کرد، در امسال صدمین سال تأسیس خود را پشت سر می‌گذارد. این نهاد که در ابتدا برای نگارش تاریخ جنگ‌های چاناک کاله و جنگ جهانی اول تأسیس شده بود، با گذشت زمان، اهدافش گسترش یافته و در ادبیات ترک در حوزه تاریخ نظامی صدها اثر و نشریات ادواری را چاپ و منتشر ساخته و سهم قابل‌توجهی را در دنیای علم به خود اختصاص داده است.

1. Birinci Dünya Savaşı: Devletler, Cepheleer, Komutanlar ve Askerler Üzerine

2. 100'üncü Yıl Dnümünde Çanakkale Muharebeleri

3. Varna

4. Dr. Piet KAMPHUIS

5. Şehitler Günü

6. Asker ve Devlet Adamı ATATÜRK

۷. قاضی در زبان ترکی به کهنه‌سربازان و افرادی گفته می‌شود که فعالیت‌های خارق‌العاده‌ای برای دفاع از کشورشان در میدان جنگ از خود نشان داده‌اند.

Gaziler Günü



آرشیو و اسناد: نشریه انجمن آرشیو و اسناد انگلیس و ایرلند^۱

میترا تابش^۲



نشریه آرشیو و اسناد از سال ۱۹۵۵ تاکنون در ۳۸ دوره منتشر شده که تا سال ۲۰۱۲ با نام نشریه انجمن آرشیو داران منتشر می‌شد. این نشریه پژوهشی بین‌المللی نسبت به انتشار مقالات پژوهشی دست اول به زبان انگلیسی اقدام می‌کند.

این نشریه که برای اعضای انجمن آرشیو و اسناد، دو بار در سال در فصل بهار و پائیز منتشر می‌شود شامل پژوهش‌های موضوعی و مقالات مربوط به آرشیو داران، مرمتگران و مدیران اسناد و همچنین همه افرادی است که درگیر مطالعه و کار در آرشیو هستند

و آخرین دستاوردها در این زمینه‌ها شامل چالش‌ها و فرصت‌های ارائه‌شده توسط فناوری اطلاعات و رسانه‌های نوین را ارائه می‌کند. در آخرین شماره نشریه، مقالات، معرفی کتاب، یادبود و انتشارات دریافتی جدید آمده است. هدف از این نشریه نشان دادن پژوهش و اقدامات حرفه‌ای در حال حاضر است. این نشریه

1. Archives and Records:
The Journal of the Archives
Records Association

۲. کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی،
کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان
اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
mitra_tabesh@yahoo.com

برای افرادی که در بخش آرشیو به فعالیت مشغولند، برای گسترش حرفه خود برنامه‌ریزی می‌کنند یا به مبحث آرشیو علاقه‌مندند، لذتبخش و آگاهی‌دهنده است. نشریه علاوه بر آنکه در دسترس اعضای انجمن آرشیو و اسناد قرار می‌گیرد، بیش از سه هزار مشترک حقیقی و حقوقی در سراسر دنیا دارد.

تمام شماره‌های نشریه به صورت برخط با قابلیت جست‌وجوی موضوعی برای اعضا در دسترس است. برای غیر اعضا نیز دسترسی محدود به شماره‌های مختلف نشریه وجود دارد. برای خرید هریک از نسخ نشریه می‌توان با پست‌الکترونیکی ناشر به نشانی subscriptions@tandf.co.uk تماس حاصل کرد. افراد حقیقی با پرداخت ۲۱۷ دلار می‌توانند به طور دائم به نسخه چاپی دسترسی داشته باشند. افراد حقوقی نیز فقط برای یک سال اشتراک برخط باید مبلغ ۴۸۷ دلار و برای دسترسی چاپی و برخط برای یک سال مبلغ ۵۵۷ دلار پرداخت کنند. فهرست مطالب آخرین شماره نشریه به شرح زیر است:

مقالات

- حفظ زمان در آرشیو حرکات موزون: حرکت به سوی پدیده‌شناسی فضای آرشیوی؛ از شخصی تا عمومی؛ کتب یادداشت‌های میدانی، موزه‌ها و افتتاح آرشیو؛
- کاوشی در رویارویی میان خانواده‌ها، تاریخ آن‌ها و تاریخ شفاهی آرشیو شده؛
- آیا ارائه برنامه‌های اعطای مجوز به آثار منحصربه‌فرد مشکل این آثار را در پروژه‌های رقمی‌سازی حل کرده است؟
- آیا آرشیو داران باید نسبت به ویرایش و یکپدیا اقدام کنند و اگر چنین است چگونه باید این امر صورت پذیرد؟
- نقش آرشیو داران دولتی در دوران پس از آپارتاید در آفریقای جنوبی: متولیان منفعل یا راویان غیرمنفعل؛
- حفظ حقوق، دفاع از هویت حرفه‌ای.

نقد کتاب

- آموزش از طریق منابع دست اول؛
- رسیدگی به دارایی دست‌نشانگان پادشاهان در دوران پس از مرگ: ترسیم جامعه رعیتی در قرون وسطی؛
- آرشیو صومعه بین‌هام؛
- راهبردهای ارزشیابی و فراهم‌آوری؛



- پرداختن به اسناد و آرشیو: پیشینه و نظریه‌ها؛ نکات عملی برای گسترش نیروی انسانی؛
- مناک استریکلند ۱۶۸۳-۱۷۴۴: عامل صومعه‌های انگلیسی در فلاندرز. نامه‌ها و شرح حساب‌ها از تبعید؛
- فهرست مایملک زمین‌ها و منازل متعلق به صومعه لنتونی در گلوستر در سال ۱۴۴۳؛
- نامه‌های مربوط به دوران جنگ از آرشیو لدرسلز؛
- مکاتبات جان کولیر، ۱۷۳۱-۱۷۴۶؛
- دستنامه مجموعه‌های ویژه؛
- میراث مشارکتی؛
- خاطرات توماس اسلتفورد، مدیر مدرسه لیتل همپتون، ۱۸۷۱-۱۹۱۱؛

یادبود

- مایکل فرار (۱۹۲۹-۲۰۱۷)؛

انتشارات دریافتی جدید از ژانویه تا ژوئن ۲۰۱۷

همکاری با نشریه به‌عنوان نویسنده، ویراستار یا داور امکان‌پذیر است. سروکار داشتن با ایده‌های جدید و تمرکز بر اقدامات کنونی بخش مهمی از حرفه‌ای بودن است. کار با این نشریه پیشرفت حرفه‌ای را تسریع می‌بخشد و به فرد فرصت می‌دهد تا دیدگاه‌هایش را به اشتراک بگذارد و به‌طور بالقوه بر سوگیری حرفه و ماورای آن تأثیر بگذارد. تمام مقالات ارسالی توسط ویراستار مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورتی که مناسب تشخیص داده شود توسط داوران مستقل و ناشناس مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد. نشریه از مقالات در زمینه آرشیو و موزه استقبال می‌کند. نشریه در حال حاضر از مقالات به‌ویژه با موضوعات زیر استقبال می‌کند:

- رویکردهای مشارکتی در زمینه آرشیو، شامل آرشیوهای که به‌وسیله افراد و انجمن‌ها اداره می‌شوند و انجام کار داوطلبانه؛

- حاکمیت اطلاعاتی؛

- استفاده مبتکرانه از فناوری برای بهبود اقدامات سنتی مانند ارزشیابی، توصیف و حفاظت؛

- چشم‌اندازهای تاریخی و دیگر موارد در زمینه ارتقاء حرفه که توسط انجمن آرشیو و

اسناد ارائه شده است.

فراخوان موضوعات مورد نظر در وبگاه ناشر به نشانی www.tandfonline.com/toc/cjsa21/

current موجود است.



برای مکاتبه در مورد مقالات باید با نشانی زیر تماس بگیرید:

Dr Jenny Bunn

Department of Information Studies

University College London

Gower Street

London WC1E 6BT

U.K.

Email: j.bunn@ucl.ac.uk

نقد کتب را به ویراستار نقد کتاب‌ها به نشانی زیر ارسال کنید:

Susan Healy,

42 Harold Road, Sutton, Surrey SM1 4HZ.

Email: susanhealy230@btinternet.com





معرفی کتاب «بانو ضیاء السلطنه: خوشنویس قاجاری تبار»

حوریه سعیدی^۱

عنوان کتاب: بانو ضیاء السلطنه: خوشنویس قاجاری تبار

تهیه و تدوین: طاهره ملامحمدی

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

کتاب در ۵۲ صفحه با ورق گلاسه و چاپ بسیار عالی چاپ و نشر شده است. طرح روی جلد نمایی از تصویر بانویی ایستاده با شمایل و پوشش دوره قاجاری (که تداعی گر سرو در میان نگاره‌های ایرانی است) و دستخطی از ضیاء السلطنه در حاشیه آن. پشت جلد نیز نقش مهر ضیاء السلطنه است.

درون کتاب: بعد از سخن ناشر و پیشگفتار و مقدمه مؤلف، ۴ صفحه درباره شخصیت و زندگی‌نامه ضیاء السلطنه مطلب وجود دارد که یا به دلیل آن است که در منابع درباره زنان، در مجموع و این شخص خاص، به ویژه، مطالب اندکی وجود دارد و یا اینکه نویسنده نتوانسته از دل منابع، مطالب بیشتری درباره وی را استخراج کند. ۲۷ صفحه از ۵۲ صفحه کتاب، تصاویر و نقاشی و تصویر اسناد و قرآن‌های به خط ضیاء السلطنه است.

۱. عضو هیئت علمی، پژوهشکده اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی؛
hooriehsaeidi@yahoo.com



نویسنده در مقدمه و ابتدای متن تصریح دارد که این کتاب در ادامه کتاب اول خود با عنوان «بانوان خوشنویس ایران، از زینب شهده تا امسلمه» نوشته شده است. ایشان درباره مشکلاتی که در جست‌وجوی منابع کتاب برای وی وجود داشت و نیز عدم دستیابی به نسخه‌ها و اسنادی که درباره ضیاءالسلطنه در آرشیوها و موزه‌های داخل وجود دارد اشاراتی داشته و مساعدت‌های خانم نوش‌آفرین انصاری از نوادگان دختری ضیاءالسلطنه در دستیابی به یکی از نمونه قرآن‌های به خط او که در مجموعه شخصی ایشان وجود دارد را پاس داشته است. خانم ملامحمدی در اثر خود از نمونه قرآن‌های به خط شاه بیگم (ضیاءالسلطنه)، و نیز چند نمونه سند به خط وی و نیز تصاویری عکسی و نقاشی از او، استفاده کرده و بر جلوه‌های بصری کتاب که آن را بسیار چشم‌نواز ساخته، افزوده است.

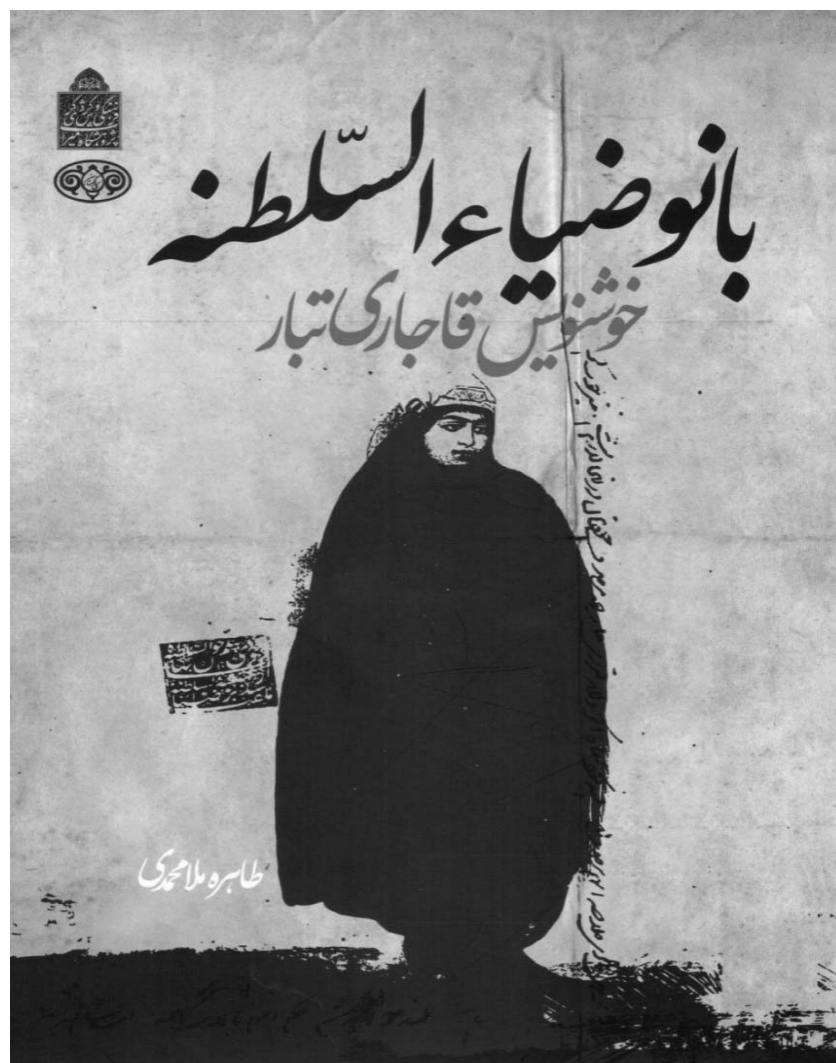
افزون بر موارد آمده، این اثر دارای نکاتی است که در صورت توجه و رفع آن می‌توانسته شکل یک اثر پژوهشی نیز داشته باشد. نکته اول آن که پیشینه‌ای از منابع و کتاب‌هایی که درباره زنان خوشنویس در دوره‌های مختلف قبل از قاجار و قاجاریه نوشته شده در این اثر به‌نظر نمی‌آید. چنانکه یکی از بارزترین آثار دوره قاجار در این موضوع یعنی خیرات حسان اعتمادالسلطنه به‌عنوان مأخذ و مرجع کتاب وجود ندارد که جای خالی آن به‌شدت محسوس است. دیگر آنکه، ارجاعات درون متنی و استنادات اثر ضعیف است و کلاً از منابع دیگر استفاده چندانی نشده و یا اینکه ارجاع آن ناقص است. برای مثال در صفحه ۳ نقل‌قولی است از تاریخ عضدی بدون ارجاع به صفحه و مشخصات کتاب.

اشخاصی که در متن کتاب نام آن‌ها آمده بهتر بود در پانویس توضیح هرچند مختصر داشته باشد؛ در واقع رجال‌شناسی کتاب از این نظر ناقص است (صفحات ۳ و ۴: گلبند باجی خانم- خیرالنساء- میرزا مریم- یا حاج میرزا آقاسی- میرمهدی امام جمعه و ...).

در صفحه ۶ نقاشی آبرنگ از ضیاءالسلطنه است ولی محل نگه‌داری آن مشخص نیست. در متن کوتاهی که درباره ضیاءالسلطنه است عبارات به‌گونه‌ای است که تفکیک نقل‌قول و متن نویسنده از آن دشوار است. ولی از ادبیات متن به‌نظر می‌آید که نقل‌قول باشد که تفکیک‌نشده و یا تصریح بدان نشده است؛ برای مثال: صفحه ۳ به بعد از سطر ۵: «... وقتی که مرحومان حاجی میرزا آقاسی و میرمهدی امام جمعه اعلی‌الله مقامه برای اجرای عقد آمدند خود ضیاءالسلطنه از عقب پرده صحبت و احوالپرسی از آن‌ها نمود. به حاجی میرزا آقاسی گفت چون شما از عرفان دم می‌زنید و از طرف حاجی میرزا مسعود وکالت دارید، وکیل من هم باید میرزا نصرالله صدرالممالک اردبیلی باشد که سالک طریقت است. ضیاءالسلطنه طبع موزون و شعرهای لطیف داشت».

در صفحه ۷ در معرفی آثار ضیاءالسلطنه در بخش ۴- مکاتبات ضیاءالسلطنه، از مجموعه





متعلق به مهدی بیانی، مجموعه بهرام شیخ الاسلامی و کتابخانه هاروارد نام برده است که به نظر می‌آید مورد اخیر اشاره دارد به وبگاه دنیای زنان قاجار در مجموعه دانشگاه و کتابخانه هاروارد. شاید بهتر می‌بود که ضمن اشاره به وبگاه به عنوان منبع درباره آن نیز اطلاعات بیشتری داده می‌شد.

در ادامه کتاب، نویسنده شمه‌ای از مشخصات هر نسخه، قطع، تذهیب، نوع خط، تاریخ کتابت، تعداد صفحات و سطرها و نیز محل نگهداری آن را آورده و نمونه‌هایی از صفحه اول میانی و آخر را نیز ضمیمه کرده است.

تاریخ کتابت هر نسخه به توالی، نسخه ۱) ۱۲۴۴ ه.ق. (که با توجه به سال تولد ضیاءالسلطنه که ۱۲۱۴ ه.ق. بوده) در سن ۳۰ سالگی او انجام شده؛ نسخه ۲) ۱۲۶۵ ه.ق. در سنین میانی وی و ۲۰ سال بعد از نسخه اول انجام شده؛ و نسخه ۳) ۱۲۸۴ ه.ق. (با توجه به زمان فوت وی که ۱۲۹۰ ه.ق. بوده) در پایان عمر او و ۶ سال قبل از مرگش انجام شده است. شاید بهتر بود نویسنده محترم به مقایسه نوع و کتابت خطوط این سه نسخه که در یک چرخه با فاصله ۲۰ سال اتفاق افتاده می‌پرداخته و قدرت و استحکام و یا تفاوت‌هایی که در این دوره طولانی در خط وی اتفاق افتاده و یا نیفتاده را به بحث می‌گذاشتند. در بخش اسناد به خط ضیاءالسلطنه، هیچ توضیح دیگری به جز استنساخ آن وجود ندارد. در مجموع: اثر مورد نظر کتابی است به لحاظ بصری تأثیرگذار و جالب توجه و قابل قدرانی، از آن جهت که به نیت شناساندن یکی از بانوان هنرمند و توانمند ایران زمین که توانایی و هنر ایشان در سایه وجود مردان به خوبی و یا اصلاً دیده نشده، تهیه شده است.



معرفی کتاب

«ذخیره سازی سوابق بر مبنای استاندارد رهنمودهای آرشیو ملی استرالیا»

سوده مرتجائی^۱

مشخصات کتاب:

ترجمه: غلامرضا عزیزی و فاطمه زارعزاده

شمارگان ۵۰۰ نسخه

چاپ اول ۱۳۹۵

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

طرح روی جلد: آرم آرشیو ملی استرالیا



کتاب ذخیره سازی سوابق بر مبنای استاندارد، در زمستان سال ۱۳۹۵ از سوی سازمان اسناد و

کتابخانه ملی ایران منتشر شد. این کتاب که ترجمه ای از رهنمودهای آرشیو ملی استرالیا است با ترجمه آقای غلامرضا عزیزی و خانم فاطمه زارعزاده روانه بازار نشر شده است. در سخن نخست کتاب، به اهمیت حفظ و نگهداری منابع اشاره می شود که یکی از مهم ترین وظایف آرشیودارها و کتابداران است. مترجمان کتاب با اشاره به این موضوع که در حال حاضر یکی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی،
کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان
اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ S_
mortajae279@yahoo.com

از پنج برنامه اصلی ایفلا، برنامه حفظ و نگهداری است و یونسکو نیز در رویکردی جهانی و با همین دیدگاه به برنامه حفظ و نگهداری میراث بشری چشم دوخته است، بر اهمیت و نقش حفظ و نگهداری اسناد تأکید می‌کند و انتشار این کتاب را که از جمله دستنامه‌ها و استانداردهای حفظ و نگهداری منابع است، در راستای رسیدن به اهداف سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌دانند که در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران (سابق) به آن اشاره شده است.

این کتاب یکی از آثاری است که به‌منظور استفاده در کشورهای مشترک‌المنافع و با بهره‌گیری از استانداردهای ملی و بین‌المللی تدوین یافته است. برخی از مباحث این کتاب در استاندارد ملی ایران به شماره ۱۰۴۴۳: اطلاع‌رسانی و مستندسازی - الزامات ذخیره‌سازی اسناد اطلاعاتی برای منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی نیز آمده است. فصل اول که مقدمه کتاب است به هدف، گستره، ساختار، کاربرد، روش‌های ارزیابی، مدیریت بحران، مستندسازی تصمیمات اشاره دارد. در فصل دوم به اصول ذخیره‌سازی و حداقل استانداردها پرداخته شده است. این اصول شامل موارد زیر است:

اصل ۱: مکان؛ اصل ۲: کنترل محیطی؛ اصل ۳: قفسه‌بندی و بسته‌بندی؛ اصل ۴: نگهداری و ایمنی؛ اصل ۵: محافظت در برابر بلایا و خطرات؛ اصل ۶: حمل‌ونقل با دقت؛ اصل ۷: دسترس‌پذیری.

فصل سوم منابعی را برای مطالعه بیشتر معرفی می‌کند. این منابع شامل منابع عمومی و منابعی برای اصول هفتگانه‌ای است که در فصل دوم به آن‌ها اشاره شده است. فصل چهارم واژه‌نامه است که در آن به برخی واژه‌های تخصصی شامل ارزشیابی، اسناد راکد، اسناد حیاتی، اسناد فعال، اسناد موقت، امکانات نگهداری، کانتینر و نگهداری اشاره شده است.

این کتاب در وهله نخست برای مؤسساتی قابل استفاده است که بخواهند اسناد نیمه‌جاری و راکد دارای ارزش موقت خود را تا زمان امحاء قانونی در مخازن نگهداری کنند. اگرچه ممکن است مؤسسات این دستورالعمل‌ها را برای مدیریت اسناد و مدارک غیرراکدشان نیز به‌کار ببرند. اطلاعات موجود در این دستورالعمل‌ها از میان استانداردهای ملی و بین‌المللی زیر برگزیده شده است:

- استاندارد استرالیا AS ISO 15489-2002 مدیریت اسناد؛
- استاندارد استرالیا AS 4300-1995 مدیریت اسناد بخش ۶؛
- مؤسسه استانداردهای بریتانیا BS 5454-2000 توصیه‌هایی برای ذخیره‌سازی و نمایش اسناد آرشیوی.

همچنین از استاندارد ذخیره‌سازی دولتی اداره اسناد ایالتی نیوساوت ویلز: استاندارد ذخیره



فیزیکی اسناد ایالتی (آوریل ۲۰۰۰) و راه‌حل‌های ذخیره‌سازی: دستورالعمل ذخیره فیزیکی اسناد ایالتی (آوریل ۲۰۰۰) هم استفاده شده است.

کتاب در فصل دوم با ارائه جدول‌های شاخص و ارزیابی به اصول و استانداردهای هفتگانه ذخیره‌سازی اشاره می‌کند. در برخی از موارد، علاوه بر ستون شاخص و ارزیابی یک ستون به‌عنوان توضیحات هم دیده می‌شود که حاوی اطلاعاتی برای آن شاخص است. هر شاخص در یک جمله بیان شده و دارای یک یا چند بیان‌کننده روش ارزیابی است. هر سازمانی با دادن پاسخ «بله» یا «خیر» به هر شاخص، میزان استانداردبودن امکانات و خدمات ذخیره‌سازی خود را می‌سنجد. این جداول بخش اصلی کتاب را به خود اختصاص داده است و سهم فصل اول، سوم و چهارم کتاب ناچیز و در حد سه یا چهار صفحه است. لازم به ذکر است ترجمه کتاب روان و قابل‌فهم است اما در برخی موارد از روانی آن کاسته شده است. این کتاب در ۱۱۴ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه در اختیار علاقه‌مندان به حوزه آرشیو قرار گرفته است.



گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزار شده اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) تابستان ۱۳۹۶

فریبا امیری^۱ و حمیده بختیاری^۲

از سالیان گذشته و به منظور معرفی اسناد و گسترش جامعه مخاطبان عام و خاص، برگزاری نمایشگاه‌های اسناد در فرهنگسراها، مکان‌های پر تردد و دانشگاه‌ها شکل گرفته است. برای انجام این مهم پوشه‌های آماده‌سازی شده اسناد، برای شعبه‌های استانی و سازمان‌ها و نهادهای درخواست‌کننده داخلی و خارجی ارسال می‌شود.

۱- نمایشگاه به مناسبت ۲۱ تیر ۱۳۹۴ ش.، سالروز قیام مسجد گوهرشاد
در ۲۱ تیر ۱۳۹۴ ش. مردم مشهد در اعتراض به قانون تغییر لباس در مسجد گوهرشاد تجمع کردند. تحصن با حمله نیروهای دولتی به مسجد سرکوب و بسیاری از متحصنین کشته و زخمی شدند. به همین مناسبت در اداره کل خدمات آرشیوی نمایشگاهی شامل ۲۲ عنوان و ۳۵ برگ سند و یک قطعه عکس آماده و برای برگزاری نمایشگاه همزمان به ۱۱ نمایندگی استانی و منطقه‌ای ارسال شد. عنوان‌های اسناد نمایشگاه به شرح زیر است:

۱. کارشناس برنامه‌ریزی و بررسی اسناد و مدارک، اداره کل خدمات آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
amirifariba42@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، اداره کل خدمات آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
h-bakhtiari@nlai.ir

دستور حکومت تربت حیدریه به نظمیه برای مراقبت کامل از تغییر کلاه و تعقیب افراد، پس از واقعه قیام مسجد گوهرشاد، ۱۳۹۴/۴/۲۱ ش.؛ گزارشی از منبر رفتن سیداصفهان‌ی در تربت حیدریه و اظهارات وی در خصوص حرم رضوی پس از قیام مسجد گوهرشاد و انتساب آن به علایم ظهور و اقدامات حکمران برای دستگیری وی و جلوگیری از اغتشاش در شهر، ۱۳۹۴/۴/۲۶ ش.؛ گزارش حکومت تربت حیدریه به ایالت خراسان در خصوص روند تغییر



کلاه پس از اتفاقات مشهد و تلاش نظمیه برای دستگیری عوامل، ۱۳۱۴/۴/۲۶ ش.؛ دستور توقیف چهار تن از متهمان قیام مسجد گوهرشاد اعزامی از نظمیه مشهد، ۱۳۱۴/۴/۲۸ ش.؛ برگه بازداشت سیدعلی نواب احشامزاده از متهمان قیام مسجد گوهرشاد در زندان تهران، ۱۳۱۴/۴/۲۸ ش.؛ برگه بازداشت حاج سیدعبدالعظیم میرهاشمی از متهمان قیام مسجد گوهرشاد، ۱۳۱۴/۵/۷ ش.؛ درخواست انجام اقدامات لازم برای اعزام دو نفر از زندانیان قیام مسجد گوهرشاد به چشم‌پزشکی، ۱۳۱۴/۷/۱ ش.؛ اعزام علی مخصوص از متهمان قیام مسجد گوهرشاد به زندان عمومی، ۱۳۱۴/۹/۲۹ ش.؛ برگه بازداشت علی مخصوص از متهمان قیام مسجد گوهرشاد در زندان تهران، ۱۳۱۴/۹/۲۹ ش.؛ درخواست علی خیام از متهمان قیام مسجد گوهرشاد از بیمارستان زندان برای گرفتن پرونده پزشکی خود به منظور ارائه به دادگاه، ۱۳۱۵/۳/۲۶ ش.؛ اعلام وضعیت محکومیت حاجی سیدعبدالعظیم میرهاشمی، در اداره آگاهی و رسیدگی محاکمات ارتش به اقدام وی، ۱۳۱۵/۵/۲۷ ش.؛ نامه نواب رضوی به فرزندش سیدعلی احتشام رضوی برای اعلام سلامتی خود و خانواده و کارهای انجام‌شده برای سهام غله، ۱۳۱۶/۵/۱۶ ش.؛ درخواست زندانی حاج سیدعبدالعظیم حائری از امام جمعه برای کمک به وی، پس از دو سال حبس، ۱۳۱۶/۷/۱۴ ش.؛ دستور شهربانی جهت اعزام ۵ نفر از زندانیان برای بازجویی، ۱۳۱۶/۷/۲۲ ش.؛ اسامی زندانیان بازجویی شده و درخواست حذف آن‌ها از لیست، ۱۳۱۶/۷/۲۲ ش.؛ گزارش تحویل ۵ نفر از زندانیان بلاتکلیف قیام مسجد گوهرشاد به اداره سیاسی، ۱۳۱۶/۷/۲۴ ش.؛ دستگیری و تحویل پنج نفر از محکومان قیام مسجد گوهرشاد به اداره سیاسی، ۱۳۱۶/۷/۲۶ ش.؛ دستور رئیس اداره محاکمات و دعاوی ارتش برای اعزام متهمان قیام مسجد گوهرشاد به دیوان حرب، ۱۳۱۶/۸/۱۶ ش.؛ حکم دیوان حرب ثانی در خصوص محکومیت متهمان قیام مسجد گوهرشاد، ۱۳۱۷/۳/۲۸ ش.؛ دستور اداره سیاسی برای تحویل متهمان قیام مسجد گوهرشاد به اداره مذکور، پس از طی دوره محکومیت، ۱۳۱۷/۳/۲۹ ش.؛ اسامی زندانیان تحویلی به اداره سیاسی برای انجام اقدامات لازم، ۱۳۱۷/۴/۵ ش. و نامه محمدتقی بهلول از زندان افغانستان به دوستان خود در سبزوار برای اعلام شرایط خود در زندان و آگاهی از اوضاع آشنایان در ایران، ۱۳۲۵/۱۱/۲۰ ش.

۲- نمایشگاه به مناسبت ۶ ذیقعه، بزرگداشت حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ (ع)

اداره کل خدمات آرشیوی (گروه ارتباطات آرشیوی) به مناسبت ششم ذی‌القعدة، روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ (ع)، نمایشگاه اسنادی را با ۱۶ عنوان و معرفی ۳۲ برگ را آماده و برای ۱۲ نمایندگی استانی و منطقه‌ای ارسال کرد.

قدیمی‌ترین و مهم‌ترین سند معرفی‌شده در این نمایشگاه رونوشت وقفنامه موقوفات آستانه مطهر حضرت شاهچراغ (ع) در زمان شاه اسماعیل صفوی است که تولیت آن به حبیب‌الله شریفی در سال ۹۱۲ق. واگذار شد. بعضی از اراضی میمند، گز و گرمسیر ... مشمول وقف است. بر اساس اطلاعات موجود در این وقفنامه درآمد حاصل از آن نیز می‌بایست صرف تعمیر آستان، ترتیب طعام در ناهار و شام و جمعه‌ها و روزهای عید همچنین برای فقرا و مساکین و عابرین و نازلین روزانه و صدقه در وجه شاه طهماسب به مستحقین و ... شود. و جدیدترین سند معرفی‌شده، طرح توسعه و عمران آستانه مطهر حضرت شاهچراغ (ع)؛ ۱۳۵۲/۱۰/۸ش. است که از سوی مدیریت آستان شاهچراغ شیراز به مهندسان و مشاوران داض^۱ ارسال شده است.

ترانامه مؤسسه تعمیرات آستانه شاهچراغ (ع)، ۱۳۳۳/۷/۲۷ش؛ بودجه موقوفه حضرت شاهچراغ (ع) در میمند و شیراز، ۱۳۲۹ش؛ نظریه اداره کل باستانشناسی برای تعمیر اساسی گنبد مطهر شاهچراغ (ع) شیراز، [۱۳۲۹ش]؛ آگهی مزایده واگذاری رقبات موقوفی آستانه مطهر شاهچراغ (ع) در شیراز به صورت اجاره سه ساله، ۱۳۳۵/۶/۲۱ش؛ آگهی مزایده سازمان اوقاف برای تجدید و احیای ساختمان گنبد بقعه مطهر آستانه شاهچراغ (ع)، ۱۳۳۶/۱۱/۷ش؛ نیاز به تأمین منابع مالی برای تعمیر گنبد مطهر حضرت شاهچراغ (ع) و درخواست استاندار فارس از فرمانداری فسا برای ترغیب مردم به این امر و اعلام نتایج حاصله، ۱۳۳۷/۴/۴ش؛ پاسخ رئیس دفتر فنی امور شهرداری‌های استان فارس به پیشنهاد شهرداری شیراز برای تغییر در اطراف صحن مطهر شاهچراغ (ع) و سیدمیرمحمد، ۱۳۴۶/۲/۱۰ش؛ گزارش سرپرست دانشکده هنرهای زیبا و مدیر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به استاندار فارس از طرح تفصیلی شاهچراغ (ع) و اطراف آن، ۱۳۴۸/۶/۱۶ش؛ موافقت وزارت آب و برق با معافیت بخشی از بهای برق مصرفی آستان مطهر حضرت شاهچراغ (ع)، ۱۳۴۸/۱۲/۱۴ش؛ صورت وضعیت درآمد و هزینه آستانه مطهر حضرت شاهچراغ (ع) در مقایسه با سایر امامزادگان و بقاع متبرکه شهرستان شیراز در سال ۱۳۴۸ش، [۱۳۴۹ش]؛ عملکرد مالی آستان مقدس حضرت شاهچراغ (ع)، همراه با هزینه و درآمد سال ۱۳۵۰ و مقایسه آن با سال‌های ۴۴-۴۹، ۱۳۵۱/۳/۵ش؛ تقویم زمانی و مالی طرح توسعه حرم مطهر شاهچراغ (ع) و خرید زمین برای آن، [۱۳۵۲ش]؛ بخشی از طرح توسعه و نوسازی صحن مطهر حضرت شاهچراغ (ع)؛ [۱۳۵۲ش]؛ طرح توسعه و عمران آستانه مطهر حضرت شاهچراغ (ع)، ۱۳۵۲/۱۰/۸ش؛

رونوشت وقفنامه موقوفات آستانه مطهر حضرت شاهچراغ (ع) و نقشه توسعه و نوسازی حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) و امامزاده میرمحمد (ع) در شیراز؛ از عناوین دیگر این نمایشگاه عبارتند از:

۱. شرکت مشاوران داض "DAZ" که کامران دیبا بناینگذار آن بود و پروژه‌های بزرگ و گوناگونی را در ایران به انجام رساند.



۳- نمایشگاه اسناد پزشکی

اولین روز شهریور همزمان با زادروز ابوعلی سینا حکیم نامدار ایرانی روز پزشک نام‌گذاری شده است. به همین مناسبت گروه ارتباطات آرشیوی در نمایشگاهی با ۴۳ عنوان به معرفی ۳۷ برگ سند و ۲۰ قطعه عکس پرداخته و برای نمایندگی خراسان رضوی ارسال کرده است. اسناد این نمایشگاه بازه زمانی ۱۲۴۸ ش. تا ۱۳۱۸ ش. را در گرفته است. قدیمی‌ترین سند آن یادداشتی به نقل از حکیم تولوزان است که برای مداوای ناصرالدین‌شاه قاجار نوشته است و جدیدترین سند، بخشنامه وزارت دارائی در خصوص لزوم گذراندن دو سال سابقه خدمت خارج از مرکز برای پزشکان متقاضی مشاغل دولتی است که در ۱۳۱۸/۱۱/۱۴ ش. صادر شده است. عناوین دیگر این نمایشگاه عبارتند از:

درخواست دکترخلیل‌خان برای چند قلم دارو؛ تجویز خوردن کافور جهت رفع کسالت یکی از مقامات و تأیید آن توسط طولوزان حکیم و عمادالاطبا؛ اعلان ممنوعیت طبابت بدون مجوز وزارت معارف، و ضرورت تحویل مجوزهای صادره به وزارت کشور، برای ثبت آنها؛ اعلان دکتر صحنه خمین، درباره قیمت و هزینه دستمزد طبابت وی؛ وظایف بلدیه تهران جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری، [۱۳۲۷ ق. / ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۸ ش.؟]؛ اعلام مجلس حفظ صحت شهری، در باره قوانین مربوط به طبابت، [۱۳۲۷ ق. / ۱۲۸۸ ش.؟]؛ اعلان به اطبا در مورد باز نکردن مطب بدون داشتن تصدیق‌نامه از وزارت معارف، و لزوم تعیین تکلیف طبای دارای مطب قبل از اعلان، ۲۴ / رمضان / ۱۳۲۷ ق. / ۱۲۸۸/۷/۱۷ ش.؛ اعطای نشان طلای علمی به میرزاابوالقاسم اسعدالحکما از محصلان طب دارالفنون، ۲۳ شعبان ۱۳۲۷ ق. / ۱۲۸۸/۶/۱۸ ش.؛ مکاتبه در مورد اجرای فوری دستورالعمل ارسال شده از سوی حفظالصحه مرکزی به وزارت داخله به منظور جلوگیری از سرایت مرض وبا به تهران، ۳۰ / میزان / ۱۳۲۸ ق. / ۱۲۸۹/۷/۳۰ ش.؛ اعلان از طرف حفظالصحه وزارت داخله مبنی بر مشخص کردن محل‌هایی در تهران، برای معالجه مرض آبله توسط اطبا به صورت رایگان به منظور حفظ صحنه اهالی و جلوگیری از شیوع بیماری، ۷ / اسفند / ۱۳۲۹ ق. / ۱۲۸۹/۱۲/۷ ش.؛ قانون طبابت، مصوب سوم جمادی‌الآخر ۱۳۲۹ ق.، ۳ / ۴ / ۱۲۹۰ ش.؛ پاسخ وزارت معارف به مکاتبه گلپایگان و خوانسار، مبنی بر دادن اجازه طبابت به چند تن از پزشکان آن نواحی، ۱۰ / ۳ / ۱۲۹۹ ش.؛ گزارش حکومت دامغان درباره مجوز پزشکان مشغول به طبابت در این شهر و تقاضای کسب تکلیف در این باره، با توجه به بخشنامه مربوط به اجرای ماده اول قانون طبابت ۱۳۲۹ ق.، ۳ / ۱۰ / ۱۳۰۴ ش.؛ درخواست صدور دستورالعمل درباره ادامه کار پزشکان تجربی با سابقه طولانی و بدون مجوز رسمی طبابت، ۵ / ۱۱ / ۱۳۰۴ ش.؛ خلاصه مذاکرات مجلس حفظالصحه ایران و بررسی وضعیت بهداشت و شیوع بیماری در مناطق مختلف کشور، ۱۴ / ۴ / ۱۳۰۵ ش.؛ ارائه اصلاحیه‌ای بر قانون طبابت

مصوبه سوم جمادی‌الآخر ۱۳۲۹ ق. و تقاضا از مجلس شورای ملی برای تجدید نظر در آن، ۱۳۰۵/۰۹/۲۹ ش؛ ارائه نظامنامه پیشنهادی برای صدور المثنی اجازه‌نامه طبابت، فروردین ۱۳۰۶ ش؛ بخشنامه درباره تهیه و تکمیل فهرستی از نام و مشخصات پزشکان، دندانسازان و داروفروشان و ارسال آن به وزارت معارف، ۱۳۰۶/۰۲/۲۴ ش؛ بخشنامه وزارت معارف، درباره لزوم الصاق عکس به اجازه‌نامه‌های طبابت، دندانسازی و دارو سازی، ۱۳۰۶/۰۴/۰۳ ش؛ اعلان اداره معارف و اوقاف و کلیایگان، کمره و خوانسار درباره لزوم شرکت پزشکان فاقد مجوز طبابت رسمی و دارای بیش از ده سال تجربه کاری، در امتحان وزارت معارف برای کسب مجوز طبابت، ۱۳۰۶/۱۲/۱۵ ش؛ درخواست بررسی و تحقیق در مورد شکایت عده‌ای از علما و تجار بندر لنگه از حبیب لاری به دلیل طبابت بدون جواز رسمی از وزارت معارف در آنجا، ۱۳۰۸/۵/۸ ش.

در قسمت تصاویر نمایشگاه نیز ۲۰ قطعه عکس گنجانده شده است. عنوان عکس‌های معرفی شده در این بخش شامل موارد زیر است:

میرزا علی نقی حکیم‌الممالک در کنار ناصرالدین‌شاه در سفر لندن، [۱۲۹۰ ق.]; معاینه ناصرالدین‌شاه به دست مسیو هیمنت دندانساز؛ تولوزان فرانسوی، حکیم ناصرالدین‌شاه؛ میرزا ابوالحسن خان حکیم، طبیب مقامات و مدرس طب دارالفنون؛ حکیم‌الملک، پزشک و وزیر دربار مظفرالدین‌شاه؛ میرزا علی نقی حکیم‌الممالک، اثر ابوتراب غفاری کاشانی؛ میرزا غلامعلی شاملو، صدراطباء؛ میرزا علی نقی حکیم‌الممالک؛ مظفرالدین‌شاه و جمعی از درباریان از جمله: امین‌السلطان (اتابک اعظم) و میرزا محمودخان حکیم‌الملک؛ مظفرالدین‌شاه به همراه میرزا محمودخان حکیم‌الملک و آغامحمدخان فقیرالقامه، پس از شکار؛ دکتر محمدحسن خان بگمژ، معروف به عمادالاطباء؛ دکتر خلیل ثقفی معروف به اعلم‌الدوله از طبیبان مشهور دوره قاجار و معلم طب دارالفنون؛ میرزا حسام‌الدین حافظ‌الصحه، معروف به مسیح‌الملک؛ جمعی از مقامات و صاحب‌منصبان قاجاری به همراه دو حکیم روسی؛ حاجی میرزا محمد حکیم‌باشی؛ مؤتمن‌الاطباء، علی‌خان والی، لقمان و حکیم‌الممالک؛ میرزا کاظم‌خان رشتی ملقب به فیلسوف‌الدوله و ملک‌الاطباء، طبیب مشهور عصر محمدشاه و ناصری؛ امان‌الله نصرخاقان آق اولی از طبیبان دوره قاجار؛ پزشکی مشغول درمان یک بیمار، در دوره قاجاریه؛ بیمارستان صحرایی ارتش در عصر پهلوی.

۴- نمایشگاه اسناد شهیدان رجایی و باهنر به مناسبت هفته دولت

گروه ارتباطات آرشیوی با هدف بزرگداشت هفته دولت نمایشگاهی با ۳۵ عنوان و معرفی ۲۳ برگ سند و ۱۸ قطعه عکس آماده و برای ۱۰ نمایندگی استانی و منطقه‌ای ارسال کرده است.



عناوین این نمایشگاه عبارت است از:

عکس محمدجواد باهنر هنگام عزیمت به نجف برای ادامه تحصیل، [۱۳۳۷ ش.]: درخواست محمدجواد باهنر، از مدرسان حوزه علمیه قم مبنی بر صدور گواهی اشتغال به تحصیل وی در آن حوزه به منظور ارائه به حوزه علمیه نجف، ۱۳۳۷/۷/۱۲ ش.؛ درخواست محمدجواد باهنر، از اداره بازرسی کل شهرستان‌ها، در خصوص صدور گذرنامه تحصیلی وی به منظور سفر به عراق و تحصیل در حوزه نجف، ۱۳۳۷/۷/۱۶ ش.؛ کسب اجازه محمدجواد باهنر از محضر علما و آیات عظام در خصوص ادامه تحصیل در نجف اشرف به همراه توشیح یکی از علما، ۱۳۳۷/۷/۱۶ ش.؛ تعهدنامه محمدجواد باهنر، هنگام عزیمت به حوزه نجف اشرف برای ادامه تحصیل، ۱۳۳۷/۷/۱۷ ش.؛ رونوشت شناسنامه محمدجواد باهنر، ۱۳۳۷/۷/۸ ش.؛ درخواست محمدجواد باهنر از اداره کل بازرسی در خصوص استرداد برگ معافیت وی، به دلیل اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه قم و پاراف رئیس اداره بازرسی شهرستان‌ها، مبنی بر عودت کارت ایشان به اداره سرپرستی آموزشگاه‌های ایران و عراق، ۱۳۳۸/۸/۱۳ ش.؛ فهرست نام دبیران دبیرستان ملی «کمال» از جمله: دکتر محمدجواد باهنر و محمدعلی رجائی، [۱۳۴۲ ش.]: پاسخ رئیس دبیرستان کمال به نامه اداره بازرسی اداری، در خصوص ساعت تدریس محمدعلی رجائی در قزوین و شعبه نارمک، ۱۳۴۲/۸/۸ ش.؛ تقدیر وزیر آموزش و پرورش، از محمد جواد باهنر به پاس همکاری در تنظیم برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم دوره راهنمایی تحصیلی، ۱۳۴۸/۸/۱۸ ش.؛ حکم انتصاب محمدعلی رجائی به سمت سرپرستی موقت مرکز مطالعات و تحقیقات ملی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ ش.؛ پیام محمدعلی رجائی، وزیر آموزش و پرورش، خطاب به کارکنان آن وزارتخانه، در موضوع قطع روابط سیاسی با آمریکا و تهدید ایران به تحریم اقتصادی و ارائه راهکارهایی در این خصوص، ۱۳۵۹/۲/۳ ش.؛ بخشنامه وزارت آموزش و پرورش، در دوره وزارت محمدعلی رجائی، مبنی بر نقص مشاوره راهنمایی و لزوم به کارگیری مشاوران و کادر مراکز مشاوره راهنمایی در مشاغل دیگر آموزشی، ۱۳۵۹/۳/۵ ش.؛ دستورالعمل ثبت نام از داوطلبان رشته‌های متوسطه عمومی دوره تکمیلی بزرگسالان از سوی آموزش و پرورش در زمان وزارت محمدعلی رجائی، ۱۳۵۹/۵/۱۶ ش.؛ بخشنامه محمدعلی رجائی، نخست وزیر، در مورد چگونگی برقراری تماس و انجام مذاکره وزارتخانه‌ها و موسسات تابع دولت با نمایندگی‌های سیاسی خارجی مقیم تهران یا هیئتهای نمایندگی خارجی، ۱۳۵۹/۹/۱۳ ش.؛ بخشنامه نخست وزیر، محمدعلی رجائی، به کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت در خصوص اعلام اطلاعات صورت حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوط به وجوه آن‌ها نزد بانک‌های آمریکایی جهت ارائه به کمیته رسیدگی دعوای مالی و حقوقی و بین‌المللی، ۱۳۵۹/۱۱/۲۲ ش.؛ بخشنامه محمدعلی



رجائی، نخست‌وزیر، به مناسبت سومین سال تأسیس جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۱/۱۵ ش. و ۱۸ قطعه عکس از شهید رجایی و باهنر.

۵- نمایشگاه شعر و ادب به مناسبت ۲۷ شهریور روز شعر و ادب فارسی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۱ به‌منظور گرامیداشت یاد و نام شاعر معاصر کشورمان سیدمحمدحسین بهجت شهریار، ۲۷ شهریور، روز خاموشی وی را به‌عنوان روز شعر و ادب در تقویم نام‌گذاری کرد. گروه ارتباطات آرشیوی به همین مناسبت نمایشگاهی با ۲۷ عنوان و معرفی ۳۲ برگ سند و ۳ قطعه عکس آماده و به مناطق دوازده‌گانه استانی و منطقه‌ای ارسال کرده است.

۲۷ عنوان سند این نمایشگاه با محتوای شعر و ادبیات فارسی انتخاب شده است. قدیمی‌ترین سند این نمایشگاه مشق ناصرالدین‌شاه از شعر حافظ با مطلع:

«ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی در فکرت تو پنهان صد حکمت الهی»

است. همچنین صفحه اول و آخر از نسخه خطی گلستان سعدی با خط فرج‌الله باروقی خیابانی در ربیع‌الاول ۱۲۸۳ ق. است.

مجموعه درخواست و توصیه استفاده از اشعار فارسی در جلد کتاب‌های درسی و درج آن در جوایز مسابقات ورزشی، مقاله‌هایی در بزرگداشت شاعران نامور ایرانی به قلم نویسندگان ایرانی، اعطای نشان و مدال به مترجمان اشعار حافظ و بزرگداشت شاعران ایرانی در خارج از کشور با برگزاری نشست و یا نام‌گذاری میدان به‌نام شاعران ایرانی در خارج از کشور از دیگر نمونه‌های اسناد معرفی‌شده در این نمایشگاه است.



[illegible]

قسمتی از رونوشت وقفنامه موقوفات آستانه مطهر حضرت شاه چراغ (ع).

شناسه سند: ۴۵۵۴۱-۲۹۳

منشأ: آرشیو ملی ایران

151

19

بتاریخ

□ □ □ □ □ □ □ □ □ □

نمرة ضمیمه

تجدید



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

در اجماع، فقہاء می گویند، و ما عرف بہ کتب و سیرت و حدیث

اداره

..... دایره مطبوعات

دایره مطبوعات
چون بوجب تصویب شورای عالی معارف این شمر از شما بکارگزار می فرماید:

«توانا بود هر که دانا بود - به دانش دل پریرا نبود» برای شما وزارت معارف
اشتباه و موارد استعمال آن در نظر کتبی که از طرف وزارت معارف طبع شده
یا سر درب عمارات دولتی مدارس و کتابخانه ها و غیره منحصر و تعیین شده نظر کنید
بعضی از مطابع و کتابخانه ها بدون توجه باین مطلب شعری در پشت کتب
یا رسالات نشر از طرف موسسات خصوصی یا اشخاص قید و طبع نموده
عمیداً این نویسنده اطلاع شود که در آئینه از طبع این شعر پشت کتب
یا رسالات بدون اجازه مخصوص وزارت معارف خودداری نمایند
ضمناً از آقایان مدیران کتابخانه ها تقاضا می نماید صورتی اگر کتب موجود
در کتابخانه خود را که شامل شعر در پشت جلد آنها می باشد توجه و در پشت
ارسال دارند - از طرف وزارت معارف و اوقاف

مستطیل

سراحد شمال فوق در طاق و اجراء بادله مساف و ادغف ... سوال شود

سلامت و دل فرقی برادر اقطاع به دار و حصه در سال میرزا
 از کتب کثیره از کتب المطبوعه

بخشنامهٔ وزیر معارف و اوقاف در خصوص انتخاب شعر «توانا بود هر که دانا بود - بدانش دل پیر برنا بود» فردوسی، به‌عنوان شعار وزارت معارف، بیان موارد استفاده از آن و لزوم کسب مجوز از وزارتخانه برای چاپ آن در پشت جلد کتاب‌ها؛ ۱۳۱۵/۱/۱۹ ش.

شناسه سند: ۹۳۷۴-۲۹۷







Table of contents

National Archives Quarterly 10; Vol. 3, No. 2, Summer 2017

Preface; Dr. Seyyed Mahmoud Sadat

Articles on Archives

Reviewing Archives and Looking at the Library in the Shadow of the Developments of the Time: The Challenge of Upgrading Activities of Library and Archive; **Reza Mohajer**

A Model of Knowledge Management Strategy in the National Archives Organization (National Archives), Based on Hansen's Studies; **Azita Malmir**

Macro-Appraisal: From Theory to Practice; **Brian P.N. Beaven**, Translated to Persian by: **Gholamreza Azizi and Zahra Zarghami**

Regard to the Administrative Structure, Competencies and Rules Governing the Activities (1); **Shirin Mizandar and Dr. Assadollah Yavari**

Development of "the Thesaurus of Iran-Iraq War / Sacred Defense"; A Necessity for Organization of Documents and Promotion of War Studies; **Dr. Mahboubeh Shamshirgarha**

Articles on History (Based on Records)

The Costs and Activities of Anjoman-e Baladi of Anzali Based in Archival Records; **Dr. Ghorbanali Kenarroudi**

An Investigation of General Perowski's Services in the Siege of Heart; **Dr. Ehsan Mehdizadeh and Akbar Sharifzadeh**

Book of Merits and Disadvantages of Diven-e Estifa: Qajar Government's Efforts for Reform the Ministry of Finance in the Naseri Era; **Amin Mohammadi**

Sar-e Polezahab, A Gift from Atabat Road; Historical Geography of Sar-e Polezahab City during the Qajar Period; **Dr. Sabah Ghanbari and Sabah Khosravi Zadeh**

Articles on Records Preservation, Restoration and Maintenance

An Investigation of the Effects of Wheat and Rice Seedlings on Yellowing of Historical Manuscripts; **Dr. Mehrnaz Azadi Bouyaghchi, Mostafa Khajeh Mahmoudi and Abed Esfahani**

Archives Preservation Guidelines; **General Service Office Archive of New York**, Translated to Persian by: **Fereshteh Ebrahimi**

Basic preservation for library and archive collections; **Alison Walker**, Translated to Persian by: **Farimah Bagheri**

Archives Center Introduction

An Introduction of Archives of the Directorate of Military History and Strategic Studies of the Turkish General Staff; **Translated to Persian by: Nasrin Negahban**

Archival Periodical Introduction

Archives and Records: The Journal of the Archives Records Association; **Mitra Tabesh**

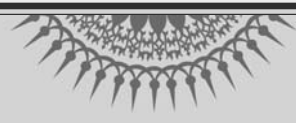
Book Introduction

Zia -Al- Slatahen: A Calligrapher from Qajar Famili; **Hooriyeh Saeidi**

Stoting to the Standard: National Archives of Australia; **Soodeh Mortajaie**

Reports on Archival Meetings and Conferences

A Report on "Mobile Exhibitions Organized by the Department of Information and Communication (Archival Communication Group) in the Spring and Summer of 1396; **Fariba Amiri and Hamideh Bakhtiyari**



National Archives Quarterly

(10)

Vol.3, No.2, Summer 2017

Islamic Rep. of Iran's National Archives and Library Org.
Managing Director & Editor-in-Chief: Gholamreza Azizi; greazizi@gmail.com
Executive secretary: Neda Rasouli
Editor: Zahra Zarghami

Editorial Board:

Sedıqe Ahmadi Fasih, Dr. Amir-reza Asnafi, Gholamreza Azizi, Dr. Mohammad Qahri,
Dr. Abolfazl Hassan Abadi, Dr. Fariborz Khosrawi, Dr. Elham Malekzadeh, Dr. Nourollah Moradi,
Dr. Mohammad Javad Moradi-nia, Dr. Saeed Rezaei Sharif Abadi, Dr. Seyyed Mahmoud Sadat,
Hourıye Saeedi, Mahboob Shabazi, Dr. Shahram Yousefi-far, Behnaz Zarinkelki

Publisher: National Library & Archive of Islamic Republic of IRAN

Cover Designer: Shohreh Khouri

Translator: Zahra Zarghami

Address: National Library and Archives of I. R. Iran,

Tehran, Iran. P. O. Box: 19935-655

Tel/Fax: +98 21 26402977

Email: 1395naq@gmail.com